

آسیب شناسی اشتغال معلولان ایران

محمد نوری

بسم الله الرحمن الرحیم

آسیب شناسی اشتغال معلولان ایران

نویسنده:

محمد نوری

ناشر چاپی:

توانمندان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

آسیب شناسی اشتغال معلولان ایران ----- ۹

مشخصات کتاب ----- ۹

اشاره ----- ۱۰

فهرست ----- ۱۴

پیشگفتار ----- ۲۱

فصل اول: وضعیت بیکاری ----- ۳۲

اشاره ----- ۳۲

ذهنیت عمومی ----- ۳۴

آمار سنجی ----- ۳۵

آمار اشتغال زایی ----- ۴۳

نسبت اشتغال و معلولیت ----- ۴۴

تجربه جهانی ----- ۴۸

سازمان بین المللی کار ----- ۵۳

فصل دوم: مبانی و بنیادها ----- ۵۸

اشاره ----- ۵۸

حق حیات ----- ۶۰

اشاره ----- ۶۰

آراء تاریخی در جوامع مختلف ----- ۶۰

دیدگاه اسلام ----- ۶۲

حق مشارکت اجتماعی ----- ۶۴

اشاره ----- ۶۴

سیر تحولات ----- ۶۴

حذف و نابودی ----- ۶۵

محدودسازی ---------- ۶۶
مشارکت انسانی ---------- ۶۷
مشارکت فعال و گسترده ---------- ۶۸
ضرورت حضور و مشارکت ---------- ۶۹
آموزش پذیری؛ مهارت پذیری ---------- ۷۲
اشاره ---------- ۷۲
اکتسابی بودن آموزش و مهارت ---------- ۷۲
حرفه و فن ---------- ۷۳
نظام آموزشی خاص ---------- ۷۴
انواع مهارت ها ---------- ۷۵
قلمرو آموزش و مهارت ---------- ۷۵
حق کسب و کار و ضرورت کوشش ---------- ۷۸
تعهد دولت و خیرین ---------- ۷۸
نفی تبعیض ---------- ۷۹
تحول در نگرش ---------- ۷۹
نتیجه گیری ---------- ۸۰
فصل سوم: طبقه بندی مشاغل ---------- ۸۲
اشاره ---------- ۸۲
سیاست های واقع گرایانه ---------- ۸۴
سیر تاریخی اشتغال ---------- ۸۶
انواع معلولیت ها ---------- ۸۸
تقسیم بندی به لحاظ شغلی ---------- ۹۰
پیشگیری و آماده سازی ---------- ۹۲
مناسب سازی و ارگونومی ---------- ۹۵
گستره مشاغل معلولیتی ---------- ۹۷
اهتمام به مشاغل جدید ---------- ۱۰۱

طرح جمع آوری اطلاعات شغلی ---- ۱۰۳
پیشرفت متناسب با زمان ---- ۱۰۴
فصل چهارم: روش شناسی ---- ۱۰۶
اشاره ---- ۱۰۶
خوداشتغالی ---- ۱۰۸
شرکت تعاونی ---- ۱۰۹
اشتغال تحت حمایت ---- ۱۰۹
دور کاری یا اشتغال در منزل ---- ۱۱۰
اشتغال خانوادگی ---- ۱۱۱
روش استاد و شاگردی ---- ۱۱۲
کسب و کار غیرمتعارف ---- ۱۱۳
شیوه جامعه محور CBR ---- ۱۱۳
اشاره ---- ۱۱۳
چرایی و چگونگی شکل گیری ---- ۱۱۶
نقد و بررسی ---- ۱۱۸
شیوه فرهنگ محور ---- ۱۱۹
راه کارها و روش های دیگر ---- ۱۱۹
طرح فراگیر ---- ۱۲۰
دیدگاه جامع و کل نگر ---- ۱۲۱
روش حمایت محور ---- ۱۲۲
نتیجه گیری ---- ۱۲۵
فصل پنجم: راه کار مطلوب ---- ۱۲۶
اشاره ---- ۱۲۶
راه کارهای موجود ---- ۱۲۹
اشتغال و قانون ---- ۱۳۱
روش متعارف ---- ۱۳۳

استارت آپ ---------- ۱۳۷
راه حل زیر بنایی ---------- ۱۳۷
ملزومات ساختاری ---------- ۱۴۱
بانک جامع اطلاعات معلولان ---------- ۱۴۳
نتیجه مباحث ---------- ۱۵۰
فصل ششم: طرح و برنامه ---------- ۱۵۳
اشاره ---------- ۱۵۳
واقعیت های جهانی ---------- ۱۵۵
روش های اشتغالی دولت ---------- ۱۵۷
روش های مردمی ---------- ۱۶۰
دیگر شیوه ها ---------- ۱۶۲
توانبخشی شغلی ---------- ۱۶۴
رفاه و کیفیت زندگی ---------- ۱۶۸
قانون کار و اشتغال ---------- ۱۶۹
اشتغال زدایی ---------- ۱۷۱
فرهنگ اشتغال ---------- ۱۷۲
ارتباطات جهانی ---------- ۱۷۵
مراکز اشتغال ---------- ۱۷۶
مطالعه اشتغال معلولین ---------- ۱۹۳
نتیجه گیری ---------- ۲۱۸
منابع ---------- ۲۱۹
درباره مرکز ---------- ۲۲۳

آسیب شناسی اشتغال معلولان ایران

مشخصات کتاب

سرشناسه : نوری، محمد، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور : آسیب شناسی اشتغال معلولان ایران/ محمد نوری.

مشخصات نشر : قم: توانمندان، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۱۹۸ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.

شابک : ۲۰۰۰۰۰ ریال:۹۷۸-۶۰۰-۹۸۶۰۶-۴-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : این کتاب با همکاری "دفتر فرهنگ معلولین" تهیه شده است.

یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۹۷ - ۱۹۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : معلولان -- ایران -- اشتغال

موضوع :

شناسه افزوده : دفتر فرهنگ معلولین

رده بندی کنگره : ۱۳۹۶ ۸۷ن ۹الف/ HD ۷۲۵۶

رده بندی دیویی : ۵۹۰۹۵۵/۳۳۱

شماره کتابشناسی ملی : ۵۰۱۷۱۶۲

قم، بلوار محمدامین، خیابان گلستان، کوچه۱۱، پلاک۴، دفتر فرهنگ معلولین

تلفن: ۳۲۹۱۳۴۵۲-۰۲۵ فکس: ۳۲۹۱۳۵۵۲-۰۲۵

همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

اشاره

آسیب شناسی اشتغال معلولان ایران

محمد نوری

ص: ۱

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

فهرست

پیشگفتار. ۹

فصل اول: وضعیت بیکاری.. ۱۹

ذهنیت عمومی.. ۲۱

آمار سنجی.. ۲۲

آمار اشتغال زایی.. ۳۰

نسبت اشتغال و معلولیت.. ۳۱

تجربه جهانی.. ۳۵

سازمان بین المللی کار. ۴۰

فصل دوم: مبانی و بنیادها ۴۵

حق حیات.. ۴۷

آراء تاریخی در جوامع مختلف.. ۴۷

دیدگاه اسلام. ۴۹

حق مشارکت اجتماعی.. ۵۱

سیر تحولات.. ۵۱

حذف و نابودی.. ۵۲

نگهداری در تبعید. ۵۳

محدودسازی.. ۵۳

مشارکت انسانی.. ۵۴

مشارکت فعال و گسترده. ۵۵

ضرورت حضور و مشارکت.. ۵۶

آموزش پذیری؛ مهارت پذیری.. ۵۹

اکتسابی بودن آموزش و مهارت.. ۵۹

حرفه و فن.. ۶۰

نظام آموزشی خاص... ۶۱

انواع مهارت ها ۶۲

قلمرو آموزش و مهارت.. ۶۲

حق کسب و کار و ضرورت کوشش... ۶۵

ص: ۵

تعهد دولت و خیرین.. ۶۵

نفی تبعیض... ۶۶

تحول در نگرش... ۶۶

نتیجه گیری.. ۶۷

فصل سوم: طبقه بندی مشاغل.. ۶۹

سیاست های واقع گرایانه. ۷۱

سیر تاریخی اشتغال.. ۷۳

انواع معلولیت ها ۷۵

تقسیم بندی به لحاظ شغلی.. ۷۷

پیشگیری و آماده سازی.. ۷۹

مناسب سازی و ارگونومی.. ۸۲

گستره مشاغل معلولیتی.. ۸۴

اهتمام به مشاغل جدید. ۸۶

طرح جمع آوری اطلاعات شغلی.. ۸۸

پیشرفت متناسب با زمان.. ۸۹

فصل چهارم: روش شناسی.. ۹۱

خوداشتغالی.. ۹۳

شرکت تعاونی.. ۹۴

اشتغال تحت حمایت.. ۹۴

دور کاری یا اشتغال در منزل.. ۹۵

اشتغال خانوادگی.. ۹۶

روش استاد و شاگردی.. ۹۷

کسب و کار غیرمتعارف.. ۹۸

شیوه جامعه محور CBR.. ۹۸

چرایی و چگونگی شکل گیری.. ۱۰۱

نقد و بررسی.. ۱۰۳

شیوه فرهنگ محور. ۱۰۴

راه کارها و روش های دیگر. ۱۰۴

طرح فراگیر. ۱۰۵

دیدگاه جامع و کل نگر. ۱۰۶

روش حمایت محور. ۱۰۷

نتیجه گیری.. ۱۱۰

فصل پنجم: راه کار مطلوب... ۱۱۱

راه کارهای موجود. ۱۱۴

اشتغال و قانون.. ۱۱۶

روش متعارف.. ۱۱۸

استارت آپ.. ۱۲۲

راه حل زیر بنایی.. ۱۲۲

ملزومات ساختاری.. ۱۲۶

بانک جامع اطلاعات معلولان.. ۱۲۸

نتیجه مباحث.. ۱۳۴

فصل ششم: طرح و برنامه. ۱۳۷

واقعیت های جهانی.. ۱۳۹

روش های اشتغالی دولت.. ۱۴۱

روش های مردمی.. ۱۴۴

دیگر شیوه ها ۱۴۶

توانبخشی شغلی.. ۱۴۸

رفاه و کیفیت زندگی.. ۱۵۲

قانون کار و اشتغال.. ۱۵۳

اشتغال زدایی.. ۱۵۴

فرهنگ اشتغال.. ۱۵۵

ارتباطات جهانی.. ۱۵۷

مراکز اشتغال.. ۱۵۸

مطالعه اشتغال معلولین.. ۱۷۵

نتیجه گیری.. ۱۹۶

منابع.. ۱۹۷

پیشگفتار

۱.

مهـم تریـن، شـایع ترین و مـؤثرترین مشـکل در جـامعه معلـولین ایران، این است که بیش از نیمی از معلولاـن، شـغل ندارنـد و بیکارانـد. بیکـاری معلولاـن در فقـدان درآمـد و نداشـتن بـودجه در معیشت و زنـدگی خلاـصه و محـدود نمی شود؛ بلکه این معضل، ابعاد مختلف روانی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و خانوادگی دارد؛ پیامـدها و تأثیرهای آن در همه جوانب زندگی از قـدیم چنان مشـهود بوده که در ضـرب المثل های فارسـی، عربی و دیگر فرهنگ ها، ده ها قطعه زیبا و آموزنده می یابیم؛ مثل بیکـاری ام الفساد است؛ بیمار باشـی به که بیکار باشـی؛ طبّالی به که بطّالی.(۱) حـداقل تأثیر بیکاری ناراحتی های روانی مثل افسـردگی است زیرا توان تـأمین مخـارج خانوادگی و فردی را نـدارد و همواره بایـد نزد همگان خجالت زده باشـد. از این رو دچار افسردگی ها و مشکلات روحی و روانی خواهد شد.

بر مبنـای آمار ۱۰ میلیونی معلولان و آسـیب دیـدگان اجتماعی ایران، حـداقل پنجاه درصـد و ۵ میلیون معلول بیکار هسـتند یا حداقل شـغل مناسب با حداقل حقوق ندارند. از این رو آمار بیکاران معلول از همه اقشار بیشتر است. البته بعضـی آمار معلولین بیکار را تا هفتاد یا هشتاد درصد گفته اند. اما فقط با تحقیقات موردی و میدانی، می توان به نتایج قطعی دست یافت.

امّا برای حل این مشـکل عظیم چه اقداماتی انجام یافته و چه راه کارهایی پیشـنهاد شده است؟ سازمان بهزیستی چکار کرده؟ و کارهایی که انجام داده آیا گزارش شده است؟ تشـکل های مردمی چکار کرده اند؟ اقتصاددانان، نهادهای دانشگاهی و علمی و پژوهشی چه اقداماتی داشته اند؟ بالاخره تدبیر و راه کار جامع برای حل ریشه ای این معضل کدام است؟

۱- . ده هزار ضرب المثل فارسی، ص ۲۰۸-۲۰۹.

سازمان بهزیستی در همه استان ها و شهرها یک واحد اداری برای پیگیری امور اشتغال تأسیس کرده و کارهای فراوان هم انجام داده است؛ نیز مراکز مردمی مثل شرکت فیروز در قزوین و مجتمع های رعدالغدیر و رعد مرکزی در تهران که بیشترین تلاش را در زمینه اشتغال زایی داشته اند؛ اما هیچکدام گزارش جامع از اقدامات و فعالیت خود در زمینه اشتغال زایی معلولان ایران در اختیار عموم قرار نداده اند. تاکنون در کتب و مقالات منتشر شده که بعداً معرفی می کنیم، نظریه پردازی و طرح و برنامه جامع عرضه نشده یا طرح هایی که عرضه شده به عنوان یک راه کار و خط مشی دراز مدت با فازبندی مشخص برای حل مشکل بیکاری تصویب و اجرایی نشده و اقدامات فکری در این زمینه بسیار اندک است.

مهم تر اینکه آمار و اطلاعات درباره معلولان غیر شاغل مثل اطلاعات اولیه درباره وضعیت سنی، تحصیلی و مهارت های آنان هم کار نشده است. به همین دلیل اطلاعات پایه آنها در اختیار پژوهشگران نیست تا بر مبنای آن طرح و برنامه اشتغال را تدوین کنند.

از طرف دیگر اشتغال به ویژه ایجاد شغل های پایدار، پیچیده و پروسه ای طولانی و دارای ابعاد تودرتو و بسیار مشکل است. وزارت کار و رفاه، وزارت کشاورزی و نیز وزارت صنایع با بسیج تمامی امکانات خود در سال های اخیر نتوانسته اند، مشکل بیکاری افراد عادی و سالم را به حد مطلوب برسانند و اشتغال زایی آنان را به سطح مطلوب برسانند؛ چه برسد به معلولین که ایجاد شغل و رساندن آنان به سطح مطلوب اشتغال زایی بسیار مشکل تر و پیچیده تر است. با اینکه هم دستگاه های اجرایی دولت با جدیت و دلسوزانه تلاش کرده اند، همچنین نهادهای مردمی واقعاً دوست دارند این مشکل معلولان را حل کنند؛ اما باید علل و عوامل نتوانستن و نرسیدن به اهداف مطلوب را بررسی و تجزیه و تحلیل نمود.

«دفتر فرهنگ معلولین» از پنج سال قبل مطالعه درباره اشتغال معلولین را آغاز کرده است؛ کشورهایی که در این حوزه موفق بوده اند را تحقیق نموده است؛ و به راه کارهای مهمی به لحاظ نظری دست یافته است. این راه کارها مبتنی بر این مقولات است:

۱- اشتغال معلولین با توجه به اینکه معلولین حدود ده درصد جامعه را تشکیل می دهند یک معضل ملی است و نیاز به بسیج ملی دارد.

۲- بسیج ملی برای حل مشکل بیکاری معلولان قبل از هر چیز نیاز به طرح و برنامه جامع دارد؛ همه عوامل و عناصر که بخشی از مشکل را می توانند مرتفع کنند، در این برنامه مطالعه و مشخص خواهد شد.

۳- برای طرح و برنامه جامع، نخست باید آمارهای معلولین در زمینه شغل و اشتغال جمع آوری و در یک سامانه اینترنتی منتشر شود.

۴- بسیج افکار عمومی از جمله ملزومات این پروژه است؛ اما بسیج افکار عمومی از طریق رونق بخشیدن به اشتغال پژوهی معلولین با انتشار کتاب، مقاله و انواع محصولات فرهنگی در این باره ممکن است.

۵- تدوین نظام مشاغل معلولان و اینکه در چه مشاغلی می توانند ورود داشته و در چه مشاغلی نمی توانند وارد شوند، ضرورت دیگر است.

۶- فرهنگ سازی و الگوپردازی با ارائه مستندات و نمونه ها در اینکه معلولین توانایی انجام مشاغل مصوب را دارند، بخشی از طرح و برنامه جامع است.

۷- مهارت افزایی و آموزش معلولان برای ارتقای دانش و تخصص آنها از طریق توانبخشی شغلی معلولان بر پایه اقتضائات بومی ایران.

۸- تجارب و دانش کشورهای مدرن در این زمینه اخذ و پس از بومی سازی بر اساس اقتضائات ملی و مذهبی وارد شبکه فرهنگ و جامعه هدف گردد.

۹- بهره گیری و استفاده از ظرفیت های مذهبی و ملی ایرانیان و تدوین این امکانات مثل وقف، نذورات و احیا و آبادی و غیره.

۱۰- ایجاد سامانه های خودگردان و حذف واسطه ها برای اینکه معلولان با اتکاء بر ظرفیت و استعداد خود، به روش خودجوش، اشتغال زایی و درآمدزایی داشته باشند، مثل تأسیس بانک اطلاعات، تأسیس بازارچه ها و هنرسرا و هنرکده ها و راه اندازی حراجی ها در سطح وسیع.

این ده سرفصل گویای خطوط کلی طرح و برنامه برای حل مشکل اشتغال معلولان است. این سرفصل ها گویای این است که اقدامات مقطعی و دوره ای، فعالیت های زودگذر نه تنها به حل بیکاری کمک نمی کند بلکه مشکل را پیچیده تر می نماید. نخست باید اتاق فکری از نخبگان مردمی و کارشناسان دولتی تشکیل گردد و ظرف چند ماه به تدوین استراتژی بپردازد، سپس وظایف همه تشکل ها و مراکز و مدیریت ها را تعیین و شرح وظایف را در اختیار آنان قرار دهند.

کتاب حاضر بخشی از تحقیقات این دفتر درباره اشتغال زایی است و امیدواریم بتوانیم دیگر آثار را هم به زودی منتشر کنیم. اما این کتاب درصدد تبیین و بررسی وضعیت اشتغال معلولان در ایران در شرایط کنونی، همچنین معرفی راه کار برای رسیدن به شرایط مطلوب و ایده آل با معرفی آسیب ها است.

از همه کسانی که در این موضوع تبحر دارند استمداد می نماییم با نقدها و ارائه نظریات کارشناسی در حلّ این معضل، جامعه هدف را یاری فرمایند.

برای نمونه، برای رفتن به محلی در دور دست اولین نکته ای که به ذهن می رسد، جاده و راه است. اگر راه هست باید شناسایی و کشف گردد و اگر نیست جاده ای از مبدأ تا مقصد احداث گردد.

پس از مشخص شدن راه و جاده، نیاز به وسیله نقلیه هست، سپس مهارت هدایت و رانندگی آن وسیله نقلیه تا رسیدن به هدف اهمیت دارد.

برای حل معضل بیکاری معلولان طرح و برنامه همان جاده است؛ وسیله نقلیه همان امکانات و ظرفیت های دولتی و مردمی است؛ تجربه ها و دستاوردها و فراگیری آنها، مهارت مورد نیاز است.

متأسفانه تا کنون وقتی دولت و بهزیستی درصدد حلّ معضل بوده، فقط در چارچوب خودش طرح می داده است. تا کنون بهزیستی و دولت طرح جامعی برای همه مراکز معلولیتی - مردمی، و تمام ظرفیت ها و با مطالعه دستاوردهای دیگر کشورها ارائه نکرده است. حداقل چنین طرحی برای عموم منتشر نشده و مشاهده نشده است.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان بهزیستی در دوم دی ماه ۹۶ همایشی با حضور مدیران تشکل های مردمی و مدیران دولتی برگزار کردند. در این جلسه برای اولین بار اقرارهای مهمی بیان شد. آقای علی ربیعی وزیر تعاون و کار گفت مهم ترین مشکل ما نداشتن طرح و برنامه است. از ریاست سازمان بهزیستی خواست برنامه ای برای مشکلات معلولین تدوین کند؛ اما اقدامی مشاهده نشد.

.۲

پس از اینکه سال ۱۳۹۶توسط مقام معظم رهبری، سال اقتصاد مقاومتی: تولید و اشتغال نامگذاری شد، دفتر فرهنگ معلولین، تحقیقات و پروژه های درباره

اشتغال را جلو انداخت. به دلیل اهمیت اشتغال در «جامعه هدف» از سال ۱۳۹۱، کارهایی در این باره، در دفتر فرهنگ معلولین شروع شده بود. در سال ۱۳۹۵ تمام فعالیت های پژوهشی و علمی درباره اشتغال جمع آوری و قرار شد در هشت جلد منتشر گردد. این هشت عنوان عبارت اند از:

۱- جمع آوری آمارهای معلولین در زمینه شغل و اشتغال و انتشار آنها روی سامانه اینترنتی.

۲- رونق بخشیدن به اشتغال پژوهی معلولین و انتشار کتاب، مقاله و انواع محصولات فرهنگی در این باره.

۳- تدوین گستره و نظام مشاغل معلولان و مشاغل متناسب با آنان.

۴- فرهنگ سازی و الگو پردازی و ارائه مستندات برای اثبات توانایی انجام بسیاری از مشاغل

۵- مهارت افزایی و آموزش معلولان برای ارتقای دانش و تخصص آنها.

۶- انتقال تجارب و دانش کشورهای مدرن در این زمینه.

۷- بهره گیری و استفاده از ظرفیت های مردمی با توجیه مردم.

۸- ایجاد سامانه های خودگردان برای تکیه بر ظرفیت ها و استعدادهای خود، تا به روش خودجوش، اشتغال زایی و درآمدزایی داشته باشند، مثل تأسیس بانک اطلاعات، تأسیس بازارچه ها و هنرسرا و هنرکده ها، راه اندازی حراجی ها.

همه این پروژه ها زیربنایی است و انجام آنها راه را برای اجرای طرح های دیگر باز می کند. اما با اعلام سال تولید و اشتغال توسط مقام معظم رهبری، مطالعات جدیدتری انجام یافت و موضوعات دیگر هم بررسی شد و در دستور کار قرار گرفت:

۱- انتشار وضعیت اشتغال معلولان استان ها به تفکیک

۲- مجموعه سازی از دیدگاه های منتشر شده

۳- مجموعه طرح ها

۴- سیر فعالیت های بهزیستی در زمینه اشتغال

۵- فرهنگنامه سمینارها و نشست ها

۶- فرهنگنامه تشکل ها و مراکز معلولیتی فعال در عرصه اشتغال

۷- آسیب شناسی

۸- اسناد و مدارک

در مجموع شانزده دفتر درباره ابعاد اشتغال معلولان در دستور کار داریم. تاکنون یک دفتر منتشر شده است. این دومین دفتر است. در صورت حمایت، تمامی ۱۶ جلد در سال ۹۷ منتشر خواهد شد. هر چند کار سنگین و بسیار پر مانع است ولی امید هست با همت و بلند نظری همکاران این طرح عملیاتی شود.

هدف این است تمام اطلاعات و اسناد و مدارک و منابع علمی مورد نیاز پژوهشگران و مدیران و تصمیم سازان در قالب این مجلدات منتشر گردد و مشکل فقدان منبع تاحدودی مرتفع گردد. تا در سنوات بعد پژوهشگران و مدیران با جدیت اقدام به برنامه ریزی نمایند.

کارشناسان بر این عقیده اند که اشتغال قبل از هر چیز نیاز به الگو و برنامه ریزی دارد. اما برای طرح الگو و تدوین برنامه بلند مدت و کوتاه مدت لازم است کشورهایی که در این زمینه موفق بوده اند مطالعه گردد؛ دوم موانع موجود در فرهنگ خودی هم بررسی شود؛ سوم فرهنگ ملی و دینی مردم ایران تجزیه و تحلیل شود و عناصر مؤثر در اشتغال استخراج گردد؛ بالاخره پس از سه مطالعه فوق خط مشی و برنامه جامع تدوین و در اختیار عموم قرار گیرد. بنابراین چهار فرایند مطالعاتی و پژوهشی خواهیم داشت.

در مطالعه اول، به سراغ کشورهای موفق در این زمینه می رویم و بررسی می کنیم چکار کردند و به چه روشی توانستند تولید و اشتغال را به خوبی چاره سازی و تدبیر نمایند. در مطالعه دوم به سراغ وضعیت جامعه خودمان می رویم، آمار مراکز اشتغال زا را می آوریم و موانع موجود را بررسی می کنیم. سومین مطالعه مربوط به آیین و دین مردم است و بررسی عناصری مثل تصوف که مانع اشتغال است. پس از تکمیل مطالعات سه گانه فوق به تدوین خط مشی نهایی می پردازیم.

.۳

در یک سال اخیر سازمان بهزیستی مدعی شده به نسخه کار آمد و تجربه شده برای اشتغال دست یافته و با کشف این شیوه می تواند اشتغال معلولین را سامان دهی کند و به وضعیت مطلوب برساند. سازمان بهزیستی کتابی با عنوان راهی به سوی اشتغال سریع به قلم منصوره پناهی و مقدمه انوشیروان محسنی

ص: ۱۴

بندپی در اوائل سال ۹۶ منتشر کرد و با برگزاری جلسات فاخر و دعوت از مشاهیر و بزرگان به رونمایی این کتاب پرداخت.

عکس روی جلد کتاب بسیار گویا است؛ انسان سیاه بختی است که با قدم های بلند و سریع به سوی اشتغال می دود. مشت گره کرده او نشانگر عزم و اراده آهنین او است. سرش آچاری است که می خواهد مشکل اشتغال را چون پیچی بگشاید و با خود کیفی همراه دارد که حاوی نسخه حلال مشکلات اشتغال است.

اسم کتاب راهی به سوی اشتغال سریع است؛ یعنی یک راه برای رسیدن به اشتغال مطلوب یا سریع هست و آن اشتغال تحت حمایت SE (Supported Employment) است.

آقای محسنی بندپی ریاست سازمان بهزیستی در مقدمه چنین نوشته اند:

«از روش های نوین و موفق در زمینه توانبخشی حرفه ای (SE) یا به عبارتی «روش اشتغال حمایتی معلولین» می باشد. این روش در اقصی نقاط جهان به عنوان روش کارآمد به اثبات رسیده است. سازمان بهزیستی کشور با وقوف به اهمیت توانبخشی حرفه ای و کارکردهای مؤثر اشتغال حمایتی طی هماهنگی های به عمل آمده و در طی دوره سه ساله، اجرای این طرح را شروع نموده و با دعوت از افراد آگاه و با تجربه در این زمینه به ویژه سرکار خانم پناهی و انتقال مفاهیم آموزشی و نیز بومی سازی روش مذکور به دنبال تدابیر مؤثر و کارآمد در این زمینه می باشد. کتاب حاضر نتیجه زحمات چندین ساله مؤلف گرانقدر در مدت زمان حضور و فعالیت حرفه ای در کشور سوئد می باشد که ضمن بازنگری در برخی مفاهیم و بومی سازی با شرایط فرهنگی کشور، پیش روی شما قرار دارد، امیدواریم به زودی شاهد به ثمر نشستن زحمات همکارانمان در توانبخشی حرفه ای باشیم».(۱)

نکات مهمی که در مقدمه کتاب راهی به سوی اشتغال سریع آمده عبارت اند از:

۱- روش اشتغال حمایتی (SE) در همه کشورها موفقیت داشته و در ایران هم به نتیجه مطلوب خواهد رسید.

ص: ۱۵

۱- . راهی به سوی اشتغال سریع، ص ۵-۶.

۲- این روش در دوره سه ساله نتیجه می دهد و با شروع آن در سال ۹۵ ضرورتاً باید در سال ۹۷ شاهد حلّ مشکل اشتغال معلولین ایران باشیم.

۳- البته آقای رئیس از هزینه های این طرح و چگونگی اجرای آن سخنی به میان نیاورده است.

۴- آقای بندپی از بومی سازی این طرح در ایران گفته است. چون این طرح در کشور سوئد ابداع و اجرا شده و ضرورتاً باید در ایران بومی سازی شود.

۵- در پایان ایشان آرزو می کند با اجرای این طرح به زودی اشتغال معلولین را سامان دهی نماید.

این پنج نکته در مقدمه آقای بندپی به صراحت درج شده است. امیدواریم به سرنوشت دیگر طرح های سازمان بهزیستی دچار نشود و به نتایج مطلوب و سریعی که رئیس نوشته اند برسیم و در پایان سال ۹۷ شاهد اشتغال معلولان ایران باشیم.

مؤلف کتاب خانم منصوره پناهی هم در جاهای مختلف کتاب می نویسد این طرح در سال ۱۹۷۰ در آمریکا آغاز شد و روشی بسیار مؤثر برای اشتغال زایی پایدار در افراد با معلولیت های گوناگون است و این روش ۲ تا ۳ سال نتیجه می دهد.(۱)

.۴

کتاب حاضر در شش فصل به بررسی موانع اشتغال معلولان می پردازد.

فصل اول با عنوان وضعیت بیکاری درصدد است تا نمایی از بیکاری معلولان نشان دهد. و به کسانی که جامعه هدف را گل و بلبل ترسیم می کنند و از حیث اشتغال همه مشکلات را حل شده یا در حال حل شدن می پندارند، بگوییم خیال پردازی نکنید، بیکاری پیامدهای مخربی برای جامعه دارد ولی این جامعه از سَرِ میهن دوستی یا عِرق دینی سکوت کرده، تمام رنج ها و آلام را تحمل می کنند و کوچکترین اعتراضی نشان نمی دهند. اما تحمل هم حدّ و اندازه ای دارد.

فصل دوم به مبانی و بنیادها می پردازد. معلولان حق حیات، حق مشارکت اجتماعی، حق مساوات و حق مهارت آموزی دارند. اما بیکاری با همه این حقوق در تعارض است. اگر معلولی شاغل نباشد یعنی حق حیات اجتماعی ندارد یا عملاً

۱- . همان، ص۱۴.

معیشت نـدارد بلکه در حال ممات است. معلول بیکار مشارکت در سرنوشت اجتماعی خودش ندارد و چنین حقی از او سلب شـده است. در مجموع این فصـل نشـان می دهـد بیکـاری مبـانی و بنیادهـای هستی آنـان را دچار آسـیب کرده و آسـیب های زیربنایی در جامعه هدف را نشان می دهد.

فصل سوم آسیب شناسی نظام مشاغل معلولان است. این فصل و این دفتر درصدد تدوین نظام مشاغل برای این قشر نیست بلکه درصدد هستیم مشکلات و آسیب های موجود در مشاغل را معرفی کنیم.

وقتی بـا یـک نفر از مـدیران سازمـان بهزیستی درباره مشاغل معلولان گفت و گو می کنیم، به وضوح می بینیم ذهنیت خاصـی دارنـد و محـدوده خاصـی از مشاغـل در نظر آنـان است. امـا وقتی با یک مـدیر مشاغل معلولین در یکی از کشورهای اروپایی گفت و گو کنیم به وضوح تفـاوت و تمایز به دست می آیـد. همه انواع مشاغل پزشـکی، صـنعتی، کشاورزی، علمی، فرهنگی، آموزشـی، هنری و خـدماتی مثل هنرپیشـگی، کار در تئاتر، خواننـدگی، نوازندگی، پزشـکی، پرسـتاری، نویسـندگی، خدمات مدرن شـهری، کار در سامانه های اطلاع رسانی در قلمرو است. همه این مشاغل در کشورهای اروپایی در نظام شـغلی معلولان اجرا شده است. وقتی از مشاغل معلولان در روسـتا صحبت می شود از ایجاد کارگاه برای تولید برق از باد یا انرژی خورشیدی در یک روسـتا تا تولیـد عسل و تولید قارچ توسط معلولین بحث می شود. اما مدیران دولتی ما ذهنیت بسـیار محدود از مشاغل معلولین دارند و برای این قشر چند شغل محدود تعریف کرده اند.

به عنوان نمونه یکی از اسـتادان دانشـگاه در لندن می گفت، درصد بالایی از معلولین در کشور انگلسـتان به چکیده نویسـی و مأخذشناسـی کتاب ها و مقالات مشـغول هسـتند و درآمـد خوبی از این راه دارنـد. مثلاً در این کشور هر ماه یک هزار مجله و روزنامه و کتاب منتشر می شود. اطلاعات صوری و اطلاعات محتوایی اینها با نوشتن مأخذشناسی و چکیده مقالات روزنامه ها و نشـریات یا کتب در سایت هایی مثل گوگل و یاهو درج می شود. او می گفت اکثر اینها را معلولین تولید می کنند و درآمد بسیار بالایی هم دارند. آیا چنین شغل هایی در ذهن مدیران ما هست؟

مشـاغلی کـه در فضـای مجـازی و اینـترنت تعریـف می شونـد و به اسـتارت آپ هـا نیز مشـهوراند و در همه کشورهـا مـوجب تحولات بسیار شده اند، لازم است مورد توجه مدیران ما قرار گیرد.

ص: ۱۷

فصل چهارم به روش های اشتغال می پردازد و مشکلات و آسیب های هر یک از روش ها را گزارش می دهد.

فصل پنجم درباره راه کار مطلوب است. اگر طرح و برنامه جامع و مطلوب بخواهیم تدوین کنیم چکار باید انجام دهیم؟ روی چه سرفصل هایی تمرکز نماییم؟

این فصل به این نکات می پردازد؛ البته از منظر آسیب شناسی. عناصری که در برنامه های موجود ما غایب اند و سرفصل هایی که در طرح های ما حضور ندارند و از آنها غفلت نموده ایم در این فصل بررسی و معرفی می شوند.

فصل آخر درباره آسیب شناسی طرح و برنامه است. یعنی می خواهیم بدانیم طرح دولت چه مشکلاتی دارد و طرح های مردمی چه موانعی دارد. در برنامه نویسی چرا از تجارب جهانی بهره نمی بریم؟ چرا از آراء کارشناسان خبره یا تجارب مراکز مهم در جهان استفاده نمی کنیم؟ نیز در خود ایران مراکزی که درباره اشتغال کار کرده و ایده داده اند چرا حتی یک بار از آنها دعوت نشده و ایده آنها بیان نشده و نخواسته اند معرفی شود؟ بالاخره مجموعه ای از آسیب ها و مشکلات موجود در طراحی و برنامه نویسی در این فصل بررسی و معرفی خواهد شد.

لازم است از حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی نماینده آیت اللّٰه العظمی حاج سیدعلی سیستانی تشکر نماییم که همواره با پشتیبانی و تشویق های خود راه را برای انجام و عرضه اینگونه تحقیقات گشودند. همچنین از کارشناسان و نخبگان انتظار هست ما را یاری فرموده و با نقدها و راهنمایی خود به ارتقای این اثر کمک فرمایند.

محمد نوری

بهمن ماه ۱۳۹۶

فصل اول: وضعیت بیکاری

اشاره

ص: ۱۹

معلولین ایران از نظر کار و شغل و اشتغال چه وضعیتی دارند؟ وضع کسب و کار معلولین در کشورهای پیشرفته چگونه است؟ ابتدا لازم است تصویری از ایران و جهان ترسیم کنیم و واقعیت های موجود را بشناسیم، آنگاه به سراغ دیگر مسائل، راه کارها و تجربه ها رفت. از این رو فصل اول این پژوهش به آمارهای ایران و جهان در زمینه اشتغال و واقعیت های موجود می پردازد.

سازمان جهانی کار (ILO)(۱) در سال ۱۳۸۸ش اعلام کرد ۶۵۰ میلیون نفر در جهان معلولیت دارند، از این تعداد ۴۷۰ میلیون نفر در سن کار هستند، هشتاد درصد معلولین در سن کار، در کشورهای در حال توسعه بیکاراند. ۴۲۶ میلیون نفر معلول زیر خط فقر به سر می برند، ۱۵ تا ۲۰ درصد از آسیب پذیرترین و حاشیه نشین ترین فقیران کشورهای در حال توسعه معلولان هستند.(۲)

خلاصه این گزارش این است که معلولین اقلیت بزرگ جوامع و فقیرترین قشر در این جوامع هستند. علت اصلی این وضعیت را نداشتن شغل و اشتغال مناسب می داند.(۳) بنابراین بیکاری عامل اصلی بدبختی ها و شغل عامل اصلی زندگی نیک معلولان است. بیکاری به عنوان یک آسیب جدی در همه جوامع و تمام قشرهای اجتماعی، به ویژه در جامعه معلولان مطرح است. اینکه بیکاری چگونه و بر اساس چه مکانیسمی به تخریب بنیادهای اجتماعی می پردازد در این فصل بررسی خواهد شد. این فصل به معرفی اجمالی و کلی وضعیت کسب و کار و اشتغال این قشر می پردازد.

ص: ۲۰

۱- . International Labour Organization (ILO) این سازمان وابسته به سازمان ملل متحد است و در ۱۹۱۹م تأسیس شد. مقر آن در ژنو پایتخت سوئیس است. (دانشنامه دانش گستر، ج۹، ص۴۳۶)

۲- . مجله توان یاب، ش ۳۱ بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص۲۱؛ بررسی بیانیه های اشتغال معلولین، محمدرضا اسدی، ص۲۷.

۳- . همان.

انسان چون جسم دارد و جسم تحول پذیر و آسیب پذیر است و می تواند بیمار گردد یا کارآیی خود را از دست دهد؛ از این رو معلولیت و آسیب های جسمانی همیشه همراه انسان بوده و معلولیت با زندگی انسان همزمان و همراه است.

در کشورهای مختلف و بین پیروان ادیان جهان تلقی یکسان وجود ندارد. برخی باور دارند که باید دم را غنیمت شمرد و خود را به زحمت نینداخت بلکه خود را به قضا و قدر سپرد و هر آنچه پیش آید، خوش آید و مقدر بوده است.

این طرز فکر با اینکه طرفدارانی در همه ملت ها دارد ولی از عوامل اصلی - فکری و عقیدتی ضد اشتغال است. و مخالف ترین اندیشه، علیه اشتغال و پیگیری شغل و کار است. اما طرفداران این تفکر عملاً اندک اند و اکثریت مردم مجبوراند، برای یافتن شغل آبرومند و مطلوب فعالیت نمایند. اینگونه طرز فکر در جامعه معلولین هم هست و باید آن را جزء آسیب های اشتغال معلولین شمرد.

اما واقعیت ها به انسان ها فهمانده که اشتغال دارای پیامدهای جدی در زندگی هر فرد است و برای مبارزه با طرز فکر جبرگرایانه فوق باید این پیامدها را یادآور شویم. برخی از اهمّ این پیامدها عبارت اند از:

ایجاد روحیه استقلال و امید به زندگی مستقل و شرافتمدانه، ایجاد تحرک و پویایی و تلاش جهت استفاد از توانمندی ها و استعدادهای خدادادی خود، جلوگیری از ایجاد یأس و رخوت و وابستگی و پوچ انگاشتن زندگی، ایجاد ارتباط بیشتر و بهتر با افراد جامعه و رفع نیازهای عاطفی و معنوی مورد نیاز یک انسان، حفظ کرامت انسانی و روی نیاوردن به امور پست و خلاف عرف جامعه همانند تکدی گری و دزدی، مورد احترام و تشویق قرار گرفتن و با ارزش و مثبت قلمداد شدن از دید خانواده و جامعه، کسب درآمد مادی صحیح جهت گذران امور زندگی خود و خانواده، ایجاد تحرک و حفظ سلامت جسمانی و جلوگیری از ایجاد صدمات ثانویه، ایجاد بازار کار و تولید در جامعه و مشارکت در به حرکت در آوردن چرخ های اقتصادی جامعه.

ایرانیان و مسلمانان از قدیم به پرکاری و تلاش برای زندگی مشهور بوده اند. زیرا رهبران آنان از کار ابا نداشته و شغل را افتخار می دانسته اند. البته گروهی از متصوفه بوده اند که طرز فکر جبرگرایانه داشته ولی تعداد آنان بسیار اندک بوده است.

آمار سنجی

پیشرفت و توسعه اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر کمیت نگری است. زیرا کمیت ها گویای واقعیت های ملموس اند. جامعه معلولین وقتی پیشرفت خواهد داشت و در زمینه اشتغال موفق خواهد شد که به کمیت و آمارها توجه نماید و مبنای تصمیم ها همین آمارها باشد. به عنوان مثال کارمندی که حقوق خود را تقسیم بر نیازهایش می نماید و هر روز با عدد و رقم مخارج را با موجودی می سنجد، همواره موفق است ولی فردی که حساب و کتاب ندارد و بدون محاسبه خرج می کند همواره، کمبود نقدینگی خواهد داشت.

متأسفانه آمار دقیق درباره شغل و اشتغال معلولان ایران وجود ندارد و آنچه در اختیار است، آمارهای مختلف گفته شده است. همین نکته از جمله آسیب های اشتغال می باشد. چون نمی توان برنامه ریزی دقیق داشت.

مهم ترین آمارهایی را که چاپ شده اینجا می آورم تا حقایق معلوم گردد. آقای کمالی از پژوهشگران و صاحب نظران مشکلات معلولان می گوید: معلولان بزرگ ترین اقلیت اجتماعی در جهان هستند.(۱)

هم اکنون بیش از یک میلیارد فرد دارای ناتوانی در جهان وجود دارند که ۱ نفر از هر ۴ نفر در کشورهای در حال توسعه هستند. تنها ۱ تا ۲ درصد کودکان دارای معلولیت به آموزش دسترسی دارند و در کشورهای در حال توسعه نیز تنها ۲ درصد افراد دارای معلولیت به توانبخشی دسترسی دارند.(۲)

۱- . «نشست علمی جایگاه معلولیت در برنامه ششم»، محمد کمالی، سایت دولت ۲۱ آبان ۹۳.

۲- . همان.

دکتر محمد کمالی آمار معلولین ایران را ۹۱۹ هزار و آمار خانوارهای معلولین را ۱۶۳ خانوار می داند که بر اساس سرشماری ۱۳۹۰ به دست آمده است.(۱) در ماه های آخر سال ۹۵ آمار معلولین ایران ۵/۱۱ میلیون نفر اعلام شد. این آمار با واقعیت های ایران سازگاری دارد.(۲)

متأسفانه با همه تلاش هایی که در این خصوص صورت می پذیرد، نرخ بیکاری و عدم پایداری شغلی در میان معلولین بسیار بالاست. طبق پیش نویس آیین نامه اجرایی سازماندهی، مدیریت و معلولین در محیط کار، که در سال ۲۰۰۱ در سازمان ملل تهیه شده، بیکاری بین ۳۸۶ میلیون فرد معلول در سن کار با نرخی بالاتر از ۸۰ درصد، که خیلی بیشتر از افراد سالم می باشد در برخی کشورها گزارش شده است. در نتیجه این بیکاری، خیلی از افراد ناتوان در فقر زندگی می کنند و این خطر همواره آنان را تهدید می کند که باقیمانده توانایی آنان هم از بین برود.(۳)

بر اساس آمارهای جهانی تقریباً ۱۰ درصد جمعیت هر کشور را معلولان تشکیل می دهند. به عبارت دیگر از هر ۱۰ نفر ساکنان یک کشور یک نفر به نحوی نیاز به کمک جدی دارد. معلول کسی است که به علت ضایعه ای ارثی یا اکتسابی نتواند از عهده کاری بر آید که سایر افراد هم سن او با معلومات و تجربیات مساوی انجام می دهند. آنها نیازهای مختلفی دارند که باید به موقع تشخیص داده و برآورده شوند. یکی از نیازهای اساسی آنها، اشتغال است. پذیرفتن این اصل که انتخاب آزادانه شغل، کار کردن در شرایط مطلوب و مناسب، امنیت در برابر بیکاری، حق مسلم هر انسانی است، ضرورت توجه و تأکید بر آموزش و اشتغال معلولان را بیش از پیش مورد تأیید قرار می دهد.

ص: ۲۳

۱- . همان. این آمار با واقعیت های جامعه ایران سازگاری ندارد و آمار معلولین بسیار بیشتر است.

۲- . مجله توان گستر، بهمن ۹۵، ص۵.

۳- . بررسی پیامدهای اشتغال معلولین، محمدرضا اسدی، سید مجید میرخانی، دانشگاه بهزیستی، ۱۳۹۰، ص۲۷.

در سال ۱۹۷۶ از طرف سازمان بهداشت جهانی (W.H.O)(۱) آماری منتشر شد و بر مبنای آن برآورد شد ۱۰ درصد از مردم جهان از معلولیت های ناشی از بیماری ها، حوادث، سوء تغذیه و علل ژنتیک رنج می برند.(۲)

اما آمار اشتغال معلولین ایران چگونه است؟ دکتر عطاء اللّه مثنوی در این باره تحقیقاتی دارد و اطلاعات آمارگیری ۱۳۶۵ را تجزیه و تحلیل کرده و در مقاله ای در مجله کار و جامعه نتایج آماری خود را منتشر کرده است.

بعضی مطالب این مقاله با واقعیت ها انطباق ندارد. مثلاً آمار معلولین ایران را ۴۵۳ هزار یا کمتر از نیم میلیون و جمعیت کشور را ۴۵ میلیون نفر اعلام کرده است. ولی برخی جنبه های تحلیلی و درصدهای آماری که اعلام کرده مشتمل بر نکات سودمند است.

به هر حال تجزیه و تحلیل و سنجش های آماری آقای مثنوی را عیناً می آوریم سپس به بررسی آن می پردازیم. او می نویسد:

۴۳ درصد از معلولین کل کشور (سرشماری ۱۳۶۵) خویش فرما و ۳ درصد کارفرما و ۱۸ درصد مزد و حقوق بگیر خصوصی و ۲۹ درصد مزد و حقوق بگیر بخش عمومی یا دولتی است و تنها ۴ درصد بیکاراند. این نسبت ها در استان تهران به ترتیب ۸/۴۴ و ۱/۳ و ۱۷ و ۳/۲۷ درصد است.

قابل توجه اینکه سر جمع اعداد اعلام شده ۹۳ است، یعنی ۷ درصد معلول بیکار داریم، نه ۴ درصد.

– از جمعیت معلول کشور حدود ۶۰ درصد در سن کار و فعالیت هستند این نسبت در استان تهران ۵/۶۵ درصد است.

– مردان معلول مورد مطالعه متجاوز از ۲۰ برابر زنان معلول به کار اشتغال دارند (۶/۹۵ درصد در مقابل ۴/۴ درصد) این نسبت در بین افراد غیر معلول ۴ درصد

ص: ۲۴

۱- . World Health Organization (WHO) این سازمان وابسته به سازمان ملل متحد و در سال ۱۹۴۶م با هدف جلوگیری از گسترش بیماری ها و ریشه کنی آنها تأسیس شد. مبارزه با بیماری های فلج اطفال، کوری، ناشنوایی، جذام و سرخک مهم ترین هدف های این سازمان بوده است.

۲- . «توانبخشی شغلی معلولان»، ایران، باغبان و آرزو محمودیان دهکردی، کار و جامعه، ش ۸۷ و ۸۸، ص۳۵.

زنان در مقابل ۶/۳۹ درصـد مردان و علت آن را می توان در فرهنگ ایرانی - اسـلامی که «فرهنگ مذکر» حاکم بوده و هنوز هست، دانست که مرد را متکفل مخارج، معیشت و نان آور خانه می داننـد. لذا خود فرد، خانواده و جامعه تلاش بیشتری در به کارگماری مردان به کار می برند.

- سنین ۲۱ تا ۴۰ سـال، سن غالب معلولین شاغل مورد مطالعه است که ۸/۸۰ درصد است این نسبت در غیر شاغلین ۶۳ درصد است.

- ازدواج و داشـتن همسـر، تأثیر زیادی در اشـتغال معلولین دارد، چنانچه افراد بـدون همسـر ۸/۳۹ درصـد شاغلند در حالی که افراد دارای همسر ۹/۸۵ درصد، این خود نشانگر این اصل است که معلولین شاغل به دلیل داشـتن درآمد و شـغل بیشتر شانس تشکیل خانواده را داشته اند. علاوه بر این، جامعه امروزی نیز در به کارگماری افراد متأهل اهتمام بیشتری دارد.

- افراد دارای همسر بیشتر به مشاغل آزاد رغبت نشان داده اند چنانچه ۱/۸ درصد مشاغل آزاد به این گونه افراد تعلق دارد، در صورتی که سهم افراد بدون همسر از مشاغل آزاد ۴/۲ درصد است.

- ۳/۵۵ درصـد جـامعه شاغـل مورد مطـالعه را چنـد معلولیت ها، ۳/۱۳ درصـد معلولین حسـی، ۳۰ درصـد را معلولین جسـمی تشـکیل می دهنـد (بـا توجه به سـطح صـنعتی شـدن کشور و امکان اسـتفاده از دست و پای مصـنوعی (اروتز - پروتز) فرصـت اشتغال را برای معلولین می توان بیشتر کرد.

- در جامعه مورد مطالعه افراد بی سواد عمـدتاً بین ۶/۹۴ درصد در مشاغل کارگری در بخش دولتی هسـتند و در مشاغل آزاد فعالیت ندارند ولی افراد با سواد ۱/۸ درصد در مشاغل آزاد فعالیت دارند.

- ۳/۶۸ درصـد از علت معلولیت شاغلین، جنگ مطرح شده و ۷/۳۰ درصد معلولین عادی بر اثر بیماری و حوادث و مادرزادی و غیره است.

- ۷/۳۸ درصـد معلولین شاغل از وجود مراکز کاریابی معلولین بی اطلاعند. از واقفین به این مراکز ۷/۳۳ درصد وزارت کار و ۷/۲۷ درصـد بهزیستی را بیان داشـته اند. ولی در غیر شاغلین ۶۱ درصد بهزیستی و ۷ درصد وزارت کار را می شناسـند. ضمناً ۳۲ درصد نیز مرکزی را نمی شناسند.

– در بین کسانی که هیچ مرکز کاریابی را نمی شناسند احتمالاً جانبازان هستند که بدون مراجعه به مراکز کاریابی و شناسایی آنها، اداره کل اشتغال بنیاد، این مسئولین را به عهده دارد که برای آنها کاریابی و آنان را به کار بگمارد.

– سازمان بهزیستی شناخته شده ترین مرکز برای مراجعه معلولین مخصوصاً غیر شاغلین است. ولی در عین حال می توان گفت که به استثنای مورد جانبازان، سازمان های موجود توانایی لازم برای پوشش کامل معلولین را ندارند.

– ۷/۶۶ درصد معلولین مورد مطالعه آموزش خاصی ندیده اند ولی در غیر شاغلین ۶۳ درصد آموزش خاصی ندیده اند.

– نوع آموزش در معلولین در به کارگیری آنها در درجاتی از مهارت قابل اهمیت است. چنانچه ۷/۱۱ درصد آموزش های مهارتی و ۳/۱۳ درصد آموزش های فنی دیده اند. بنابراین آموزش فنی و حرفه ای باید در عرصه ارتقاء مهارت معلولین فعالیت بیشتری داشته باشد.

– در بین کسانی که قبل از اشتغال آموزش دیده اند ۲/۱۷ درصد در مشاغل فنی و تخصصی ولی در بین کسانی که آموزش ندیده اند تنها ۲ درصد در این گونه مشاغل هستند. بنابراین آموزش نقش مهمی در اشتغال افراد در فعالیت های فنی دارد.

– اکثریت معلولین مورد مطالعه (۷۷ درصد) نسبت به قوانین و مقررات کار مربوط به معلولین بی اطلاع هستند. احتمالاً این عدم وقوف می تواند عللی بر بیکاری معلولین آماده به کار باشد. در حالی که ۴/۸۴ درصد از شاغلین نسبت به قوانین و مقررات کار مطلع هستند ولی غیر شاغلین تنها ۲/۱۵ درصد اظهار اطلاع کرده اند.

– بالاترین رقم شاغلین ۸۶ درصد در مشاغل کارگری ساده و امور اداری است و ۳/۷ درصد شغل آزاد و تنها ۷/۶ درصد در مشاغل فنی و تخصصی که گروه سنین زیر ۲۰ سال هستند به کار مشغولند.

– در کاریابی و اشتغال معلولین، تلاش و جستجوی شخصی معلول و خانواده اش بالاترین نسبت یعنی ۳/۵۲ درصد است. پس از آن ۳۶ درصد از طریق نهادها و مؤسسات صورت گرفته است.

- اکثریت معلولین شاغل یعنی ۳/۷۶ درصد در بخش دولتی و به صورت رسمی شاغل هستند که احتمالاً درصد بالایی مربوط به جانبازان و درصدی نیز مربوط به بهزیستی است که به صورت سهمیه و قانون الزام دستگاه ها به استخدام ۱۰ درصد از نیاز استخدامی خود باشد.

- ۷۶ درصد از معلولین شاغل از ابزار کمکی و ماشینی استفاده نمی کنند. علی رغم این که این ابزار می تواند میزان بهره وری سیستم را افزایش دهد.

- ۳۶ درصد از معلولین غیر شاغل، خدمات کارگری را برای خود مناسب تشخیص داده اند و ۲۷ درصد خواهان مشاغل تخصصی هستند.

- حمایت های مادی و درآمد بیشتر مورد پیشنهاد ۳/۲۱ درصد معلولین شاغل است. در مراحل بعدی امکانات آموزش و اشتغال بین ۷/۱۶ تا ۳۳ درصد است؛ بدین معنی که در مورد معلولین شاغل افزایش درآمد در مرحله اول است ولی برای معلولین غیر شاغل آموزش و اشتغال به عنوان یک پیشنهاد اصولی مطرح گردیده است.

- معلولین عمدتاً به سمت و سوی مشاغل آزاد رغبتی نشان نمی دهند. شاید دلیل آن عدم تمکن مالی و سرمایه لازم برای مشاغل خویش فرما باشد زیرا تنها ۳/۷ درصد طالب شغل آزاد بوده اند.

- هر چه میزان تحصیلی بالاتر باشد نسبت استخدام رسمی بیشتر می شود. چنانچه در جمع افراد کمتر از دیپلم و دیپلم حدود ۷۵ درصد، استخدام رسمی هستند در حالی که در بالاتر از دیپلم این رقم به ۹/۹۲ درصد می رسد.

- معلولین دارای همسر، انگیزه بیشتری برای کاریابی و اشتغال دارند ولو پرداختن به مشاغل آزاد، به علاوه جامعه نیز به دارندگان همسر برای ادامه کار حساس تر عمل می کند. شاید به همین دلیل است که ۱/۵۴ درصد از نمونه ۴۴ نفری که بدون همسر هستند همیشه بیکار بوده اند.

- از کل ۵۶۲۲۰ نفر جمعیت معلول ۶ ساله و بیشتر ۲/۳۶ درصد شاغل یا بیکار در جستجوی کار بوده اند که این نسبت در نقاط شهری ۳/۳۶ درصد و در نقاط روستایی ۹/۳۵ درصد است.

مقایسه نسبت ها، بیانگر عدم تفاوت فاحش بین میانگین استان و کل کشور

است. مخصوصاً که از نظر محصل، خانه دار و دارای درآمد بدون کار نیز تفاوت معنی داری بین آنها نیست.

به طور کلی از جمعیت معلول کل کشور ۶ ساله و بیشتر دارای یک نوع معلولیت ۲/۶۸ درصد را کارکنان بخش خصوصی ۳/۲۷ درصد را مزد و حقوق بگیران بخش عمومی تشکیل داده اند.(۱)

- نسبت های بالاـ گویای این امر است که میانگین جمعیت، دارای یک نوع معلولیت کل کشور بیشتر در بخش خصوصی و کمتر در بخش عمومی هستند و این امر شاید به دلیل اشتغال کشاورزان در بخش کشاورزی باشد که نسبت بخش خصوصی را در کل کشور بالا برده است. لیکن در استان تهران به نسبت در بخش خصوصی کمتر و در بخش عمومی بیشتر شاغل بوده اند.(۲)

آمارهایی که در مقاله آقای مثنوی آمده و مبتنی بر اطلاعات به دست آمده در آمارگیری سال ۱۳۶۵ نشانگر چند نکته است:

۱- برخی از این اطلاعات انطباق ندارند. یعنی بین آنها تضاد و تعارض هست.

۲- اما به رغم همه اشتباهات و مشکلات، تحلیل های مهمی در مورد اشتغال جوانان، زنان، نوع مشاغل هست و بر مبنای آن توانسته راه کارهایی عرضه کند. همین نکته گویای اهمیت و نقش مهم اطلاعات در برنامه و طرح است.

۳- بر اساس آمارهای منتشر شده در سرشماری سال ۱۳۶۵، تعداد معلولین با معلولیت های قابل رویت حدود یک درصد جامعه بوده است، به بیان دقیق تر از ۴۹۴۴۵۰۱۰ نفر جمعیت کشور در سال ۱۳۶۵، تعداد ۴۵۳۰۹۰ نفر معلول بوده اند. نظر به اینکه در سرشماری ها، هدف اصلی جمع آوری داده ها، مربوط به جمعیت کل کشور و خصوصیات اجتماعی - اقتصادی آن است، لذا داده های مربوط به معلولین نمی تواند لزوماً به دقت جمع آوری شود بنابراین آمار جای تأمل دارد. کارشناسان معتقدند بهترین و دقیق ترین روش برای پی بردن به تعداد معلولین و درجات معلولیت آنها، آمارگیری نمونه ای است. که در این راستا دانشگاه

ص: ۲۸

۱- . مجله کار و جامعه، ش۳۸، ص ۱۴-۱۶.

۲- . کار و جامعه، ش۳۸، ص ۱۳-۱۷.

علوم بهزیستی و توانبخشی در سال ۱۳۷۵ اقدام به بررسی حجم نمونه و نیازمندی های اقشار مختلف به خدمات بهزیستی کشور نمود که بر اساس جامعه آماری ۶۰ هزاری نفری بود. بر اساس این آمارگیری، حدود ۱۰ درصد افراد جامعه یعنی ۶ میلیون نفر در سال ۷۵ دچار معلولیت بودند. از این تعداد یک میلیون و دویست هزار (۱۲۰۰۰۰۰) نفر دارای معلولیت جسمی، ششصد هزار (۶۰۰۰۰۰) نفر دچار معلولیت ذهنی بارز بوده و چهار میلیون و دویست هزار (۴۲۰۰۰۰۰) نفر دچار معلولیت غیر بارز بوده اند. این آمار نشان می دهد، معلولیت در مردان ۵/۱ برابر زنان است و میزان معلولیت در روستاها کمی بیشتر از شهرهاست. بر اساس آمار مذکور، ۸/۲۸ درصد معلولیت ها ناشی از بیماری، ۳/۲۶ درصد ناشی از ضربه ها و تصادفات (تروما)، ۷/۲۱ درصد مادرزادی و بقیه از عوامل دیگر است.

در سال ۱۳۹۴ بانک جهانی اعلام کرد ایران از نظر کسب و کار و اشتغال عموم مردم از ۱۸۰ کشور در رتبه ۱۱۸ است.(۱)

وقتی انسان های سالم و عادی این گونه باشند، معلولین به طریق اولی مشکلات بیشتر دارند وضعیت اشتغال آنان بدتر است.

دکتر محمد کمالی معاون اسبق توانبخشی سازمان بهزیستی و مدرس دانشگاه، آماری را مطرح کرده که قابل تأمل است. ایشان آمار معلولین ایران را در سال ۱۳۹۰، ۹۱۹ هزار نفر دانسته است. یعنی حتی یک میلیون نفر هم نیست. گفته ایشان با اعلام نظر دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی که آمار معلولین را در سال ۱۳۷۵، حدود شش میلیون نفر اعلام کرده، تطابق ندارد. چطور است در سال ۷۵، ۶ میلیون معلول داشته ایم ولی در سال ۹۰، ۹۱۹ هزار نفر. اگر این آمار توسط یک فرد ناآگاه مطرح می شد، اشکال نداشت ولی با توجه به اینکه، وی چند دهه در این زمینه فعال بوده و چنین آماری را مطرح کرده، عجیب است.

اما آقای مثنوی که مربوط به سال ۱۳۶۵ ایران است و جمعیت ایران را ۴۵ میلیون و آمار معلولان ایران را ۴۵۳ هزار نفر اعلام کرده است. این آمار با

۱- . سایت ایسنا، ۱۰ آبان ماه ۱۳۹۴.

واقعیت های ایران و نیز شاخص های جهانی که ده درصد جمعیت جوامع را معلول می داند، سازگاری ندارد. دلیل اشتباه بودن آمار آقای مثنوی این است که در آمار دانشگاه بهزیستی در سال ۷۵ آمار معلولین ایران، ۶ میلیون برآورد شده ولی دقیقاً ده سال قبل یعنی ۶۵، جمعیت معلولین ۴۵۳ هزار نفر اعلام نموده است.

مهم تر اینکه آقای مثنوی ۹۶ درصد معلولین ایران را شاغل می داند و فقط ۴ درصد را بیکار می داند. بعید است این آمار صحیح باشد.

آمار اشتغال زایی

آمار سالانه و آمار دوره ای مشاغلی که در ایران برای معلولین ایجاد شده معلوم نیست. یعنی نمی دانیم، بخش خصوصی چند شغل و بهزیستی چند شغل ایجاد کرده است؟ این مشاغل کدامند؟ و چه گروه هایی از معلولین به این مشاغل دسترس پیدا کرده اند؟

با اینکه سازمان بهزیستی در مرکز و در همه شعبه ها و همه شهرها، مدیر اشتغال و یک بخش کاریابی دارد. اگر این مدیریت در هر شهر آمارها را گردآوری و هر سال روی سایت سازمان منتشر می شد، بسیار راهگشا بود. چون نخبگان اقتصادی و تحلیلگران اجتماعی می توانستند، مبتنی بر این اطلاعات، برنامه نویسی کنند. اما اطلاعات موردی و جزئی منتشر شده است. برای نمونه شرکت فیروز در قزوین بارها اعلام کرد ۶۵۰ شغل برای معلولین تا کنون ایجاد کرده است. رعدالغدیر در تهران هم اعلام کرد، چهارصد شغل ایجاد کرده است. بهزیستی هم در شرایط مختلف آمارهای مختلف عرضه کرده است و تا چهل هزار شغل را گفته اند.

فرض کنیم طی چهار دهه اخیر ۵۰ هزار شغل برای معلولین ایجاد شده باشد؛ همین آمار را مبنا قرار داده و به تجزیه و تحلیل می پردازیم.

از سال ۱۳۵۸ یعنی تأسیس سازمان بهزیستی و پیدایش نظام جدید معلولین، ۳۸ سال می گذرد. یعنی هر سال ۱۶۰۰ شغل برای معلولین در سراسر ایران ایجاد شده است.

اما آمار معلولین در سال ۵۸ با احتساب ده درصد و جمعیت سی میلیونی ایران،

سه میلیـون بـوده و هم اکنون ۱۱ میلیون شـده است. یعنی در سـال ۵۸ از هر ۱۹۰۰ نفر معلول، یـک نفر به اشـتغال دست یافته اسـت. ولی در سـال ۹۵ از هر ۶۹۰۰ معلول یـک نفر مشـغول به کـار شـده است. البته این تحلیـل بر مبنـای این است که آمـار کاریابی، ثابت مانده باشد و هر سال ۱۶۰۰ نفر مشغول به کار شده باشند.

با توجه به اینکه گفته می شود، حـداقل پنج و نیم میلیون معلول بیکار در سال ۹۵ داریم و خوش بینانه ۵۰ هزار شغل را مربوط به سال ۹۵ بدانیم. یعنی هر ۱۱۰ معلول بیکار یک نفر به سـر کار رفته است. به عبارت دیگر اگر سـیر اشـتغال به همین صورت باشد، ۱۱۰ سال طول خواهد کشید که ۵/۵ میلیون نفر شاغل بشونـد. یعنی بیش از یک قرن. البته بر فرض اینکه دیگر شاخص ها ثابت بماند.

همه این آمار و ارقام گویای این است که شـیوه اشتغال معلولان در ایران مشکل دارد و دستگاه ها خوب عمل نمی کنند. آمار معلولین هر شهر و نیز آمار شاغل شده ها و آمار بیکاران در هر شهر یعنی سه عدد را اگر داشته باشیم به راحتی می توانیم عدد چهارمی که طول زمانی اشـتغال است، به دست آوریم. مثلاً در تهران، اگر آمار جمعیت تهران ۲۱ میلیون نفر باشد، یعنی یک میلیـون و دویست هزار نفر معلول دارد. از این تعـداد اگر ۶۰۰ هزار نفر بیکار باشـند و تمامی دسـتگاه های دولتی و مردمی در سال ۹۵ ده هزار نفر را سـر کـار برده و شاغـل نموده انـد. بنابراین ۶۰ سال طول می کشـد تا مشـکل اشـتغال معلولان در تهران مرتفع گردد. پس از به دست آوردن عدد ۶۰ سال، می توانیم داوری کنیم که یک جایی از کار مشکل دارد.

نسبت اشتغال و معلولیت

همه معلولین نمی تواننـد شاغل باشـند و همه شـغل ها هم به معلولان تعلق نمی گیرد. به اصـطلاح معروف نسـبت این دو «علی الوجه» است. یعنی بعضـی از شـغل هـا به بعضـی از معلولین اختصـاص دارد. در توضـیح این نکته لازم است انواع اشـتغالات و انواع معلولیت ها فهرست و معلوم شود، سـپس جاهایی که با هم تباین دارنـد و جاهایی که با هم اشتراک دارند ترسـیم گردد. معلولین از یک نظر به دو

دسته غیر قابل توانبخشی و قابل توانبخشی تقسیم می شوند. عده ای از معلولین، شدت معلولیت آنها به اندازه ای است که نمی توان برایشان برنامه های توانبخشی و آماده سازی آنان برای رفتن به سرکار، هر چند کارهای آسان داشت. معلولانی که آسیب دیده گردنی و نخاعی هستند و تمامی اعضاء و اندام های آنها تحت فرمان نیست و فلج می باشد و توان انجام کار و شغلی را ندارند. معمولاً ـ این گونه افراد را بنیادهای خیریه یا دولت زیر پوشش می گیرند و حقوقشان ماهانه پرداخت می گردد. این گونه افراد از قلمرو، اشتغال خارج می باشند.

نکته مهم این است که نخبگان و مبتکران در تلاش هستند وسایل و تجهیزاتی بسازند که انسان در هر شرایط با کمک از این وسایل بتواند، امور شخصی و شغلی خود را انجام دهد. ولی به هر حال، افرادی می مانند که معلولیت بسیار شدید دارند و نمی توانند اشتغال داشته باشند.

وقتی گفته می شود معلولین از نظر اشتغال مشکل دارند؛ یا وقتی گفته می شود معلولان اشتغال می خواهند دو عنصر معلولیت و شغل برای معلولان نخست باید شناخته شود. و معلوم گردد چه کسان با چه ویژگی هایی را معلول می خوانیم. سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۸۱م معلولیت را نوعی اختلال بین یک انسان و محیطش تعریف کرد. یعنی اگر انسانی نتواند با محیط پیرامونی خود رابطه عادی داشته باشد، در واقع او به نوعی معلولیت مبتلا است. به بیان دیگر، معلولیت عبارت است از: مجموعه ای از عوامل جسمی، ذهنی، اجتماعی یا ترکیبی از آنها، که به نحوی در زندگی شخص اثر سوء بر جای گذارده و مانع ادامه زندگی وی به صورت طبیعی می شود. چنین فردی اصطلاحاً معلول نامیده شده و غالباً به دلیل عدم امکان زندگی مستقل از نظر شخصی و اجتماعی نیازمند توانبخشی است.(۱)

البته این تعریف در مورد ناشنوایان، نابینایان، معلولین حرکتی و ذهنی به گونه خاص و بر اساس اقتضائات آنها ارائه می شود.

معلولیت را در همه فرهنگ ها به دو روش تعریف کرده اند: روش ایجابی و روش

۱- . مجله کار و جامعه، ش۸۷ و ۸۸، ص۳۷.

سلبی. وقتی گفته می شود: بیماری چشم داشتن؛ انسداد مجرای گوش داشتن؛ داشتن ویروس فلج اطفال؛ داشتن اعتیاد به مسکرات؛ گرفتگی رگ های یا انسداد عروقی همه اینها به جنبه ایجابی معلولیت اشاره می کند. اما وقتی می گوییم: نداشتن بینایی؛ فقدان شنوایی؛ ناتوانی در حرکت و راه رفتن؛ فقدان توانایی در ارتباط با مردم، این موارد به جنبه سلبی معلولیت اشاره دارد. از نظر مفهومی تفاوتی ندارند و هر دو شیوه به یک مفهوم اشاره می نمایند. از منظر دیگر گاه معلولیت به غایت ارجاع می شود و گاه به مبدأ. در جملات ناتوانی از انجام امور منزل؛ ناتوانی از تحصیل به روش طبیعی و عادی؛ ناتوانی از دیدن مناظر و توصیف آنها؛ ناتوانی از کسب حرفه و اشتغال ناتوانی با غایت مرتبط به آن مرتبط شده است؛ اما جملاتی مانند ناتوانی چشم از دیدن؛ ناتوانی در شنیدن و در سخن گفتن؛ عدم توانایی در حرکت و راه رفتن به مبدأ ناتوانی اشاره می نماید. برخی معلولیت را به صورت اول تعریف کرده اند و بعضی به صورت دوم و بعضی هم ترکیبی از هر دو را عرضه کرده اند.

اما از نظر واژه گزینی در فرهنگ فارسی معلول و معلولیت و علیل؛ ناتوان و فاقد توانایی و توان خواه و توان یاب؛ در مقابل توانگر و توان بخش، مددجو و مددخواه و مددطلب در مقابل مددگر؛ یاری جو و یاری خواه در مقابل یاری گر و در نابینایان، واژه روشندل و بصیر و در گذشته کور؛ ناشنوا به ازای نشنیدن و سخن نگفتن و در قدیم کر و لال؛ فاقد تحرک و حس حرکتی در گذشته با نام شَل یا علیل و اکنون اغلب به نام معلول حرکتی شناخته می شوند.

اما در فارسی کنونی واژه های معلول و معلولیت، نابینا و نابینایی، ناشنوا و ناشنوایی بیشتر از دیگر واژه ها کاربرد و بسامدی دارد.

یک نکته مهم که در تعریف معلول و معلولیت باید مورد توجه قرار گیرد، تعریف انسان و ارتباط آن با معلولیت است. کسانی که برای معلولین حق حیات قائل نیستند در واقع آنها را غیر انسان و دون انسان دانسته و معتقدند نداشتن بینایی یا شنوایی یا تحرک و حرکت موجب خروج از جرگه انسانیت می گردد. این دیدگاه در نظریه پردازی و حداقل در عمل از قدیم طرفدارانی داشته است و بر اساس همین دیدگاه، فتوا به کشتار معلولین می داده اند. اما اشتغال تابع باور به حیات است. اما

کسی که اعتقاد به زنده بودن و حیات ندارد، اشتغال را هم کنار می گذارد.

متون اسلامی از انسانیت معلولین دفاع کرده و فقدان بینایی و دیگر معلولیت را مرتبط به جسم آدمی نه روان و شخصیت انسانی انسان می داند. و معلولیت را مخل به انسانیت نمی داند.

اما در مبحث اشتغال معلولیت و معلول باید جوری تعریف شود که اشتغال منظور شود. یعنی تعریف بر اساس اشتغال عرضه شود. بر این اساس معلولینی هستند که درجه معلولیت آنان زیاد و توانایی کار ندارند. اینان باید از قانون تأمین اجتماعی برخوردار شوند و حقوق ماهانه و مخارج آنان تأمین گردد. اما گروه های از معلولین هستند که ناتوان صد در صد نیستند بلکه درصدی ناتوان و در مقابل از برخی امور توانا می باشند. لازم است مشاغل نسبت به هر گروه مشخص شود و مثلاً ناشنوایان این پنجاه شغل را می توانند انجام دهند و ترتیب اولویت آنها هم چنین است. اگر این اقدام صورت گیرد به تعریف جدید از معلولیت و معلولان می رسیم.

انسانی که محروم از یک عضو هست محروم از سلامت بینایی است محروم از یک بدن سالم است هرگز نباید احساس کمبود در مقابل جامعه بکند. قوام یک انسان به فکر او، به عقل او، به انسانیت او، و به ایمان اوست. اگر آدمیت به چشم و زبان و گوش و بینی است، پس حیواناتی که چشم و بینایی قوی تر یا شنوایی قوی تر دارند،باید انسان تر باشند. در حالی که چنین نیست و کسی نگفته مثلاً- سگ چون شامه اش قوی تر از انسان است پس انسان تر است. انسانی که دست ندارد یا پا ندارد، این یک انسان است. این یک انسانی است که همانند دیگران بنده خداست و در همه امکانات و شرایط با دیگر آحاد جامعه مساوی و برابر است. بالاخره قوام و رکن انسانیت به اعضاء و جوارح جسمانی نیست بلکه به تفکر، اندیشه، اخلاقیات، تقوا، باور و عمل به ارزش ها و خدمت کردن به مردم است.(۱)

خلاصه اینکه پنج نوع معلولیت اصلی وجود دارد:

۱- . محمدی گلپایگانی در همایش عنوان سخنرانی اشتغال معلولان از دیدگاه اسلام.

* بینایی

* شنوایی – تکلمی

* حرکتی

* ذهنی

* اجتماعی

همه اینها درجات دارنـد. درجات شدیـد قابل توانبخشـی نیست و معلول تحت پوشـش تأمین اجتماعی قرار گیرد و در درجات غیر شدید، فرد دارای معلولیت با مهارت افزایی و توانبخشی، آماده انجام شغل می گردد.

دربـاره آموزش مهـارت و توانـایی در فصول بعـداً بحث می کنیم امـا آیـا مشاغل برای معلولین محـدودیت دارد و آیا مشاغلی هست که معلولین نتواننـد انجام دهنـد؟ پاسـخ منفی است و همه مشاغل را معلولین می تواننـد انجام دهنـد. سـرفصل های کلی مشاغل عبارت اند از:

پزشکی، مهندسی، خدماتی، علمی، فرهنگی، کشاورزی، هنری، ورزشی، صنعتی و آموزشی

معلولین در همه این ده طبقه مشاغـل، موفقیت داشـته انـد. اما لازم است شـبکه مشاغل و زیر مجموعه هر یک از سـرفصل های مزبـور را معرفی کنیـم. ایـن مبحـث هم به فصـول آتی موکـول می شـود. نـتیجه اینکه کاریـابی و اشـتغال هر فرد مبتنی بر نـوع معلولیت آن فرد است. مشـکل تصمیم سازان و برنامه ریزان در این است که دو طیف مشاغل و معلولین شناسایی و انطباق آنها هم کارشناسـی نشده است. اگر شـبکه افراد دارای معلولیت از صـفر تا صد و شـبکه مشاغل از صفر تا صد ترسیم گردد، معلوم خواهد شد کدام دسته از معلولین در کجای شبکه شغلی می توانند چه کاری را انجام دهند.

تجربه جهانی

کشورهای اروپایی پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴–۱۹۱۸) و جهانی دوم (۱۹۳۹–۱۹۴۵) با خرابی های فراوان، جمعیت بسیار معلولان و آسیب دیدگان

مواجه بودند. اما با روش معقول و اتخاذ تدابیر درست توانستند در مدت زمان محدود و با هزینه کردن های معین بر مشکلات فائق آمده و بر اوضاع مسلط شوند.

شیوه ای که در آلمان، فرانسه، انگلستان و دیگر کشورها انجام یافت و توانستند به سرعت (کمتر از یک دهه) مشکلات معلولین از جمله بیکاری معلولین را سامان دهی کنند، متأسفانه در ایران مطالعه و شناسایی نشده است. عجب اینکه ده ها و صدها موضوع از غرب به ایران آمده و دانشجویان ایرانی به عنوان پایان نامه در مقاطع مختلف درباره این موضوعات پایان نامه و مقاله نوشته اند، استادان کنفرانس داده اند. درباره کتاب های کانت، هگل؛ درباره افکار متفکران غربی، درباره شیوه بانکداری، درختکاری، لباس پوشیدن، پرورش سگ و گربه و خلاصه هزاران موضوع و سوژه غربی، در ایران مطلب نوشتند اما دریغ از یک پایان نامه یا یک مقاله درباره اشتغال و شیوه شغل یابی و اشتغال زایی معلولان در غرب.

بالاخره تجارب غربی ها را نیاوردند و بومی سازی نشد، از طرف دیگر نخبگان و متفکران و محققان داخلی در این باره اقدامات جدی نداشته اند.

منظور تدبیرها و مطالعاتی است که به تدبیر و خط مشی و برنامه کارشناسی شده و چهارچوب مند منجر شود و به صورت برنامه های عملیاتی تدوین گردد. سپس در فازبندی های مشخص و زمان بندی دقیق اجرایی شود.

خلاصه اینکه جامعه معلولین در زمینه اشتغال نه صاحب برنامه وارداتی شد و نه برنامه ای داخلی برای این مظلومین تدوین و آماده شد. و هنوز هم نشده است.

چرا چنین شد و چرا اینان به این سرنوشت دچار شدند؟ هر فصل کتاب به گوشه ای از این مشکل می پردازد. ولی اینجا اجمالاً گزارشی از بعضی اقدامات غربی ها در زمینه اشتغال معلولین در غرب را می آورم و کارهای بنیادی که از ابتدا شروع کردند را معرفی می کنم.

نهاد تأمین اجتماعی جهت رسیدگی به معلولانی که توانایی خود را از دست داده بودند، اولین بار به صورت قانون فراگیر در سال ۱۹۳۵ در آمریکا و در سال

۱۹۴۴ در بریتانیا با تأسیس مرکز تأمین اجتماعی اجرایی گردید.(۱)

جوامع دیگر مثل جامعه یهود در آمریکا و اروپا بیکار ننشستند و شروع به اقداماتی برای رسیدگی به معلولین کردند.(۲)

چون اروپا بیشتر در جنگ آسیب دیده بود، فعالیت های خیرخواهانه و انسانی در کشورهایی مثل فرانسه بیشتر بود. به ویژه در زمینه امور زیربنایی مثل آموزش و پرورش اقدامات فراگیر برای مهارت افزایی معلولان انجام شد.(۳)

در عرصه آموزش و پرورش معلولین اقدامات اساسی بعد از به ویژه جنگ جهانی دوم انجام یافت و با آموزش انواع مهارت ها، معلولین را آماده می کردند تا در مشاغل گوناگون فعال شوند.

مراکز و نهادهای بسیار تأسیس شد، مراکز حرفه ای و کارگاه های حمایت شده ای جهت مهارت افزایی ایجاد شده است. مثل سازمان بین المللی کار که مهم ترین نهادی است که به مشکلات انسان های معلول و نیز ناشنوایان، اهتمام می ورزد. این سازمان، در ۱۹۲۱، به اجباری کردن استخدام کارگرانی که در هنگام کار، معلولیتی مانند ناشنوایی پیدا کرده اند، گامی جدی برای احقاق حقوق آنها برداشت.

مراکز خیریه، مراکز وقفی (موقوفه ای) در ایران هنوز فاقد اصول و برنامه است.با اینکه در قرآن و سنت راهبردهای بسیار مهم وجود دارد. کشیشی می گفت غربی ها، آموزه های مسلمانان در زمینه وقف را گرفتند و بنیادهای وقفی ایجاد کردند که می تواند میلیون ها نفر را از فقر و بدبختی نجات دهد. بنیادهایی که چند سده قدمت دارد و هر سال به ثروت و دارایی های آن افزوده شده است. اما در ایران به ندرت موقوفه ای یافت می شود که چند دهه قدمت داشته باشد. اگر پیدا شود با بنیاد نحیف و ضعیف مواجه خواهیم شد. با اینکه اگر فقط موقوفات صفویه تداوم یافته بود امروز می توانستیم همه معلولان را به خوبی اداره کنیم.

۱- . دانشنامه دانش گستر، ج۵، ص۶۶۷؛ دانشنامه ناشنوایان، ج۱، ص۳۸۱.

۲- . دانشنامه ناشنوایان، ج۳، ص ۱۳۷۴-۱۳۷۵.

۳- . دانشنامه ناشنوایان، ج۲، ص۸۵۹.

همایش های متعددی که از ابتدای سده بیستم در این زمینه تشکیل شد، ایده حمایت از معلولان را پیگیری و توجه همگان را به ابعاد این مسئله، جلب کرد. برای نمونه، کنفرانس بین المللی کار در ۱۹۴۴ در فیلادلفیا، در نهادینه کردن اقدامات حمایتی، مؤثر بود. این کنفرانس در ۲۲ ژوئن ۱۹۵۵ مجدداً تشکیل جلسه داد. و با صدور سندی، تحولی در توانبخشی حرفه ای معلولان پدید آورد.(۱)

همه یا بسیاری از مشکلات اشتغالی معلولان در اروپا و آمریکا سامان دهی شده و آنان از رفاه و معیشت و شغل مطلوب تقریباً برخوردار هستند. اینکه اینان چکار کردند و چه اقداماتی انجام دادند و ما چه تجاربی از آنان می توانیم اخذ کنیم، بسیار سریع است. اینجا به اهمّ اقدامات آنان می پردازیم. سپس درصدد هستیم با مطالعه متن این گزارش ها نکته ها را استخراج و به تجزیه و تحلیل آنها بپردازیم.

ابتدا به تاریخچه ای از اقدامات انجام شده در سطح جهان اشاره می کنیم. اولین قانون توانبخشی حرفه ای در سال ۱۹۱۹ در آمریکا به تصویب رسید. در سال ۱۹۶۵ ایالات متحده آمریکا مطالعه ای را در مورد جنبه های قانونی در توانبخشی معلولین در چند کشور منتخب انجام داد.

اولین کنفرانس بین المللی مربوط به مسائل قانونی معلولین در سال ۱۹۷۱ در رم برگزار شد و پیام آن چنین بود که قوانین اساسی می بایست به نحوی تدوین شوند که موجب درک و شناخت اصول توانبخشی باشند. آنچه که امروزه به برابری فرصت ها تعبیر می شود و این امر را وظیفه دولت ها دانسته اند که شاهد و ناظر سازمان های معلولین باشند تا قوانین را آماده و اجرا کنند.

دومین کنفرانس بین المللی مربوط به قوانین معلولین در سال ۱۹۷۸ در مانیل برگزار شد که ضمن تصریح یافته های اولین کنفرانس، توصیه نمود که قوانین مربوط به افراد معلول می بایست در یک مجمع هماهنگ ملی که از نمایندگان سازمان های ذیربط، مؤسسات داوطلب و سازمان های معلولین تشکیل شده تدوین شود. در این کنفرانس تأکید شد که موارد زیر در دستور کار و وظایف چنین

۱- .همان، ج۱، ص ۱۲۱-۱۲۲.

مجمعی قرار گیرد:

تعیین نیازها، تدوین برنامه های جامع، مشاوره و توصیه به دولت در تمام جنبه های مربوط به معلولین و ارزشیابی ثمر بخش بودن خدماتی که ارائه می شود. کنفرانس اخیر، شناسایی پیوند معلولین با جامعه را در جایگاه افرادی مستقل و متکی به خود به عنوان هدف خدمات توانبخشی و رفاهی معلولین توصیه می کند. البته دو سال قبل از این کنگره در سال ۱۹۷۶، سازمان ملل، سازمان بهداشت جهانی و سازمان بین المللی کار، مشترکاً مقایسه ای را در مورد قوانین، سازمان و اداره خدمات توانبخشی معلولین در ۴۹ کشور عضو انجام دادند.

در سال ۱۹۸۰ وقتی که منشور دهه هشتاد تصویب شد نقطه نظرهای اصلی کنفرانس رم و مانیل مجدداً تصریح شد و تأکید گردید که به مهم ترین حق معلولین یعنی مشارکت در تصمیم گیری هایی که به زندگی آنها مربوط می شود و بر آن اثر می گذارد اولویت داده شود. در گرد همایی بین المللی متخصصین قوانین مربوط به برابری فرصت ها برای معلولین که در ژوئن ۱۹۸۶ در وین برگزار شد تمامی موارد بالا مورد تأکید قرار گرفت.

در بین نتایج به دست آمده پیشنهاد شد که اولین هدف قوانین باید تحقق کامل ترین شکل ممکن یکپارچگی و پیوند اجتماعی، اقتصادی معلولین در خانواده و جامعه باشد.

در دو کنگره بین المللی توانبخشی که در سال های ۱۹۸۴ در لیسبون پرتقال و ۱۹۸۸ در توکیو، ژاپن برگزار شد، ده مقاله منتخب در جلسات تخصصی مربوط به بحث قانون و معلولین ارائه گردید که در بررسی حاضر علاوه بر مطالعات انجام شده در متون مختلف توانبخشی. تمامی مقالات کارشناسان و صاحب نظران توانبخشی که در این دو کنگره به صورت سخنرانی ارائه شده است. مورد مطالعه دقیق قرار گرفته است.

سخنرانی های ایراد شده در سال ۱۹۸۴ از سوی نمایندگان توانبخشی کشورهای اطریش، ایالات متحده آمریکا، جمهوری فدرال آلمان و کمیسیون جوامع اروپایی و مجمع ملی معلولین ایالات متحده و در کنگره سال ۱۹۸۸ صاحب نظران توانبخشی کشورهای مالزی، آفریقا، ژاپن، برزیل و فیلیپین بحث

حمایت های قانونی را مطرح کرده انـد. و بدین ترتیب مشاهده می شود که با طرح نکات عمده این بحث ها، طیفی گسترده از نظرات کارشناسی در کشورهای مختلف جهان را در اختیار خواهیم داشت.

کشورهـای اروپـایی به دلیـل جنـگ هـای جهـانی و وسـعت خرابی ها و معلول شـدن افراد بسـیار توانسـتند در کمتر از ده سال مشکلات مرتبط به معلولین را سامان دهی کنند.

از ایـن رو در زمینه توانبخشـی، منـاسب سـازی، اشـتغال و غیره تجـارب و دسـتاوردهای مهمی کسب کننـد. به ویژه در عرصـه اشـتغال تجارت مهمی دارنـد. گسسـتگی ایران با اروپا و عدم ارتباط مناسب موجب شده تا این تجارب بومی نشود و به دسـت معلولین نرسد.

سازمان بین المللی کار

سازمـان جهانی کار که به صورت مخفف ILO نامیـده می شود. نـام کامل آن این گونه است: International labour organization.

در فارسـی آن را سازمـان بین المللی کـار یـا سازمـان جهـانی کـار می نامنـد. این سازمـان وابسـته به سازمـان ملـل متحـد و از کـارگزاری های تخصصـی این سازمان است که در ۱۹۱۹م تشـکیل شـد. مرکز آن در ژنو پـایتخت سوئیس است. در ۱۹۶۹م جـایزه نوبـل به این سازمـان تعلق گرفت. این سازمـان مؤظف است کار و اشـتغال در کشورهای عضو را سامان دهی و نظارت کند. یکی از وظایف این سازمان رسیدگی و نظارت بر اشتغال قشرهای خاص از جمله معلولان است.

این سازمـان در روز جهـانی معلولاـن، گزارش جدیـدی منتشـر کرد که بر اساس آن، گر چه طی سال های اخیر پیشـرفت های چشـمگیری در بهبود معاش و شرایط زندگی معلولان حاصل شده است، اما باید تلاش های بیشتری به عمل آید تا بتوان موانع پیش روی این گروه را از میـان برداشت و به آنهـا کمـک کرد تـا امکان کار و فعالیت داشـته و در رشـد اقتصادی جوامع خود سهیم باشند.

عنوان گزارش سازمان جهانی کار «حق کار شایسته برای معلولان» است، و بر

این نکته تأکید دارد که اتخاذ اقدامات و تلاش های بیشتر برای رفع موانع پیش روی مشارکت معلولان در جامعه، بسیار حیاتی و حایز اهمیت است، زیرا نه تنها سهم معلولان را در بازار کار بیشتر می کند و سهم آنها را در فعالیت های اجتماعی افزایش می دهد و منجر به رشد و توسعه روستایی و نیز اجرای موفق برنامه های کاهش فقر می شود، بلکه در تحقق سریع تر یکی از اهداف توسعه هزاره مؤثر است که همان به نصف رساندن شمار فقیران جهان تا سال ۲۰۱۵ است.

بنابر آمارهای سازمان جهانی کار، نزدیک به ۶۵۰ میلیون نفر از جمعیت جهان معلول هستند یا از هر ۱۰ نفر یک نفر دچار معلولیت است و از این تعداد حدود ۴۷۰ میلیون معلول در سن کار هستند. گر چه بسیاری از این افراد به طور موفق کار می کنند و کاملاً جذب جامعه شده اند، اما معلولان گروهی هستند که معمولاً میزان فقر و بیکاری در میان آنها بیشتر است. گزارش جدید سازمان جهانی کار حاکی است که بین فقر و معلولیت رابطه ای قوی وجود دارد و ۸۰ درصد از کل معلولان جهان در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند. همچنین نزدیک به ۴۲۶ میلیون نفر معلول زیر خط فقر به سر می برند و ۱۵ تا ۲۰ درصد از آسیب پذیرترین و حاشیه نشین ترین فقیران کشورهای در حال توسعه، معلولان هستند.

«جان سوماویا»، دبیرکل سازمان جهانی کار در این زمینه می گوید: هدف اصلی و عمده این سازمان، فراهم آوردن فرصت کار شایسته برای همه مردم است. وقتی ما حقوق و عزت نفس و کرامت انسانی معلولان را افزایش می دهیم، در حقیقت افراد را توانمند می سازیم و جوامع را غنی و اقتصادها را قدرتمند می کنیم. ما باید تلاش هایمان را افزایش دهیم تا روند تغییرات را سرعت بخشیم.

بخش «افزایش مهارت ها و ایجاد قابلیت های اشتغال» ILO، اشاره به پژوهش های بانک جهانی در این زمینه دارد که برآورد کرده است، ضررهای اقتصادی جهانی در اثر محرومیت اجتماعی افراد از بازار کار و عدم حضور در فعالیت های اقتصادی برحسب تولید ناخالص داخلی یا GDP، سالانه بین ۳۷/۱ تا ۹۴/۱ تریلیون دلار است و اضافه می کند که از این رو ایجاد مشاغل شایسته برای افراد معلول از حیث اجتماعی و نیز اقتصادی مهم است.

گزارش جدید ILO بر چالش های متعددی تأکید دارد که در محیط های کاری در

برابر معلولان موجود است و از جمله آنها می توان به تمرکز معلولان در مشاغل پایین و دارای دستمزد اندک، مشکلات مرتبط با رفت و آمد به محیط کار، مشکلات مسکن و حمل و نقل، خطر از دست دادن مزایا هنگام شروع کار و تعصب و برخورد ناصحیح سایر کارگران در محیط کار و کارفرما و کل جامعه با آنها اشاره کرد. این گزارش همچنین تأکید دارد که در محیط های کاری در بین معلولان در مقایسه با افراد سالم میزان بیکاری بیشتر و سطح درآمد کمتر است یا اغلب معلولان در مشاغلی پایین تر از تخصص خود استخدام می شوند.

گزارش سازمان جهانی کار در عین حال حاکی است این وضعیت نشانه آن نیست که هیچ گونه پیشرفتی در این زمینه حاصل نشده است، طی سال های اخیر رشد چشمگیر تصویب قوانین ملی در کشورهای مختلف در مورد منع تبعیض علیه معلولان دلگرم کننده بوده است، گو این که تصویب قوانین در این حوزه به تنهایی، اجرای آنها را ضمانت نمی کند. تلاش های دایمی سازمان های بین المللی، به خصوص ILO از حیث ارتقای فرصت ها و رفتار برابر در زمینه اشتغال ادامه دارد تا محرومیت اقتصادی و اجتماعی معلولان را به طور زیادی کاهش دهد.

سازمان جهانی کار بر این باور است که کنوانسیون جدید سازمان ملل در مورد حقوق معلولان که در دسامبر ۲۰۰۶ تصویب شد، باعث تشدید اقدامات در سطح کشوری و جهانی می شود و نیروی جدیدی برای از بین بردن تبعیض علیه معلولان به شمار می آید و منجر به افزایش حضور مثبت آنها در بازار کار می شود. اصول این کنوانسیون جدید سازمان ملل مطابق با استانداردهای ILO در این زمینه، از جمله کنوانسیون شماره ۱۵۹ سازمان جهانی کار است که در مورد «رشد توانایی های حرفه ای و شغلی معلولان» است.

تا کنون ۸۰ کشور، کنوانسیون ۱۵۹ را پذیرفته اند. در این کنوانسیون تأکید شده است که باید در مورد اجرای سیاست های ملی مرتبط با رشد توانایی های حرفه ای و شغلی، با سازمان های نماینده کارگران و کارفرمایان و سازمان های نماینده معلولان مشورت شود. در کنوانسیون جدید نیز در مورد مسئله مشاوره با گروه های مهم ذی ربط تأکید شده است. به علاوه گزارش ILO حاکی است که اگر دولت ها، کارفرمایان و اتحادیه های کارگری سیاست های عدم تبعیض

علیه معلولان را اجرا کنند، این اقدام در مدیریت معلولیت در محیط های کار نقش مهمی خواهد داشت.

در سال ۲۰۰۷، سازمان جهانی کار در روز جهانی معلولان برنامه جدیدی را جهت اعتلای اصول کار شایسته در بین معلولان، شروع کرد. این سازمان می گوید، امیدوار است چنین اقداماتی کمک کند تا مسائل مؤثر بر معلولان در جهان کار بیشتر درک شود و نیز باعث جلب حمایت های تازه ای از حقوق آنها در محیط کار شود.(۱)

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است ارتباط سازنده و نظام مند با این سازمان، سازمان های مشابه برقرار کند، از امکانات اینگونه سازمان ها در جهت توسعه وضعیت معلولان استفاده کند. اما گزارش منظمی در این باره شنیده نشده است.

خلاصه اینکه ده ها اقدام حقوقی، آموزشی و غیره منجر به خط مشی و برنامه مدون در اشتغال معلولین در اروپا گردید. این برنامه از زیر ساخت های بنیادی مثل اطلاعات و آمار دقیق، شفافیت و حمایت افکار عمومی برخوردار بود.

نهادهای مدنی، مراکزی، پژوهشی و اطلاع رسانی تأسیس کرده بودند انواع اطلاعات معلولان جمع آوری شده بود. بنابراین هر اقدام و تصمیمی مبتنی بر اطلاعات دقیق بود. از طرف دیگر مردم و افکار عمومی حل مشکلات را خواستار بودند و هر مدیری تلاش نمی کرد یا کم کاری داشت، نهادهای مدنی برخورد می کردند و فشار می آوردند. مثل ایران کنونی نبود که هیچ نظارتی روی کار مدیریت ها نیست و آنان هم خود را پاسخگو نمی دانند.

نتیجه و سر جمع همه اقدامات و تلاش های مستمر حدود هفت دهه، وضعیت کنونی معلولین در اروپا و آمریکا است. گزارش هایی که از زندگی آنان در بلژیک، فرانسه و دیگر جاها می خوانیم، فکر می کنیم رمان است و کسی بر اساس خیالات خودش نوشته است. در حالی که واقعیت دارد.

ص: ۴۳

۱- . مجله توان یاب، ش۳۱، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۲۱-۲۲.

فصل دوم: مبانی و بنیادها

اشاره

ص: ۴۵

اشتغال یا کاریابی Employment به مجموعه اقدامات و فعالیت هایی گفته می شود که شامل جستجو و پیدا کردن کسب و کار و ایجاد کار و فعالیت درآمدزا، برای بیکاران شود. اشتغال ابعاد پیچیده دارد و چون مرتبط به نظام اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی موجود است، از ظرفیت ها و مشکلات موجود در این نظام ها تأثیر می پذیرد.

این فصل به مبانی و زیربناهای حقوقی، اجتماعی و فرهنگی اشتغال می پردازد یعنی از مجموعه عناصری که اشتغال متکی به آنها و مبتنی بر آنها است، بحث می شود. این عناصر زیربنایی عبارت اند از:

* حق حیات

* حق مشارکت اجتماعی

* آموزش پذیری

* مهارت پذیری

* حق ورود به بازار کسب و کار (عدم محجوریت)

* تعهد دولت و نیکوکاران

* نفی تبعیض

* ضرورت کوشش

اشتغال در مواردی مطرح است که این هشت عنصر حضور داشته باشند. ولی اگر این عناصر نباشند و منتفی باشند اشتغال هم منتفی خواهد شد. برای مثال اگر حق حیات برای معلولین قائل نباشیم و مثل فلاسفه یونان باستان معلولان را سربار جامعه و موجودات غیر سودمند بدانیم، لزوماً به این نتیجه می رسیم که نیاز به شغل و اشتغال هم ندارند. و شغل داشتن فرع بر حیات و زندگی است. اما کسی که زندگی ندارد، در آمد و شغل هم نمی خواهد.

از دیگر سو آسیب اشتغال، فقدان حیات است. مشارکت اجتماعی موجب شکوفایی اشتغال و برعکس فقدان مشارکت آفت جامعه فعال و سرنوشت ساز است. بنابراین اشتغال و فعالیت در زمینه کار مبتنی بر هشت عنصر فوق است.

حق حیات

اشاره

گرچه از زمان های دور اطلاعات کافی در برخورد با معلولین در دست نیست ولی آنچه مسلم است این گروه از جامعه معمولاًـ با مرگ زودرس مواجه بوده اند. این مرگ و میرها در اغلب موارد ناشی از خود معلولیت و عوارض آن نبوده بلکه مرگی تحمیل شده از سوی انسان های مخالف معلولیت بوده است.(۱)

معلولی که نمی توانسته خود را با حوادث روزگار وفق دهد و نیازهای روزمره خود را تأمین کند، جایی در جامعه نداشته است. از این رو آنان یا به دست تقدیر در معابر رها می شدند و یا بر اساس خرافاتی که در جامعه وجود داشت به روشی نابود می شدند. حتی شنیده شده که هم اکنون در برخی روستاهای دور دست ایران، شوم بودن حضور نوزاد معلول مطرح است؛ با اعتقاد به کشتن او به طرز وحشیانه این گونه عمل می کنند: نوزاد را در طویله حیواناتی مثل الاغ و گوسفند رها کرده و نوزاد زیر دست و پای حیوانات از بین می رود. یا روی کوه بلندی می گذارند تا عقاب او را ببرد.(۲)

آراء تاریخی در جوامع مختلف

با ظهور اسلام، تحولی در مسیر دستگیری ناتوانان و محرومین در جوامع رخ داد. معلولینی که در این جوامع زندگی می کردند به تناسب سطح آگاهی جامعه کما بیش از توجه خاصی برخوردار بودند. در سرنوشت خود حضور پیدا می کردند. ولی در اغلب جوامع دیگر وضع متفاوت بود و اثری از انسان دوستی، ترحم و نوع دوستی وجود نداشت و عملاًـ به کشتار معلولین می پرداختند. مثال مشهود آن کشتار دسته جمعی معلولین به وسیله رژیم نازی هیتلری آلمان است.

طبق اسناد دادگاه نورم برگ حدود ۰۰۰/۳۰۰ نفر معلول قربانی جنایت

ص: ۴۷

۱- . سید مجید میرخانی، معاون امور توانبخشی، سخنرانی با عنوان «جایگان توانبخشی حرفه ای و اشتغال معلولین در نظام توانبخشی»، ص۳۸ (جزوه)

۲- . این نکات از برخی طلاب که به دهات دور دست لرستان یا کردستان برای تبلیغ رفته بودند شنیده شد.

هیتلری شده اند. زیرا بر این عقیده بوده اند که وجود معلولین فایده ای برای رژیم مربوطه نداشته و می بایست حذف گردند.

اما طرز فکر حذف معلولین به تدریج در بسیاری از جوامع و مردم شهرنشین منسوخ گردید و تفکر انسان دوستی و هم نوگرایی جایش را فراگرفت.(۱)

بر دیوار معبد مصری قدیمی تصویری هست که پای فلج کودکی را نشان می دهد. این دیوار و این تصویر مربوط به پنج هزار سال قبل است.(۲) باستان شناسان در پرو (آمریکای جنوبی) جمجمه انسانی را پیدا کردند که روی آن سوراخ شده بود. این جمجمه نشانگر اعتقاد در بین قبایل قدیمی است که معتقد بودند آدم هایی که معلولیت ذهنی و بیماری روانی دارند. باید سوراخی روی سر آنها بشود تا ارواح شیطانی از سر آنها خارج گردد. این باور در تورات هم آمده است.(۳)

بخت النصر بنیان گذار بابل همچنین عقیده ای داشت در ایران قدیم کسانی که بیماری صرع داشتند معتقد بودند، بیمار به عارضه مقدس یا الهی دچار شده، چنانکه یکی از پادشاهان ساسانی به نام کامبیز چنین بود.(۴)

همه این موارد نشانگر این است که معلولیت از هزاران سال قبل مطرح بوده و رؤسای جوامع برای درمان و علاج معلولیت تدبیرها داشتند و بر باورهایی عمل می کردند. در مقابل، بعضی از قدیم باور داشتند که معالجه و درمان معلولین صحیح نیست و معلولین باید از بین بروند و از حیات ساقط شده و بمیرد. حتی فلاسفه ای مثل ارسطو و افلاطون هم چنین نظری داشتند و برای نابودی معلولین راه هایی عرضه می کردند. مثلاً در روم باستان، نابینایان را در کوه یا جنگل رها می کردند تا بمیرند یا طعمه حیوانات شوند.(۵) دیدگاهی هم معتقد بود معلولان باید با آزار و اذیت نابود شوند.

۱- . سید مجید میرخانی، جزوه، ص۳۹ به بعد.

۲- . سیکولوجیه ذوی الاحتیاجات الخاصه، السید فهمی علی، ص۲۸۱.

۳- . همان.

۴- . همان، ص ۲۸۲-۲۸۱.

۵- . همان، ص۲۸۲.

دیدگاه اسلام

قرآن کریم و معصومین علیهم السلام در جاهای مختلف به نفی کشتار و ردّ قتل یکدیگر؛ نیز اهتمام به نوع بشر و دوست داشتن ابناء آدم و نوع بشر پرداخته اند. در دوره جاهلیت دختران خود را زنده به گور می کردند چون از عواقب مثل فقر، در خانه ماندن و شوهر نیافتن یا اسیر شدن در جنگ می ترسیدند و با روشی آنها را می کشتند. قرآن خطاب به کسانی که به نابودی حیات انسان می پردازند می فرماید: بای ذنب قتلت.(۱) به کدام گناه کشته شده.

قرآن در آیات متعدد به کشتن انسان ها اعتراض کرده و یک اصل مهم انسانی و اجتماعی به نام «اصل نوعدوستی» را مطرح نموده است. افراد عضو یک جامعه نه تنها نباید برای نابودی یکدیگر تلاش کنند بلکه لازم است یکدیگر را دوست داشته باشند و به یکدیگر علاقه داشته و نسبت به یکدیگر مودت و دوستی داشته، در حلّ مشکلات یکدیگر بکوشند و بر اساس رحمت با همدیگر تعامل داشته باشند. قرآن می فرماید جعل بینکم موّده و رحمه، یعنی بین شما دوستی و رحمت گذاشتیم.(۲)

رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلم و قرآن بر اساس اصل نوعدوستی (رحمت و مودت اجتماعی)، دیدگاه حیات آنان را مطرح کرد. از پیامبر، احادیث بسیار در این زمینه رسیده است، مثل این موارد:

اَبغُونی فی الضعفاء فانما تنصرون و ترزقون بضعفاءکم(۳)

یعنی مرا یاری کنید در مورد اقشار آسیب دیده و ضعیف همانا نصرت و پیشرفت و تمشیت امور اقتصادی به واسطه ضعفاء جامعه است.

رسول خدا در این روایت، خواستار حمایت جامعه از اصلاح امور ضعیفان شده است؛ زیرا توانمند شدن و مشارکت آنان در جامعه موجب ورود نیروی اجتماعی جدید می شود و نهایتاً به پیشرفت و آبادانی جامعه می انجامد.(۴)

۱- . تفسیر نوین، محمدتقی شریعتی، ص ۸۴-۸۵؛ الفرقان، ج۲۹، ص ۴۳۸-۴۴۲؛ ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۰-۳۵۱؛ سوره تکویر، آیه ۹.

۲- . سوره روم، آیه ۲۱.

۳- . اسلام و تأمین اجتماعی، ص۲۸۸.

۴- . همان.

در جای دیگر می فرماید: ترک السلام علی الضریر خیانه؛(۱) یعنی سلام نکردن به نابینا خیانت است.

خیانت مصادیقی مثل عهد شکنی دارد؛(۲)

بی توجهی و سلام نکردن به نابینا را پیامبر خیانت و ناپسند می داند. سلام و احترام نهادن نوعی از انسان دوستی است.

حضرت علی علیه السلام در فرمان به مالک اشتر می گوید: وَ أَشْعِرْ قَلْبَک الرَّحْمَهَ لِلرَّعِیهِ وَ الْمَحَبَّهَ لَهُمْ وَ اللُّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَکونَنَّ عَلَیهِمْ سَبُعاً ضَارِیاً تَغْتَنِمُ أَکلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَک فِی الدِّینِ وَ إِمَّا نَظِیرٌ لَک فِی الْخَلْقِ. یعنی قلب خود را برای مهربانی و دوستی با مردم آماده کن و با آنان ملاطف بنما، با آنان مثل حیوان درنده که در پی فرصتی برای دریدن و نابودی مردم هستند، رفتار مکن. مردم دو گروه هستند: یا با تو هم دین هستند در این صورت برادر دینی تو می باشند و یا هم کیش تو نیستند که در این صورت مثل تو انسان می باشند و خلقت شما یکی است.

دکتر سید فهمی علی که سال ها استاد دانشگاه منصوره در مصر جامعه شناسی معلولین را تدریس می کرده در کتابی احادیث و آیات فراوان نقل کرده و ثابت نموده که اسلام از ابتدا در پی رسیدگی به معلولین و ممانعت از آزار و اذیت آنان و تأسیس تأمین اجتماعی برای آنان بوده است. اما دیدگاه اسلام کمتر به غرب معرفی شده و در دانشگاه های غربی تدریس شده است.(۳)

خلاصه اینکه اسلام معتقد است، جان هر انسان و وجود هر زن یا مرد یا کودک محترم است و کسی حق ندارد حیات کسی را از بین ببرد. زیرا جامعه انسانی مبتنی بر نوعدوستی و علاقه به یکدیگر و تعامل با هم بر اساس رحمت و موّدت پدید آمده است. قرآن می گوید، ساختار جامعه انسانی بر اساس شالوده های خاص یعنی رحمت و مودت شکل گرفته است (جعل بینکم رحمهً و موده)(۴)

۱- . همان.

۲- . تفسیر نوین، ج۱، ص۲۸۱.

۳- . سیکولوجیه ذوی الاحتیاجات الخاصه، ص ۲۸۱-۳۱۱.

۴- . سوره روم، آیه ۲۱.

معلولین هم در چنین جامعه ای زندگی می کنند و مناسبات با آنها باید بر اساس مودت و رحمت باشد. زیرا حق حیات و زندگی دارند. البته حیات بدون اشتغال و درآمد ممکن نیست. هر کس باید بتواند لوازم و اسباب حیاتش را فراهم آورد و این جز با کار اقتصادی و به دست آوردن در آمد ممکن نیست. بر این اساس اشتغال از لوازم و از ضرورت های حق حیات است. چون حیات و زندگی بدون شغل و کار و در آمد ممکن نیست. نتیجه اینکه بیکاری آسیب و آفت برای حیات است. و اشتغال نوعی از حیاتی است که قرآن و سنت بر آن تأکید دارند.

حق مشارکت اجتماعی

اشاره

معلول مثل دیگر انسان ها حق دارد در سرنوشت خود و جامعه خود مشارکت داشته باشد. معلولین نمی توانند به صرف اینکه عضوی از بدنشان آسیب دارد مثلاً بینایی ندارند، خود را کنار کشیده و در پروسه ها و فعالیت های اجتماعی شرکت نکنند.

برخی آیات و روایات در اسلام به معلولین رخصت داده در جهاد و بعضی از فعالیت های دیگر شرکت نکنند و گاه این تعابیر به تبعیض و عدم حق مشارکت تفسیر شده است. با اینکه این موارد صرفاً اجازه و رخصت برای عدم انجام کارهایی است که در طاقت و توانایی آنها نیست. مثل مردم دیگر که حق انجام کارهایی را ندارند نه به دلیل اینکه تمایز و تبعیض باشد؛ بلکه به دلیل این است که این افراد تبحر و توانایی انجام آن کار را ندارند و در صورت انجام به خودشان یا به افراد دیگر ممکن است ضرر وارد کنند. برای مثال کسی که دانش پزشکی ندارد، حق درمان و طبابت ندارد؛ چون تخصص این کار را ندارد و انجام طبابت ممکن است موجب ضرر و زیان گردد.

حق مشارکت معلولان به عنوان یکی از مبانی اشتغال، مشارکت در سرنوشت و در تأمین شغل و کار، و کسب درآمد را تبیین می کند.

سیر تحولات

از کسانی که خواهان حذف کامل معلولین بوده تا کسانی که درصدد مشارکت اجتماعی آنان می باشند، طیفی گسترده از دیدگاه ها هست که

اینجا به برخی از آنها اشاره می شود. حداقل پنج دیدگاه شناسایی شده که اجمالاً اینگونه اند:

۱- حذف معلولین از جامعه

۲- ایزوله سازی معلولین با نگهداری آنان در محیط های دور از خانه

۳- ایجاد محدودیت برای معلولین و نگهداری آنان در شبانه روزی ها

۴- زندگی آنان در کنار خانواده و جامعه با ارتباط محدود با افراد غیر معلول

۵- توانبخشی و مشارکت کامل و گسترده در جامعه

دیدگاه های اول تا سوم اساساً اشتغال و حق کار و حتی حق حیات برای معلولین قائل نیستند. اما دیدگاه چهارم، اشتغال در محدوده خانواده و انجام کارهای محدود و زیر نظر خانواده را قبول دارد. ولی دیدگاه پنجم انسانی است و معلولین را چون دیگر انسان ها می داند.

حذف و نابودی

قبلًا اسنادی درباره شیوه نابود کردن معلولان عرضه کردم. این اسناد بسیار است. ادیانی مثل یهود، ناشنوا را به فقدان سلامت عقل ربط می دادند و معلول را همان کودن یا غیر عاقل تصور می کردند. گاه معلول را به فاقد ایمان و کفر یا حداقل کسی که معنویت ندارد گره می زدند و از ورود ناشنوایان به مراسم یهودیان ممانعت به عمل می آوردند.(۱)

در تاریخ همه جوامع، معلولان تقریباً سرنوشت یکسان داشته اند. سخت گیری ها در همه جا وجود داشته، ولی آنان با سخت کوشی و نشان دادن پاکی و معرفی توانمندی های خود توانستند، جو را عوض کنند و نظرات رهبران را جلب نمایند.(۲)

معلولان مظلوم ترین گروه اجتماعی هستند که رنج و مرارت های بسیار کشیده اند. با اینکه همواره در تلاش بوده و با سخت کوشی به مناصب عالی بعضاً دست یافتند و اغلب سربار جامعه نبوده و با تلاش شخصی مخارج خود را به دست می آورند؛ با این حال در معرض اتهامات و بدتر از آن نظریه های ضد انسانی

۱- . مقاله یهود در دانشنامه ناشنوایان، ج۳، ص۱۳۷۳.

۲- . نگاه کنید به: مقاله یهود در دانشنامه ناشنوایان.

بوده انـد. کسانی از قـدیم نظریه عـدم حیات آنـان را مطرح می کردنـد و نـازی هـا در آلمـان چنـد ده هزار نفر از معلولین را وحشیانه کشتند چون معتقد بودند آنان موجب اختلال در سلامت نسل های حاضر و بعد می شوند و وجودشان هم بی فایده است. البته دیـدگاه هـایی هم بوده و هست که آنـان را انسان های پاک و صـدیق دانسته و تلاش کرده شرایط اجتماعی برای رشـد آنـان را فراهم نمایـد و همواره از حقوق آنـان دفاع کرده است. متأسفانه تا کنون تاریـخ کاملی از معلولیت و معلولان با توجه به رخـدادهای جهانی تألیف نشـده است و بسیاری از حوادث در ابهام است. ولی لازم است با انـدک اطلاعات موجود، تحولات معلولیت را تدوین کرد.

نگهـداری در تبعید: یک دیدگاه و یک شیوه اعمالی در مورد معلولان در طول تاریخ این بود که معلولان حق ورود به جامعه و زندگی در کنار مردم دیگر را ندارند. آنان باید در دور دست و دور از دیگر اقشار مردم زندگی کنند.

این طرز فکر از منـابع مختلف تغـذیه می شـد و تقویت می گشت. گـاه از اسـاطیر کمـک می گرفتنـد و مثلاً ـ می گفتنـد روح شیطـان یا روح شـر و خبیث در معلولان رخنه کرده و در واقع انسان نیستند. گاه از تفکر دینی الهام گرفته و مثلا می گفتنـد به دلیل گناه والدین اینان از انسانیت جدا شده و شیطان شده اند.

این تصور که معلولین خطرناک هستند و اگر در خانه یا جامعه حضور داشته باشند موجب اذیت و آزار مردم می شوند. از این رو مراکزی معمولاً در بیرون شهر یا جاهای دور از دسترس می ساختند و معلولین را در آنجا نگهداری می کردند.

این محل ها که در اروپای قرون وسطی Almshouse نامیده، و در ایران نوانخانه گفته می شد، محرومین، ناتوانان، بیکاران، ولگردان، سالمندان و ایتام و نیز معلولین نگهداری می شدند. و اولین بار در قرن ۱۶م در اروپا رایج گردید.

انگیزه اصـلی مسـئولین نوانخـانه ها انجام خـدمات انسان دوسـتانه نبود، بلکه هـدفشان جمع آوری این گروه از جامعه بود. این روش تا اوایل قرن نوزده میلادی در اروپا رایج بود. بعداً نوانخانه ها اصلاح و تبدیل به کانون های کارآموزی گردید.

محدودسازی

به تدریـج انـدیشه های انسان گرایانه رشد کرد و متوجه شدند معلولین هم انسان هسـتند و همه افراد دارای معلولیت یک جور نمی باشند. نیز

می دیدنـد انواع معلولین با شـدت مختلف که در یک مکان و به صورت مختلط نگهداری می شدند، نه تنها بهداشت فردی و محیطی معلولین را به خطر می انداخت بلکه اثرات سوء روانی در افرادی که صـرفاً معلولیت جسـمی داشتند ایجاد می نمود. از دیگر سو افرادی که نگهـداری می شدنـد اگر دارای رفتـار نابهنجـار بودنـد، روی دیگران تأثیر گذاشـته و رفتارهای خود را به دیگران منتقل می کردنـد. از این رو تفکر، تفکیک معلولین، از حدود ۱۵۰ سال قبل مطرح شد. مراکز خدمات بهداشتی مورد نیـاز و موارد خـاص درمـانی و کم کم آموزش حرفه ای برای آنـان تأسـیس شـد. امّا هنوز این تلقی و ذهنیت وجود داشت که معلولین باید در خانه و در جامعه نباشند و موجودات مسری و خطرناک هستند و لازم است در محل دیگر ولی به تفکیک و با امکانات آموزشـی و بهداشتی نگهداری شوند. در ایران تا مشروطیت که هنوز جامعه مدنی شکل نگرفته بود و جامعه به روش سنتی اداره می شـد، همین تفکر را بـا سـاختن اتاقک هایی در بیرون فضای خانه یا در کنار حیاط خانه عمل می کردنـد. یعنی خانواده هایی که معلول داشتند، او را کنار خودشان معمولاً راه نمی دادند و سازه دیگر برای او می ساختند.

بالاخره نگهداری معلولین در مراکز دور از خانه و جامعه کم کم و طی چند قرن مشروعیت خود را از دست داد. کم کم مردم و رهبران دینی در اروپا متوجه حقایق شدنـد و فهمیدنـد معلولان هم انسان هسـتند و با دیگر اعضاء خانواده تفاوتی ندارنـد. از سوی دیگر نگهداری آنها در مراکز، هزینه های بسیار داشت و کسی حاضر به پرداخت این هزینه ها نبود، کلیسا و افراد متدین و نیکوکار نسبت به این گونه کارها تردیـد پیدا کرده و به تدریج به عدم صـحت این گونه عقاید پی برده بودند. لذا در دوره جدید همه این باورها کنار گذاشته شد.

مشارکت انسانی

به تدریـج دانش و آگـاهی مردم در جوامع مختلف افزایش یافت و متوجه شـد معلول مثل ناشـنوا، نابینا و ضایعه نخاعی انسانی است که یک عضو از بدنش و جسمش آسیب دیده است و فقدان عضو جسمانی ربطی به روح و روان انسان ندارند. معلول با دیگر انسان ها در روح و روان و در انسانیت مشترک است و تمایز و تفاوتی بین آنها وجود ندارد.

نخبگان لائیک و مذهبی اولین کسانی بودند که به رفتارهای موجود و جداسازی و تبعید معلولان معترض بودند و خواستار حضور معلولان در جامعه و شرکت آنان در فعالیت های اجتماعی شدند. مردم عادی که فرزندان معلول خود را دور از جامعه نگهداری می کردند، با انتقاد بعضی از نخبگان مواجه می شدند. بنابراین مردم مجبور و یا متقاعد شدند معلولین را در خانه و کنار خودشان نگهداری کنند. اما چون دانش و توانبخشی هنوز به مرحله کافی رشد نکرده بود و وسایل پیشرفت امروز را نداشت. از این رو معلولین آموزش نمی دیدند و توانایی های خود را تقویت نمی کردند. و بیشتر با توان بالفعل زندگی می کردند. بنابراین حضور و مشارکت فعال مورد انتظار برای آنان در جامعه ضعیف و با موانع و مشکلات عدیده ای روبرو بود. در این مرحله معلولین در خانواده های گسترده تحت مراقبت های خانوادگی و فامیل قرار می گرفتند. یا بعضاً افراد خیر به نگهداری آنان اقدام می کردند.

در این دوره آنان به دلیل نداشتن سواد و آگاهی کافی و فقدان توانبخشی، مشارکت همه جانبه و گسترده در امور اجتماعی نداشتند.

مشارکت فعال و گسترده

آخرین دوره از تاریخ پر رنج معلولان، فعالیت و مشارکت آنان به دلیل تحصیلات و توانبخشی است. پس از تحقیقات و مطالعات و کسب تجارب لازم، تفکر انسانی زیستن معلولین، در چند دهه اخیر انتخاب و به مرحله اجرا در آمد. در این مرحله، معلول قادر گردید که نقشی فعال در جامعه داشته و با عزت زندگی نماید و نه تنها در مسیر استقلال اقتصادی و اجتماعی پیش رود بلکه جامعه نیز از بازده فعالیت آنان بهره مند گردد.

معلولین علاوه بر نیازهای فیزیولوژیک (آب، هوا، غذا، خواب و ...) به نیازهای فرهنگی آنها مثل تحصیلات و سواد؛ نیز به نیازهای اجتماعی آنان مثل برخورداری از احترام، نقش داشتن، مطرح بودن و دارا بودن از فرصت های برابر هم توجه شد.

این امر در زمانی صورت می پذیرد که معلول در کانون خانواده زندگی می نماید. با حذف شرایط نامساعد، به موقعیت برخورداری از احترام و حرمت اجتماعی، داشتن نقش فعال در جامعه رسیده است.

همان طور که قبلاً اشاره شد در گذشته، خانواده معمولاً معلولین را تحت مراقبت های خانوادگی و فامیلی قرار می دادند و در شهرهای بزرگ مورد لطف و ترحم افراد خیر و انسان دوست قرار می گرفتند. این مراقبت ها و دلسوزی ها نمی توانست جوابگوی نیازهای این طبقه باشد زیرا آنان صرفاً خوراک و پوشاک و سرپناه و حفاظت نمی خواستند و لازم بود نیازهای بنیادی آنها هم مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل توانبخشی حرفه ای و شغلی به عنوان یک نیاز بنیادی مطرح شد، زیرا تأمین کننده نقش فعال معلول در جامعه و رشد دهنده آنان است.

داشتن اشتغال برای معلولین فراتر از دستیابی به دستمزد اقتصادی بوده، بلکه کار و کوشش اثرات درمانی و روانی داشته، ارتباط معلولین را با جامعه فراهم می نماید. حس تشریک مساعی و شرکت در جامعه، اعتماد به نفس را افزایش و موجب ایجاد منزلت شخصی و اجتماعی می گردد. توفیق توانبخشی در کسب استقلال اقتصادی معلولین به عنوان شاخص توانبخشی موفق هر کشوری می تواند باشد.

در جامعه ایران هنوز خدمات توانبخشی عمومی و فراگیر نشده و بسیاری از معلولین فاقد توانبخشی هستند درحالی که باید مشارکت فعال هم داشته باشند. در حال حاضر حدود سه هزار نفر سالیانه از خدمات توانبخشی حرفه ای بهره مند می گردند که متأسفانه تنها برای نیمی از آنان امکانات اشتغال فراهم می گردد که برای رفع این مشکل و گسترش امکانات معلولین نیاز به یک خدمات همه جانبه عمومی و بسیج اراده معلولین نیازمند می باشد تا زمینه های لازم برای اشتغال معلولین فراهم گردد.

ضرورت حضور و مشارکت

حدود ده درصد از جمعیت جامعه را معلولین تشکیل می دهند. مشارکت آنان در عرصه های تولید و بازار کسب و کار،کمک بزرگی به توسعه جامعه است. اما اگر این قشر از جامعه در بازار مشارکت نداشته باشند، زیان و ضرر بزرگی نصیب جامعه می گردد. این ضرر و زیان فقط مربوط به عدم حضور و فقدان مشارکت نیست. بلکه زیان های ناشی از عدم حضور را هم باید به آن افزود. گاه این زیان ها تا چند برابر افزایش می یابد. زیرا بیکاری و عدم مشارکت

معلولان موجب بیماری های روانی و افسردگی ها می گردد؛ از طرف دیگر عدم مشارکت موجب فقر و به دنبال آن انواع جرم های ناشی از فقر و بیکاری تحقق می یابد. همچنین خانواده های آنان دچار دردسرها و مشکلات فراوان می شوند.

بنابراین نه تنها ده درصد از جامعه به عنوان نیروی مولد کنار گذاشته شده است. بلکه ده ها درصد از توان، بودجه و ظرفیت های کشور برای حل مشکلات این معضل و حلّ تبعات آن به کار گرفته می شوند. به این دلیل مشارکت و حضور معلولین در جامعه یک ضرورت است. در آموزه های اسلامی بسیار بر کار کردن و مشارکت در کسب و کار تأکید شده که بعضی از آنها را می آورم:

پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم: کسی که دستش تنگ است، باید از کنارگیری و در فقر ماندن پرهیز کند و به سراغ کار برود.(۱) نیز فرمود: کلوا من کدّ ایدیکم، یعنی از دسترنج خود بخورید.(۲)

امام باقر علیه السلام می فرماید: شیعیان ما را از این علامت ها می توان شناخت: تواضع دارند، نسبت به فقیر، همسایه، افراد نادار، بدهکاران و ایتام خود را متعهد می دانند؛ خوبی مردم را می خواهند و در هر کاری امین مردم هستند.(۳)

امام رضا علیه السلام می فرماید: انسان های سالم در جامعه متعهد هستند به آسیب مندان جسمی و مبتلایان به بیماری کمک کنند.(۴)

همه این سخنان گویای این است که اسلام به تعهدمندی، مسئولیت شناسی و احساس وظیفه کردن اهمیت می دهد.

همین آموزه ها موجب شد، معلولین در دوره اسلامی از شرایط دشوار گذشته گذر کرده و اکنون به مرحله جدیدی از مدنیت برسند.

در جوامع با اتکای بر همین تفکر و همین آموزه ها، در یکصدسال اخیر، دوره جدیدی برای معلولان آغاز شد. ایده و آرزوی همگان در دوره مشارکت گسترده

۱- . الحیاه، ج۵، ص۴۶۱.

۲- . همان، ص۴۲۹.

۳- . همان، ج۸، ص۱۸۵.

۴- . همان، ص۱۳۶.

معلولین این بوده و هست که معلولین در مشاغل مختلف صنعتی، کشاورزی، خدماتی، فرهنگی و علمی حضور و مشارکت داشته باشند؛ اما واقعیت چیز دیگر است. سال ها بلکه چند دهه در ایران مشاغل معلولین محدود به تلفنچی، بلیط فروشی، کار در تاریک خانه های اسکن بیمارستانی بود. اما با تلاش های خود معلولین به تدریج راه برای دیگر مشاغل پیش روی آنها گشوده شد و به مشاغلی مثل استادی دانشگاه، طبابت، وکالت، نویسندگی و غیره رسیدند. امّا هنوز کماً و کیفاً تا رسیدن به مراحل ایده آل فاصله زیاد است.

اشتغال با حق مشارکت اجتماعی و با حضور در جامعه با فعالیت در پروسه های اجتماعی ارتباط تنگاتنگ دارد. اگر به حق مشارکت باور نداشته باشیم در واقع اشتغال را نفی کرده ایم.

لازم است این نکته هم درباره جامعه شناسی ایران توضیح داده شود. وقتی در خیابان های تهران یا شهرهای دیگر یا در پارک ها و مکان های عمومی پرسه می زنیم، معلولین را کمتر مشاهده می کنیم؟ چرا؟

مراکز آمار جهانی و ملی می گویند حدود ده درصد از هر جامعه، معلولیت دارند یعنی از هر ده نفر یک نفر باید حضور داشته باشد و مشاهده شود. وقتی پای صحبت خانواده های معلولان می نشینیم، در واقع همان استدلال های قدیمی را بعضاً مطرح می کنند و به دلایلی که می گویند از آوردن فرزند خود در بین مردم، ناخرسند هستند. مثلاً مادری می گفت وقتی بچه ام را به پارک می آورم و به طرف اسباب بازی ها می رود بعضی ها می دوند و بچه های خود را از اسباب بازی ها دور می کنند تا با بچه ام تماس نداشته باشند. یا پدری می گفت، فرزندم را به پارک می آوردم و روزی کسی گفت بچه تو نباید با بچه های ما حرف بزند و نفس او به بچه ها بخورد. برعکس وقتی در بازار، کوچه، خیابان و پارک های اروپا راه می رویم معلولان فراوانی را می بینیم که با مردم مشغول صحبت و گفت وگو و تعاملات دیگر اجتماعی هستند.

لازم است تحقیقات جامع در این باره انجام شود و برنامه های توجیهی و آموزشی برای مردم از طریق رسانه ها اجرا گردد. تا مشارکت اجتماعی معلولان سامان دهی گردد و اشکالات آن مرتفع شود. مشارکت به عنوان یک حق مبنای اشتغال است و

عـدم مشارکت اجتماعی موجب عدم اشـتغال معلولان می شود. از این رو لازم است به فقدان مشارکت و حضور به عنوان یک آسیب برای اشتغال توجه کنیم.

آموزش پذیری؛ مهارت پذیری

اشاره

اشـتغال بـا آموزش ارتبـاط تنگاتنـگ دارد، امـا رابطه آن بـا آموزش پـذیری مهم تر است؛ زیرا تـا وقتی انسان دارای معلولیت، اسـتعداد و ظرفیت آموزش دیـدن را نداشـته باشـد، یـا اگر این باور وجود داشـته باشـد که معلولان اسـتعداد و توانایی آموزش دیدن را ندارند، در واقع اعتراف کرده ایم آنان نمی توانند مشغول کار و کسب شوند و درآمد داشته باشند.

بنابراین یکی از مبانی و اصول اولیه فکری در مورد معلولین این است که قبول کنیم معلولان می توانند روش کار کردن، شـیوه کسب در آمد و چگونگی اجرای حرفه و فن خاصی را فرا بگیرند.

ممکن است درصـد بسـیار کم از معلولین توانایی یادگیری و آموزش پـذیری را نداشـته باشـند؛ اما اکثریت آنها این توانایی را دارنـد. البته تـا کنون به دست نیامـده که کـدام دسـته و گروه از معلولین توانـایی یادگیری ندارنـد. حتی معلولین ذهنی هم که فکرش را نمی کنیم بتواننـد چیزهـایی را یـاد بگیرنـد، امّـا کُنـد ذهن ترین معلولان هم نشان داده انـد، می تواننـد مسائلی را فرا بگیرند. تا کنون هیچ کارشـناس آموزشـی ادعا نکرده که بعضی از معلولان اصلاً توانایی یادگیری ندارند، برعکس گفته شده تمام آحاد بشـر از هر دسـته و گروه، اسـتعداد فراگیری دارند، ولی ممکن است این اسـتعداد اندک و کم باشد ولی به هر حال توانایی دارند.

اینجا به دو مبنا یعنی آموزش پذیری و مهارت پذیری می پردازیم. هر دو در صورت خوب اجرا نشدن، آسیب و آفت کاریابی و کسب و کار است.

اکتسابی بودن آموزش و مهارت

دانشـمندان معلومـات، دانسـتنی هـا و باورهـای آدمی را دو گـونه فطری (ذاتی) و اکتسـابی می داننـد. ایـن نکته هم در فلسـفه اسـلامی و هم در نظـام هـای تربیتی و فلسـفه هـای غرب مثـل فلسـفه کانت و دکارت هست. اما مسئله مهم این است که برای اشتغال نیاز به فراگیری سواد خواندن و

نوشتن و نیز دانستن دانش کسب و کار و در ادامه یاد گرفتن مهارت هایی که در حرفه و فن خاصی وجود دارد، هست. انسان نمی تواند بدون یاد گرفتن این گونه مسائل اشتغال پیدا کند. بنابراین آموزش ها و هم مهارت های مرتبط به اشتغال اکتسابی است.

آموزش هر نوع حرفه، نیاز به سواد خواندن و نوشتن و مقداری زبان دارد. به همین دلیل برنامه آموزشی اکابر و مراکز آموزشی اکابر (بزرگسالان) برای معلولین از سال ۱۳۵۰ به طور رسمی در شهرهای ایران دایر شد.

حرفه و فن

معلولین برای یافتن شغل مطلوب و با در آمد خوب، به ناچار باید حرفه و فن بیاموزند. مشاغل صنعتی مثل جوشکاری، مشاغل کشاورزی و دامپروری مثل باغداری و پرورش زنبور عسل، تا مشاغل خدماتی مثل حسابداری همگی نیاز به آموزش دارد. اینها حرفه هایی است که لزوماً معلولان با آموزش، یاد می گیرند و به اجرای آن می پردازند.

اولین بار در سال های بین ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰، مدرسه نابینایان کریستوفل در اصفهان انواع مشاغل از نوازندگی تا باغداری و خیاطی را به دانش آموزان نابینا آموزش داد و پایه گذار تجربه عملی در این زمینه شد.(۱)

سازمان ملی رفاه ناشنوایان در سال ۱۳۵۲ نخستین مرکز آموزش حرفه ای را برای ناشنوایان در یوسف آباد تهران تأسیس کرد. نابینایان هم در جاهایی مثل ابابصیر (تأسیس ۱۳۴۸) و شهید محبی شروع به فراگیری حرفه و فن البته بر اساس توانایی ها و اقتضائات خودشان می نمودند. برای نمونه نابینایان در مشاغلی مثل جوشکاری نمی توانستند وارد شوند ولی در تاکسیدرمی(۲)

استعدادش را داشتند.

معلولین پس از گذراندن دوره های خاص و متبحر شدن در یک یا دو رشته خاص فنی، توسط همان سازمان کاریابی می شدند و در بازار آزاد کار مشغول به کار

۱- . اصفهان شهر چهره های جهانی، ص۲۰۲.

۲- . تاکسیدرمی حرفه ای است که به خشک کردن حیوانات می پردازد. حیوانات را به روش هایی آماده می کنند که مثل زنده آنها باشد و تا ده ها سال بماند و آسیب نبیند.

می شدنـد. کاریـاب موظف بود بـا جلسه و تمـاس بـا مـدیران کارخـانه یـا هر مرکز تولیـدی آنهـا را برای پـذیرش افراد دارای معلولیت آمـاده کنـد. علاوه بر آن با کارفرما و با همکاران او صـحبت می کرد، تا شـرایط محیطی و انسانی را از هر نظر آماده کنند.

همچنین حرفه جو را هم در مسائل فنی توجیه می کردنـد و آماده می نمودنـد تا تبحر و تجربه لازم را داشـته باشد و هم اخلاق نیک کاری و اجتماعی را به او یاد می دادنـد. تا بدانـد چگونه با کارفرما و همکارانش تعامل داشـته باشد. بعدها که این گونه آموزش ها ضـعیف تر شد، مشـکل مهم در محیط های کاری این بود که معلولان مددجو نمی توانستند با عوامل انسانی حاضر در محیـط کـار برخورد صـحیح داشـته باشـند. گـاه انتظـارات بی جا داشـتند و گاه احترام لازم را اعمال نمی کردنـد و بالاخره موجب تنش می شدند.

نظام آموزشی خاص

نابینایـان، ناشـنوایان، ذهنی هـا و حرکتی ها هر کـدام نیاز به آموزش خاص خود دارنـد. و در مجموع آموزش آنان با مـدارس عادی و نظام آموزش سراسـری و معمولی کشور متفاوت است. از این رو در جهان نظام آموزشی ویژه برای معلولین و هر یک از اقشار آنها طراحی و اجرا شده که در ایران به «آموزش و پرورش استثنایی» معروف است.

باغچه بان اولین بار برای ناشـنوایان ایران، آموزش را در دهه نخست قرن چهاردهم آغاز کرد. کریسـتوفل هم در همان سال ها برای نابینایان کار آموزشـی را آغاز کرد. سـپس در شـهرهای مختلف، دولت مدارسـی را به نام آموزشـگاه استثنایی دایر کرد. تبریز به سال ۱۳۳۷ صاحب آموزشگاه استثنایی شد.

نظام آموزش و پرورش استثنایی در حدود هفت دهه از عمرش در ایران می گذرد و تحولات فراوان در مدیریت، ساختار، نوع آموزش هـا، خط مشـی و اهـدافش داشـته است. ولی هنوز کارآیی آن دقیقاً در هر دوره کارشناسـی و ارزیابی نشـده است. به ویژه در سه دهه اخیر مخالفـان بسـیار پیـدا کرده و بسـیاری معتقدنـد نه تنهـا در ارتقای سـطح دانش و اطلاعات دانش آموزان موفق نبوده بلکه نقش تخریبی هم داشته است. در عین حال موافقانی هم دارد.

گُسست آموزش استثنایی از نظام آموزش استثنایی در کشورهای اروپایی و

آمریکـایی از جمله حوادث مهم این سال ها است. کارشـناسان آموزشـی در ایران، تجارب و دسـتاوردهای خارجی در عرصـه زبـان اشـاره، خـط بریل، کتاب گویا و ده ها موضوع دیگر را مطالعه و سـپس بومی سازی نکرده و در اختیار عموم قرار نـداده اند. از این رو در ایران کتاب ها و مقالات علمی اندکی درباره دستاوردهای آموزشی جهانی منتشر شده است.(۱)

انواع مهارت ها

معلولین نیاز به انواع مهارت ها در هر دوره زندگی دارند. مهارت راه رفتن و جهت یابی برای نابینایان اهمیت دارد، همان طور که برای ناشـنوایان افزایش مهارت های خواندن و نوشـتن بسـیار مهم است. مهارت زندگی، مهارت تعامل و روابط با دیگران، حتی مهـارت زبـان اشـاره یا مهارت حرکت با عصا و ویلچررانی و ده ها مهارت دیگر تا مهارت های جدیـدتر مثل اسـتفاده از کامپیوتر و اینترنت برای معلولان یک ضرورت حیاتی است.

بخشـی از آنها بر عهـده مـدرسه و معلم و بخشـی بر عهـده جامعه یا بر عهـده خانواده یا رسانه ها است.معلولی که مهارت های لازم را نداشـته باشـد، در شـغل یابی و پیـدا کردن کار مناسب و رسـیدن به درآمـد مطلوب ناکام و غیر موفق است. از این رو مهارت ها در سرنوشت معلولان بسیار اهمیت دارد.

قلمرو آموزش و مهارت

با پیشـرفت علوم و فناوری، سـطح زنـدگی و فرهنگ و دانش معلولان هم متحول شـده است. روزی کامپیوتر، موبایل، اینترنت نبود و امروز جزء ضـروریات زنـدگی معلولان است. در جهـان مـدرن بر اساس اقتضائات مـدرن، کسب و کار معلولان برنامه ریزی شـده است. اما نهادهای متصـدی و متکفل امور معلولین مثل سازمان اسـتثنایی و سازمان بهزیستی، به نظر می رسد برنامه ریزی و تدبیر دقیق و جامع و به روز در زمینه نیازهای علمی و نیازهای مهارتی معلولان ندارند. مشاغلی مثل نویسندگی و نمایه سازی در مدارس استثنایی آموزش داده نمی شود و سازمان بهزیستی هم این حرفه ها را به عنوان شغل تعریف نکرده است.

۱- . برای نمونه بخشـی از تجارب جدیـد در کتاب های زیر آمـده است: Encyclopedia of American Disability History استاد اریکه صوان در مقاله «التجربه الألمانیه فی رعایه الایتام والقُصر» تجارب آلمان را معرفی کرده است.

در بعضـی کشورهـا، مشاغل معلولان را با توجه به ظرفیت های جدیـد و موجود در رشـته های مختلف برنامه ریزی کرده انـد. مثلاًـ بـا ظهور رسـانه هـای کاغـذی مثل نشـریات و پیـدایش صـدها روزنامه و مجله در هر کشور، معلولان را در زمینه روزنامه نگاری، گزارش نویسـی، چکیده نگاری مقالات، نمایه سازی مقالات و ده ها شـغل دیگر و موجود در این حوزه آموزش داده و آنها به درآمدهای عالی در این حرفه ها رسیده اند. اما در ایران اقدامی مشاهده نشده است.

وقتی صـنعت سـینما و فیلم رشـد کرد و توسـعه یافت، ناشـنوایان و حتی نابینایان و دیگر مـددجویان در این رشـته وارد شـده و خوش درخشـیدند و به درآمد خوبی رسـیدند. ولی در ایران تدبیرهای جدی نبوده است. به همین دلیل، معلولین ایران در رشته هـایی مثـل هنر آواز، هنر نوازنـدگی، ادبیـات و نویسـندگی، مرجع پژوهی و مرجع نگـاری و ده ها رشـته دیگر متأسـفانه عقب هستند و ورود نداشته اند. وقتی معاونت فرهنگی سازمان بهزیستی اساساً اعتقادی به این گونه کارها نداشته باشد و نهایتاً معتقد باشـد، معلولان در عرصه حفظ و قرائت قرآن می تواننـد پیشـرفت کننـد، وضع بهتر از این نخواهـد شد. البته عملاً همه آنها در زمیـه قرآن نمی تواننـد و فقـط گروه خاصـی توانـایی حفـظ و قرائت قرآن دارنـد، به همین علت بسـیاری بیکـار میماننـد. من مخالف پیشـرفت معلولین در زمینه قرآن نیسـتم و برعکس معتقـدم در عرصه قرآن هم به موضوعات جدیـد توجه نشـده است. برای ناشـنوایان تـا کنون هیـچ اقـدامی در حفـظ قرآن و مفاهیم قرآن نبوده و نابینایان هم بسـیار محـدود و گویا فقط برای رفع تکلیف کار شده است. با اینکه در کشوری مثل اردن و قطر و دیگر کشورها تدبیرهای وسیع و متنوع داشته اند. اردن چند سال است برای ناشنوایان، مسابقه تفسیر و فهم قرآن برگزار می کند.

ریـاست سازمان بهزیستی و ریاست آموزش و پرورش اسـتثنایی فکر نکننـد این گونه ضـعف ها از انظار پنهان است؛ آینـدگان نقـد و انتقادهای فراوان مطرح خواهنـد کرد. زیرا علت اصـلی همه بدبختی ها، نداشـتن شـغل مناسب و فقدان کسب و کار هم متوجه برنـامه ریزی هـای این دو نهاد است. حـداقل اگر از کشورهایی مثل مصـر تجربه آموزی می شـد، پیشـرفت معلولان در عرصه قرآن بهتر بود. مصر سالانه با برنامه ریزی برای نابینایان و مثلاً اعزام آنها به خارج از کشور، به اهداف

مطلوب رسیده است. اما متأسفانه بخش فرهنگی سازمان بهزیستی به جای تدبیر برای کسب درآمد، آوردن خارجی ها به اینجا و صرف هزینه پرداخته است. ممکن است پرسش شود، نابینایان و کلاً معلولین در عرصه قرآن کریم چه اقدامات درآمدزا می توانند داشته باشند؟ در پاسخ می گوییم، شیوه های درآمدی فراوان است ولی آن، اینها است: آموزش خط بریل؛ آموزش تکنولوژی کتاب گویا؛ آموزش زبان اشاره؛ اعزام گروه های تواشیح و خوانندگی گروهی قرآن کریم برای مراسم در کشورهای مختلف؛ قرائت قرآن و آموزش و برگزاری نشست ها و جلسات؛ شرکت در محافل حفظ قرآن کریم؛ آموزش حفظ قرآن کریم؛ تحقیق و تألیف کتب قرآنی مثل تفسیرهای قرآن در سطوح مختلف؛ ترویج و آموزش هنرهای قرآنی مثل تجلید، معرق قرآنی؛ خطاطی قرآن روی سنگ، روی پوست و غیره.

بالاخره در ده ها رشته می توان فعالیت های قرانی در قالب کسب و کار داشت.

خلاصه اینکه معلولان برای رسیدن به اشتغال پایدار، لزوماً باید در بخش آموزش و مهارت پیشرفت داشته باشند. اگر مهارت پذیر و آموزش پذیر نباشد در اشتغال هم پیشرفت نخواهند داشت.

در فرهنگ اسلامی به آموزش مهارت و فراگیری فنی و علمی توجه داده است. امام علی علیه السلام می فرماید: قوام العیش حسن التقدیر و ملاکه حسن التدبیر.(۱) اساس زندگی، برنامه ریزی صحیح است.اما ملاک صحت برنامه ریزی، تدبیر نیکو و کارشناسانه است.

پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم می فرماید: من عَمِلَ علی غیر علم کان ما یفسدُ اکثر مما یُصلِح.(۲)

هر کس بدون آموزش و مهارت، کاری انجام دهد، بیش از اینکه کارش موجب اصلاح امور گردد، به فساد کارها و امور می انجامد.

از مسئولین و مدیران امور معلولان تمنا می کنیم این گونه سخنان گهربار معصومین علیهم السلام را سرلوحه کارشان قرار دهند و با استمداد از کارشناسان و

۱- . الحیاه، ج۴، ص۴۸۶.

۲- . همان، ص۴۸۷.

برنامه ریزی های دقیق به رشته اشتغال معلولان کمک کنند.

حق کسب و کار و ضرورت کوشش

معلولانی به اشتغال پایدار خواهند رسید که قائل به کسب و کار بوده و در این راستا به کوشش مبادرت ورزند. اما اگر چنین حقی را نپذیریم و مثل برخی از جریان های فکری بگوییم، معلولان چنین حقی را ندارند چون توانایی آن را ندارند.

در پاسخ لازم است گفته شود، معلولی داریم که بر اثر تصادف تمام اعضاء و جوارحش از کار افتاده و فقط چشمانش حرکت دارند. ولی با کمک برنامه نویسی کامپیوتر، برنامه ای روی کامپیوترش نصب کرده و با حرکت چشمانش دستور می دهد و ارتباط برقرار می کند و به این روش شرکت صادرات و واردات را اداره کرده است. بنابراین معلولان توانایی و استعداد انجام کار دارند. و نمی توان تبعیض بین آنان و افرادی عادی قائل شد.

بنابراین حق کسب و کار مشروعیت دارد و صحیح است. مبنای دیگر این است که معلولان برای رسیدن به رفاه و معیشت مطلوب باید کوشا و مجاهد و فعال باشند و به ضرورت کوشش توجه داشته باشند. به هر حال عدم توجه به حق کار و عدم اهتمام به تفکر جهادی و کوشش کردن، آسیب و آفت دیگر برای اشتغال است.

تعهد دولت و خیرین

مبنای دیگر اشتغال معلولان، قبول و پذیرش نقش دولت و نقش خیرین در جامعه و فرهنگ هدف است. واقعیت این است که حلّ معضل اشتغال معلولان بدون ایفای نقش این دو گروه ممکن نیست. البته سپردن همه امور به دولت صحیح نیست و باید امور معلولان به خودشان تفویض و واگذار گردد. اما دوست و نیکوکاران هم باید مساعدت نمایند. این تفکر که همه حلّ اشتغال را به دولت سپرده و از او توقع حلّ همه مشکلات اشتغال را داشته باشیم خطا است. این اندیشه که که در دانش مدیریت به دولت گرایی و سوسیالیسم مشهور است تجربه خودش را در یک قرن گذشته در کشورهای مختلف نشان داده و راه کار موفقی

نبوده است. اما راه کار لیبرالیستی و کنار گذاشتن دولت از همه امور هم درست نیست. راه حل میانه پشتیبانی دولت از تلاش های خود معلولان و مردم در حلّ مشکل اشتغال است.

نفی تبعیض

آخرین مبنایی که برای اشتغال معلولین مطرح است، یکسان انگاری معلولان مردم عادی است. این را گاه به مساوات و گاه به نفی تبعیض می نامند.

تحول در نگرش

با تحول در طرز تلقی مردم، مدیران و نخبگان نسبت به معلولین، تاریخ تحولات رقم خورد و جامعه معلولین مراحل مختلف از دگرگونی را پشت سر گذاشت. اختراع چاپ و افزایش چاپ و نشر کتاب، پیدایش و گسترش صنعت مطبوعات و نشریات، پیدایش کامپیوتر و راه اندازی شبکه جهانی اینترنت، همه اینها به گسترش اطلاعات انجامید و فهم و تلقی مردم را دست خوش تحول گردانید.

نخست خود معلولین باید متحول شده و خانه تکانی ذهنی پیدا کرده، به شیوه و تعالیم صحیح باور پیدا کرده، راه و روش درست را پیدا کرده و شروع به عمل کنند. اما تحول معلولین نیاز به آموزش، الگوسازی و فرهنگ سازی دارد. لازم است، نهادهای فرهنگی و تشکل های معلولیتی در این جهت فعال شوند.

دوم مدیران دولتی و مسئولین مراکزی که متصدی امور معلولین هستند، باید رویکردهای غلط را کنار گذاشته و گرایش جدید و درست پیدا کنند. البته به دلیل اینکه مدیران اغلب سال ها در پست های مرتبط با معلولین بوده اند و سنی از آنان گذشته است، تغییر آنان کاری بَس دشوار می باشد. و بالاخره جامعه و عموم مردم هم باید طرز تلقی درست پیدا کنند. با تحول در این سه بخش یعنی مردم، معلولین و مدیران می توان انتظار داشت که اشتغال معلولان در سال های آینده سامان خواهد پذیرفت.

جامعه باورمند به اینکه افراد ناتوان غیر مولد و حتی خطرناک است و باید در

ص: ۶۶

خانه یا مکانی تحت مراقبت قرار گیرند، چنین جامعه ای برای جذب اشخاص ناتوان کمتر آمادگی دارد. و در این جامعه توانبخشی به عنوان یک جریان تدریجی و مداوم برای آماده سازی معلولین جهت مشارکت عمومی اجرا نخواهد شد.

نگرش های منفی و باورهای نادرستی طی سالیان دراز در افکار مردم و مدیران و حتی خود معلولین رسوخ و رسوب یافته و فرهنگ ناکارآمدی را شکل داده است. باوری که معلولین جسمی را نسبت به افراد عادی ناسازگارتر و توانایی ذهنی آنان را کمتر می داند، نشانگر همین نکته است. همچنین ضرب المثل عقل سالم در بدن سالم، گویایی همین ها است.

اما با اطلاع رسانی موفقیت های معلولان و توانمندی های آنان به جامعه و معرفی ابتکارات و فعالیت های آنها، مردم فهمیدند معلولیت مثل ناشنوایی با چند توانمندی قابل جمع در یک کالبد است. حتی مردم می بینند، معلولین بعضاً از افراد عادی موفق تراند و در تدریس، تحقیق و در رشته های مختلف پیشرفت های خوبی داشته اند.

بالاخره این تحولات در این قشر موجب تغییرات در «جامعه هدف» شده و مراحل مختلف تحول و توسعه را پشت سر گذاشت و هم اکنون آماده می شود وارد مرحله جدید رشد و توسعه گردند.

در پنجاه سال اخیر وقتی شرکت های بزرگ و جهانی توسط معلولین اداره شده و بهترین محصولات را با بهترین درآمدها داشته اند، از طرف دیگر این مراکز تولید به دنیا معرفی گردید و همگان به ویژه کارفرمایان متوجه شدند، توانایی ها، ابتکارات و خلاقیت های بی نظیر در این قشر وجود دارد. از این رو اقبال به سوی آنان افزایش یافت.

نتیجه گیری

مجموعه این هشت اصل اخلاقی – اجتماعی، مبانی و بنیادهای اشتغال معلولان را تشکیل می دهد. در واقع اشتغال آنان مبتنی بر این هشت اصل استوار می گردد. هر کس یا هر مؤسسه می خواهد در زمینه اشتغال معلولان کار کند

نخست باید مبانی فکری و اصول نظری آن را تنقیح کند. این مبانی، پایه و ستون فقرات فکری و نظری، اشتغال معلولین اند.

متأسفانه در ایران در این باره بحث نشده است. ضروری است چند تحقیق دانشگاهی مثل پایان نامه دکتری و فوق لیسانس درباره مبانی اشتغال تدوین و عرضه شود.

نیز لازم است چند نشست علمی برگزار گردد و نخبگان و متفکران با طرح مباحث جدید و ابتکاری به هم اندیشی بپردازند. این گونه نشست ها موجب شکل گیری عقلانیت و خرد جمعی، تعقل گروهی، وفاق فکری خواهد شد.

ص: ۶۸

فصل سوم: طبقه بندی مشاغل

اشاره

ص: ۶۹

در گذشته اگر شغلی برای معلولان منظور می شد، مشاغل بسیار آسان و از نظر کمی چند شغل ساده بود. ولی هر چه زمان گذشت توانایی و توانمندی های بیشتر آنان اثبات شد. مردم و کارفرمایان باور پیدا کردند مشاغل بیشتر می توان به معلولان اختصاص داد در این زمان تقریباً هیچ شغلی نمی شناسیم که معلولان ورود پیدا نکرده باشند. اما لازم است برای برنامه ریزی دقیق تر و برای اینکه هر شغلی را به اهل آن سپرد، تحلیلی از انواع معلولیت ها و سپس از انواع مشاغل عرضه کرد و سپس به تطابق آنها پرداخت. وقتی برنامه ریزان معلولان ندانند چه مشاغلی در توان آنان هست و فهرست و طبقه بندی این مشاغل تدوین نشده باشد، برنامه ریزی برای اشتغال آنان مشکل می شود. بنابراین فقدان نظام مشاغل طبقه بندی شده، آسیب برای کاریابی است.

ص: ۷۰

سیاست های واقع گرایانه

اشتغال یک روزه و یک ساله و حتی چند ساله اجرا نمی شود و به نتیجه مطلوب نمی رسد. نیاز به بستر زمانی و سیر زمانی دارد تا به تدریج و طی چندین دوره با تدبیر و برنامه ریزی سامان دهی گردد. اما در ایران اشتغال معلولان به صورت یک پروسه درازمدت و یک موضوع علمی به آن نگاه نشده است. چرا؟

با اینکه ایران نسبت به کشورهای همجوار و منطقه خاورمیانه زودتر وارد عرصه اشتغال معلولین شد. البته ترکیه به دلیل همجواری با اروپا در بسیاری از مقولات پیشقدم بوده است. همچنین لبنان و مصر به دلیل بافت و ساختار جمعیتی آنها و سوق الجیشی بودن آنها زودتر وارد این عرصه شدند. ولی ایران هم نسبت به بسیاری زودتر اقدام به اشتغال معلولان کرد و تقریباً یکصد سال در این زمینه تجربه دارد.

لازم است به این نکته توجه شود که بخش مهمی از فعالیت های انجام یافته در زمینه اشتغال معلولان در ایران، دولتی بوده است. مدیران دولتی تابع سیاست های دولت خاصی که سرکار بوده یا پیرو سلایق و علاقه های شخصی و گروهی به اداره امور معلولان اقدام کرده اند. از طرفی هر چند سال یک بار عوض شده و ثبات و استقرار دراز مدت نداشتند. همچنین دولت بدون مطالعات کارشناسانه کافی و توجیه مردم و خود معلولان و حتی نخبگان به اجرای سیاست ها و تصمیمات پرداخته است. به همین دلیل امور معلولین از جمله اشتغال در بستر مدنیت و رشد مدنی، تدبیر و برنامه ریزی نشد. مدیران دولتی که اغلب یا تمام آنها غیر معلول بودند و مشکلات معلولان را نچشیده بودند بدون مشورت و گفت وگو و در جریان گذاشتن معلولین، تصمیم سازی کرده و به اجرای آن می پرداختند. پس از اجرا، ارزیابی و نظرسنجی هم نداشتند. از این رو جامعه معلولین چون درگیر برای حلّ مشکلات خودشان نبودند، لاجرم بحث، مباحثه و گفت و شنود هم وجود نداشت. از این رو رشد و بلوغ کافی پیدا نکرده اند.

از دیگر سو، مدیران تصمیم گیر و مجری هم ثبات نداشته و هر چند سال یکبار

تعویض شـده و مـدیر جدیـد مجدداً از نو آغاز می کرد. از طرف دیگر حداقل گزارش هایی از اجراها ثبت و ضبط نشـده و پرونـده ای از موضوعات در دسترس نیست. بنابراین موضوعات مهمی مثل اشتغال می بایست از ابتـدا تا کنون سـیر و تحولات نظری و اجرایی (عملی) آن ضبط و ثبت می شـد ولی هم اکنون مطلبی در دسترس نیست و تجارب و دسـتاوردها ثبت نشـده است.

یک بخش دیگر توسط تشکل ها و مراکز خیریه ای و مردمی اداره شده است. مدرسه کریستوفل در اصفهان اولین مؤسسه ای بود که مهارت هایی مثل بافنـدگی، خیاطی، باغـداری، پرورش مرغ و گوسـفند را به معلول یاد می داد و پس از مـدتی آنها را وارد عرصه کار و کسب و کار می کرد. این گونه مراکز هم تجارب و اطلاعات خود را جمع آوری و بایگانی نکرده اند.

از طرف دیگر نخبگـان امور معلولین هم چون با این مبحث جلو نیامـده انـد، هیـچ ذهنیت و تحلیلی متأسـفانه ندارنـد. آنچه در اختیـار داریم گزارش هـای کلی است و امیـدواریم پس از این تشـکل هـای معلولیتی و خود معلولاـن در این مباحث مشارکت فعال داشته باشند. دولت هم «جامعه هدف» را محرم دانسته بستر گفت وگو و تعامل نظری را فراهم آورد.

بعضـی از کشورها با ایجاد بانک اطلاعات برای اشـتغال، تمام اطلاعات و تجارب را طبقه بنـدی شده و به روش علمی بایگانی کردند. به عنوان مثال معلولان در چه سـنواتی چه مشاغلی داشـتند، علاقه آنان به کدام شـغل بیشتر بود؟ و چرا به فلان شغل ها علاقه و گرایش نداشـتند؟ چه عواملی موجب پیشرفت آنان در فلان شغل ها شد و چه موانعی وجود داشت؟ در دوره های بعد تحلیل گران با مراجعه به این اطلاعات طبقه بندی شده می توانسـتند برای دوره های بعد تصمیم گیری کنند. اما در ایران وقتی از مـدیر اشـتغال بهزیستی در یکی از اسـتان هـا دربـاره برخی موضوعات اطلاعات یک دهه گذشـته را خواستیم. پاسـخ دادند اطلاع نـداریم. وقتی اطلاعات یک سال گذشـته را پرسـیدیم، جوابشان منفی بود. چنین مـدیری چگونه می توانـد برای مشاغل معلولین که مقوله پیچیده ای است، برنامه ریزی نماید؟

ص: ۷۲

سیر تاریخی اشتغال

اولین مدرسه ویژه آموزش ناشنوایان را مرحوم جبار باغچه بان در سال ۱۳۰۴ در تبریز به نام «باغچه اطفال» تأسیس کرد و در سال ۱۳۱۱ نیز نمونه ای از این نوع مدارس را در تهران برپا نمود.(۱)

در سال ۱۳۱۲ در متن قانون تعلیمات اجباری آمده است: «وزارت فرهنگ باید برای اطفالی که نقص خلقت دارند و کودکانی که هوش و استعداد آنها کم است در آینده نزدیک آموزشگاه های مخصوص تهیه نموده و آنها را طبق برنامه معین تربیت کند. و حِرَفْ و صنایع و امور کشاورزی به آنها بیاموزد. در سال ۱۳۳۸ توصیه نامه اجلاس سی و هشتم دفتر بین المللی کار به تصویب قوه مقننه رسید و به طور رسمی دولت ایران توانبخشی حرفه ای را پذیرفت. در سال ۱۳۳۹ در قانون بیمه های اجتماعی دریافت مستمری از کارافتادگی در مورد بیمه شدگانی که در اثر حوادث ناشی از کار و یا غیر ناشی از کار توانایی خود را از دست می دهند مطرح شد اما به طور مستقیم به توانبخشی آنان اشاره ای نشده بود.»(۲)

در سال ۱۳۴۲ کارگاه دست و پاسازی تأسیس شد. در سال ۱۳۴۶ شورای عالی رفاه اجتماعی تأسیس و به عنوان یک هماهنگ کننده فعالیت های توانبخشی مطرح شد. در سال ۱۳۴۷ دفتر کل امور کودکان استثنایی وزارت آموزش و پرورش با وظیفه فراهم آوردن امکانات آموزش و پرورش معلولین تأسیس شد. در سال ۱۳۵۳ حمایت از معلولین غیرقابل توانبخشی مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۳۵۵ وزارت بهداری و بهزیستی تأسیس و تأمین خدمات توانبخشی را به عهده گرفت. در سال ۱۳۵۵، اولین سرشماری معلولین انجام گرفت.

در سال ۱۳۵۸ بنا به پیشنهاد وزارت کار و امور اجتماعی و تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، استخدام نابینایان آموزش دیده در ادارات و مؤسسات تولیدی به نسبت یک درصد پرسنل تشکیلات مصوب دستگاه ها در ازای افراد بازنشسته و مستعفی در نظر گرفته شد و حدود ۱۶ دسته از مشاغل هم برای اجرای این مصوبه تعیین و در اولویت قرار گرفت. در سال ۱۳۵۹ قانون تشکیل

۱- . سالشمارباغچه بان، ص ۱۰-۱۵.

۲- . امکانات مرکز گسترش اشتغال معلولین، فؤاد کریمی، ص ۲۹۵-۲۹۸.

سازمان بهزیستی به تصویب رسید و طی سال های بعد و علیرغم تغییرات سازمانی، همواره مسئولیت تدارک امکانات پیشگیری، توانبخشی حرفه ای و اجتماعی معلولین بر عهده سازمان بهزیستی کشور بوده است.

در سال ۱۳۶۴ قانون الزام دولت به استخدام ۱۰ درصد از پرسنل خود از میان جانبازان انقلاب اسلامی و بستگان شهدا به تصویب رسید که در تبصره ۲ آن ۳ درصد نیز از معلولین عادی با رعایت مقررات استخدامی مربوط و با هماهنگی سازمان بهزیستی در نظر گرفته شد. در سال ۱۳۶۵، دومین سرشماری معلولین همراه با سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور انجام شد که این بار با قرار دادن سؤال مربوط به معلولیت در صفحه اول پرسشنامه خانوار، تمامی اطلاعات مربوط به افراد غیرمعلول در جامعه در مورد معلولین نیز ثبت گردید و می توان ادعا نمود که این حرکت، خود تلاشی در راه مشارکت و برابری معلولین با سایر نفوس جامعه به شمار می آید. چرا که اطلاعات جمع آوری شده از این طریق می تواند در برنامه ریزی های مختلف برای معلولین به کار آید.(۱)

در سال ۱۳۶۷ قانون استخدام جانبازان، اسراء و افراد خانواده های شهدا، جانبازان از کارافتاده، اسراء و مفقودالاثر انقلاب و جنگ و افرادی که حداقل ۹ ماه متوالی یا یکسال متناوب داوطلبانه در جبهه بوده اند به تصویب رسید. در این قانون به استخدام جانبازان توجه شده است.

و نهایتاً «در پیش نویس قانون کار در مبحث آموزش و اشتغال ماده ۱۰۹ به مراکز آموزشی و تعلیمات حرفه ای خاص معلولین و تبصره ۱ تا ۲، ماده ۱۲۰ مبحث اشتغال، ایجاد دفتری تحت عنوان دفتر برنامه ریزی و حمایت از اشتغال معلولین در مراکز استان ها اشاره شده است. همچنین ایجاد شرکت های تعاونی و فراهم آوردن تسهیلات انجام کار و رفع موانع ساختمانی در کلیه مراکز پیش بینی شده است.»(۲)

تلاش شد سیر حوادثی که در ایران در زمینه اشتغال بوده را به اجمال معرفی کنیم. می توان اینگونه نتیجه گیری کرد که در مواردی که کار دست نهادهای مدنی

۱- . همان، ص۲۹۷.

۲- . همان، ص۲۹۸.

و مراکز مردمی بوده دلسوزی ها و پیشرفت ها محسوس تر است. برای نمونه مؤسسه آموزشی ابابصیر توانست اقدامات ماندگاری در زمینه اشتغال نابینایان داشته باشد.

با این حال، کارنامه سازمان های دولتی و مراکز مردمی در زمینه اشتغال معلولان جمع آوری و عرضه نشده است. از این رو اطلاعات و آمار دقیق و راهگشا نداریم. تا وقتی که اطلاعات از پیشرفت ها و پسرفت ها، موفقیت ها و شکست ها به نسل های بعد منتقل نشود و نتوانند از این تجربه ها درس آموزی کنند، سیر اشتغال معیوب خواهد ماند. اشتغال مانند موجودات طبیعی مثل یک درخت رشد و تحول زماندار دارد و در طول یک دوره تاریخی از مراحل مختلف عبور کرده و رشد پیدا می کند. کسانی که می خواهند این پدیده را مدیریت کنند، لازم است، سوابق آن را بدانند. برای مثال در قانون به دفتر برنامه ریزی و حمایت از اشتغال معلولین در مراکز استان ها اشاره شده یا به شورای انقلاب در سال ۱۳۵۸ برای ۱۶ دسته از مشاغل برای معلولین قانون تصویب می کند. اما نمی دانیم این قوانین اجرا شده یا نه؟ اگر شده چه افراد جذب چه مشاغلی شدند و نتایج آن در سنوات مختلف چه بوده است؟ پنجاه سال آینده هم گفته می شود دولت در سال ۱۳۹۵ یا فلان مرکز خیریه ای در سال ۱۳۹۴ فلان تصمیم را گرفت و نتایج آن چیست؟ از این رو اولین ضرورت و اولویت درباره اشتغال معلولین اولاً انتشار تمام اسناد و مدارک گذشته به روش علمی و ثانیاً ایجاد یک سامانه و بانک اطلاعات جامع برای جمع آوری همه اطلاعات موجود و در اختیار نخبگان قرار دادن آنها است.

انواع معلولیت ها

تا متوجه نشویم معلولیت ها کدامند و چه علل و عواملی، چه نوع معلولیتی را به وجود آورده نمی توان در باب توانبخشی شغلی و ایجاد اشتغال پایدار تصمیم گرفت. یعنی نخست باید معلولیت را شناخت، سپس معلولیت را طبقه بندی کرد و آنگاه بر مبنای اقتضائات نوع معلولیت، مشاغل را به صورت طبقه بندی شده و نظام مند پیشنهاد نمود. از این رو اکنون به علل و عوامل معلولیت آفرینی اجمالاً می پردازیم.

اگر معلول را اینگونه تعریف کنیم: معلول کسی است که به هر دلیل توان

استفاده از عضو یا اعضایی از بدنش را نداشته یا به هر دلیل توانایی زندگی مثل افراد عادی را نداشته باشد؛ در این صورت می توان عوامل آن را به دو دسته زیر تقسیم کرد:

۱- علل مادرزادی، مثل: نقص عضو (بینایی، شنوایی و ...)

۲- علل عارضی، مثل: تصادفات، حوادث ناشی از کار، بیماری های عفونی و مزمن و طولانی که منجر به نقص عضوی از اعضاء می شوند.

از این رو معلولیت ها را می توان به چند دسته زیر تقسیم کرد:

۱- حواسی، مثل: بینایی، شنوایی و ...

۲- احشایی، مثل: قلب، عروق، کلیه و ...

۳- حرکتی، مثل: فلج، قطع اعضا و ...

۴- روانی، مثل: مغزی، عضوی، و ...

۵- اجتماعی، مثل اعتیاد و ...

بعضی معلولین را به دو دسته جنگی و عادی تقسیم کرده و بر این اساس کسانی که در جبهه جنگ دچار معلولیت شده اند، به نام جانباز یا مجروح جنگی می نامند. اما کسانی که مادرزاد یا بر اثر بیماری وراثتی یا امراض عارضی و یا تصادفات و حوادث دچار معلولیت شده اند، به نام معلول عادی و معمولی شناخته می شوند.

درباره معیارهای ارزشی و اینکه کدامیک از اینان محترم تر و ارزشمند تر هستند، حرف هایی هست ولی کتباً مطلب جدی یافت نشد. اما نمی توان گفت کسی که مثلاً- برای خدمت به مردم عازم جایی بوده و بر اثر تصادف جزء معلولان ضایعه نخاعی شده و کسی که برای دفاع از میهن جانباز شده، یکی بر دیگری برتری دارد. البته در متون دینی ملاک هایی مثل تقوا و عمل صالح وارد شده و بر اساس آنها می توان به داوری پرداخت.

از منظر دیگر معلولیت ها دو نوع شدید و متوسط درجه بندی شده اند. افراد دارای معلولیت شدید توان کار ندارند و اشتغال در مورد آنان بی معنا است و نیاز به تأمین اجتماعی دارند. اما افرادی که توان کار و شغل دارند با آموزش و مهارت آموزی و توانبخشی شغلی یا توانبخشی حرفه ای، آماده برای شغل و کار می شوند.

جمع آوری اطلاعـات معلولین و طبقه بنـدی آنـان بر اساس معلولیت آنها و نیز علاقه و گرایش آنان به شـغل خاص، ضـروری است. برای نمونه کسی که بینایی ندارد چه مشاغلی را می تواند انجام دهد؟ در کشورهای پیشرفته نابینایان چه مشاغلی دارند؟ در ایران در گذشـته چه مشاغلی داشـته انـد؟ اگر این اطلاعات جمع آوری گردد، مـدیران و تصـمیم سازان امور به راحتی می توانند درباره اشتغال آنان تدبیر داشته باشند.

تقسیم بندی به لحاظ شغلی

معلولانی که از نظر کارآیی و توانمندی همه در یک سطح نیستند و انواع دارند:

۱- یـک دسـته از معلولاـن کـارآیی و توانـایی آنـان در حـدّ صـفر است و مثـل یـک تکه گوشت انـد. معمولاًـ معلولان دارای ضایعات گردن اینگونه اند. یعنی فقط سرشان حرکت دارد و بقیه بدن فلج است.

معمولاً توصیه می شوند اینگونه معلولان تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار گرفته و برنامه کاری برای آنان توصیه نمی شود.

یک نفر به نام محمـدصادق مقدس هست. پدرش امام جمعه موقت یکی از شـهرهای مهم بود. محمد صادق در سال ۱۳۸۳ در یک تصادف رانندگی از ناحیه گردن آسـیب جدی دید و راهی بیمارسـتان شد. پس از چند ماه از بیمارستان بیرون آمد؛ ولی تمام بدنش فلج فقط سـرش را می تواند حرکت دهد. اما تصـمیم گرفت کار کند، شرکت صادرات و واردات راه اندازی کرد و برنامه ای روی کامپیوتر خود نصب کرد و با حرکت سـر و حرکت چشمانش موس مجازی را روی مانیتور حرکت می دهد. بالاـخره ظرف چنـد مـاه توانست شـرکت را به سودهی کلان برسانـد.(۱) ایشـان می توانـد الگـوی منـاسبی برای ایـن گروه از معلولاـن باشـد. حتی معلولاـنی که شدیـدترین معلولیت ها را دارنـد می تواننـد از وسایل مـدرن اسـتفاده کننـد و کسب و کار مناسب داشته باشند.

ص: ۷۷

۱- . مصاحبه با ایشان در تابستان و پاییز ۱۳۹۵ در دو جلسه در دفتر فرهنگ معلولین انجام شد.

۲- دسته دیگر معلولانی هستند که درصدی از معلولیت و ناتوانی را دارند. برنامه عمومی در این معلولان این است که اولاً ناتوانی اینان کارشناسی و شیوه کاستن از پیشرفت آن ناتوانی یا کاهش آثار آن بررسی و عملی گردد. دوم اینکه توانایی های فرد معلول شناسایی و راه به فعلیت رساندن این توانایی ها اجرایی گردد.

پس هر یک از معلولین نوع دوم دو برنامه دارند شناخت ناتوانی و مهار یا توانبخشی آن و دوم شناخت توانایی و منتج سازی، مولد سازی یا بهره مند و سوده کردن آن توانایی است.

به عنوان نمونه فردی نابینا است. در برنامه اول نوع بینایی خود را می شناسد و درصدد اصلاح و درمان و اگر امکان نداشت به فراگیری مهارت هایی که جایگزین بینایی می گردد می پردازد مثلاً فنون حرکت، جهت یابی، گذشتن از موانع، استفاده از عصا یا دیگر راهنماها را فرا می گیرد.

برنامه دوم این فرد شناسایی توانمندی ها، مثلاً متوجه می شود لامسه کارآمد و قوی دارد و با آموزش هایی می تواند در رشته سرطان یابی از طریق لمس بدن فعالیت کند.

همه معلولان گروه دوم این دو برنامه را باید اجرا کنند. هر چه این برنامه ها دقیق تر و منطبق تر با پیشرفت های علمی و فناوری های مدرن باشد، موفقیت فرد معلول قطعی خواهد شد. در فصل های آتی در این باره بیشتر خواهیم نوشت.

نظام مشاغل در بسیاری از کشورها اجرا شده و نتایج مطلوبی هم داشته است، به ویژه نسبت به معلولین مؤثر بوده است.(۱)

نظام مشاغل بر اساس شواهد عینی و مستندات حقیقی بنا می شود. مثلاً- برای نابینایان، شغل هایی مثل ویراستاری متون، نویسندگی و سرطان یابی بعید به نظر می رسد. اما وقتی چند نمونه هایی داشته باشیم که به رغم نابینایی، ویراستار است یا کتابدار نویسنده است. این نمونه ها را با فیلم و سند و مدرک نشان دهیم، این مشاغل برای این قشر تثبیت می شود.

۱- . این مبحث گسترده است و در کتاب تجارب جهانی اشتغال به آن پرداخته ام.

در آلمـان از شـرکت زیمنس بازدیـد کردم، تمامی کارمنـدان و کارگران این شـرکت دارای معلولیت انـد ولی با کیفیت ترین وسایل الکترونیکی مثل تلویزیون و رادیو تولید می کنند.

رئیس گروه کـامپیوتر دانشـگاه کالسـدروهه آلمان در سال **۱۳۹۳** به ایران آمـد و یـک روز مهمـان دفتر فرهنـگ معلولین بود. وقتی فعـالیت هـای این دفتر را دیـد، پیشـنهاد داد پروژه ای که توسـط نابینایـان در آلمان اجرا می شود در ایران هم با آموزش نابینایـان اجرا شود. او می گفت با یک هفته آموزش به نابینایان گزینش شـده، آنان در مراکز درمانی و بیمارسـتان های آلمان در شـغل کشف سرطان اشتغال پیدا می کنند. یعنی با لمس و ماساژ بدن فردی که احتمال سرطان دارد غدد سرطانی را کشف می کنند. هزینه این معاینه یک صدم هزینه اسکن است و خطرات اسکن مثل اشعه X را هم ندارد.

این گونه مشاغـل در کشورهـای پیشـرفته برای معلولین طی چنـد سال تثبیت شـده است و در ایران هم هر چه زودتر بایـد نظام مشاغل اجرایی یا اگر هست توسعه پیدا کند.

پیشگیری و آماده سازی

با پیشـرفت هایی که در علوم پزشـکی حاصل شده، اکنون مسلم و محرز گردیده که شمار زیادی از معلولیت ها قابل پیشگیری و در صورت ابتلا، قابل درمان و حداقل قابل افزایش توانایی هستند. از شایع ترین این نوع معلولیت ها ضایعات مغزی می باشد کـه علـم ژنتیـک قـادر به مقـابله و پیشـگیری از آن است و هر گـاه طفلی از صـافی هـای ژنتیـک هم بگـذرد و بـاز هم دچـار اختلالات مغزی باشـد، اگر در بـدو تولـد پزشـکان متوجه شونـد، قابل معالجه است. هر قـدر از زمان تولـد بگذرد و والدین یا پزشکان متوجه وجود اختلالات مغزی شوند، کار معالجه دشوارتر و مدتش طولانی تر خواهد بود.

از جمله معلولیت هـا، معلولیت هـای ارثی و خـانوادگی است که بـا کنترل هـا و آزمـایش های قبل از ازدواج می شود از وقوع آنها جلوگیری کرد. و اما معلولیت های حادث شده، مثل: تصادف، سـیل، زلزله، جنگ، قحطی و غیره که به طور ناخواسته، به سلامتی افراد آسیب زده اند، قابل پیشگیری می باشند.

ص: ۷۹

بعضی از معلولیت ها را می توان با پیشگیری از بین برد یا کنترل کرد. آلودگی های شیمایی، هسته ای، صوتی، ریزگردی و ده ها نوع آلودگی دیگر موجب معلولیت می شوند. ولی با برنامه ریزی و آموزش مردم می توان از تأثیر آنها ممانعت به عمل آورد. ولی رسانه ها به ویژه صدا و سیما در زمینه پیشگیری، ضعیف عمل کرده اند. در ادبیات و در متون اسلامی، مطالب سودمندی برای پیشگیری هست.

علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد بلا ندیده دعا را شروع باید کرد

به جز آن دسته از معلولیت هایی که ناخواسته حادث می شوند، مثل: سیل، زلزله، قحطی و بیماری های واگیردار و ... از سایر معلولیت ها می توان جلوگیری کرد.

به هر حال اگر جنگ نباشد، بیماری شیمیایی و معلول جنگی هم وجود نخواهد داشت. اگر در مسیر سیلاب خانه نسازیم، خانه خراب و غرق نخواهیم شد. اگر در پیرامون دهانه های آتشفشان زندگی نکنیم، در زیر مواد مذاب ناشی از فوران آتشفشان مدفون و یا معلول نخواهیم شد. اگر در مقررات راهنمایی و رانندگی و عبور و مرور دقیق باشیم، هرگز در تصادفات معلول و زمین گیر نخواهیم شد. اگر قبل از ازدواج به خصوص با نزدیکان، با پزشک مشورت کنیم، تحقیقاً صاحب فرزند معلول نخواهیم شد.

به این ترتیب باید بپذیریم که عامل معلولیت ها خودمان هستیم و اگر مبارزه و مقابله ای لازم هست باید ابتدا با خودمان کلنجار برویم و سپس با معلول برخورد شود.

در حالی که علم پزشکی، قادر به پیشگیری و معالجه امراض است، با وجود این، بیماری های ناشی از مظاهر تمدن، زاینده معلولیت هایی شده اند که پیداکردن راه های درمانشان، حتی از سرطان هم مشکل تر است. مثل استرس ها و بیماری های روانی و آلزایمر. مطابق آخرین آمارها ۱۲ درصد از افراد بشر مبتلا به اینگونه بیماری ها شده اند.

در ششمین همایش جهانی، اقدام های توانبخشی برای بیماران روانی در هامبورگ (بهار ۱۳۷۷)، پروفسور اشتارک روانکاو آلمانی گفت:از هر ۱۲– ۱۳ نفر افراد بشر یک نفرشان به نوعی نیازمند معالجات روانی است. بیماران مورد اشاره عبارتند از: شیزوفرنی؛ استرس روحی و افسردگی؛ آلزایمر.

ص: ۸۰

اما بیماری های روانی و روحی قابل مقابله و پیشگیری و درمان هستند. ادعیه و متون دینی و اسلامی بهترین راه درمان این بیماری را معرفی کرده اند.

بر اساس توصیه های سازمان بهداشت جهانی مبنی بر درمان بیماران روانی، مسئولین بهداشت و درمان کشورمان با برپایی سمیناری در این زمینه (خرداد ۱۳۷۷) به این نتیجه رسیدند که تخت های موجود در بیمارستان های روانی کافی برای انبوه بیماران نیست. از این رو تصمیم گرفته شد تا برای جلوگیری از تشدید بیماری، بخش هایی از بیمارستان های موجود به درمان بیماران روانی اختصاص یابند که تدارک برای راه اندازی این قبیل بخش ها آغاز شده است.

مطابق تعریف سازمان بهداشت جهانی (اعلام شده در سال ۱۳۷۷) قریب ۵,۰۰۰,۰۰۰ نفر بیمار روانی در ایران وجود دارد که اگر به موقع از شدت بیماری شان جلوگیری نشود، به تدریج به جمع معلولین غیر آرام خواهند پیوست.

متأسفانه در حال حاضر جهان با فاجعه معلولیت های ناشی از مواد مخدر، قرار دارد و کشور ما از اوایل قرن حاضر دچار این مشکل بوده و سرمایه های زیادی را در این راه از دست داده است.

مبتلا کردن افراد اجتماعات تحت ستم و استعمار سابق و آزادی خواه کنونی از شگردهای خاص دولت های استعماری بوده که سعی می کردند هر چه بیشتر بر رونق تولید و استعمال این مواد افزوده شود.

در حال حاضر نیز علیرغم مبارزه شدیدی که با قاچاق و استعمال تریاک می شود، با وجود این، این بلا شیوع دارد و شمار زیادی از افراد را به کام نیستی کشانیده که با خارج شدن از چنبره های کار و فعالیت، همچون معلولین روانی لاعلاج روی دست خانواده ها و اجتماع مانده اند.

مواد مخدر صنعتی مثل شیشه خطرناک تر و معلولیت زایی آنها چند برابر است. اینگونه مواد موجب انواع ایست قلبی، تصلب شرایین و ده ها عارضه دیگر شده و معلولیت های مختلف را موجب می شود و می آفرینند.(۱)

ص: ۸۱

۱- . «بررسی در زمینه معلولین و وضع اشتغال آنان»، قسمت اول، اکبر باقریان، کار و جامعه، ش۲۷، آبان ۱۳۷۷، ص ۳۰-۳۳.

ولی بسیاری از معلولان هم اکنون در مراتب و مناصب اداری - فنی مشغول کارانـد و به خوبی هم از عهده انجام وظیفه برمی آیند. از این رو نمی توان گفت معلولین قابل تحول نیستند و تا آخر عمر باید در یک گروه بمانند.

با برنامه ریزی و تدبیر می توان از معلولیت ها کاست و مانع شروع معلولیت ها شد. اما نخست باید درباره نظام مشاغل تصمیم گرفت.

مناسب سازی و ارگونومی

متناسب سازی دستگاه ها و ماشین ها مثل متناسب سازی خودرو برای رانندگان دارای ضایعات نخاعی، ارگونومی نامیده می شود. آرگونومی نوعی توانبخشی محسوب می شود. برای تحقق نظام مطلوب شغلی معلولان ایران، لازم است ابتدا بدانیم ارگونومی در ایران چه وضعیتی دارد؟

طراحی ماشین متناسب با توانایی جسمی - حرکتی انسان های معلول علم جدیدی به نام ارگونومی Ergonomy یا طراحی و مهندسی فاکتورهای انسانی Human Factor Engeneering design را به وجود آورده است. این رشته جدید که در سه دهه اخیر در جهان مطرح شده در دهه اخیر در سطح دانشگاهی هم تدریس شده است.

طراحی و مهندسی محیط زیست و اماکن تردد معلولان متناسب با شرایط آنان، «مناسب سازی نامیده» می شود. ولی آماده سازی ماشین آلاتی که توسط معلولان استفاده می شود، «متناسب سازی» یا ارگونومی نام گذاری شده است.(۱)

در ارتباط با پیوند این علم با توانبخشی و ایجاد حرفه برای افراد معلول اقدامات پژوهشی و نیز اجرایی فراوان بوده است و پیشرفت های مطلوبی در جهان به دست آمده است. اما ایران هنوز به سطح کشورهای پیشرفته نرسیده ولی در عرصه پژوهش اقدامات مطلوبی بوده است. لازم است متذکر شوم در تحقیقاتی که در این زمینه داشته ایم، ابزار خاصی را طراحی کرده ایم و در صورتی که وزارت کار بتواند

ص: ۸۲

۱- . متناسب سازی مشاغل معلولان، استیفن گریو، ترجمه مجید رشید کابلی، ص ۱۵ به بعد.

آنها را به استاندارد برساند.

اشتغال معلولین به خوبی صورت می گیرد. انسان خود را با محیط درگیر می کند و از نظر فیزیکی خود را با محیط حرفه ای تطبیق(۱)

می دهد.(۲)

تا کنون در ایران در این باره تحقیقات دانشگاهی انجام یافته و معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی هزینه هایی نموده است. دکتر علی اصغر مرادی از مدیران سازمان بهزیستی در مورد ارگونومی تحقیق مفصلی انجام داده است. اما این تحقیقات هنوز عینیت عمومی و طرح در سطح عموم معلولان را شاهد نیستیم. از این رو کتب و مقالات عینی تر را هم سراغ نداریم.

رابطه ارگونومی و اشتغال واضح است. ماشین آلات ابزار کار هستند و اگر معلولان نتوانند با آنها کار کنند، در نتیجه اشتغالی هم وجود نخواهد داشت. به عنوان نمونه معلولان ضایعه نخاعی یا ضایعه گردنی اگر بخواهند از طریق شغل رانندگی و حمل مسافر درآمد داشته باشند، لازم است خودروی آنها متناسب با شرایط آنها تجهیز گردد. دو پا و گاه دو دست آنان فلج است و بعضاً از حرکت دو پا و دو دست ناتوان هستند، در حالی که ترمز، کلاج و گاز و دنده با دست و پا سر و کار دارد. از این رو لازم است کلاج، گاز، ترمز و دنده ماشین متناسب سازی گردد.

هم اکنون کسی هست که ضایعه نخاعی و نیز ضایعه گردنی است و دو دست و دو پای آن اصلاً تحت کنترلش نیست ولی از طریق مسافرکشی بین شهری ارتزاق می کند. پژوی ۴۰۵ ایشان توسط یک شرکت متناسب سازی شد و ۷ میلیون تومان هزینه داشت. فرد دیگری هست که در تصادف ضایعه گردنی شده و از گردن به پایین کلاً فلج است. ایشان مدیریت یک شرکت صادرات و واردات با بازده خوب کاری و درآمد خوب است. همه کارهایش را از طریق موبایل و کامپیوتر انجام می دهد. صفحه کلید کامپیوتر او را متناسب سازی کرده اند به طوری که با حرکت سر یا حرکت چشم ها ماوس حرکت می کند و در جای مطلوب با حرکت دیگری کلیک می کند. همچنین نابینایان، ناشنوایان و دیگر اقشار معلولین با متناسب

ص: ۸۳

۱- . Adaptation

۲- . همان.

سازی دستگاه های آنها از جمله کامپیوتر آنها در امور روزانه و شغلی فعال خواهند شد. لازم است این تجارب در رسانه ملی و جراید ایران معرفی شود، نیز تحقیقات گسترش پیدا کند.

گستره مشاغل معلولیتی

هر گونه برنامه و تدبیر برای کار و اشتغال معلولان، باید مبتنی بر فرهنگنامه باشد. معلولانی که هیچ توانی برای کار ندارند؛ مثل فرد دارای ضایعه نخاعی که تمامی بدنش فلج است و فقط سرش حرکت دارد. اینان باید تحت پوشش بیمه بیکاری و نهادهای حمایتی مردمی یا دولتی باشند. اما خانواده این افراد را می توان در اولویت اشتغال قرار داد و برای فرزندان و همسر شغل ایجاد کرد.

اما کسانی که توان و ظرفیت کار دارند، نخست باید به فرهنگنامه معرفی مشاغل معلولیتی مراجعه کند و بر اساس علایق و تبحری که دارد و نیازها و دیگر واقعیت هایش، شغلی را انتخاب کند.

این فرهنگنامه، ابتدا مشاغل معلولان را به دوازده سرفصل اصلی تقسیم کرده، سپس زیر هر سرفصل، مشاغل مرتبط به آن معرفی می شود. مثلاً نوشته می شود:

مشاغل هنری

زیر آن نوشته می شود:

نقاشی

چهره نگاری

سیاه قلم

و ...

نوازندگی

نی

تنبک

و ...

یعنی همه مشاغل مرتبط به هنر معلولان زیر این سرفصل به صورت طبقه بندی

شده می آید. در مرحله بعد، هر یک از این مشاغل تعریف می شود. معلولانی که در این رشته اشتغال داشته اند هم معرفی می شوند. و در نهایت درآمد و چگونگی کسب و کار در این رشته را معرفی می کند.

اما دوازده سرفصل اصلی عبارت اند از:

مشاغل پزشکی

مشاغل بهزیستی و توانبخشی

مشاغل صنعتی

مشاغل کشاورزی

مشاغل اطلاع رسانی مثل روزنامه نگاری

مشاغل علمی مثل ویراستاری و تألیف و تدریس

مشاغل خدماتی مثل بلیط فروشی

مشاغل اداری مثل کارمند بانک

مشاغل ورزشی مثل فوتبال

مشاغل هنری مثل نقاشی

مشاغل فرهنگی مثل صحافی و کتابداری

فعالیت مذهبی مثل تبلیغ، حفظ قرآن، تدریس قرآن

هنوز به درستی نمی دانیم چند درصد از معلولان در ایران در کدامیک از این دوازده شغل، مشغول هستند و آمارهای کامل نداریم، در ادامه اطلاعات معلولین ایران جمع آوری و زیر اینها درج می گردد.

ناقص است.

مهم تر اینکه در ایران کارهای مختلف ضروری در این مشاغل انجام نیافته است. اولین اقدام، معرفی این دوازده نوع شغل به جامعه و به معلولین است. لازم است از حد و حدود، روش اجرا، درآمدزایی، جایگاه اجتماعی و حقوقی این دوازده نوع شغل عرضه شود. متأسفانه وقتی سخن از اشتغال معلولان به میان می آید ذهن ها به سمت چند شغل محدود می رود.

اقدام دوم ضروری معرفی نمونه ها در هر یک از این مشاغل است؛ مثلاً افراد دارای معلولیت که در زمره پزشکان موفق بوده اند و در این دوره هم حضور دارند

ص: ۸۵

لازم است معرفی شوند.

هنرمندان معلول، مؤلفان دارای معلولیت، کشاورزان، صنعت کاران و دیگر شاغلان دارای معلولیت همراه با عکس و با گزارش های واضح و روان و نیز فیلم آنها به همه اقشار جامعه معرفی شوند. تا کنون حتی یک مورد از این کارها توسط سازمان هایی مثل بهزیستی نشده است. فقط برخی مراکز مردمی دفتر فرهنگ معلولین کارهایی انجام داده است.

اقدام مهم دیگر قانون نظام مشاغل معلولین است که در مجلس شورای اسلامی تصویب گردد.

اهتمام به مشاغل جدید

اکنون درصدد تبیین شیوه هایی هستم که با اجرای آنها می توان اشتغال جدید به ویژه مشاغل هنری و فرهنگی را در این قشر توسعه داد. معلولین از نداشتن اشتغال یا داشتن مشاغل ضعیف و نامناسب گله مند هستند. از طرف دیگر جامعه ایرانی و دیگر جوامع جهان اسلام تصور و ذهنیت درست از اشتغال آنان ندارند و تصور عمومی این است که اینان توانایی انجام کار فرهنگی و علمی را ندارند و باید در حدّ مشاغلی مانند تلفن چی باقی بمانند.

اما پیشرفت های خودجوش بسیاری از معلولان در دو دهه اخیر همه معادلات را بر هم زد و تصور عمومی مزبور را ابطال نمود. چون همه به عینه و با چشم خود در محل و شهر خود می بینند، نابینایان به عنوان استاد دانشگاه، به عنوان وکیل، به عنوان نویسنده و پژوهشگر، به عنوان برنامه نویس کامپیوتر و غیره مشغول کار هستند.

الآن وقت آن رسیده تا جامعه شناسان و کارشناسان امور معلولین شیوه های دستیابی روشندلان به مشاغل فرهنگی را تبیین کند؛ تجارب گذشته را گردآوری و تجزیه و تحلیل کرده و جامعه جدید با مناسبات نو برای آنان ترسیم نمایند.

- وضعیت مشاغل معلولان و دسته بندی اشتغالات آنان

- ماهیت مشاغل فرهنگی و تناسب اینگونه مشاغل با توانایی ها

- انواع مشاغل فرهنگی معلولان در دو فاز وضع موجود و وضع مطلوب

- راه های دستیابی به مشاغل فرهنگی

- وظایف اقشار مرتبط در ایجاد وضعیت مطلوب

پنج فصل فوق در مجموع گویای این نکته است که همه واقعیت ها به ما می گوید که دوره «تلفن چی» برای نابینایان و مشاغل بلیط فروشی اتوبوس برای حرکتی ها و بلیط اعانه فروشی برای ناشنوایان گذشته و همه آنان وارد عرصه های نوین شده اند. دیگر نمی توان آنان را از پشت کامپیوتر یا سر میز تدریس دانشگاه برداشت و پشت میز مشاغل قبلی گذاشت. دقیقاً برای آحاد جامعه هم این ارتجاع و عقب گرد محال و ممتنع است. از این رو بهتر است راه کارهای مناسب برای دستیابی سریع تر و آسان تر معلولان را به انواع مشاغل فرهنگی شناسایی و بررسی کرد و سیر گذار را نهادینه نمود.

تا کنون تصور می شده این قشر فقط برای مشاغل خدماتی آن هم از نوع تلفن چی و بلیط فروشی مناسب اند ولی واقعیت ها کاملاً گویا است که آنان در همه مشاغل برازندگی و خلاقیت داشته اند.

اما این مقاله درصدد است؛ برای اولین بار به آنان مشاغل فرهنگی و علمی را پیشنهاد کند. در همه جوامع مشاغل علمی و فرهنگی از هر نظر برتر و پر درآمدتر و در سطح جامعه پر جاذبه تر است؛ چرا معلولین از اینگونه مشاغل محروم باشند، فقط باید راه رسیدن آنان به مشاغلی مثل کرسی استادی دانشگاه؛ روزنامه نگاری؛ پژوهشگری؛ نویسندگی کتاب و مقاله؛ مرجع نگاری و ویراستاری را به آنان آموزش داد. یا به عبارت بهتر دستیابی به این مشاغل که توسط برخی از روشندلان تجربه شده را تعمیم داد.

یک نکته این است که بعضی مدعی هستند اگر یک یا چند نفر از افراد دارای معلولیت، پزشك شدند یا چند تن از آنان برنامه نویس شدند یا به کرسی وکالت دسترسی پیدا کردند یا سر کلاس دانشگاه به عنوان استاد حضور پیدا کردند، همه اینها استثناء است. اینان مدعی هستند معلولان ذاتاً نمی توانند به چنین مشاغلی دست یابند فقط در میلیون ها یا هزاران نفر یک یا چند نفر به دلیل ویژگی های خاص خودشان دسترسی پیدا کرده اند.

ص: ۸۷

در پاسخ باید گفت در جامعه انسانی از هر نمونه اگر یک مورد تحقق و مصداق پیدا کرد، مبرهن و معلوم می گردد که این واقعیت امکان تحقق در مصادیق و موارد دیگر را هم دارد.

طرح جمع آوری اطلاعات شغلی

در جوامع پیشرفته تحقق ایده ای در یک نفر را مطالعه می کنند، علل و عوامل کشف آن ایده را به دست می آورند و در افراد دیگر تعمیم و گسترش می دهند.

اما در ایران لازم است ابتدا کشف کنیم چه افرادی در چه مشاغلی موفقیت پیدا کرده و به مدارج عالی یا حداقل مشاغل متوسط رسیده اند. سپس تجارب آنها به دست آید. از این رو تحقیقی برای همین منظور به نام «طرح جمع آوری اطلاعات شغلی معلولان» در دستور کار دفتر فرهنگ معلولین است.

مشکل اصلی برنامه سازان و تصمیم گیران و مدیران این است که نمی دانند در ایران چند معلول شاغل و چه مشاغلی هستند؟؛ نیز معلوم نیست برای دستیابی به این مشاغل چه مسیری را طی کرده و چگونه عمل کرده اند؟

طرح جمع آوری اطلاعات شغلی بخشی از بانک اطلاعات معلولان ایران است که روزانه جمع آوری و در اختیار عموم قرار می گیرد.

اما این بانک برای رسیدن به اهدافش مسیر پرپیچ و پرمانعی را باید طی کند. عدم همکاری مسئولین دولتی تا خود معلولان و خانواده های آنها اهمیت دارد. با اینکه این اطلاعات نخست برای مسئولین و مدیران محترم دولتی سودمند و راهگشا است.

یکی از موانع مهم این است که افراد از دادن اطلاعات درباره اینکه چگونه به موفقیت رسیده اند، اکراه و امتناع دارند و فکر می کنند اگر اطلاعات را به دیگران بدهند، به قول معروف دست زیاد خواهد شد و دیگران به تجارب آنها دست می یابند، در صورتی که در اسلام تأکید شده زکات علم و اساساً نمو و رشد هر کاری که همان زکات است به نشر و توزیع و گسترش آن است.

پیشرفت متناسب با زمان

اشتغال معلولان وقتی سامان پیدا می کند که مسئولین سازمان بهزیستی و سازمان آموزش و پرورش استثنایی، اقتضائات مدرن، شرایط جدید را درک کنند و متناسب با آنها برای شغل معلولان برنامه ریزی نمایند. دقت کنید اگر تصور کنید اگر مدیری در فضای دوره قاجاریه و یکصد سال قبل باشد و بهترین شغل را برای نابینایان و معلولان حرکتی، قرآن خوانی در مراسم متوفا ها و نهایتاً روضه خوانی و وعظ بداند، هیچ تلقی و تصوری از مشاغل جدید مثل اینترنت و هزاران شغل آن، نیز تصوری از روزنامه نگاری، تئاتر، فیلم سازی، موسیقی و انواع هنرهای دیگر معلولیتی نداشته باشد؛ از طرف دیگر مدیریت بخش کلانی از امور معلولان هم در دست چنین فردی باشد، چه اتفاقی رخ خواهد داد؟

خواهش می کنم، کسانی که اداره امور کلیدی معلولان در دستشان است، مطالعه کنید و زیر ذره بین بگذارید، آنگاه متوجه وخامت اوضاع این قشر می شوید.

البته قرآن بسیار سازنده است و علاوه بر تأثیر معنوی می توان در اشتغال هم مؤثر باشد همانطور که نابینایان مصر درآمد سالانه بالایی دارند. اما لازمه توسعه دانش و حرفه های قرآنی مثل قرائت، حفظ هم به برنامه ریزی و تدبیر نیاز دارد. به عنوان نمونه عرض کنم نابینایان ایران حداقل پنجاه سال در زمینه حفظ و قرائت قرآن تلاش کرده اند. اما چون مدیریت علمی نبوده و تجارب آنها گردآوری و آماده سازی و مکتوب نشده، لذا نمی توانند در شهرهای مختلف کلاس قرآنی داشته باشند و آموزش بدهند. حتی سازمان بهزیستی در سال ۱۳۹۵ از دانشگاه برای آموزش خود نابینایان قرآنی کمک گرفت و قراردادی بین معاونت فرهنگی آقای سید محمدی با آموزش عالی در سال ۱۳۹۵ منعقد گردید.(۱)

با اینکه اگر در حوزه آموزش، کار اندکی برای نابینایان انجام شود و یک دوره کارگاه کلاس داری و آموزش قرآن برای آنها گذاشته و در چند ساعت، روش کار به آنها گفته شود. حداقل سالانه یک هزار شغل در زمینه آموزش قرآن کریم برای حداقل نابینایان

۱- . مراجعه کنید به رایحه (مجله قرآنی ایکنا ویژه مسابقات بین المللی قرآن کریم)، سال دهم، ش۱۲۴، تیرماه ۱۳۹۵، ص۸.

ایجاد خواهد شد. اما معاونت فرهنگی سازمان بهزیستی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر نهادهای متولی امور معلولان در این زمینه اقدامی نداشته اند. اگر هم داشته اند محدود بوده و خبرش منعکس نشده است. عربستان سعودی در یک طرحی که حدود بیست سال است جریان دارد، نابینایان را سه ماه آموزش وعظ و قرآن می دهد، سپس به شهرها و کشورهای دور و نزدیک در جهان اعزام می کند. از این رو در روستاهای دور دست اندونزی یا فلان کشور آفریقایی که اساساً هیچ امکاناتی ندارند، نابینایی مشاهده می شود که مسجد آنجا را اداره می کند، برای جوانان کلاس قرآن دارد، احکام و تاریخ برای مردم می گوید. زندگی اش هم توسط مردم اداره می شود. ا البته دولت عربستان هم مبلغی به او می دهد.

به همین دلیل بسیاری از مساجد در کشورهای مختلف تحت سیطره وهابیت و دولت عربستان سعودی است. در اروپا و امریکا بسیاری از معلولین از طریق هنر مجسمه سازی، هنر نوازندگی، هنر خوانندگی، تئاتر و بازی در فیلم به مدارج و درآمدهای سرشار رسیده اند. در ایران هنرمندان دارای معلولیت سرشناس داشته ایم مثل مرحوم بنان، خانم پری زنگنه و مرحوم نورعلی خان برومند. اما در ایران درصدد معرفی آنها نبوده ایم و نتوانسته ایم هنرمندان عالی مقام خود را به صورت یک تجربه و یک الگو به جهان معرفی کنیم.

اولین اقدام مهم که توسط تشکل ها و سمن های مردمی قابل اجرا است، معرفی مشاغل و معرفی معلولان ایرانی که در این مشاغل موفق بوده اند. با این کار اساس فرهنگ سازی و الگوسازی پایه ریزی خواهد شد.

ص: ۹۰

فصل چهارم: روش شناسی

اشاره

ص: ۹۱

منظور از روش شناسی اشتغال، شناخت شیوه هایی است که در ایران و جهان برای کاریابی معلولان و رسیدن آنها به کسب درآمد متداول و مرسوم است. سازمان بهزیستی چه روش هایی را انجام می دهد؟ و در جامعه هدف چه روشی متداول است؟ و در جهان چکار می کنند و چگونه برای معلولان شغل پایدار ایجاد می نمایند؟ اساساً چه شیوه ای از نگاه مدیران امور معلولان مطلوب است و چرا مطلوب است و مطلوبیت آن در چیست؟ اینها پرسش هایی است که تلاش می کنیم در این فصل، به جواب آنها برسیم.

علت گشودن این مبحث این است که کسانی که به اشتغال معلولان ایران منتقدو معترض هستند در واقع شیوه هایی که اجرا شده را قبول ندارند و معتقد هستند این روش ها آسیب مند است. از این رو آسیب شناسی را باید به طرف روش ها جهت دهیم. اگر اشکالات روش ها به دست آید و کارشناسی گردد و سپس به اصلاح آنها مبادرت شود، نظام کسب و کار معلولین درست و کارآمد خواهد شد.

خوداشتغالی

در قدیم و در اقتصاد سنتی، یک یا دو روش محدود برای اشتغال وجود داشت ولی به تدریج روش های کاریابی و اشتغال جدید به میان آمد و تجربه شد و معلولین با اجرای این شیوه ها، تحولاتی در اشتغال پدید آوردند. یکی از آنها خود اشتغالی است.

یکی از رایج ترین و انعطاف پذیرترین روش های اشتغال و به کار گماری معلولان خوداشتغالی است. در این نوع اشتغال، معلول در منزل خود (در شهر یا روستا) متناسب با توانایی ها و علاقه اش به انجام کار مولدی در بخش غیر مزدبگیر می پردازند و به تولید کالا و یا ارائه خدمتی مشغول می شود و با فروش آن درآمدی کسب می کند و به زندگی اش ادامه می دهد.

در خوداشتغالی، استقلال قابل توجهی در ساعت و نحوه کار وجود دارد و دامنه فعالیت بسیار گسترده است و انجام آن در همه مکان ها عملی است. امروزه در اکثر کشورهای در حال توسعه از روش خوداشتغالی یا «کار برای خود» به عنوان راه حل عملی برای کاهش بحران بیکاری استفاده می شود و نتایج رضایت بخشی از انجام آن حاصل شده است.

وزارت کار و امور اجتماعی برای توسعه خوداشتغالی، وام و تسهیلات بانکی و ابزار و ماشین آلات در کارگاه مشترک و آموزش های لازم را در دسترس معلولانی که حائز شرایط باشند، قرار می دهد. برای صرفه جویی در بودجه، مجموعه ای از ماشین آلات اساسی و ضروری برای تولید را در یک محل به عنوان کارگاه جمع می آورند که به طور مشترک با برنامه ریزی قبلی، به وسیله تعدادی معلول مورد استفاده قرار می گیرد. در این کارگاه همچنین معلولان برای رفع مشکلات فنی به وسیله عده ای متخصص راهنمایی می شوند و به مبادله اطلاعات فنی می پردازند و دانش شغلی خود را افزایش می دهند. در این شیوه برای معلولان تهیه وسیله رفت و برگشت به کارگاه ضروری است. معلولانی می توانند از مزایا و تسهیلات وزارت کار و امور اجتماعی بهره مند شوند که واجد این شرایط باشند. بیکار و در جستجوی کار باشند، به عنوان داوطلب در بخش خوداشتغالی ثبت نام کرده باشند، مزدبگیر نباشند و تولیدکننده کالا یا ارائه

دهنده خدمات فنی باشند، در صورت نیاز نمونه ای از تولیداتشان را ارائه دهند و برای فعالیت شان توجیه اقتصادی داشته باشند، مهارت فنی لازم برای تولید و یا ارائه خدمات را دارا باشند. در صورت نداشتن مهارت های لازم به مجتمع های آموزش و اشتغال اعزام می گردند. نظارت و کنترل و راهنمایی بیشتر شاغلان در این بخش از وظایف اصلی مسئولان اشتغال کشور است.

شرکت تعاونی

از روش های مؤثر و کارآمد اشتغال و به کارگماری معلولان، تشویق و ترغیب آنان به اشتغال در شرکت های تعاونی معلولان است. بعضی بر این باوراند که بعد از خوداشتغالی بالاترین رقم جذب معلولان به کار را حائز است. بنا به توصیه سازمان بین المللی کار، در شرکت های تعاونی خاص معلولان حداکثر ۲۵ تا ۳۰ درصد اعضاء را معلولان تشکیل می دهند. تشکیل این نوع شرکت ها خصوصاً تعاونی های تولیدی به سرمایه گذاری زیاد نیاز دارند. برای تشکیل شرکت های تعاونی در شرایط عادی، عده ای از افراد داوطلب معلول که اطلاعات و امکانات کافی دارند و انگیزه و دانش و مهارت لازم را نیز دارند اقدام به سرمایه گذاری می کنند و با استفاده از تسهیلات مندرج در قانون عمومی شرکت های تعاونی به فعالیت های تولیدی می پردازند. بدین صورت، تعدادی معلول به اشتغال در شرکت تعاونی مشغول می شوند. این شرکت ها با نظارت و حمایت بخش دولتی توسط افراد معلول به صورت خودگردان اداره می شوند و در نتیجه علاوه بر هدف اقتصادی و درآمدزایی نقش توانبخشی شغلی را نیز ایفا می کنند. تشکیل این شرکت ها با موفقیت هایی همراه بوده است و نتایج مثبتی در زمینه ایجاد فرصت های شغلی و پیوستن معلولان به جامعه داشته است.

اشتغال تحت حمایت

اشتغال تحت حمایت را اشتغال حمایت شده هم می نامند و از طریق کارگاه های حمایت شده برای گروه های خاصی از معلولان که به علت ماهیت و

ص: ۹۴

شدت معلولیت نمی توانند به اشتغال معمولی بپردازند از جانب سازمان های داوطلب تأسیس می شود. در تشکیل کارگاه های شغلی حمایت شده عوامل بسیاری از جمله نظر جامعه نسبت به معلولان، درجه شیوع و شدت بیکاری، سطح پیشرفت خدمات توانبخشی شغلی و موقعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه نقش بسزایی دارند. کارکنان این کارگاه ها باید آموزش های لازم را برای کار تولیدی در کارگاه با موفقیت گذرانده باشند.

دور کاری یا اشتغال در منزل

این نوع اشتغال، کسانی را در بر می گیرد که به ناتوانی شدید گرفتار هستند و قادر به حرکت و انتقال از محلی به محل دیگر نیستند و محل سکونت آنان از محل کارشان فاصله زیاد دارد. این افراد از طریق مرکز توانبخشی به برخی کارگاه ها که امکان اشتغال دارند، معرفی می شوند و در قبال کار در منزل مزد دریافت می کنند. فناوری جدید مثل وسایل مخابراتی و ارتباطی، موجب شده مردم به هم نزدیک تر شوند. و بُعد مسافت را که در زندگی شهری مدرن یک واقعیت است، کوتاه می کند. امروزه در کلان شهرهایی مثل تهران فاصله شرق تا غرب تا شمال تا جنوب آن مثل فاصله کرج تا پردیس در تهران علاوه بر طول مسافت، ترافیک و دیگر موانع تردد وجود دارد و مخّل دستیابی به اهداف است. ولی همه این موانع با وسایل مدرن ارتباطی جبران شده و در حداقل زمان، بیشترین ارتباطات انجام می پذیرد.

برای موفقیت روش اشتغال در منزل توجه به این موارد ضروری است:

الف- مواد اولیه در زمان مناسب در دسترس شاغلان قرار گیرد و به موقع تولیدات آنان جمع آوری شود؛

ب- برای فروش تولیدات و محصولات شاغلان برنامه ریزی دقیق به عمل آید؛

ج- شاغلان به طور مستمر توسط سرپرستان فنی تحت نظارت و راهنمایی قرار گیرد؛

د- نوع شغل بر اساس توان و ظرفیت شاغلان انتخاب شود؛

ه- بابت تولیدات و محصولات حق الزحمه و مزد مناسب پرداخت شود.

ص: ۹۵

با توجه به اینکه برخی از توانیابان به علت شدت معلولیت، اشتغال بیرون از منزل برایشان امکان پذیر نیست. «اشتغال در منزل» و «دورکاری» بهترین گزینه برای آنها است. برای این مورد هم دولت و سازمان بهزیستی باید نهادهای کوچکی ایجاد نماید تا بر اساس تقاضای این افراد، به ایجاد شغل هایی مناسب در منزل بپردازند تا فردی که دارای معلولیت شدید است هم در منزل مشغول به کار شود و نتیجه را به صورت روزانه، هفتگی یا ماهانه به کارفرما تحویل دهد. این نوع اشتغال می تواند شغل های مرتبط با صنایع دستی، شغل های هنری، خیاطی، و حتی کار با «رایانه و تلفن» در منزل باشد. به عنوان مثال فرد دارای معلولیت می تواند با داشتن یک دستگاه رایانه و اینترنت پرسرعت و یا به صورت تلفنی، در منزل خویش به شغل هایی مانند اپراتوری، منشی گری و بسیاری از موارد مرتبط بپردازد و یا با داشتن دستگاه چرخ خیاطی یا لوازم لازم، به کارهای هنری در منزل اقدام نماید. دقیقاً مانند بسیاری از شغل هایی که امروزه در بازارهای کار و آگهی های استخدامی مشاهده می شود اما برای افراد دارای معلولیت لازم است که اینگونه شغل ها تحت نظارت دولت و سازمان های مردم نهاد ایجاد شود تا امنیت شغلی این افراد تأمین شود.

اشتغال خانوادگی

این روش که به اشتغال پدر و فرزندی یا خانوادگی معروف است،دارای سابقه بیشتر است. از قدیم فرزند دارای معلولیت نزد پدر یا برادر یا یکی از اقوام نزدیک مشغول به کار می شد و پس از فراگیری فنون کار به تدریج جانشین پدر و استاد می شد. حتی گاه مدیریت واحد اقتصادی را به دست می گرفت. برای مثال کسی تعمیر اتومبیل داشت و فرزند ناشنوایی هم دارد. پس از گذراندن تحصیلات و تا مرحله ای که دوست دارد تحصیل می کند. سپس هر روز همراه پدرش به تعمیرگاه می رود و به تدریج کار را فرا می گیرد و کم کم اداره تعمیرگاه را بر عهده می گیرد. این نوع اشتغال درگذشته سابقه دارتر و موفقیت آمیزتر بوده است. یعنی در جوامع سنتی، بهترین شیوه برای اشتغال بوده است. اما در جوامع مدرن و با پیدایش

فاصله نسل ها و گست پدر و فرزند، این شیوه کمتر عملی شده است.

روش استاد و شاگردی

شیوه اشـتغال اسـتاد و شاگردی را بعضـی نوعی از اشـتغال جامعه محور یا اشتغال CBR می داننـد. با توجه به اینکه بسیاری از روش های کاریابی متکی بر حمایت های جامعه است، با این توجیه بایـد زیر مجموعه اشـتغال جامعه محور باشـند. ولی کسـی نگفته این شیوه ها جامعه محوراند.

اما در شیوه استاد و شاگردی، کارفرمایانی که توانایی و امکانات اداره معلولین را دارند و می توانند آنان را با توانبخشی آماده کـار کردن در واحـد مـورد نظر صـنعتی یـا کشـاورزی یـا غیره کننـد، این روش را اجرا می نماینـد. این شـیوه از ۱۳۷۵ توسط بهزیسـتی در ایران شـروع به اجرا شـد و پس از گـذشت ۳ سـال از اجرای برنـامه آموزش حرفه ای به شـیوه اسـتاد شاگردی در کشورمان و صرف هزینه ای بالغ بر ۴۰ میلیارد ریال جهت ایجاد شـغل در این برنامه، جا دارد نتایج حاصل از به کارگیری این شیوه را مورد سـنجش و ارزیابی قرار داد. نتایج این روش را بر اساس سه مؤلفه میزان درآمد، وضعیت نیاز به حمایت اجتماعی و مدت زمان اشتغال می توان سنجید.(۱)

تحقیقـات میـدانی توسـط دانشـجویان در پایان نامه های کارشناسـی ارشـد یا دکترا انجام یافته است. و اطلاعات سودمنـدی به دست آمده و تجزیه و تحلیل هم شده است.(۲)

روش اشـتغال جامعه گرا یا جامعه نگر یا CBR به دلیل اهمیت بعداً به تفصـیل بررسـی می شود. اما روش استاد و شاگردی در اجرا، مـدل هـای مختلف دارد و بعضـی مراکز مردمی مثـل ابابصـیر در دهه شـصت و هفتـاد پیشـرفت های بسـیار در این زمینه داشتند. متأسفانه تجارب و دستاوردهای گذشته ثبت و ضبط و تدوین نشده است.

۱- . بررسـی پیاینـدهای اشـتغال معلولین، پایان نامه کارشناسـی ارشـد، محمـدرضا اسـدی، اسـتاد راهنما سـید مجیـد میرخانی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۹۰.

۲- . همان.

کسب و کار غیرمتعارف

شغل هایی که مشروعیت ندارد یا متعارف نیست یا شأن آنها پایین است، به آنان اشتغال غیررسمی، اشتغال غیرقانونی یا غیرمتعارف Informal employment گفته می شود.

کارهای پیشامدی درآمدزا، مشاغل غیررسمی نامنظم اند و شاغلان آنها غالباً خویش فرما و فاقدِ حقوق بازنشستگی اند و مالیات نمی پردازند. اینگونه مشاغل، به ویژه در مناطق شهری کشورهای در حال توسعه، مثل مکزیکوسیتی، رایج است. این نوعِ اشتغال هم شاملِ مشاغلِ خدماتی درجه سه، نظیر تمیز کردن کفش یا فروش بطری های آب یا دست فروشی می شود و هم مشاغل صنعتی حرفه ای را در بر می گیرد. مشاغل غیرقانونی، نظیر دزدی و خودفروشی و فروش مواد مخدر، نیز مشاغل غیررسمی محسوب می شوند.(۱)

وقتی وضع معیشتی و اقتصادی معلولان خراب شود و حداقل امکانات زندگی را نداشته باشند به طور جبری گاه و بعضاً به کارهای غیرمتعارف رو می آورند. در ایران هنوز آماری از بین کارها و مشاغل در دست نیست ولی قطعاً وجود دارد. امید است خیرین، مردم وظیفه شناس و دولت محترم فکری برای معیشت معلولان بنمایند و از شرایط سخت کنونی آنان را نجات دهند.

شیوه جامعه محور CBR

اشاره

گسترش معلولیت و افزایش علل و عوامل معلولیت زا از یک طرف و افزایش هزینه های توانبخشی و درمان معلولیت یا تأمین نیازهای معلولان، همچنین گسترش نیازها با شهرنشینی مدرن، دولت ها متوجه شدند توانایی رسیدگی را ندارند و نه نیروی کافی برای این منظورها دارند و نه امکانات مالی دارند، از این رو به فکر افتادند از توانمندی های جامعه استفاده کنند. این شیوه در قالب یک نظریه و راه کار عملی به نام CBR عرضه شده است.

ص: ۹۸

۱- . دانشنامه دانش گستر، ج۲، ص۵۵۴.

اشتغال CBR نخست، توانبخشی CBR مطرح شد و پس از مدتی اشتغال CBR رونق پیدا کرد. اما توانبخشی مبتنی بر جامعه ابتدا در سال ۱۹۷۵توسط دکتر اینار هلاندر که در آن زمان مسئول ستاد کل سازمان جهانی بهداشت در ژنو بود، ارائه گردید. وی CBR را این چنین تعریف کرد:

CBR خط مشی برای ارتقاء کیفیت زندگی افراد معلول از طریق دسترسی به خدمات ارائه شده، ایجاد فرصت های برابر و حمایت از حقوق انسانی افراد معلول با اتکاء بر توان دهی جامعه.

سازمان جهانی بهداشت، سازمان بین المللی کار و یونسکو در سال ۲۰۰۴ در جدیدترین تعریف، توانبخشی مبتنی بر جامعه را اینگونه تعریف نمودند:

توانبخشی مبتنی بر جامعه راهبردی است در درون برنامه توسعه جامعه به منظور ارائه خدمات توانبخشی، برابرسازی فرصت ها، کاهش فقر و فراگیرسازی اجتماعی افراد معلول.

پس از این که خدمات اولیه بهداشتی از طریق طرح مراقبت های اولیه بهداشتی (PHC) به مناطق دور افتاده راه یافت و نتایج ارزنده ای به ارمغان آورد، کشورهای عضو سازمان جهانی بهداشت در صدد برآمدند تا راه حلی پیدا کنند که بدان وسیله عده بیشتری از افراد معلول از خدمات توانبخشی بهره مند شوند. برای دستیابی به این مهم جوانب امر مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج حاصله بیانگر آن بود که از یک سو گران بودن هزینه های توانبخشی و از سوی دیگر دسترسی ناکافی امکانات توانبخشی به خصوص در مناطق دور افتاده از جمله موانع پوشش همگانی توانبخشی است. در سال ۱۹۷۸ در کنفرانس بین المللی آلماتا به منظور برآوردن نیازمندی های راهبرد «بهداشت برای همه» برنامه ابتکاری توانبخشی مبتنی بر جامعه توسط واحد فنی WHO به عنوان جزء تفکیک ناپذیر خدمات مراقبت های اولیه بهداشتی معرفی شد. اولین تلاش، انتشار دستورالعمل تکنولوژی «آموزش در جامعه برای کمک به افراد معلول» بود. این دستورالعمل با همکاری ای. هلاندر، پ. مندیس، گوورت و جی نلسون تألیف گردید. سازمان جهانی بهداشت نخستین بار پیش نویس آن را در سال ۱۹۷۹ به چاپ رساند و به صورت گسترده در ۲۰ کشور مورد بررسی

قرار داده و در عملیات میـدانی آزمود. سـرانجام ویرایش نهایی آن در سال ۱۹۸۹ توسط سازمان جهانی بهـداشت انتشار یافت. این مجموعه آموزشی شامل ۳۴جلد است که چهار جلد آن کتابچه راهنما و ۳۰ جلد آن برای اعضای خانواده فرد معلول تهیه شـده است. تـا کنون این مجموعه به بیش از ۵۰ زبـان ترجمه شـده است. از آن پس نیز اغلب کشورها بنا به نیازهای آموزشـی برنامه توانبخشی مبتنی بر جامعه خود به تدوین مجموعه های مکمل پرداختند.

در طول ۳۰ سال گذشته، برنامه CBR تقریباً در ۱۰۰ کشور جهان به توصـیه سازمان جهانی بهـداشت به اجرا درآمده است و تجربه قابل توجهی در ارائه توانبخشـی با رویکرد CBR انـدوخته شده است. به نظر می رسد CBR بتواند در همه کشورهای جهـان به نیازهـای افراد معلول در درون جـامعه پاسـخ گویـد. تکنولوژی را می توان به سـادگی با نیازها و فرهنگ های محلی منطبق و بومی سازی نمود.

در ایران ترجمه مجموعه آموزشـی به زبـان فارسـی و انطبـاق مطـالب و تصاویر با فرهنگ کشور در سا ل۱۳۷۰ به پایان رسید. سپس پروژه آزمایشی CBR در تابستان ۱۳۷۱ در استان سمنان آغاز گردید. اولین مرحله این طرح برگزاری کارگاه آموزشی برای کارشناسان بهزیستی و شبکه های بهداشت در آن استان بود. پس از آن اجرای طرح عملاً در دو منطقه بیارجمند و میامی از شهرسـتان شاهرود آغاز گردیـد. از آن زمان به تدریـج طرح در سـطح کشور گسترش یافت به این ترتیب که در سال ۱۳۷۴ طرح توانبخشی مبتنی بر جامعه در ۶ استان و در سا ل۷۵ در ۸ استان اجرا شد و در نهایت تا پایان سال ۱۳۸۹ در ۳۱۰ شهرستان از ۳۱ استان کشور برنامه CBR به اجرا درآمـد. افراد و گروه هایی که در اجرای برنامه CBR نقش دارند، شامل چهار گروه زیر می باشند:

– افراد معلول: این افراد بایـد در تمـام مراحـل نقش فعـال داشـته باشـند. آنها در تجارب عملی خود، آگاهی ها و مهارت های دقیقی از شرایط مؤثر بر معلولیت به دست آورده اند که می تواند برای اجرای برنامه مؤثر باشد.

– خـانواده افراد معلول: خـانواده، مسـئولیت اصـلی مراقبت و آموزش تمـامی اعضـا را عهـده دار است بنـابراین بایـد در برنـامه توانبخشی به صورتی جدی درگیر باشد.

– اعضای جامعه: افراد بومی جامعه محلی هستند که از شرایط اجتماعی،

اقتصادی و امکانات جامعه آگاهی دارند و روش های مؤثر کار در شرایط موجود را بهتر از سایر افراد غیر بومی می دانند.

- مدیران دولتی به عنوان جمع آوری کننده انتقال دهنده تجارب نقش مؤثر دارند.

- تشکل های معلولین هم می توانند در آموزش ها و منتقل کننده تجارب و ایجاد هماهنگی و پیوند نقش کارآمد و مؤثر بر عهده دارند.

چرایی و چگونگی شکل گیری

توانبخشی مبتنی بر جامعه و در پی آن اشتغال CBR خود به خود به وجود نیامد بلکه آگاهانه شکل گرفت و علل و عواملی در پیدایش آن مؤثر بوده اند. اینجا به اجمال شکل گیری آن گزارش می شود.

برخی از افراد با معلولیت به دنیا می آید و برخی دیگر در اثر بروز حادثه، بیماری یا مشکلات دیگر دچار معلولیت می گردند. برآورده شده است که ۷ تا ۱۰ درصد از جمعیت جهان معلول باشند. معلولان برای کاهش یا از بین بردن ناتوانی ها و کسب توانایی های جدید نیاز به اقداماتی دارند که توانبخشی نامیده می شود. در کشورهای در حال توسعه تنها ۱ تا ۳ درصد از جمعیت معلولان از خدمات توانبخشی بهره مند می گردند. اغلب خدمات توانبخشی در مناطق شهری متمرکز بوده و مردم مناطق روستایی به این خدمات دسترسی کافی و مناسب ندارند. از اواخر قرن ۱۹ توانبخشی به صورت متمرکز و در قالب مؤسساتی تخصصی به افراد نیازمند ارائه می گردید. ویژگی این شیوه که «توانبخشی آمرانه یا مؤسسه ای» نامیده می شود، ارائه خدمات تخصصی با استفاده از تجهیزات تخصصی و توسط فرد متخصص می باشد. تا دهه ۱۹۶۰ تصور می شد مراکز تخصصی پاسخگوی کلیه نیازها خواهند بود. اما این رویکرد به علت بالا بودن هزینه های درمان و آموزش افراد متخصص و همچنین محدود بودن پوشش ارائه خدمات قادر به پاسخگویی به نیازهای کلیه افراد معلول نیازمند به خدمات توانبخشی نبودند و به این ترتیب فقط عده محدودی از آن بهره مند می شدند.

در سال ۱۹۶۹ انجمن توانبخشی بین المللی (RI) در دوبلین، در بررسی وضعیت موجود توانبخشی، شاهد یک شکاف عظیم بین خدمات مورد نیاز و

خدمات ارائه شده گردید که منجر به ارائه پیشنهادات و تدابیر زیر در جهت حل این مشکل گردید:

۱. تغییر در تکنولوژی آموزشی

۲. ایجاد سیستم ارائه خدمات به روش جدید

در این شیوه جدید که «توانبخشی مبتنی بر جامعه» نامیده شد، استفاده از تجهیزات ساده، قابل ساخت و موجود در محل زندگی، مشارکت اعضای خانواده و جامعه در اقدامات توانبخشی از طریق آموزش مهارت های ساده به آنان و ارائه خدمات در محل زندگی جایگزین اصول ذکر شده در توانبخشی مؤسسه ای گردید. البته برآورده ساختن تمام نیازهای توانبخشی با خدماتی که در محل سکونت افراد معلول ارائه می شود، امکان پذیر نیست. ولی تا ۷۰٪ نیازها را می توان در جامعه محلی مرتفع نمود.(۱)

تفاوت های این دو شیوه را به اجمال می توان اینگونه بر شمرد:

در توانبخشی مبتنی بر مؤسسات، محور کار مؤسسه است. این رویکرد تنها می تواند به بخشی از نیازهای عده کمی از معلولان پاسخ دهد. این رویکرد در بهترین حالت یک رویکرد متمرکز و محدود به مناطق شهری آن هم بخشی از شهرها است. مثلاً در تهران اگر یک حداقل ۳۰۰ هزار معلول نیازمند به خدمات توانبخشی و اشتغال وجود داشته باشد، مجموعاً ده مرکز توانبخشی و اشتغال هست و اگر به طور میانگین هر مرکز ۱۰۰ نفر را در هر دوره سه ماهه رسیدگی کند، یعنی در هر دوره هزار نفر و در هر سال ۴۰۰۰ نفر رسیدگی می شود یعنی تقریباً یک نهم جمعیت نیازمند.

در توانبخشی فرا مؤسسه ای تعداد بیشتری خدمت دریافت می کنند. چون امکانات مورد نیاز معلولان در هر محل وجود دارد و مردم هر محل منبع تأمین نیازها هستند.

در CBR محور کار جامعه محلی است. به طوری که نقطه شروع دقیقاً برعکس

ص: ۱۰۲

۱- . بررسی پیایندهای اشتغال معلولین، پایان نامه کارشناسی ارشد، محمدرضا اسدی، استاد راهنما سید مجید میرخانی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۹۰.

است. فرد معلول، اعضای خانواده و جامعه محلی تصمیم می گیرند که اولویت های آنان چیست و سپس با یکدیگر و همچنین همراه با توان یاران محلی، دولت و گروه های غیردولتی برای دسترسی به خدمات مناسب و موجود تلاش می کنند.

پس از جنگ جهانی دوم و افزایش معلولیت در آلمان و کشورهای اروپایی تا ۴۰ درصد، با استفاده از همین راه کار و بهره گیری از ظرفیت های مردمی، به سرعت و کمتر از یک دهه مشکلات مرتفع گردید.

روش اینگونه بود که در هر محل یا در کلیساها تابلوهایی نصب شده بود و مردم نیازها یا مساعدت های خود را روی آن می نوشتند و از طریق ملاقات ها در کلیسا یا نزد کشیش یا نزد هیئت امنا، به حل و فصل مشکلات می پرداختند. برای مثال در خانواده ای سه معلول وجود داشت یکی کار می خواست یکی نیاز به رابط داشت چون ناشنوا بود و سومی نابینا شده بود و معلم برای تعلیم درس ها را نیاز داشت.

روی تابلو این نیازها را می نوشت، افراد دیگر می دیدند و معلمی می توانست هر هفته ۲۰ ساعت آموزش دهد، فرد دیگری می توانست کار رابط را انجام دهد و کاسبی هم بود که شاگرد می خواست. از این رو اعلام می کردند و هماهنگی می شد و قرار می گذاشتند و مشکلات از این طریق حلّ می گشت.

نقد و بررسی

مسئولین سازمان بهزیستی در سال های اخیر همیشه گفته اند: CBR در زمینه های مختلف تحول ایجاد می کند و مشکلات معلولین را حلّ می نماید، اشتغال، توانبخشی، درمان، آموزش، رفاه و معیشت آنان را سامان دهی می کند و خلاصه حلّ تمامی یا اکثر مشکلات آنان وابسته به این راه کار است.

یکی از مدیران ارشد سازمان هم می گفت اجرایی این طرح در ایران از سال ۱۳۷۰ هزینه بری فراوان داشته است. اما چه نتایجی از اجرای این طرح به دست آمده و مشکلات معلولان ایران چند درصد با اجرای این طرح مرتفع گردیده است؟

هنوز آمار و ارقامی در این باره مشاهده نشده و سازمان بهزیستی موضع گیری نکرده است. لذا داوری دقیق نمی توان داشت اما نکاتی هست که بعضاً پژوهشگران مطرح کرده اند.

۱- در غرب خانواده ها اغلب درگیر مسائل فرزندان خود نمی شوند، فرزندان پس

از رسیدن به سن و سال مشخص مستقل شده و کاری به والدین ندارد. در مورد اعضایی از خانواده که معلولیت دارند، نهادها و سازمان هایی متصدی هستند و خانواده خودش را درگیر نمی کند و آن فرد معلول به آن مراکز سپرده می شوند.

سازمان بهداشت جهانی به کمک دولت های غربی طرح CBR را مطرح کردند تا به خانواده بیشتر مسئولیت بدهند و از او مسئولیت بخواهند و با مشارکت دادن به خانواده، بخشی از مشکلات معلولان را مرتفع کنند.

اما در ایران و کشورهای شرقی برعکس است بیشترین تعهد و زحمت روی دوش خانواده است و سازمان ها و مراکز دولتی یا مدنی غایب اند. از این رو از ابتدا معلوم بود CBR برای کشوری مثل ایران کارآیی چندانی ندارد.

۲- در غرب پس از اجرای هر مرحله از طرح CBR، نتایج آن کارشناسی و بررسی شد و مرحله بعد مبتنی بر آن نتایج استوار گردید. اما در ایران چنین چیز مشاهده نشد و نتایج و بررسی نتایج در قالب کتاب یا مقاله در اختیار عموم قرار نگرفت. و عموم مردم بر این اساس توجیه نشدند.

شیوه فرهنگ محور

به نظر می رسد در ایران طرحی که مبتنی بر فرهنگ باشد بهتر پاسخ می دهد. یعنی فرهنگ سازی و توجیه فرهنگی مدیران و جامعه، اهمیت دادن به آمار و به تحقیقات؛ ترویج پژوهش؛ انجام پژوهش و تدوین محصولات فرهنگی توسط نخبگان و امثال اینها موجب گسترش اهتمام اجتماعی به معلولان می شود.

مردم ایران اغلب و اکثراً مسلمان و شیعه هستند، لازم است سخنان دینی و مذهبی بر اساس فرهنگ امروزی روزآمد شده و در اختیار مردم قرار گیرد؛ همچنین آیات قرآنی. باور دهی به مردم بر اساس دستورات و آموزه های مذهبی ضرورت دارد. در غرب این کارها انجام شده و از جهت فرهنگی مشکل ندارند ولی در ایران در عرصه فرهنگ کم کاری هست و لازم است مقولات و عناصر فرهنگی به کار گرفته شوند.

راه کارها و روش های دیگر

در هر دوره حداقل هر سه سال، جنبشی در «جامعه هدف» به تکاپو افتاده و مسئله ای محوریت یافته و راه کار و شیوه ای به

عنوان منجی و حلال مشکلات مطرح شده است.

مهم ترین این شیوه ها که در سه دهه اخیر در ایران مطرح و ترویج شده عبارت اند از:

* در یک دوره مطرح شد که دولت حلال مشکلات است و اگر دولت ورود پیدا کند بسیاری از مشکلات رفع و حل می شود.

* چند سالی این نگاه ترویج می شد که اصل سمن ها و تشکل های مردمی اند و با گسترش و توجه به تشکل ها مشکلات سامان دهی می گردد.

* گاه کامپیوتر و اینترنت را مهم و حلال دانسته و به این وسایل رویکرد داشتند.

* البته در سال های اخیر به حقوق معلولان توجه شده و جنبش قانون گرایی پدید آمده است. اغلب معلولان در سال های اخیر این باور را پیدا کرده اند که اگر قانون داشته باشند و قانون جامعه معلولان ایران تصویب شود، بسیاری از مشکلات آنان مرتفع می گردد.

لازم به ذکر است هر یک از این روش ها، عواملی هستند که به تنهایی مکفی و کافی نیست و لازم است همه آنها با هم و در کنار هم فعالیت داشته باشند.

طرح فراگیر

در دو دهه اخیر مدل مهارت افزایی کارگاهی فراگیر شده است. بیش از نود درصد مراکز دولتی و مدنی، با اخذ بودجه از دولت یا از مردم، کارگاهی برای آموزش معرق یا سوخته یا نقاشی راه اندازی کرده، استادی را دعوت می کنند، از معلولین هم ثبت نام کرده و شروع به آموزش عملی آنان می نمایند. هر دوره آموزشی حداقل ۶ ماه طول می کشد. پس از فراگیری خود معلولان ابزارهایی را می خرند و در خانه کار می کنند.

مشاغلی که آموزش داده می شود محدود است و اغلب مطالعه نشده می باشد. یعنی وضعیت شهر، نیازهای منطقه، وضعیت معلولان تحت پوشش بررسی نمی شود. اطلاعات دقیق از اینگونه آموزش ها در شهرهای مختلف منتشر نشده و نمی توان قضاوت و داوری جامع و درستی در این باره داشت.

اقدامات آتی و پسینی در این زمینه هم نیست. یعنی موارد زیر تدبیر نشده و آینده پروژه و توجیه اقتصادی آن سنجیده نشده است. وقتی کسب و کاری

راه اندازی می شود لازم است، این ابعادش بررسی وکارشناسی گردد.

۱- امکانات موجود

۲- آمار و اطلاعات آموزش دهندگان و آموزش بینندگان و سرنوشت آنها

۳- کاریابی در داخل و خارج برای آموزش یافتگان

۴- تأسیس بازارچه های فروش

۵- راه اندازی حراجی ها و امکان عرضه تولیدات در حراجی ها

در مورد بازارچه و حراجی مدلی متداول و شایعی به نام گلریزان هست که با نقدهای فراوان مواجه است.

۶- همکاری با مراکز توریستی برای استفاده از ظرفیت های جهانگردی.

۷- جنبه درآمدزایی و توجیه اقتصادی

این هفت زمینه به عنوان پس از آموزش و پس از یادگرفتن مهارت لازم است. ولی معمولاً بدون بررسی کارشناسانه، پروژه ها شروع می شود و معمولاً بدون موفقیت بعد از چند سال رها می شوند.

بهترین نهاد شهرداری ها هستند که به اینگونه سامانه ها جهت بدهند. مثل اقدام شهرداری ها در راه اندازی فروشگاه های زنجیره ای، این گونه اقدامات معلولان را هم زیر پوشش بگیرند.

دیدگاه جامع و کل نگر

توجه به یک عامل و حتی چند عامل در اشتغال کافی نیست و لازم است به علل و عوامل متعدد توجه شود. طرح CBR این اشکال را دارد که به جامعه توجه شده ولی به فرهنگ یا به دولت توجه نشده است. طرحی جواب می دهد که همه عوامل را شناسایی و به هر عامل به اقتضای نوع کارکردش بها و جایگاه بدهد.

به عبارت دیگر اشتغال معلولان نیاز به برنامه جامع دارد. برنامه جامع یعنی طرح فاکتورهای مختلف مؤثر در طول زمان؛ از این رو خط حل مشکل پیش بینی می شود و عوامل مؤثر زمانی مؤثر، مطالعه و طرح جامع تدوین گردد.

از نظر سازمانی، دولت (نهادهای دولتی و در رأس آنها سازمان بهزیستی)، معلولان، تشکل های معلولیتی و عموم مردم (در رأس آنها نیکوکاران)، چهار

سازمان مؤثر محسوب می شونـد. نمایندگان این چهار نهاد با تشـکیل اتاق فکر و نشـست ها می توانند برنامه جامع را تدوین و تصویب کنند. سپس برای عملیاتی شدن آن اقدام نمایند.

روش حمایت محور

سازمان بهزیستی ایران تمام قد از این شیوه دفاع کرده است. این سازمان کتابی درباره این روش به نام «راهی به سوی اشـتغال سریع» منتشـر کرده و رئیس سازمـان بهزیستی در مقـدمه این کتـاب، روش اشـتغال حمـایتی یـا اشـتغال حمایت شـده (SE) را بهترین روش برای اشـتغال می دانـد و معتقـد است ظرف سه سال اشـتغال معلولین سامان پیـدا می کنـد. مؤلف این کتاب، این روش را اینگونه معرفی کرده است:

کارها و روش های متفاوتی برای اشـتغال در اکثر کشورها پیشـنهاد و اجرا شـده است؛ که یکی از نتیجه بخش ترین آنها روش «Supported Employment» یـا «پشتیبانی برای اشـتغال» است. متأسـفانه این روش هنوز در آسـیا گسترش نیافته و امید است که با در دست داشـتن این کتاب، در تمامی مراکزی که به طور مسـتقیم و غیر مسـتقیم با افراد ناتوان در تماس هستند، از جمله: مراکز (سازمـان های) بهزیستی، دانشـگاه های علوم پزشـکی/ توانبخشـی، مـدارس و انجمن های خصوصـی، آموزش و مورد بهره برداری قرار بگیرد.

تاکنون کارهای بسـیار خوبی در این مسـیر انجام شده است، ولی به دلیل شـفاف نبودن هدف و نداشـتن ابزار صـحیح و کافی، سرعت رشد آن بسیار کند و راه خود را با تأنی بسیار زیادی پیموده است.(۱)

روش پشتیبانی اشـتغال، SE/Supported Employment روش مـوفقی برای ایجـاد اشـتغال افرادی که دارای معلـولیت هستند می باشد؛ که البته این روش می بایست در هر کشوری مطابق با فرهنگ و رسوم آن کشور

ص: ۱۰۷

۱- . راهی به سوی اشتغال سریع، ص۹.

بومی سازی شود. در کشورهای اروپایی به جهت زندگی مستقل شهروندان؛ جامعه و دولت وظیفه نگهداری و مراقبت از آنها را به عهده دارد. در واقع دولت، حکم اولیاء افراد دچار معلولیت را داشته و به همین دلیل نقش خانواده در این روش کمرنگ تر از نقش والدین در کشور ما است. در بخش های قبلی کتاب راجع به نقش کاریار/ Job Coach به عنوان کارفرما و جوینده کار توضیح داده شده است. اگر بخواهیم این روش را در ایران بومی سازی کنیم می بایست نقش خانواده و ارتباط مستقیم Job Coach/ کاریار با کارفرما، جوینده کار و خانواده را مدنظر داشته باشیم.

پشتیبانی برای اشتغال «راه کاری است که از سویِ افراد یا نهادهایی اعمال می شود و با آن، افراد با ناتوانی های مختلف را برای تصاحبِ کار مناسب، حمایت می کنند. این حمایت باید به گونه ای باشد که هم در کسبِ یک شغلِ مناسب به فرد و هم در حفظ آن در طولِ مدتِ زندگیِ فرد، کمک کند.

در این روش، فرد دریافت کنندهِ حمایت، نیازی به تمرکزِ ویژه برای کارآموزی یا محلِ مخصوصِ انجام کار ندارد و دیگر اینکه کارفرمایی که در این طرح همکاری می کند نیز خود از حمایت لازم برخوردار می شود.

پشتیبانی برای اشتغال، در فاصلهِ سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ در آمریکا پایه ریزی شده است. با هدفِ اینکه حقِ همهِ افرادِ جامعه است که شغلی با حقوقِ مناسب در یک بازار کار عادی دارا باشند. این روش کم کم شکل یافته تر شد و در کنارِ مراکزِ سنتیِ حمایتیِ مخصوص این افراد قد برافراشت. این روش امروزه در بسیاری از کشورهایِ دنیا (از جمله سوئد که کشورِ مرجع در این کتاب است) موردِ استفاده قرار گرفته است. البته تفاوت های زیادِ مقررات و قوانین در کشورهایِ گوناگون باعث شده است که این روش نیز در هر کشوری با مفاد قانونیِ همان کشور اجرا شود.

آنچه مسلم است، اینکه این روش باعثِ ایجادِ امکانات بیشتر برای افراد با ناتوانیِ مختلف که جوینده‌ِ کار و کارآموزی هستند خواهد شد.

ص: ۱۰۸

در این کتاب توضیح جامعی در رابطه با روش SE/Supported Employment - که از این پس در کتاب از آن با واژه SE یاد می شود و اصول پنج گانه، فلسفه و نیز ارزش های آن توضیح داده خواهد شد.

مزایای استفاده از این روش: ۱- کار در محیط های عمومی؛ ۲- دید فردی؛ ۳- کسب حداقل دستمزد مانند بقیه افراد با توجه به قوانین وزارت کار؛ ۴- ادامه پشتیبانی از فرد پس از استخدام؛ ۵- فراهم نمودن امکان خود اشتغالی؛ ۶- فراهم کردن امکانات کارورزی برای کسب تجربه کاری و به دست آوردن شغل

شواهد حاکی از این است که روش SE/Supported Employment روشی است بسیار مؤثر برای اشتغال زایی پایدار و خود اشتغالی در افراد با معلولیت های گوناگون. این روش حتی در کارورزی های کوتاه مدت و کسب تجربه به روش: استاد - شاگردی، باعث می شود که این افراد بتوانند:۱- وارد جامعه شوند؛ ۲- از تجربه کاری کوتاه مدت بهره ببرند؛ ۳- خود را برای انتخاب و به دست آوردن یک شغل پایدار آماده کنند؛ ۴- وقتی که صاحب شغل ثابتی می شوند هم پشتیبانی شان به مدت ۳-۲ سال ادامه می یابد تا از ریزش افراد استخدام شده کاسته شود؛ ۵- پیدا کردن معنا و ارتقاء سطح کیفی زندگی فرد.(۱)

سازمان بهزیستی با تشکیل کارگاه های آموزشی در همه شهرها و اعزام خانم منصوره پناهی و همراهانش بر این باور است که اشتغال معلولان را ظرف سه سال یعنی تا اواخر سال ۹۷ سامان دهی خواهد کرد. مراسم رونمایی از کتاب راهی به سوی اشتغال سریع، در سازمان بهزیستی در اردیبهشت ماه ۹۶ برپا شد و از مشاهیر بسیار دعوت شده بودند و نکات بیان شده در این مراسم حائز اهمیت است.

۱- . همان، ص ۱۴-۱۵.

نتیجه گیری

تا کنون چند گروه از مشاغل و روش های اشتغال معرفی شدند شغل هایی که از قدیم تا کنون وجود داشته و معلولین کما بیش به آنها عمل می کرده اند در چند فصل گذشته بررسی شد. اما روش مطلوب بعداً توضیح داده می شود. زیرا هیچ یک از اینها تا کنون نتوانسته موفقیت صد در صد به همراه داشته و مشکل اشتغال هنوز حل نشده باقی است.

این فصل به روش های متعارف و مرسوم که در سطح جامعه عملیاتی شده، پرداخت ولی راه کارهایی هم هست که چند ماه مطرح و بعد هم خبری از آن منتشر نشد، مثل «طرح دانش کار» که سازمان بهزیستی در سال ۱۳۹۲ مطرح کرد.

این طرح به عنوان یک نمونه از اقدامات مطرح شده را بر اساس گفته های رئیس سازمان بهزیستی مطرح می کنم خبرگزاری مهر نوشت:

آقای همایون هاشمی رئیس سازمان بهزیستی کشور از ایجاد ۳۰ هزار فرصت شغلی در نیمه دوم سال برای مددجویان تحت پوشش خبر داد و گفت: از این تعداد دو هزار و چهارصد شغل به معلولان اختصاص می یابد. او در حاشیه دومین کنگره توانبخشی حرفه ای معلولان افزود: اجرای طرح دانش کار در راستای توانمندسازی و توانبخشی حرفه ای و همچنین ایجاد اشتغال برای جامعه هدف به خصوص معلولان انجام می شود و در این طرح سازمان هایی مانند وزارت تعاون، سازمان فنی حرفه ای و دانشگاه توانبخشی و بخش غیر دولتی و خیریه های فعال در حوزه بهزیستی همکاری می کنند. مرحله آزمایشی این طرح در استان تهران اجرا شده و اجرای فراگیر آن اواسط آبان ماه در استان های مختلف اجرایی می شود.

طی دو سال با اجرای طرح دانش کار برای ۱۲۰ هزار معلول شغل ایجاد کنیم قسمت عمده ای از نیازهای شغلی این افراد جامعه را پاسخ خواهیم داد.(۱)

در سال های ۹۳ به بعد خبری از این شیوه و راه کار مطرح و منتشر نشد.

ص: ۱۱۰

۱- . خبرگزاری مهر، ۱۵ مهرماه ۱۳۹۲.

فصل پنجم: راه کار مطلوب

اشاره

ص: ۱۱۱

آقای اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهور در دولت یازدهم در مورد بیکاری و اشتغال گفت: مهم ترین چالشی که اکنون کشور با آن رو در رو است، مسئله بیکاری است.(۱) او در این مصاحبه می گوید سالانه یک میلیون و دویست هزار نفر متقاضی شغل داریم. و در بهترین شرایط، یعنی در سال هایی بیشترین شغل ایجاد شده هفتصد هزار شغل است.(۲) این آمارها مربوط به اقتصاد و کسب و کار انسان های عادی و غیرمعلول است. در مورد معلولین وضع بسیار بدتر است هر چند آمار و ارقام درباره معلولین منتشر نشده ولی شواهد و قرائن نشانگر و گویای وخامت شرایط اقتصادی این قشر است.

نکته مهم این است که اقتصاد دانان، مدیران اقتصادی دولت و پژوهشگران درباره بسیاری از موضوعات اقتصادی بحث می کنند؛ با رسانه ها گفت وگو دارند؛ انواع آسیب ها و مشکلات را تجزیه و تحلیل می نمایند، اما حتی یک بار دیده نشده به موضوع اقتصاد معلولان، بیکاری در این قشر بپردازند. به نظر می رسد اینگونه اقشار علاوه بر اینکه مظلوم اند، مغفول و فراموش شده هم هستند. وقتی این وضعیت را می بینیم سخن حسین بن علی علیه السلام به ذهن می آید:

اَلْعُمْیُ وَ اَلْبُکْمُ وَ اَلزَّمْنی فی اَلْمَدائِنِ مُهْمَلَهٌ لا تُرْحَمُونَ وَ لا فی مَنْزِلَتِکُمْ تَعْمَلُونَ.(۳)

«نابینایان، ناشنوایان و زمین گیران (معلولان جسمی و حرکتی) در شهرها مورد بی توجهی قرار گرفته اند. و بی رحمانه با آنان عمل می کنید؛ حتی از جایگاه و اعتبار خود در جهت اصلاح امور آنان استفاده نمی کنید.»

۱- . ۲ اسفندماه ۱۳۹۵، مصاحبه با سیمای جمهوری اسلامی ایران، مجله کارآفرین، ش۱۲۶، بهمن واسفند ۱۳۹۵، ص۱۴.

۲- . همان

۳- . تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، ص ۵۲۰.

گویا در این سال ها، امام حسین علیه السلام زنده هستند و وضع معلولان را شاهد و ناظر است، و می بیند که مسئولین و مدیران و نخبگان غافل از معلولین اند و به بیکاری و مشکلات آنان توجهی نشان نمی دهند و بر سر همگان فریاد می زند: این قشر حتی در شهرهای پرهیاهو و پرخبر مغفول واقع شده اند.

اما با توجه به مشکلات اینان به ویژه معضلات اقتصادی مثل بیکاری نیاز به تدبیر و برنامه علمی دارد. این فصل درصدد است طرح و برنامه ای که کمتر مشکل دارد و به نظر می رسد جامع تر و کارآمدتر است معرفی کند.

ص: ۱۱۳

راه کارهای موجود

با اینکه اشتغال از امور زیربنایی جامعه است اما راه کارهایی که در ایران عمل شده، هنوز نتوانسته مشکل را حلّ کند یا در مسیر حل شدن قرار دهد. با اینکه بسیاری از کشورها اشتغال معلولان را به طور اساسی سامان دهی کرده اند. اما آنان چکار کرده و چه راه کاری پیش گرفته اند؟ آیا در ایران هم می توانیم این راه کارها را اجرا کنیم؟ طی هفت سال و مطالعات مختلف در این باره به نتایجی رسیدیم که اینجا تقدیم می گردد.

در ایران سه راه کار اصلی و برای اشتغال شناخته شده و به آن عمل می شود. عده ای چشم به دولت دارند و بدون دولت اجرایی شدن اشتغال را متصور نمی دانند. اما در مقابل عده ای توانایی دولت را اندك و ضعیف دانسته و به این باوراند که مردم نیکوکار باید اقدام کنند و اشتغال معلولین را سامان دهی نمایند. و هم اکنون بسیاری از خیرین عمل می کنند.

اما راه کار سومی هم هست و آن اشتغال از طریق راه اندازی کارگاه ها و با جذب امکانات دولتی و مردمی است. هر سه راه کار طرفدارانی دارد و در ایران در دهه های اخیر اجرا شده است. ولی نه تنها مشکل اشتغال مرتفع نشده بلکه بیکاری افزایش هم یافته است.

در سال های اخیر قانون گرایی برجسته تر شده و مدافعین حلّ مشکل اشتغال از طریق قانون فعال تر بوده اند. اینان معتقدند باید قانون مدافع حقوق معلولان تصویب گردد. این قانون می تواند مشکل حقوقی معلولین را هم مرتفع نماید. نیز می گویند تا کنون به دلیل فقدان قانون مدافع حقوق معلولان، اشتغال آنان هم روز به روز بغرنج تر شده است.

در کشوری مثل ایران که اشتغال ابعاد مختلف دارد و شامل مؤلفه های مختلف است، نمی توان انتظار داشت با اجرای یك راه کار، مشکل به کلی رفع گردد؛ بلکه لازم است همه عوامل و همه راه کارها اجرا گردد و هر کدام بخشی از مشکل را حلّ کنند. غیر از چهار راه کاری که قبلاً معرفی شد، چند عالم دیگر هم هست که در اشتغال این قشر مؤثر است و این عوامل عبارت اند از:

ص: ۱۱۴

۱- سواد و دانش معلولین، معلولین بی سواد شانس کمتری برای اشتغال دارند و هر مقدار سواد و دانش آنها به روزتر باشد، امکان به دست آوردن شغل یا مشاغل بهتر را بیشتر خواهند داشت.

۲- مهارت و حرفه، هر مقدار ماهرتر باشند، زودتر با شرایط بهتر می توانند جذب بازار کار شوند.

۳- بعضی گفته اند اگر معلولان در هر استان تشکل هایی داشته و متشکل عمل کنند در زمینه اشتغال هم موفق خواهند شد. از این رو تشکل را به عنوان راه کاری برای حلّ اشتغال مطرح می کنند.

۴- بعضی معتقدند مشکل اشتغال و دیگر مشکلات معلولان وقتی مرتفع می گردد که آنان بر نهادهای دولتی تسلط پیدا کنند و پست های کلیدی را در اختیار خود بگیرند و بر این نهاد تسلط پیدا کنند.

۵- ارتباط بر مجامع حقوقی بین المللی و جهانی و خواستار فشار بر دولت ها همچنین و ایجاد زمینه های اشتغال در خارج از کشور هم به عنوان یک راه کار مطرح شده است.

۶- بعضی به راه کارهای تک ساختی مثل اشتغال جامعه محور یا CBR یا اشتغال حمایت محور یا SE تأکید دارند. این شیوه ها قبلاً توضیح داده شدند.

۷- روش اشتغال متکی بر فناوری های مدرن به ویژه دانش ارتباطات و شبکه های اجتماعی مورد توجه بعضی است و راه کار نهایی را در مدل استارت آپ ها می دانند.

اما هر یک از این راه کارها به تنهایی نمی تواند، مشکل اشتغال معلولان ایران را مرتفع نماید. سامان دهی اشتغال معلولان و حلّ این مشکل مرهون و در گرو اجرای راه کار جامع و همه جانبه نگر است. و هیچ راه حلی به تنهایی نمی تواند موفقیت به دست آورد.

غیر از این هفت راه کار سه راه کار دولت، نیکوکاران مردمی و قانون هم قبلاً مطرح شد و تا کنون ده راه کار برای اشتغال معلولان ایران مطرح شده است. بعضی از این راه کارها در سطح گسترده مورد توجه است. اما همه اینها مهارت آموزی و آموزش را مهم دانسته و درصدد هستند با ایجاد کارگاه معرق، خیاطی، و امثال

اینها، آحاد جامعه هدف را آموزش بدهند سپس آنان یا در همین کارگاه ها به تولید می پردازند و یا جذب بازار می شوند.

البته به لحاظ تعدادی که مهارت می آموزند نسبت به کل معلولان بسیار اندک است؛ سپس از هر چند هزار نفر، یک نفر جذب بازار شده و می تواند به درآمد برسد. از این رو این راه کار بخش کوچکی از مشکل را رفع می کند.

دولت یا نیکوکاران یا خود معلولان، گاه به ساخت و تأسیس کارخانه و مراکز بزرگ تولیدی اقدام کرده اند. مثل مهندس سید محمد موسوی از مددجویان جسمی حرکتی، توانست شرکت فیروز را تأسیس کند و حدود چهارصد نفر افراد دارای معلولیت در شهر قزوین را جذب نماید؛ شرکت فیروز، مواد و وسایل بهداشتی و شوینده مثل شامپو، صابون و دستمال بهداشتی تولید می کند. نیز آقای سید محمد موسوی چند کارخانه و شرکت تولیدی دیگر در قزوین راه اندازی کرده است و در مجموع حدود ششصد و پنجاه معلول را به کار گرفته است. حداقل اگر در هر شهر چند کارخانه اینگونه ای تأسیس شود، چند درصدی اشتغال پیدا می کنند.

اشتغال و قانون

در روش مطلوب، یک بُعد مهم آن قانون است و لازم است در این زمینه قوانین ملی کارآمد تصویب شود. قانون حمایت از اشتغال معلولان و توسعه اشتغال آنان یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. زیرا خود اشتغال یک اصل مهم و زیربنایی در زندگی معلولین و نیز همه مردم است. تحصیل، فرهنگ آموزی، اخلاقیات، روابط اجتماعی و بسیاری از متغیرها تابع اشتغال است.

تجربه هایی که در زمینه قانون معلولان و قوانین مرتبط به اشتغال آنان هست گویای نکاتی است. لازم است برای تدوین یک قانون کارآمد به این نکات توجه شود. این نکات تحت عنوان واقعیت ها مطرح می شوند.

واقعیت ها: قوانینی که تا کنون برای اشتغال در ایران وضع شده نتیجه مثبت نداشته است. یعنی یا عملیاتی نشده و یا مصوب نشده و به دستگاه ها ابلاغ نشده است. برخی واقعیت ها که موجب مشکلاتی در قانون اشتغال ایران شده

عبارت اند از:

۱- نیازهای معلولان در زمینه کار و اشتغال زیاد است و از طرف دیگر ظرفیت اقتصاد ایران در چند دهه اخیر برای ایجاد اشتغال اندک و محدود است. وقتی دستگاه های اجرایی از حلّ این مشکل عاجزاند و نیز قانونگذاران هم تلقی درستی از این مشکل و حلّ آن ندارند، از این رو نمی توانند قوانین درست وضع کنند.

۲- روند افزایش آمار معلولیت زیاد و سیر ایجاد اشتغال بسیار کند است و این دو فرایند با هم تطابق ندارند. دستگاه تقنینی باید به گونه ای قانون وضع کند تا در یک زمان بندی معقول مشکل حلّ شود.

۳- قانون باید همه ابعاد اشتغال را در نظر آورد و برای همه بخش ها، قانون وضع کند. مثلاً اگر سیر افزایش آمار معلولین به همین صورت باشد و برای کاهش معلولین با توسعه پیشگیری و توانبخشی تدبیری نباشد، اگر همه امکانات کشور فقط برای اشتغال معلولین مصرف شود، باز بعید است مشکل حل شود. لذا واضعان قانون باید همزمان برای توانبخشی، پیشگیری و همچنین اشتغال قانون بگذارند.

۴- قانون اشتغال ضرورتاً باید تبعیض ها را کم کند و عدالت را گسترش دهد و برابری فرصت ها و امکانات را بین عموم مردم توسعه دهد.

۵- حمایت های قانونی از معلولین نیاز اشتراک مساعی و وظیفه شناسی همگانی دارد و فقط با تلاش یک گروه اجرا نمی شود. از این رو توجیه عمومی همگانی از طریق فرهنگ سازی رسانه ای لازم است. دوم تقسیم وظایف مهم است.

۶- دولت به معنای عام یعنی حاکمیت فقط وظیفه وضع قانون و ابلاغ قانون ندارد بلکه وظایف مهم دیگر مثل تأمین منابع مالی، نظارت بر اجرا، کارشناسی و آسیب شناسی و اصلاح یا تکمیل قوانین در صورت لزوم هم بر عهده حاکمیت است.

ص: ۱۱۷

۷- تـدوین قوانین نباید به طور انتزاعی صورت گیرد بلکه لازم است به متغیرهای فرهنگی، مذهبی، ملی و اقتصادی توجه شود. ارزش های اخلاقی، مشخصات جمعیتی، شرایط محیطی، امکانات موجود، دیدگاه های رهبران و آموزه های مندرج در متون دینی حتماً در قانون لحاظ شود. وقتی در قانون یک جمله از رسول اکرم حضرت محمد صلی اللّه علیه و آله و سلم یا آیه ای از قرآن بیاید، پذیرش آن بهتر و زودتر انجام می پذیرد و مردم بهتر اطاعت می کنند.

۸- غیر از قانون خوب، برای حتمیت اجرای قانون و به اصطلاح ضمانت اجرای قانون هم باید فکری بشود. و در قانون مکانیسم و شیوه ضمانت پیش بینی شده باشد.

در سخنان رهبران دینی مثل حضرت امیر علیه السلام، حقوق معلولین مطرح شده است. کتاب منشور حقوق معلولان که شامل سی فرمان از حضرت علی علیه السلام در مورد معلولین است. همچنین در سخنرانی امام حسین علیه السلام در مکه دارای نکات بسیاری مهمی است و می تواند در قانون اشتغال مطرح شود.

در فصل مرتبط به قانون اشتغال مفصل در این باره بحث خواهد شد. اما در اینجا فقط تأکید می شود: حقوق و قانون یک بُعد مهم از راه کار مطلوب است.

روش متعارف

در شهرهای مختلف، بیشتر مراکز شیوه واحدی برای اشتغال برگزیده اند. این شیوه را به عنوان سودآورترین و روش مطلوب معرفی می کنند. این شیوه به صنایع دستی یا هنر دستی مشهور است.

در تعریف صنایع دستی اختلاف است ولی همه تعاریف در این نکته اشتراک دارند: هر تولیدی که فرد بتواند تجربه، سلیقه و هنر خود را در آن دخالت بدهد، صنعت دست ساز است. اما صنایع دستی به دلایل زیر برای معلولین اهمیت و کارآیی دارد:

۱- مواد اولیه آن در دسترس است مثلاً برای سفال ماده اصلی آن خاك و آب است که همه جا پیدا می شود.

۲- مواد اولیه آن ارزان است.

۳- خلاقیت پذیر است و هر کس می تواند تفکر و گرایش ها و ابداعات خود را در آن دخالت بدهد.

۴- ارزش افزوده آن مطلوب است؛ یعنی با مواد ارزان گاه محصولی عرضه می شود که قیمت آن میلیون ها برابر هزینه مواد به کار رفته در آن است.

۵- تقاضا برای آن زیاد است و همواره مشتری دارد.

۶- قابل عرضه در جهان است و می توان آن را صادر کرد.

۷- سهولت حمل و نقل، حمل آن به کشورهای مختلف آسان و نسبتاً کم هزینه است.

۸- با کار فردی سازگاری دارد. یعنی اغلب افراد به تنهایی می توانند پروژه را اجرا کنند و تمام حقوق آن پروژه به او تعلق داشته باشد.

۹- نیاز به تحصیلات عالی ندارد مثلاً قالی بافان هستند که سواد ندارند ولی بهترین نوع قالی ها را تولید می کنند.

۱۰- عدم نیاز به مکان ویژه یا ماشین آلات ویژه. صنایع دستی توسعه بردار است یعنی می توان از یک پروژه کوچك شروع کرد مثلاً روی قطعات سنگ کوچك یا قطعات چوب کوچك کار هنری انجام داد. چنین کارهایی در خانه و حتی در اتاق خواب هم قابل انجام است. البته صنایع دستی قابلیت توسعه هم دارد.

به دلایل فوق صنایع دستی، گزینه خوبی برای معلولین و اشتغال آنان است. به همین دلیل کشورهایی مثل ژاپن، فرانسه و مصر تلاش کرده اند صنایع دستی را در جامعه معلولین توسعه دهند. صنایع دستی با شرایط معلولین سازگاری دارد و آنان می توانند از این امکان برای درآمد، اشتغال، رفاه و معیشت و حتی اهداف فرهنگی استفاده کنند.

ص: ۱۱۹

توسعه صنایع دستی در ایران: وضعیت فرهنگی و صنعتی ایران در صورت اهتمام به متغیرهای زیر می تواند از این امکان به نفع معلولان به خوبی استفاده کرد. ابتدا باید مقدماتی و زمینه هایی فراهم گردد. اکنون به این زمینه ها و مقدمات می پردازم:

۱- انتقال تجارب خارجی: تجربه هایی در کشورهایی مثل ژاپن هست. لازم است این تجارب به داخل منتقل گردد و در اختیار معلولین قرار گیرد. اما تا کنون چند گزارش، کتاب و مقاله این تجربه ها را منتقل کرده اند.

سازمان متصدی امور معلولین در ایران می توانند دو منظور کار کنند. یعنی پروژه هایی تعریف کنند و معلولین با اجرای این پروژه ها به درآمد می رسند. از طرف دیگر این تجارب از طریق همین پروژه ها منتقل می شود.

۲- انتقال تجارب خودی: تجربه هایی که در قشرهای دیگر در زمینه صنایع دستی هست مثل زنان ایرانی قالی باف لازم است به جامعه معلولین منتقل گردد. شیوه انتقال هم می تواند به صورت قبل باشد.

۳- عرضه و تقاضا در صنایع دستی: اگر صنایع دستی تولید شود و مشتری نداشته باشد، معلولین به جای نفع، متحمل ضرر خواهند شد. از این رو لازم است قبل از تولید بازاریابی، نیازسنجی، تبلیغ و فرهنگ سازی گردد.

مشتری صنایع دستی مردم داخل جهت کادو یا موزه ها و مجموعه داران و مهم تر توریست ها هستند. برای هر یک از این سه قشر لازم است برنامه ریزی و تدبیر جداگانه بشود.

۱. عموم مردم

۲. مجموعه داران و موزه ها

۳. جهانگردان

مهم صنعت صنایع دستی در بازار داخلی و توریستی کشورهایی مثل ترکیه، مصر، هندوستان بسیار زیاد است. ولی ایران جایگاه ضعیفی دارد. این جایگاه را می توان با استفاده از شیوه های زیر ارتقا داد:

الف: تبلیغ رسانه های ملی و عمومی روی تولیدات داخلی و فرهنگ سازی و

جهت دهی مردم برای نخریدن و کاهش تقاضای محصولات چینی و خارجی

ب: معرفی محصولات معلولین به مردم و تفهیم این نکته که این محصولات در سرنوشت معلولان مؤثر است.

ج: توسعه صنعت توریسم و بسترسازی برای گسترش تعاملات با دیگر ملت ها و کشورها و ایجاد ارتباطات سازنده با آنان. البته توسعه توریسم منوط به متغیرهایی مثل امنیت، تأمین نیازهای واردین به کشور، احترام به باورها و آداب و رسوم واردین. بالاخره کسی که از اروپا جهت بازدید طبیعت و اماکن تاریخی ده روز به ایران می آید و چند هزار دلار با خود می آورد. محیط گرم، آرام، امن و استقبال و گشاده رویی مردم را می خواهد. اما اگر مردم به او به چشم دشمن استعمارگر نگاه کنند و از زمانی که وارد فرودگاه ایران می شود همه به او نگاه منفی و سرد داشته باشند. از ابتدای ورود توقع داشته باشیم با حجاب کامل به مسجد برود و عبادت اسلامی به جا آورد. به جای انجیل، قرآن بخواند.

چنین آدمی اگر یکبار به ایران بیاید، دفعات دیگر نخواهد آمد.

د: حمایت دولت و سازمان های دولتی و متصدی امور معلولین از محصولات معلولان. این حمایت به چند صورت امکان پذیر است:

- خرید محصولات. دولت این محصولات را می خرد و به صورت هدیه هایی مدیران در سفرها به طرف های خارجی اهداء می نمایند یا هدیه هایی در جریان مسابقات ورزشی اعطا می گردد. یا به موزه های داخل و خارج می دهند؛ البته نه رایگان بلکه به صورت مبادله. بالاخره دولت می تواند به شیوه های مختلف از این محصولات استفاده نماید.

- زمینه سازی برای شرکت دادن معلولین در نمایشگاه های داخلی و خارجی برای فروش محصولاتشان.

بعضی از کشورها جهت حمایت از محصولات معلولانشان در فرودگاه ها و هتل ها به آنان غرفه داده اند.

تصور کنید اگر غرفه هایی در کنار آستانه امام رضا علیه السلام، حضرت معصومه سلام اللّه علیها و ده ها مکان مسافرتی و قطب تجمع مسافران دایر گردد، درآمدزایی بسیار مطلوب خواهد بود.

ص: ۱۲۱

- جهت افزایش ارزش افزوده محصولات، روش هایی وجود دارد و کشورهایی مثل ترکیه انجام می دهند. مثل برگزاری حراج های سالانه و فصلی. برگزاری بورس و تأسیس بازارهای صنعت محصولات دستی.

اعمال این روش موجب هویت بخشیدن می شود و ارزش واقعی آثار، شناخته شده و هر اثر ارزش افزوده قابل توجه پیدا می کند.

- آموزش و برگزاری کارگاه در مراکز معلولیتی و جاهای دیگر به منظور آشنا نمودن معلولین با صنایع دستی هم لازم و ضروری است.

اگر ضعف شیوه صنایع دستی مرتفع گردد، باز این شیوه نمی تواند همه مشکل اشتغال معلولان را مرتفع نماید. زیرا جامعیت لازم را ندارد و راه کاری می توانـد در همه جا و در همه اقشار و در تمامی زمان ها مطرح باشد، و خلاصه جامعیت داشته باشد. صنایع دستی یک جنبه از اشتغال معلولان است و جنبه ای مهم و سودمندی باشد ولی در کنارش تئاتر و هنرهای نمایشی، فعالیت های علمی، کارهای کشاورزی و صنعتی و غیره مطرح است.

استارت آپ

کسب و کارها و اشتغال متکی بر فناوری های مدرن و استفاده از شبکه های اجتماعی و دانش ارتباطات، در دو دهه اخیر به سرعت رشد کرده و انقلابی در این حوزه پدید آورده است. در یک جلد کتاب مستقل مفصلاً ابعاد این پدیده را توضیح داده ایم ولی این شیوه به تنهایی نمی تواند همه مشکلات اشتغال معلولان ایران را سامان دهی کند و نیاز به راه کارهای دیگر در کنار این روش مدرن هست.

راه حل زیر بنایی

همه راه کارها و طرح هایی که مطرح است و بعضاً اجرا می شود نتوانسته مشکل اشتغال را به طور گسترده مرتفع نماید و از آمار اشتغال کم کند. هر چند همه اینها تا حدی از مشکل کاسته اند و برای درصدی از معلولان اشتغال و کار ایجاد کنند.

کشورهایی که توانستند مشکلات معلولین از جمله اشتغال را سامان دهی کنند،

علاوه بر استفاده از همه راه کارها و روش های موجود، از اطلاع رسانی هم بهره برده اند. اینجا می خواهیم روی این راه کار به عنوان راه حل مؤثر تکیه کنیم. اطلاع رسانی روشی است که دانستنی های طرف های اشتغال مثل خواهان و کارفرما را در سطح جهانی منتشر می کند و اینان یکدیگر را بدون واسطه پیدا کرده و با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و در صورت نزدیکی به هم و قبول شرایط همدیگر، با هم قرار گذاشته و حضوراً یکدیگر را می بینند و ملاقات می کنند و مراحل اداره طی شده و سرانجام خواهان کار، سر کار می رود و مشغول می شود.

سامانه های اطلاع رسانی مثل سایت های اینترنتی، بانک های اطلاعات و نشریات اطلاع رسانی با انتشار اخبار و اطلاعات جاهایی که خواهان نیروی کار هستند و از طرف دیگر اطلاعات کسانی که خواهان اشتغال هستند را منتشر می کنند، این دو بعد از مدتی یکدیگر را پیدا می کنند. برای مثال نابینایی هست که صدای خوب دارد و می تواند گوینده خوبی باشد. اعلام می کند اینجانب ۲۵ ساله دارای مدرک لیسانس ادبیات فارسی، و دارای سه سال سابقه کار در گویندگی، مقیم اهواز. مدیر استودیویی در تبریز نیاز به گوینده ای دارد و اطلاعات خود را روی سایت گذاشته است.

بعد از یک هفته مدیر استودیو خبر نابینای خواهان کار را می بیند و به او زنگ می زند و پس از دقایقی گفت وگو، قرار ملاقات حضوری گذاشته می شود و این نابینا به تبریز رفته و مستقر می شود و با حقوق مطلوب مشغول به کار می شود.

مثال دوم: ورزشکاری ویلچری هست که در فوتسال تبحر کافی دارد. اعلام می کند و اطلاعات خود را منتشر می نماید. از طرف دیگر یک تیم ورزشی در فرانسه چنین فردی را نیاز دارد. مراحل مختلف طی می شود و این فرد معلول مشغول کار می گردد.

مثال سوم: دانشگاهی در کانادا نیاز به ناشنوایی دارد که زبان فارسی بداند و در زمینه زبان اشاره در ایران تجربه پژوهشی داشته باشد. از طرف دیگر ناشنوایی هست که چند مقاله در این زمینه دارد و با دیدن این خبر با آن دانشگاه تماس می گیرد و بعد از مراحل اداری مشغول به کار شده است.

و هزاران مورد دیگر به این روش در جهان مشغول به کار می شوند. هم اکنون در

تهران اکثر خدمات شـهری مثل پیدا کردن مسـکن مورد نیاز یا پیدا کردن مستخدم از طریق آگهی در روزنامه های محلی مثل روزنامه ایران قسمت آگهی های تهران انجام می شود. همچنین در دیگر شهرها. البته در شهرهای مدرن تر این شیوه جذاب تر و کارآمدتر است.

متأسـفانه در ایران برای معلولین از این روش غفلت شـده است. بـا اینکه طی دهه های اخیر سازمان بهزیستی می توانست از دو روزنامه مثل همشـهری و ایران حمایت کنـد تا یک صـفحه به آگهی معلولان اختصاص دهنـد و تمامی نیازها از جمله اشـتغال آنان را درج می کردنـد. هم اکنون قطعاً بیش از پنجاه درصد مشـکلات حل شده بود. ولی معلولم نیست چرا سازمان بهزیستی و دیگر نهادهای متصدی امور معلولان به جای اسـتفاده از شـیوه های ساده و کارآمد و کم هزینه به سـراغ شیوه های پیچیده و دیریاب و دیر بازده و پرهزینه می روند.

امتیـازات این شـیوه: روش اشـتغال از طریـق اطلاـع رسـانی چنـد مزیت خـوب دارد. اولاًـ کم هزینه است. نسبت به طرح هـای اشـتغالی دیگر که هزینه بری فراوان دارد، این طرح فقـط برای درج اطلاعـات در یک سایت اطلاعاتی هزینه نیاز دارد که زیاد هم نیست؛ دوم بدون واسـطه خواهان شغل و شغل دار (یا کارفرما) با هم ارتباط برقرار می کنند و ادارات دولتی یا تشکل ها یا افراد واسـطه هیچکـدام حضور ندارنـد. در سـنت و عرف ایرانی که معمولاًـ کارخـانه دارهـا و کسـانی که متمول هسـتند، نمی خواهند کسـی به ویژه نهادهای دولتی در کارشان ورود داشـته باشند و دوست دارند همه امور در دست خودشان باشد، از این رو این شـیوه مؤثرتر است. سومین حُسن این روش سـرعت در نتیجه دهی است. چهارم اینکه چون واسـطه های فردی و نهادی ندارد امکان سوء اسـتفاده و رانت خواری هم در آن کاهش می یابد و مخارج واسـطه ها کاسته می گردد. حُسن و امتیاز پنجم آن این است که دامنه آن جهـانی است و هم در داخـل کاربرد دارد و هم در خارج از کشور. ششـمین حُسن آن این است که کـار مـورد رضـایت و مطلوب خواهـان و نیروی مطلوب کـارخواه (شـغل دار) شـکل می گیرد. هم اکنون از سَـرِ اجبـار بر سر مشاغلی می روند که دوست ندارند.

معایب این شـیوه: همه روش ها محاسن و معایبی دارنـد و لازم است سـبک و سـنگین شود و اگر محاسن بیشتر باشـد، اقدام به اجرای آن می شود. روش اشتغال

اطلاع رسانی هم غیر از محاسنی که بیان شد چند عیب احتمالی دارد.

اولین مشکلی که برای این روش شمرده می شود، مربوط به معلولانی است که مهارت ندارند یا کم دارند و آموزش های لازم را ندارنـد و گفته می شود اینـان جـایی در این نظام پیـدا نمی کننـد. کشورهایی که این روش را اجرا کرده انـد این مشـکل را اینگونه رفع کرده انـد: اولاًـ دولت برای مهـارت آموزی و توانبخشـی پـایه آنـان سـرمایه گـذاری کرده و حـداقل ها را به آنان آموزش می دهـد تـا آنان بتواننـد خود را به بازار کار عرضه کننـد و در رقابت ها، امتیازی داشـته باشـند. و اگر نه اگر معلولی اطلاع رسانی کنـد و بگویـد من هیـچ مهارتی نـدارم و هیـچ کاری نمی دانم، کارخواهان توجهی به او نمی کنند و او موفق به پیدا کردن شـغل نمی شود. از این رو دولت موظف است کارگاه ها و مراکز مهارت آموزی و توانبخشـی ایجاد کند و به افراد مـدرک هم بدهـد. مـدرکی که در بازار کار قابل عرضه باشد. خلاصه اینکه معلولان باید حداقل مهارت ها و توانایی ها برای انجام کار را داشته باشند و تلاش کنند خود را به درجه ای برسانند تا بتوانند در سامانه های اطلاع رسانی شرکت نمایند.

عیب دوم این روش این است که معمولاً معلولان در ارتباط گیری و تعامل ضـعیف هسـتند و نمی توانند خودشان بدون واسطه و بدون کمک کار با شغل داران گفتگو داشته باشند. البته معلولان که در شهرهای بزرگ بوده اند کمتر این مشکل را دارند.

این مشـکل با آموزش چند ساعته رفع شدنی است. به افراد گفته می شود با حسن خلق و با سر و وضع جذاب و زیبا و با زبانی خوش بـا طرف مقابـل صـحبت کننـد تـا مجـذوب او واقع شونـد. نه اینکه بـا لحنی طلبکـارانه ظاهر شونـد و موجب ناراحتی و دلسـردی طرف مقابل شوند. خلاصه اینکه تشکل های مردمی و نهادهای دولتی می توانند آموزش هایی حتی از راه دور برای افراد داشته باشند.

عیب سوم امکان کلاهبرداری است ممکن است کسانی که به عنوان شغل دار خواهان نیروی کار معلولان هستند با نیت سوء و کلاهبرداری اقـدام کننـد. در این موارد هم لازم است به معلولین آموزش های مورد نیاز داده شود تا با چشم باز اقـدام کنند. و اگر معلولین از مشاورین شناخته شده استفاده کنند، این مشکل هم رفع می گردد.

ص: ۱۲۵

ملزومات ساختاری

برای اجرای اشتغال پایدار و مطلوب از طریق اطلاع رسانی اولین نیاز، داشتن سایت ها و سامانه های اطلاع رسانی برای معلولین است. یعنی سایت اینترنتی، بانک اطلاعات و نشریات خبرگزار و اطلاعات گزار برای معلولین نیاز اول است.

متأسفانه اقشاری که به لحاظ کمیت و کیفیت در حد و اندازه جامعه معلولین کشور نیستند دارای خبرگزاری و سامانه های کشوری و جهانی اطلاع رسانی هستند و معلوم نیست چرا دولت از ابتدا به این نیاز جدی توجه نکرده است. چند بار از مسئولین و مدیران ارشد سازمان بهزیستی پرسیده ایم چرا تا کنون برای معلولین حداقل امکانات اطلاع رسانی ایجاد نشده، پاسخ آنها این است که به دلایل امنیتی درست نیست اطلاعات معلولان منتشر گردد. اما این پاسخ را به رئیس سازمان بهزیستی یا به معاون فرهنگی سازمان گفتیم و خواهش کردیم اگر نکته ای هست که ما نمی فهمیم توضیح دهید تا ما هم قانع شویم، خود اینان چنین دلیلی را قبول نداشتند و می گفتند به دلیل قصور و کم کاری چنین کاری نشده و برای توجیه این کم کاری می گویند دلیل امنیتی دارد.

البته در کشورهایی که از روش اطلاع رسانی برای حل مشکلات معلولین استفاده می کنند همه اطلاعات را منتشر نمی کنند بلکه فقط اطلاعاتی که فرد رضایت بدهد و دوم اطلاعات را طبقه بندی کرده و مواردی که مرتبط به آبرو و حیثیت جمعی یا فردی باشد نزد خودشان بایگانی می کنند. اما در زمینه اشتغال فقط اطلاعات کلی فرد مثل سال تولد و اطلاعات درباره مهارت هایی که می داند اگر منتشر گردد، مشکل رفع می گردد.

مهم ترین نکته در مورد معلولین این است که اطلاعات آنان در بانکی ذخیره گردد و در مواقع نیاز این اطلاعات از طریق اینترنت یا نشریه منتشر گردد. یعنی یک سایت مادر ایجاد و به بقیه سامانه ها تزریق کند.

موضوع مهم دیگر فرهنگ سازی است و لازم است همه جامعه، مسئولین و خود معلولان نسبت به ضرورت و اهمیت این پروژه مطلع شوند و هر یک وظایف خود را

به درستی انجام دهند. اما اگر اطلاعات درست نداشته باشند و نتوانند ایفاء وظیفه کنند، پروژه ابتر و ناکام خواهند ماند. در بخش فرهنگ سازی جلب اعتماد عمومی مؤثر است. اعتماد معلولین به شرکت ها و کارفرمایان و نیز به سایت های اطلاع رسانی و برعکس ضروری است.

در کشورهای پیشرفته نهادهای واسطه تأسیس شده اند و ارتباط بین کارخواه و کاردار را تسهیل می کنند. مثلاً مؤسسه Disabled Persons در امریکا در سال ۲۰۰۲ تأسیس شد. هدفش تسهیل اشتغال زایی برای معلولین است. یعنی جستجو می کنند و جاهایی که نیاز به کارخواه دارد جمع آوری و روی سایت خودش می گذارد. اگر نیاز توضیح داشته باشد، این کار را هم انجام می دهد. در ابتدای سایت این مؤسسه چنین آمده است:

مؤسسه معلولین یک سازمان خیریه مردمی است که از سال ۲۰۰۲ به ثبت رسیده و هدف اصلی اش اشتغال زایی است. ما به شما در صورت معلولیت، کمک می کنیم تا کار پیدا کنید. پس رزومه خود را برای ما بفرستید و فهرست های شغلی ما را به دقت ببینید. همچنین سایت ما اخبار ایمیلی و پیامکی جدید را نیز در این باره ارائه می دهد. عضو سایت شوید تا فهرست های شغلی، هر روز برای شما فرستاده شود.

سایت های ما ملی هستند و شما می توانید به آسانی با جستجوی پیشرفته فهرست های شغلی محلی ما را جستجو کنید. برای مثال، می توانید حسابداری شیکاگو را سرچ کنید و کلیه فهرست های شغلی حسابداری در شیکاگو برای شما به نمایش در خواهد آمد.

رسالت ما افزایش، نرخ اشتغال معلولین برای افراد جامعه است. «کمکم کنم من تا شغلی پیدا کنم» عبارتی است که خیلی از افراد جامعه ما همه روزه درخواست می کنند. آنها می خواهند بدانند اگر از طریق ما دنبال شغل بگردند، کمکشان می کند تا آن را پیدا کنند. ما با اعضای پرتلاشمان سخت می کوشیم تا موقعیت هایی مفید و قابل استفاده را فراهم کنیم.

مؤسسه Disabled Persons یک نهاد واسطه ای است که تلاش می کند به معلولان خواهان اشتغال، مشاوره و اطلاعات بدهد. در ایران اینگونه مراکز را نداریم چون

اندیشه و تفکرش نیست. کسی که مشاوره می دهد باید تحلیل دقیقی از معلولیت و معلولان، آمارها، روش ها، راه کارها داشته باشد و متأسفانه اینجا چنین تفکراتی نیست؛ چون گفتگو ضعیف است؛ انتقال تجارب ضعیف است؛ و رسانه های تخصصی نداریم.

بانک جامع اطلاعات معلولان

از سال ۱۳۹۴ دفتر فرهنگ معلولین، با تأسیس و راه اندازی بانک اطلاعات برای معلولان، تلاش کرده، اطلاعات مختلف آنان را جمع آوری و در اختیار عموم قرار دهد. بانک اطلاعات در همه زمینه ها ضروری است، زیرا اساساً مدیریت و تدبیر بدون آمار و ارقام امکان پذیر نیست و بانک ها متصدی جمع آوری آمار و ارقام و عرضه آنها به کاربران هستند.(۱)

به ویژه در دوره جدید که امور گسترده شده و ابعاد جهانی پیدا کرده، قبل از اقدام و تصمیم گیری لازم است طرحی آماده شود و ابعاد پروژه دقیقاً محاسبه گردد، آنگاه اقدام به تدوین طرح شود. روایتی به این مضمون وارد شده که گویای نکات سودمندی است حاسِبُوا اَنْفُسَکُم قبلَ اَن تُحاسَبُوا. یعنی حساب گر باشید قبل از اینکه کاری انجام دهید و به دلیل سوء انجام و بی تدبیری تحت مؤاخذه و حساب کشی دیگران قرار گیرید. قبل شروع به هر کاری لازم است محاسبات دقیق شود وگرنه به سوء تدبیر و سوء مدیریت گرفتار شده و مؤاخذه خواهید شد.

امور معلولین و مطالعات معلولیتی دارای ظرافت های بسیار است و لازم است قبل از اجرا محاسبه شود. بانک اطلاعات معلولین، اطلاعات لازم را جهت محاسبه تقدیم می کند. این فصل به معرفی این پروژه و ابعاد آن می پردازد.

تاریخ تأسیس:بسیاری از پژوهشگران وقتی می خواستند وارد مطالعات معلولیتی و پژوهش درباره معلولان شوند، فکر می کردند، انبوهی از اطلاعات وجود دارد و کار در این زمینه آسان و سهل است. زیرا تصور این بود که معلولیت و معلولین

۱- . کارنمای پنج ساله، ص ۱۲۹-۱۳۱.

همیشه در طول تاریخ بخشی از جوامع بوده اند و مقوله ای جدید و مبحثی مستحدث نیست بلکه عمر آن با عمر انسان یکی است. زیرا تا وقتی انسان بوده، بیماری و حوادث معلولیت زا مثل پرت شدن از کوه یا از درخت یا جنگ ها و منازعات انفرادی انسان ها هم بوده است. از این رو معلولیت منفک از انسان نیست و همیشه همراه انسان بوده و هست.

دوم اینکه تصور می شد، معلولیت مثل پزشکی است؛ انسان ها دانش پزشکی را به وجود آوردند تا به آنان کمک کند تا از آلام و بیماری ها و مرگ رهایی دهد. به همین دلیل انسان ها همیشه درصدد رهایی از معلولیت یا کاهش عواقب معلولیت بوده اند، لذا همانطور که درباره پزشکی و موضوعات پزشکی، اطلاعات فراوان بوده و هست در زمینه معلولیت و معلولان هم لاجرم باید این چنین باشد.

سومین دلیلی که فکر می کردیم منابع و اطلاعات در این باره بسیار است، نقش معلولان در جامعه است. معلولان مثل پزشکان، همیشه نقش فعال داشته و جایگاه شناخته شده ای را اشغال می کردند، یعنی آدم های محجور و ناشناخته و کنار مانده نبوده اند. در طول تاریخ برخی شاهان، وزراء، مدیران ارشد حتی بنابر نظر قرآن کریم انبیایی مثل حضرت یعقوب، حضرت ایوب، حضرت شعیب و حضرت اسحاق حداقل در دوره ای از عمرشان و نابینا یا ناتوان از حرکت بوده اند. بالاخره به این دلایل فکر می کردیم دریایی از اطلاعات دسته بندی شده از گذشته مانده و الآن هم چنین است.

اما وقتی وارد شدیم و خواستیم اولین کتاب را تألیف کنیم متوجه واقعیت های عجیبی شدیم. تا سده چهاردهم قمری در کشورهای اسلامی فقط دو کتاب مستقل درباره معلولین هست و درباره بسیاری از موضوعات معلولین در دوره جدید هیچ مقاله یا کتاب یا گزارشی نیست. در فرهنگ شیعه وضع بدتر است و فقر اطلاعات متأسفانه شدیدتر است. از نظر پژوهش های میدانی و تحقیقات آماری وضع اسفناک تر است. برای مثال آمار ناشنوایان و نابینایان تهران را می خواستیم، خود سازمان بهزیستی می گفت نداریم و آنچه داریم تقریبی است. این مشکل را با جناب حجه الاسلام و المسلمین سید جواد شهرستانی ریاست مؤسسه آل البیت علیهم السلام که دفتر فرهنگ معلولین هم وابسته به آنجا است در میان گذاشتیم،

ص: ۱۲۹

ایشـان بـدون تأمل گفت بانک معلولین را ایجاد کنیـد. گویا در این زمینه تجربه داشت. همان ماه نخست تأسیس دفتر، شروع کردیم به جمع آوری اطلاعات در زمینه های مختلف.

به سراغ مـدیران سازمـان بهزیستی اسـتان و کشور، وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی، کمیته امـداد، بنیاد پانزده خرداد و همه جاهـای دیگر که مرتبط به امور معلولین انـد رفتیم و پرسـیدیم آیا بانک اطلاعات یا سامانه ای که اطلاعات را گردآوری کنید داریـد، پاسخ همه این بود که نـداریم ولی درصـدد احـداث هستیم. خبرهایی هم به گوش می رسـید که وزارت رفاه درصدد احـداث بانـک معلولان است و وزیر چنـد بار این مسـئله را در سـخنرانی ها و مصاحبه ها مطرح کرد. دفتر تا اواسط سال ۱۳۹۴ صبر کرد بلکه کاری بشود ولی پس از اینکه مأیوس شدیم و متوجه شدیم هیچ نهادی اقدام نمی کند، تابستان ۱۳۹۴ به دستور ریاست مطالعات شروع شد و طرح علمی و اجرایی آن تألیف گردید.

مهندس تقی زاده که جوان مجرب و دلسوز است، کار ساخت سایت بانک را پی گرفت و در پاییز ۹۴ سایت بانک آماده بهره برداری گردیـد. نیز شورای سـیاست گـذاری و مـدیریت بانک مشـخص گردید و آقای اباذر نصـر مدیر اطلاعات و آقای علی نوری مدیر فنی بانک گردیدند. ویراسـتار و ناظر علمی و مسـئول طرح و برنامه بر عهده آقای محمد نوری شد. ورود اطلاعات از بهمن ۹۴ آغـاز گردیـد. تا الآن که مهرماه ۹۵ است حـدود بیست و پنـج هزار رکورد داریم و حـدود ۱۱ هزار رکورد وارد بانک شده است.

ساختـار و محتوا: این بانـک به گونه ای طراحی شـده که بتوانـد همه اطلاعـات معلولان ایران و جهان اسـلام را پوشـش دهـد. کـاربران هرگونه نیـاز اطلاعـاتی داشـته باشـند اعم از حقوقی، اجتماعی، تاریخی، منطقه ای و جهانی با مراجعه به این بانک به خواسته خود می رسند.

بانـک جـامع اطلاعـات معلولان پایگاهی اینترنتی است که تمامی اطلاعات مرتبط با معلولان در قالب های مختلف ذیل بیست عنوان گردآوری و معرفی و در اختیار کاربران قرار می گیرد. از طریق این بانکِ اطلاعاتی، پژوهشگرانی که در حوزه معلولین فعالیت می کنند، می توانند به راحتی پیشینه تحقیقات در

موضوعات انتخابی شان را بررسی و شناسایی کنند. نیز می توانند با جستجوی ساده و پیشرفته منابع مورد نیاز برای تحقیق شان را پیدا کنند. مراکز و نهادهای دولتی و غیر دولتی می توانند با معلولین فرهیخته آشنا شوند و در برنامه ها مختلف از آنها بهره بگیرند همچنین این بانک اطلاعاتی مردم را به معلولان و معلولان را به مردم نزدیک تر می نماید زیرا شناخت آنها را از یکدیگر گسترش داده و تصحیح می کند.

اطلاعات و اسناد مرتبط با معلولین در این بانک اطلاعاتی در بیست عنوان و سرفصل دسته بندی شده است. تعدادی از این عناوین منابعی است که در قالب های مختلف درباره معلولین نوشته شده که عبارتند از: کتاب؛ مقالات نشریات؛ مقالات مجموعه مقالات و همایش ها؛ پایان نامه ها؛ تحقیقات منتشر نشده؛ طرح های پژوهشی به اتمام رسیده در مراکز و نهادها، گزارش های دولتی، جزوات دانشگاهی و نشریات اختصاص حوزه معلولین. اما دسته های دیگر اطلاعات این بانک عبارتند از: فیلم های تولید شده درباره معلولین، عکس های مرتبط با معلولین، مراکز و نهادها، وب سایت های اینترنتی، شخصیت شناسی (شامل مشاهیر و مفاخر معلول و نیز چهره های موفق معاصر)، همایش و جشنواره های مرتبط با معلولین، اسناد و مدارک مرتبط با معلولین در مراکز اسنادی و آرشیوی، قوانین و مقررات مرتبط با معلولان، اطلاعات کتاب های گویا، اطلاعات کتاب های بریل، احکام و سؤالات شرعی مرتبط با معلولین.

قلمرو تاریخی و جغرافیایی: اطلاعات معلولین جهان در این بانک گردآوری می شود، اما آوردن همه اطلاعات از همه معلولین و موضوعات معلولیتی از همه نقاط جهان، کاری غیر ممکن است. از این رو قلمرو جغرافیایی بانک اینگونه طراحی شده است:

* اطلاعات همه معلولین ایران در همه زمینه ها گردآوری می شود. یعنی معلولیت و معلولین ایران محدودیت ندارد.

* اطلاعات شیعیان معلول در هر نقطه ای از جهان باشند نیز بدون محدودیت وارد می شود. چون بانک های دیگر آنان را زیر پوشش قرار نداده اند.

* اطلاعات مسلمان (غیر شیعه) در کشورهای مختلف جهان اسلام یا

ص: ۱۳۱

کشورهای غیر اسلامی فقط در محدوده های زیر وارد می شود.

- زندگی نامه معلولان مشهور

- همه آثار اعم از کتاب و نشریه و پایان نامه در عرصه علوم اسلامی و علوم انسانی

- همه مراکز فعال معلولین مردمی و دولتی که در عرصه جهانی فعالیت می کنند و نقش مرجع دارند مثلاً اطلاع رسانی یا بانک اطلاعات است.

* معلولین غیرمسلمان فقط در محدوده های زیر وارد می شوند:

- زندگی نامه معلولان مشهور و مؤثر در موضوعات معلولین جهان

- آثار درباره موضوعات معلولیتی که مرجع است

- اطلاعات مراکزی که رویکرد مرجع و جهانی دارند.

از حیث تاریخی محدودیتی نداریم و هر معلول یا هر اثری که ویژگی های مطلوب را داشته باشد در قلمرو قرار می گیرد.

اما از نظر زبانی اطلاعات فارسی و عربی و انگلیسی جمع آوری و به یکدیگر هم ترجمه می شوند. البته هم اکنون فقط سایت فارسی راه اندازی شده و درصدد راه اندازی بخش عربی و سپس انگلیسی هستیم.

فازبندی: این بانک در دو فاز عمده اجرا خواهد شد:

الف: جمع آوری و طبقه بندی اطلاعات؛

ب: ویکی معلولیت در زمینه های شخصیت های معلول؛

موضوعات مثل ورزش، اشتغال، مناسب سازی و کتاب بریل؛ نهادها و تشکل ها و بالاخره کتب و نشریات.

در فاز دوم قصد داریم یکصد ویکی در عرصه های مختلف آماده و عرضه شود. اما این فاز پس از ورود پنجاه هزار رکورد به بانک آغاز می شود. البته فاز های اول و دوم، هر کدام مراحلی دارد که به مرور در حال اجرا است.(۱)

خودگرانی و خودنگاری: پس از ورود بیست هزار رکورد به بانک قصد هست امکانی روی سایت بانک ایجاد شود که افراد بتوانند خودشان ورود پیدا کنند و اطلاعات خود را ویرایش و به اشتراک بگذارند.

۱- . همان.

دسترسی: این بانک در شبکه جهانی اینترنت به آدرس www.DataDisability.com و نیز در شبکه موبایلی قابل دسترسی است.

کارآیی: در جهان مدرن بسیاری از مشکلات از طریق اطلاع رسانی و راه اندزای سامانه های اطلاعاتی حل می شود. اینگونه نیست که برای هر مشکلی بودجه مستقل و سازمان مجزا ایجاد کنند.

بسیاری از امور را از طریق راه اندازی بانک اطلاعات سامان دهی می کنند و روش کار در جهان از طریق اطلاع رسانی و توجیه عمومی است. از این رو یکی از دلایلی که مشکلات معلولان ایران نه تنها حل نشده بلکه افزوده شده، فقدان سامانه هایی مثل بانک جامع اطلاعات است. نبود بانک و تبع آن فقدان اطلاع رسانی این عواقب را دارد:

- عدم درک متقابل بین مردم و معلولین، بین معلولین با یکدیگر و گروه های معلولین، بین مدیران دولتی و معلولین، بین تشکل ها و معلولین

- فقدان احساس تقارب و نزدیکی و به جای آن ایجاد تباعد و افزایش دوری از هم

- عدم اطلاع معلولین از بازار کار و مراکز شغلی و به تبع آن گسترش فقدان اشتغال

- عدم آشنایی دولت با مشکلات معلولین موجب صرف بودجه در جاهای نامناسب

در چرخه حیات اجتماعی معلولین، بانک اطلاعات و اطلاع رسانی صحیح، حلقه زیرین است که نبود آن موجب اختلال در حلقه های دیگر می شود.

خلاصه اینکه نظر به اهمیت و زیر بنا بودن بانک اطلاعات و تأثیر آن در سرنوشت فردی و اجتماعی معلولان، دفتر فرهنگ معلولین، تلاش هایی بسیار برای تأسیس و توسعه آن انجام داده است. البته معلوم نیست به چه دلیل، مسئولین و مدیران دولتی تمایل و رغبت چندان از خود نشان نمی دهند. با اینکه خود معلولین و تشکل ها بارها ارتباط گرفته و مطالبی ارسال کرده اند.

ص: ۱۳۳

نتیجه مباحث

در ایران هر چند سال یک شیوه رونق پیدا می کند و هیچ گاه دیدگاه جامع و پلکانی و مبتنی بر طرح و برنامه کارشناسی شده وجود نداشته است.

سازمان بهزیستی چند سال اشتغال جامعه محور (CBR) را مطرح و درباره آن تبلیغات فراوان انجام داد. کارگاه هایی برای آموزش و اجرای این شیوه دایر کرد فراوان هزینه نمود. ولی به تدریج عملاً متوجه شدند تأثیر محسوس و فراگیر در حل اشتغال ندارد و نرخ اشتغال معلولان را به طور چشمگیر افزایش نداد، کم کم فتیله آن را پایین کشیدند. بدون اینکه درباره علل و عوامل تأثیر اندک این شیوه مطالعه و تحقیق شود و به اصلاح راه کار بپردازند.

مجدداً سازمان بهزیستی در یک سال اخیر روش اشتغال حمایت محور یا پشتیبانی (SE) را مطرح و همه جانبه و تمام قد از آن دفاع می کند و به ترویج آن می پردازد و آن را بهترین شیوه برای اشتغال معلولان می داند. در تمام استان ها و شهرها گروه ها و کارگاه هایی تشکیل داده و به ترویج اندیشه ای که از سوئد آمده و بر این باورانند معجزه گر است می پردازند.

بر اساس تجارب سه دهه گذشته می توان پیش بینی نمود، عمر این پروژه هم محدود است. البته رئیس سازمان آقای محسنی بندپی در مقدمه کتاب راهی به سوی اشتغال سریع می نویسد در مدت سه سال می توان از طریق اجرای این پروژه اشتغال معلولان ایران را ساماندهی کرد. امیدواریم این اتفاق بیفتد و مشکل این قشر مرتفع گردد، امّا همه شواهد و قرائن حاکی از این است که واقعیت غیر از این است.

اما با درس آموزی و عبرت گرفتن از حوادث گذشته، هر عقل سلیمی می گوید بهترین شیوه برای اشتغال معلولان ایران، تدوین طرح و برنامه جامع مبتنی بر همه تجارب گذشته و حتی تجارب جهانی است. با اینکه یک گروه سه نفره ظرف سه ماه مطالعه به راحتی می توانند چنین طرحی را آماده کنند و هزینه چندانی هم نمی خواهد، ولی نمی دانیم چرا سازمان بهزیستی تاکنون اقدام به چنین کاری نکرده است. در نشست ۲ دی ماه ۹۶ که در ساختمان وزارت تعاون و رفاه

برگزار شد، آقای ربیعی وزیر هم به اهمیت طرح و برنامه اشاره کرد و فقدان آن را ضایعه دانست.

بهرحال تجارب چند دهه گذشته نشان داده، راه کارهای تک بعدی و یک جانبه گرایانه و غیر جامع نمی تواند مشکل اشتغال معلولین را حلّ کند و لازم است اولاً ـ طرح جامع تدوین گردد؛ دوم وظایف بخش های مردمی و دولتی معین شود؛ سوم امکانات لازم برای اجرای وظایف هر بخش برآورد و تأمین شود و چهارم تقویم زمانی و فازبندی در هر بخش معین و ابلاغ گردد و بالاخره پنجم اتاق فکر از کارشناسان واقعی تشکیل تا بر روند اجرای این طرح نظارت داشته و مشکلات و موانع را رصد نمایند.

تنها به این شیوه می توان امیدوار بود اشتغال معلولین به سامان خواهد رسید. اما به راه کارهایی که دارای ویژگی ها ذیل است نمی توان دل بست و حل مشکلات اشتغال را امید داشت:

- موقت و زودگذر است.

- با تبلیغات و ادعاهای بزرگ و عوام فریبانه همراه است.

- اجرای آن فراگیر نیست و توسط یک تیم محدود و بسته عمل می شود.

- شفافیت ندارد و بسیاری از جوانب مخفی است و پژوهشگران به اطلاعات دسترسی ندارند.

- مسئولین و مدیریت ها دقیقاً شناخته شده و معلوم نیست.

- پاسخگویی و گزارش دهی وجود ندارد.

- هزینه بری بالایی را تحمیل می کند و نتایج کمتری را می دهد.

- و بالاخره فاقد عنصر هم اندیشی از طریق مباحثه و گفت وگو است و تحمیل از بالا است.

متأسفانه طرح هایی که دارای این ویژگی ها است، تاکنون ضربه های مهلک در پی داشته است. روحیه آحاد جامعه هدف را خورد نموده، افسردگی و یأس و نا امیدی را به آنان القاء کرده و در عمل دستاوردهای ملموس نداشته است.

ص: ۱۳۵

فصل ششم: طرح و برنامه

اشاره

ص: ۱۳۷

در پنج فصل گذشته به شناسایی وضعیت اشتغال معلولان از نگاه آسیب شناسی پرداختیم و آسیب ها را از منظرهای مختلف بحث کردیم. همچنین به راه کارها اعمّ از موفقیت آمیز و غیر موفق پرداختیم؛ اکنون بر اساس آسیب های شناسایی شده و بر اساس علل و عوامل موفقیت معلولین در زمینه اشتغال می خواهیم جمع بندی نماییم و راه کار جامع یعنی طرح و برنامه را مطرح و بررسی کنیم.

پس از مباحث مختلف می خواهیم بگوییم اشتغال مقوله چند بعدی و بسیار پیچیده است و از دیگر سو علت العلل و عامل اصلی در سامان یافتن امور معلولین می باشد؛ البته فقدان اشتغال علت اصلی مشکلات و نارسائی های معلولین است.

اما موفقیت در این عرصه وقتی امکان پذیر می گردد که از احساسات و راه کارهای غیر عقلانی و غیر علمی پرهیز کرده و مبتنی بر تجارب به دست آمده و دانش بشری در ایران و دیگر کشورها، طرح جامع تدوین و در شورای عالی تصویب گردد. به طوری که همگان به آن ملتزم باشند. این طرح ده ساله مشتمل بر همه نیازها است و به صورت مرحله ای اجرا خواهد شد. وظیفه همه را متذکر شده و تقسیم کار دقیقی بین همگان ترسیم و طراحی می گردد.

کشورهایی که توانسته اند در امر اشتغال موفق شوند، با جمع آوری اطلاعات همه بخش های مرتبط، طرح و برنامه درازمدت آماده می کردند و به صورت مرحله به مرحله به حلّ مشکلات اشتغال پرداختند.

واقعیت های جهانی

بر اساس گزارش سازمان بین المللی کار (ILO) حتی در کشورهای پیشرفته درصد بیکاری افراد معلول چند برابر افراد عادی است.(۱) حتماً این وضعیت در کشورهای رو به رشد مثل ایران شدیدتر است. اما متأسفانه آماری در دست نداریم تا بدانیم چند درصد معلولین و در شهرها و در روستاها چه میزان بیکاری هست تا بر مبنای آن برنامه ریزی و تدبیر آغاز شود.

مسلم است بیکاری تبعات بسیار در اقتصاد، فرهنگ، باورها و جامعه دارد و موجب تخریب بسیاری از سازه های موجود می گردد. بیکاری یک مقوله ساده با تأثیری یک بعدی نیست بلکه تأثیر آن بسیار دامنه دار و مخرب است. به عنوان نمونه بیکاری در حوزه اندیشه و روان موجب سرخوردگی، انزوا جویی، از دست دادن اعتماد به نفس و در نتیجه نداشتن استقلال و وابستگی می گردد.

فردی با چنین ویژگی ها، در بخش های دیگر زندگی اش، مشکلات فراوان خواهد داشت. حتی حوزه توانبخشی او هم متأثر خواهد شد. از یک طرف وقت و هزینه فراوان صرف توانبخشی چنین شخصی می گردد ولی از سوی دیگر بیکاری آثار مثبت توانبخشی را از بین می برد.

از نظر اجتماعی، نداشتن شغل موجب محدودیت ارتباطات فرد می گردد و تعامل مثبت او با خانواده و جامعه پذیری اش دچار مشکل و خلل می گردد. جایگاه و نقش فعال خود را در جامعه از دست می دهد. بالاخره بیکاری، بی تفاوتی، بی اعتمادی، عدم مشارکت، مسئولیت زدایی، نفی ارزش ها، فقر، کاهش تولید ملی و رشد ناهنجاری ها را در پی دارد.

متأسفانه بحران ها و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ابتدا به سراغ معلولین آن جامعه آمده و تأثیرات آنها زندگی اینان را فرا می گیرد. بین کارشناسان مشهور است که می گویند: به هنگام بروز بحران های اقتصادی - اجتماعی، معلولان

۱- . بررسی وضعیت توانخواهان، ص۵.

اولین کسانی هستند که کار و شغل خود را از دست می دهند و دچار سخت ترین معضلات می شوند. از طرف دیگر با حل مشکلات و بحران ها آخرین کسانی هستند که استخدام می شوند. چرا؟

زیرا حامی ندارند، دوم اطلاع رسانی نشده و سوم برنامه های کلان معلولین در اختیار عموم قرار نگرفته است. وقتی اقدامات و فعالیت های معلولان در قالب برنامه عرضه گردد و مردم مطلع شوند که بیکاری معلولین چه آثار زیانباری برای جامعه به همراه دارد. جامعه به حمایت معلولین برمی خیزند و از اشتغال معلولین حمایت می کنند.

واقعیت این است که بیکاری و بیکاری پنهان در اغلب کشورهای دنیای کنونی رواج دارد. وقتی افراد عادی نتوانند به کار و درآمد دسترسی داشته باشند، معلولین در جستجوی کار، شرایط دشوارتری دارند. در بسیاری از کشورهای درحال توسعه در صورتی که خانواده نتواند مشکلات را حل نماید، این گونه افراد، راه دیگری به جز تکدی و کارهای خلاف باقی نمی ماند.

پس معلولین با توجه به مشکلات جسمانی موجود و رشد درصد بیکاری در جامعه در کسب درآمد و اشتغال پایدار با مشکلات بیشتری مواجه می باشد. و معمولاً معلول فاقد کار و درآمد مناسب، عضوی غیر فعال در خانواده محسوب می گردد که از مشارکت اجتماعی محروم می باشد.

برابر گزارش سازمان آمار ایران از ۳۷ درصد جمعیت فعال کشور در سال ۱۳۸۱، ۷/۱۴ درصد یعنی معادل ۳ میلیون نفر بیکار می باشند. البته در این آمار رقم دقیق جمعیت فعال معلول در سطح کشور ارائه نگردیده است.

طبق بررسی آماری در سال ۱۳۶۵، ۴/۱۱ درصد از جمعیت فعال کشور بیکار بوده اند نرخ بیکاری در بین جمعیت فعال معلول ۲۷ درصد بوده است.(۱) یعنی بیکاران معلول ۵/۲ برابر بیشتر از بیکاران عادی هستند.

با توجه به روند افزایش جمعیت و رشد بیکاری در سطح جامعه، موضوع

۱- . همان، ص ۶-۷.

ایجاد اشتغال و تداوم شغلی افراد از مهم ترین مسائل اجتماعی و اقتصادی جامعه تلقی می گردد.

بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در کشور، از جمله اموری است که برای مسئولین مملکتی و برنامه ریزان اهمیت خاص دارد و آگاهی از تعداد جمعیت شاغل و بیکار و ویژگی های آنان مانند ترکیب سنی و جنسی، توزیع نیروی انسانی در بخش های گوناگون اقتصادی، تعداد شاغلین در بخش های دولتی و خصوصی به منظور کاستن از میزان بیکاری و ایجاد مشاغل مورد نیاز مملکت و استفاده بهینه از نیروی انسانی در بخش های مختلف اقتصادی ضروری است.

تا کنون فعالیت های مختلف برای اشتغال معلولان انجام یافته ولی نه تنها وضع بهتر نشده که سال به سال شاهد بدتر شدن وضع اشتغال آنها بوده ایم. زیرا اقدامات انجام یافته مبتنی بر برنامه علمی و طرح کارشناسانه نبوده است. مدیری آمده و طرحی به ذهنش رسیده، برای اینکه خودی نشان دهد و آمار کارهایش را افزایش دهد، بدون اینکه مطالعات دقیق پیرامون آن طرح داشته باشد شروع می کند به اجرای آن طرح. معمولاً در وسط طرح متوجه مشکلات و پیامدهای منفی آن شده و طرح را متوقف می کنند. اگر واقعیت ها مطالعه و سنجیده شود و هزینه های کلانی که صرف پروژه های اشتغال زا می گردد، حساب شده، هزینه گردد، قطعاً، مشکل اشتغال سامان دهی خواهد شد.

روش های اشتغالی دولت

قبل از هرگونه طراحی و برنامه ریزی لازم است، شیوه هایی که سازمان بهزیستی و نیز روش هایی که مراکز مردمی برای اشتغال معلولین اعمال می کنند بررسی و زوایا و نتایج اینها استخراج و مطالعه شود؛ آنگاه به تدوین برنامه جامع اقدام گردد.

اما شیوه ها و تمهیدات اشتغال زایی سازمان بهزیستی عبارت اند از:

۱- استخدام ۳ درصد معلولین که در قانون جامع حمایت از معلولین مصوب ۱۳۸۳ آمده است.

۲- پرداخت کمک های بلاعوض برابر دستورالعمل ماده ۱۷ سازمان بهزیستی

کشور تحت عنوان سرمایه کار

۳- پرداخت وام های خود اشتغالی از محل اعتبارات بانکی

۴- ایجاد کارگاه های تولیدی حمایت شده

۵- ایجاد شرکت تعاونی معلولین

۶- قانون معافیت حق بیمه سهم کارفرمای کارکنان معلول شاغل

۷- معرفی به بانک جهت استفاده از تسهیلات و اعتبارات بانکی

۸- معافیت مالیاتی برای کارفرمایان کارکنان معلولین شاغل

سازمان بهزیستی مجری این هشت شیوه است و آمارهای اشتغال که توسط این سازمان اعلام می شود سر جمع کارهایی است در این هشت روش انجام داده است.

از این هشت شیوه، دو شیوه توسط دولت؛ سه روش توسط خود معلولین و سه روش هم توسط کارفرمایان در بخش خصوصی اجرا می شود. یعنی سهم بهزیستی معرفی معلولین به دستگاه های دولتی جهت استخدام سه درصد و ایجاد کارگاه های تولیدی حمایت شده است. روش دوم یعنی ایجاد کارگاه های تولیدی حمایت شده را معمولاً واگذار به بخش خصوصی می کند و روش اول هم صرفاً معرفی است. اقدام عملیاتی نیست بلکه فقط یک اقدام اداری است. بنابراین فعالیت سازمان بهزیستی در زمینه اشتغال مستقیم نیست.

اما سهم خود معلولین در اشتغال به سه روش است: پرداخت کمک های بلاعوض در قالب سرمایه کار؛ وام خود اشتغالی و بالاخره تسهیلات برای شرکت تعاونی.

هر سه شیوه فوق بر اساس اطلاعات به دست آمده، موفقیت کامل نداشته اند. البته تا کنون اطلاعات کامل و جامع عرضه نشده گویا بهزیستی اطلاعات را در بانکی که مخصوص استفاده کارمندانش است گردآوری و ذخیره می کند ولی در اختیار عموم قرار نمی دهد.

در شرایطی که کارفرمایان که امکانات کافی دارند، ناتوان از مدیریت و تداوم کار هستند، معلوم است معلولان با وام اندک نمی توانند سودآوری مناسبی داشته

ص: ۱۴۲

باشند و کارشان را ادامه دهند و کسب و کار مناسب و قابل تداوم و پایدار با تسهیلات اندک داشته باشند.

اما سه شیوه ای که توسط کارفرمایان اجرا می گردد عبارت اند از: معافیت حق بیمه، استفاده از تسهیلات بانکی و بالاخره بخشودگی مالیاتی. این روش ها بیشتر خواهان داشته است. یک تحقیق در این باره می نویسد:

یکی از پیشرفت هایی که در سال های اخیر حاصل گردیده است استفاده از کمک کارفرمایان برای اشتغال معلولین و بالا بردن سطح خدمات توانبخشی حرفه ای و اجتماعی کارگران معلول می باشد. کارفرمایان و اتحادیه های صنفی نقش تعیین کننده ای در فراهم آوردن امکانات شغلی برای معلولین دارند. موفقیت سیاست های توانبخشی تا حدود زیادی بستگی به میزان همکاری کارفرمایان با مسئولین اشتغال معلولین خواهد داشت و اینکه نهایتاً سعی خود را به کار برند تا معلولین متقاضی کار با افراد سالم در شرایط یکنواختی قرار گیرند.

از سال ۷۷ با تشکیل صندوق ذخیره ارزی کشور و در راستای رفع اشتغال معلولین در سطح جامعه، مقرر گردید با تصویب مجلس شورای اسلامی هر ساله درصدی از اعتبارات محل وجوه اداره شده تحت عنوان تبصره ۱۱ در قالب وام کارفرمایی و با کارمزد ۵/۲ درصد در امر اشتغال معلولین به کار گرفته شود تا مقداری از معضل بیکاری معلولین مرتفع گردد.

این وام که سقف آن تا پایان سال ۸۰ جهت اشتغال هر معلول ۱ تا ۵/۱ میلیون تومان می باشد به کارفرمایانی که مبادرت به اشتغال معلولین می نمایند اعطاء می گردد و کارفرما موظف است به مدت ۵ سال از زمان دریافت وام، توانخواه را بیمه نماید و حقوق مکفی برابر حداقل دستمزد سالیانه قانون کار پرداخت نماید و ضمناً در آخر سال حق بیمه سهم کارفرما برابر قانون پرداخت حق بیمه سهم کارفرمایان از طرف سازمان بهزیستی کشور به کارفرما پرداخت می شود.(۱)

با اعلام پرداخت وام تبصره ۱۱ در قالب کارفرمایی از سال ۷۷، تقاضاهای بسیار

۱- . بررسی وضعیت توانخواهان اشتغال، ص ۸-۹.

از طرف کارفرمایان به بهزیستی رسید. در همه استان ها، خواهان این تسهیلات زیاد بوده اند.(۱)

اما معلوم نیست چند درصد از کارفرمایان این وام را دریافت کرده اند و تداوم شغلی معلولان در این گونه کارگاه ها چگونه بوده است.

با خانم خورشید مسئول اشتغال بهزیستی استان قم در ۳ اردیبهشت ماه ۹۶ و ۸ اردیبهشت ماه ۹۶ مصاحبه شد و ایشان نکات مهمی بیان کرد از جمله اینکه سازمان بهزیستی ایجاد کننده اشتغال نیست بلکه صرفاً تسهیل کننده است. یعنی همه امور را خود معلولین باید انجام دهند در آخر بهزیستی فقط طی نامه ای او را به بانک معرفی می کند.

روش های مردمی

مراکز مردمی که با بودجه های خیرین اداره می گردد برای کارآفرینی و اشتغال معلولان چند شیوه زیر را به کار می برند:

۱- تأسیس کارگاه یا مجتمع های کار

۲- مهارت آموزی (آموزش و تولید توأمان)

۳- مساعدت برای خود اشتغالی

۴- راه اندازی مراکز تولیدی مشارکتی

۵- راه اندازی مراکز خدماتی مشارکتی

۶- مشارکت در خود اشتغالی

تمامی فعالیت های سمن ها و تشکل های مردمی در زمینه اشتغال معلولان، زیر یکی از شش روش فوق قرار می گیرد. اکنون به توضیح این شیوه ها می پردازیم.

در شیوه اول کارگاهی مثل خیاطی، بافندگی، معرق و غیره راه اندازی می گردد یعنی محلی که مجهز به وسایل کار و استاد کار یا مربی هست. معلولینی جذب این کارگاه ها می شوند که قبلاً آموزش دیده باشند و حتی سابقه کار تجربی هم دارند.

این کارگاه ها دارای خط تولیدی است و هر گروه مسئولیت بخشی از پروژه را بر

۱- . همان، ص۹.

عهده دارند. لذا معلولین نسبت به نوع معلولیت و کاری که می توانند انجام دهند در خط تولید قرار می گیرند.

معلولین در این کارگاه ها به صورت موظفی و قراردادی کار می کنند و ماهانه یا عددی مثلاً هر قطعه پیرامون پنجاه هزار تومان، دریافتی دارند. مراکزی که این کارگاه ها را راه اندازی کرده اند، مهم ترین آنها، رعدالغدیر در تهران، فیروز در قزوین است. اینان علاوه بر جذب بودجه از نیکوکاران و مردم بعضاً از دولت و سازمان بهزیستی هم مساعدت دریافت می کنند.

چند نکته درباره این شیوه اشتغال هست:

۱- آمار و تحقیق درباره تشکل های که این شیوه را اجرا کرده اند، تعداد معلولانی که جذب کرده و مشغول به کار نموده اند و مزد و مزایای آنان در دست نیست و خلاصه نمی دانیم شیوه ای موفق بوده یا نه؟ و تا چه اندازه موفق بوده؟ یا چه ضعف هایی داشته است؟

مهم ترین اقدام این است که اطلاعات جامع و تحقیق دقیقی درباره این شیوه انجام شود.

۲- اجمالاً و بر اساس اظهارنظر مسئولین این کارگاه ها می دانیم که مثلاً فیروز حدود چهارصد معلول را مشغول به کار کرده، رعدالغدیر، حدود ۳۵۰ معلول را در این کارگاه ها صاحب کار و شغل کرده است و اگر در کل کشور تا کنون، پنج هزار شغل ایجاد شده باشد، هنوز فاصله بسیار تا رسیدن به وضع مطلوب هست.

۳- در شرایطی که اقتصاد با مشکلات بنیادی مواجه است. کارخانه ها و کارگاه ها که حامی های ثروتمند دارند، در حال ورشکستگی و تعطیلی هستند، اجناس قاچاق و وارداتی با نصف یا یک سوم قیمت داخلی از خارج وارد می شود بازار پر از اجناس ارزان چینی و ترکیه ای است و تولید صرفه اقتصادی ندارد، در این شرایط کارگاه برای معلولین با دشواری های فراوان مواجه است.

به ویژه اگر مسئولین رده بالا به تولید داخل باور نداشته و بگویند نفت می فروشیم و کالای ارزان از خارج وارد می کنیم. و از درد سرهای تولید داخل خودمان را رها می کنیم.

۴- معمولاً این کارگاه ها، تولید محدود داشته و در چند زمینه محدود فعالیت

دارند. یعنی مراکز تلاش نکرده اند سطح دانش و فناوری و مهارت معلولین را گسترش دهند و کارگاه ها با تولیدات مدرن تر و مورد نیازتر تأسیس کنند.

نود و نه درصد این کارگاه ها، لباس دوزی، کیف سازی، صنایع دستی مثل معرق است.

البته کارگاه و مجتمع تولید فیروز در بین همه مراکز تولیدی خاص است، چون در اصل توسط خارجی ها تأسیس شده و بعد از انقلاب مصادره شده و آقای موسوی و شرکاء آن را خریداری کرده اند. فیروز به تولید شامپو و دیگر محصولات بهداشتی و شوینده اختصاص دارد.

غیر از مراکز محدود موجود، شنیده نشده کارگاهی به لوازم تحریر، مجتمعی به صحافی و تجلید، کارگاهی به چکیده نویسی و نمایه سازی نشریات، کارگاهی به مرجع شناسی و مرجع سازی بپردازند و در این زمینه ها تولید داشته باشند.

۵- تولیدات کارگاه ها محدود به داخل است و تلاش برای صادرات آنها انجام نشده است. مجتمع های معلولین در اروپا و آمریکا اگر موفق شدند، چند دهه عمر داشته، نیز توسعه و رشد مالی مطلوبی داشته باشند، یک دلیل آن صادرات تولیدات آنها است. مدیریت این مراکز کالاهایی برای کشورهای مختلف تولید کردند و بازارهای جهانی را در دست گرفتند و به سودهای سرشاری دست یافتند. متأسفانه چنین شرایطی در کارگاه های خودمان نداریم.

دیگر شیوه ها

بعضی مراکز معلولین غیر خبره را جذب و شروع به آموزش نقاشی، معرق، خیاطی و غیره می نمایند. اما به گونه ای عمل می کنند که در عین آموزش و تجربه اندوزی، تولید کالا هم داشته باشند و این تولیدات را در معرض فروش قرار می دهند. و از درآمد به دست آمده، حقوقی هم به این افراد می دهند.

این شیوه آموزش و تولید تؤامان در بسیاری از کارگاه های معلولین در جهان رایج است. اما تولید در اینجا دارای خط خاص و منطبق با تجارب جدید و تخصص های به روز نیست. یعنی کالاهای انبوه تولید نمی شود بلکه کالاهای محدود تولید و در

بازارچه های محلی یا حراجی ها یا مراکز فروش با برچسب خاص فروخته می شود.

یعنی در سوپرمارکت ها یا بازارچه های محلی، جایی معین با تابلوی فروش کالاهای معلولین، کالاهای تولید شده عرضه و به فروش می رسد.

این شیوه در بسیاری از مراکز معلولیتی اجرا می شود. اما مشکلاتی که قبلاً برای روش اول شمردیم اینجا هم مصداق دارد.

شیوه سوم (مساعدت به خود اشتغالی)، کمک مراکز مردمی به معلولینی است که می خواهند مستقلاً شغلی داشته باشند. مثلاً معلولی می خواهد مغازه پوشاک یا فروشگاه مواد خوراکی ایجاد کند ولی برای تهیه مغازه و خرید وسایل و اجناس مغازه سرمایه کافی ندارد. فرد نیکوکار یا مرکزی به او مبلغی به عنوان کمک می دهد یا مغازه ای را به مدت چند سال در اختیار او می گذارند یا یخچال و دیگر وسایل مورد نیازش را تأمین می کنند. بالاخره در اشتغال معلولین به نوعی یاری و مساعدت می کنند.

بر اساس اطلاعات موجود خود اشتغالی پایدارترین و بهترین نوع اشتغال در جامعه هدف است. چون بر اساس واقعیت ها بنا می شود.

مراکز دولتی و مردمی با گسترش روش خود اشتغالی می توانند بزرگ ترین خدمت را داشته باشند، اما چگونه؟ خود اشتغالی متکی به دو عنصر اساسی و اولیه است: اول تبحر و تجربه، دوم اطلاعات درباره چگونگی اجرا، وضعیت بازار و غیره.

فردی ممکن است تجربه کافی درباره خیاطی داشته باشد ولی اطلاعاتش درباره شهر و محله ای که می خواهد مغازه دایر کند و سبک و سلیقه مشتریان و این گونه مسائل به روز نباشد. اگر مراکز با مشاوره به معلولین تجربه لازم و اطلاعات مورد نیاز را به آنها بدهند، نیز سرمایه کافی هم داشته باشند می توانند شغل پایداری داشته باشند.

بسیاری از اطلاعات از طریق بانک اطلاعات معلولین به دست می آید. از این رو بانک اطلاعات از ضرورت های اولیه برای اشتغال است.

شیوه ششم مشارکت در خود اشتغالی است. یعنی مرکز به جای اعطای وام بلاعوض و مساعدت مالی، در خرید مغازه یا خرید وسایل مغازه شریک شود. یک

ص: ۱۴۷

مرکز مغـازه را تهیه کنـد و خود معلول اجنـاس و وسایل را. و بر اساس قرارداد منعقـده، سود بین آنها تقسـیم خواهـد شـد. این شیوه را مشارکت در خود اشتغالی می نامند.

اما شـیوه چهارم و پنجم، راه انـدازی مراکز تولیـدی یا مراکز خـدماتی مشارکتی است. به عنوان مثال راه اندازی تاکسـی تلفنی خـدماتی است؛ اما کارگاه لباس دوزی تولیـدی است. گاه مراکز با معلولین مشارکتی دفتر خدماتی یا کارگاه تولیدی تأسـیس کرده و سود حاصله را بین خود تقسیم می کنند.

از منظر آسـیب شناسـی همه روش هایی که مراکز مردمی عمل کرده اند، به ندرت با موفقیت همراه بوده است. بسـیاری از این طرح هـا متکی به بـودجه هـای دائمی است که از طرف خیرین یـا دولت بایـد برسـد و بـا قطع بـودجه، آن طرح دوام نخواهد داشت.

مؤسـسه آلاء تحقیق مهمی دربـاره مراکز معلولیتی و خیریه ای آمریکا انجام داده است. این تحقیق نشان می دهـد، نود درصـد بودجه و نیازهـای مـالی مراکز خیریه ای آمریکـا از طریق تولیـدات یـا خـدمات خودشـان تـأمین می شود. یعنی هر خیریه یک مؤسسه اقتصادی است که سوددهی و درآمد مکفی است و روی پای خودش اداره می شود. اگر این تجارب در ایران عملی و اجرایی گردد و مراکز بتوانند متکی به دیگران نباشند، موفقیت آنها در اشتغال زایی قطعی خواهد شد.

محدودنگری و محدود کردن مراکز به سوژه های خاص و معین و تکراری مهم ترین ضـعف است. برای رهایی از این ضـعف مراکز باید مشاور اقتصادی داشته باشند و روی تولیدات جدید فکر کنند.

توانبخشی شغلی

امروزه مثل گذشـته، اشـتغال به راحتی پدیـد نمی آید. در گذشـته پسـر شـغل پدر را ادامه می داد؛ نزد پدر آموزش می دید و موانع و علل پیشرفت را می آموخت و این شغل را به راحتی ادامه می داد.

اما امروزه تحصـیلات ابتدایی و متوسـطه و دانشـگاهی مقدمه برای اشـتغال است و پس از آن یک فرد باید بسـیار تلاش داشته باشد و در رقابت های پیچیده موفق

گردد تا بتواند شغل مناسبی پیدا کند. همه اینها موجب شده تا حرفه و دانش جدید به نام توانایی های شغلی یا توانبخشی شغلی پدید آید.(۱)

افرادی که تا دکتری را طی کرده و مدرک دکترا گرفته اند، بعضاً اشتغال ندارند، زیرا توانایی ها و مهارت ها لازم را نتوانسته اند کسب کنند. فردی موفق است (اعم از معلول و عادی) که به هنگام تحصیل، توانایی های شغلی را هم کسب و بتواند تجارب لازم را پیدا کند. اما لازم به تذکر است توانبخشی شغلی دامنه وسیع دارد و شامل نکات فراوان است. ممکن است فردی خیاط با تجربه و خوبی باشد اما چون اخلاق مطلوب ندارد کسی به او کار نمی دهد و بیکار است.

یا کسی اخلاق خوب دارد، تجربه هم دارد ولی به نظافت و پوشش خود اهمیت نمی دهد، چنین فردی هم در بازار جای کار ندارد، یا کسی همه اینها را دارد ولی اطلاعاتش نسبت به قوانین کار و اشتغال اندک است. این فرد هم نمی تواند موفق گردد.

توان دهی به معلولین ابعاد مختلف دارد؛ اما برای اشتغال آنان باید توانایی ها و مهارت های به معلولین داد که بتوانند در شغل مورد نظر خود موفق گردند. توانایی های که در جریان توانبخشی شغلی به معلولان داده می شود حداقل دوگونه عمومی و خاص اند. منظور از خاص یعنی توانایی هایی که هر یک از مشاغل لازم دارند. مثلاً یک نجار توانایی هایی می خواهد که با توانایی های یک خلبان متفاوت است. امّا غیر از توانایی های خاص، توانایی های عمومی و عام که لازم دارند، عبارت است از:

- آموزش هایی که هر گروه از معلولین نسبت به نوع معلولیت شان نیاز دارند.

- آموزش ویژگی های هر گروه از مشاغل فرهنگی، صنعتی، کشاورزی، خدماتی و علمی.

- آگاهی بخشی نسبت به مراکز کاریابی، سایت های رسیدگی کننده و خلاصه مرکز شناسی شغلی لازم است.

۱- . توانبخشی شغلی و حرفه ای معلولین، عبدالله شفیع آبادی، ص ۵-۲۰.

– توجیه معلولین نسبت به قوانین مختلف کشوری، محلی و جهانی.

– آموزش رموز و علل موفقیت یا شکست در هر زمینه

– آموزش نظام اداری و چگونگی اجرای گزینش، آموزش، به کارگماری و اشتغال.

بهرحال مجموعه ای از اطلاعات برای توجیه شدن نیست نیاز ضروری معلولان لازم است کار تشکل های معلولین و نخبگان جامعه همین امور است.

بهرحال یک بعد برنامه ریزی و طراحی برای اشتغال معلولین، توانبخشی شغلی است.

نویسندگان مقاله توانبخشی شغلی معلولان در این باره می نویسند:

توانبخشی مجموعه ای از خدمات و اقدامات پزشکی، آموزشی، حرفه آموزی و اجتماعی است که برای بازتوانی جسمی، روانی، ذهنی، اجتماعی و حرفه ای معلولان و ارتقای سطح کارآیی آنها تا بالاترین حد ممکن برای دستیابی معلول به یک زندگی مستقل در جامعه عرضه می شود.

توانبخشی شغلی جزئی از روند مستمر و هماهنگ توانبخشی است که از طریق راهنمایی و آموزش شغلی، معلول را برای شناخت خدمات شغلی و اشتغال در شغل مناسب یاری می دهد.

توانبخشی شغلی مجموعه اقداماتی است که به استخدام، جذب و نگهداری معلول در شغل مناسب می انجامد و بدان وسیله معلول می تواند از امکانات و توان های خود به بهترین نحو استفاده کند. به عبارت دیگر توانبخشی شغلی مجموعه خدمات تخصصی پزشکی، روانشناسی، آموزشی و اجتماعی است که برا رشد دادن امکانات توانجو از طریق ایجاد آمادگی جسمانی – روانی، راهنمایی و آموزش شغلی، کاریابی و به کارگماری و پیگیری ضمن اشتغال اعمال می شود.(۱)

طبق تبصره های ۱، ۲، ۳ ماده ۱۱۹ قانون کار جمهوری اسلامی ایران:

– مراکز خدمات اشتغال در مراکز استان ها موظف به ایجاد دفتری تحت عنوان

۱– . همان.

دفتر برنـامه ریزی و حمـایت از اشـتغال معلولان خواهنـد بود و کلیه مؤسـسات مـذکور در این ماده موظف به همکاری با دفاتر مزبور می باشند.

– دولت موظف است تا در ایجاد شـرکت های تعاونی (تولیدی، کشاورزی، صـنعتی و توزیعی) معلولان را از طریق اعطای وام هـای قرض الحسـنه دراز مـدت و آموزش هـای لازم و برقراری تسـهیلات انجام کار و حمایت از تولیـد یا خـدمات آنان مورد حمـایت قرار داده و نسـبت به رفع موانع معمـاری در کلیه مراکز موضوع این مـاده و تبصـره هـا که معلولان در آنها حضور می یابند، اقدام نماید.

– وزارت کـار و امور اجتمـاعی مکلف است تا آیین نامه های لازم را برای برقراری تسـهیلات رفاهی مورد نیاز معلولان شاغل در مراکز انجـام کـار بـا نظرخـواهی از جـامعه معلولاـن ایران و سازمـان بهزیسـتی کشـور تهیـه و به تصـویب وزیر کـار و امـور اجتماعی برساند.

بنابراین بسـیاری از افراد معلول برای رسـیدن به اهداف شـغلی، تحصیلی و زندگی مستقل نیازمند توانبخشی شغلی هستند و در این راسـتا مشاوران توانبخشـی شـغلی فرایند توانبخشی را برای آنان تسهیل می کنند و به رشد قابلیت های شخصی آنها کمک می کنند.

نیازهای معلولان در زمینه اشـتغال از نظر کیفی هماننـد افراد عادی است و باید همچون آنان از امکانات متعدد جامعه بهره مند شونـد و پس از گذرانـدن مراحل ضـروری، شـغل مناسب شان را انتخاب کننـد و به انجام آن مشـغول شوند. مراحل راهنمایی شغلی معلولان عبارت است از: گزینش، آموزش، به کارگماری و اشتغال.(۱)

تیم توانبخشی شغلی: توانبخشی شغلی معلولان فعالیتی است که همکاری و مشارکت گروهی از افراد یا تخصص های متعدد را می طلبد. اعضای گروه توانبخشـی شـغلی عبارتند از: مدیر مرکز، مشاور شـغلی، روانشناس، پزشک، مددکار اجتماعی، مسئول کارگماری، کار درمانگر، مدیر کارگاه و مربی کارگاه. هر یک از

۱- . «توانبخشی شغلی معلولان»، آرزو محمودیان، ایران باغبان، مجله کار و جامعه، ص۸۷ و ۸۸، ص ۳۷-۳۸.

اعضای گروه بر اساس تخصص خود فعالیت هایی را انجام می دهند.

۱. مـدیر مرکز: سرپرستی گروه توانبخشـی شـغلی بر عهـده مـدیر مرکز است. وظـایف مـدیر مرکز عبارتنـد از: هماهنگی کلیه فعـالیت هـای روزمره مرکز، اعمـال مـدیریت برای تقویت روحیه همکاری بین اعضای گروه، ملاقات با توان جویان و بررسـی مشکلات آنان، برنامه ریزی برای افزایش کارآیی مرکز و تلاش برای حل مشکلات ایجاد شده.

۲. مشـاور شـغلی: یکی از نقش هـای مشاور شـغلی در توانبخشـی معلولان آن است که با شـناساندن مشاغل مختلف و آگاهی دادن از خصوصـیات شخصـی و دادن اطلاعـات دربـاره نیازهای شـغلی جامعه، معلول را در انتخاب شـغلی مناسب یاری دهـد. وظایف مهم مشاور شغلی عبارتند از:

الف. تهیه و اجرای برنـامه هـایی برای آگـاهی دادن جامعه از توان های معلولان. برای نیل به این مقصـد بایـد همکاری جـدی رسانه های جمعی و نهادها و اصناف جلب شود و از طریق برپایی نمایشگاه های مختلف و برگزاری سمینارهای علمی، مردم با عملکردها و توانمندی های معلولان آشنا شوند؛

ب. همکاری جدی و صمیمی با مراکز آموزش ضمن خدمت شغلی معلولان برای بهره گیری بهینه از توانایی های آنان.(۱)

در طرح و برنامه اشـتغال لازم است جایگاهی به توانبخشی شغلی داد اولاً ابعاد آن را معین نمود؛ سپس اقداماتی که لازم است انجام پذیرد مشخص نمود.

رفاه و کیفیت زندگی

سازمـان بهـداشت جهـانی در تعریف معلولیت از شـاخص کیفیت زنـدگی و رفاه اسـتفاده کرد و معلول را فردی دانست که به دلیل مشکلات جسمی، ذهنی یا اجتماعی نمی تواند، زندگی مطلوب و برخوردار از رفاه داشته باشد.

دانش بهزیستی که معلولیت را زیر چتر خود دارد مشتمل بر چنین مفهوم و معنایی است.(۲)

۱- . همان.

۲- . بررسی میزان کیفیت زندگی معلولین جسمی و حرکتی، سیده زینب موسوی، ص ۱۴-۱۶.

قانون کار و اشتغال

تـدوین قانون کار و اسـتخدام و اشـتغال ویژه معلولان یکی از ضـرورت ها است. یعنی علاوه بر قانون جامع حمایت از معلولین لازم است قانون کار و استخدام هم برای این قشر تدوین گردد.

بسیاری از کشورهای پیشـرفته چنین قانونی را تـدوین و تصویب کرده اند. با توجه به اینکه در احادیث و در احکام و فتواهای فقیهان مباحث و نکات مهمی درباره حقوق معلولان آمده، و همین نکات می تواند مبنای تقنین باشد.

این قانون شامل این مباحث است:

– تعیین نقش دولت در استخدام معلولان

– تعیین نقش وزارت خـانه هـای مختلف در اشـتغال معلولین. مثلاً وزارت ارشاد و فرهنگ در زمینه چاپ و نشر، نویسـندگی، فیلم سازی، روزنامه نگاری معلولان و تعیین جاهایی برای استخدام معلولان در این زمینه ها مهم است.

– بیمه درمانی معلولین

– بیمه توانبخشی

– بیمه بیکاری

– آموزش و پرورش

– سهمیه سالانه استخدام

– تعیین تکلیف برای شهرداری ها در تخصیص جاهایی در پارک ها و مکان های عمومی به معلولان

– تعاونی

– مشخص شدن وظایف و عملکرد تشکل های مردمی

– وضعیت اوقاف و دیگر اموال عمومی متعلق به معلولین

ذیـل هر یـک از این سـرفصل هـا می توان مواد قـانونی مهم و کارگشـا مصوب کرد. و در همه زمینه هـا تکلیف مردم، دولت، نهادها، مدیران و خود معلولین را دقیقاً مشخص نمود.(۱)

۱- . اطلاعات جامع درباره قوانین معلولین در این کتاب آمده است: حقوق معلولان ایران، علی نوری.

اشتغال زدایی

اشتغال زایی و اشتغال زدایی دو پروسه و فرایند معکوس و متضاد هستند. علل و عواملی که منجر به از بین رفتن زمینه های شغلی معلولان می شود، اشتغال زدایی می نامند. در طراحی و برنامه ریزی برای اشتغال معلولین لازم است، این گونه عوامل شناسایی و راه کار از بین بردن آنها هم مطالعه کرد و این مبحث مفصلی است و اینجا فقط به رؤوس کلی و سرفصل های آن اشاره می شود.

بر اساس آمارها از سال ۱۳۵۵ به بعد بیکاری همواره رشد داشته و زیادتر شده است. نرخ بیکاری در ۱۲۵۵ ۱/۷ درصد بوده و در ۱۳۶۵ به ۱/۱۴ درصد افزایش یافته است. یعنی بیکاری در ایران طی ده سال دو برابر شده است.(۱) و در سال ۱۳۶۷ به ۹/۱۵ درصد رسید.

این در حالی است در اصل بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است:

دولت موظف به ایجاد زمینه های اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل است.(۲) گاه علل بیکاری را به چهار دسته، تقسیم می کنند: اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و فردی. ذیل علل اقتصادی به این گونه عوامل اشاره کرده اند.

- گرایش به فعالیت واسطه گری و مشاغل کاذب به جای تولید واقعی

- پایین بودن حقوق و عدم تکافوی زندگی

- جانشینی ماشین آلات به جای انسان

- افزایش افراد چند شغله

ذیل علل فرهنگی و اجتماعی به این موارد اشاره شده است.

- افزایش جمعیت

۱- . نخستین برنامه توسعه اجتماعی - اقتصادی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ج۲، ص ۱۹-۲۰.

۲- . قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

- کاهش سطح مهارت و دانش و تجربه

- نگرش منفی کارفرمایان نسبت به استخدام معلولان

- عدم تناسب دستگاه و ابزارها با معلولیت ها

- عدم مناسب سازی محل کار

- گرایش جامعه به کسب سود راحت و بدون دغدغه مثل نزول خواری و ازدیاد پول از طریق سپرده گذاری به جای بردن ثروت ها در تولید و ایجاد کارخانه و کارگاه

- جمع آوری ثروت های جامعه در کنترل عده ای خاص که رویکرد به تولید ندارند.

اما در بخش علل سیاسی به این موارد اشاره شده است:

- جنگ

- تحریم اقتصادی

- اشتغال اتباع خارجی

- گسترش روابط سالم با جهان و صدور نیروی کار به جهان

- تعمیق منازعات با جهان پیشرفته و بسته شدن راه ورود تجارب و دستاوردهای مدرن و مشکل در رقابت های جهانی

و در علل فردی گفته شده:

- گرایش به تنبلی و تن پروری

- تحصیلات عالی بدون تجربه و تن دادن به کار سخت

- فقدان خودباوری و اعتماد به نفس

- نداشتن تجربه و دانش کافی در معلولان

- مخالفت خانواده ها

فرهنگ اشتغال

مردم تا چند دهه گذشته به افراد دارای معلولیت اعتماد نداشتند تا کاری و شغلی را به آنان بسپارند؛ اما به تدریج با مشاهده توانمندی ها، در برخی زمینه ها استخدام شدند ولی هنوز فراگیر نشده و در همه زمینه ها اعتماد ندارند و لازم است فرهنگ سازی تداوم یابد. فرهنگ سازی شامل فعالیت های فکری، پژوهشی و

تبلیغی در عرصه معرفی معلولان موفق در کارها و شغل های مختلف؛ معرفی تجارب تاریخی از مشاهیری که به رغم معلولیت مدارج ترقی را طی کرده و به کمالات رسیدند؛ و بالاخره برجسته سازی قسمت های از فرهنگ دینی و فرهنگ ملی که توصیه به کار و کوشش و پرهیز از بیکاری و تنبلی و نیز دعوت مؤمنان به مساعدت و ایجاد کار برای این افراد نموده است.

فرهنگ اسلامی: پیش از اسلام، طرز فکر غالب بر جهان در مورد معلولان بسیار وحشتناک بود و نه تنها باوری به اشتغال آنها نداشتند بلکه معتقد بودند اینان باید نابود شوند چون مسری هستند و مروج شیطان می باشند. این اعتقاد در تورات آمده و پژوهشگران در مصر، آمریکا و اروپا از پنج هزار سال قبل به این طرف، شواهد آن را یافته اند.(۱)

اما اسلام از ابتدا ظهور رویه دیگر با معلولین داشت و با آنان روابط و مناسباتی مثل انسان های دیگر داشت. و رفتارش با آنان کاملاً انسانی بود. در سیره پیامبر اسلام صلی اللّه علیه و آله و سلم حتی یک مورد یافت نشده که گفتاری یا روایتی از آن حضرت نداریم نیز قرآن کریم در آیات مختلف؛ توصیه در رعایت حال معلولین نموده و بی احترامی و تحقیر آنان را مذموم شمرده است.

البته یک وظایف و تکالیفی را خداوند از معلولین نخواسته خداوند جهاد را از معلول برداشته. جبهه جنگ را، مبارزه با دشمن را البته اگر معلولیت در آن درجه باشد که مانع شرکت در جبهه و جنگ بشود و نتواند بجنگد که قرآن صریحاً فرموده است: «لیس علی المریض حرج و لا علی الاعرج حرج»

ما در عین حال در تاریخ اسلام داریم کسانی را که گرفتار معلولیت بوده اند و داوطلبانه و با اصرار و با التماس از پیغمبر خواستند که در جبهه جنگ شرکت بکنند و شرکت کردند و شهید هم شدند. یک سری وظایف و تکالیف که بارزترین آنها جهاد است در اسلام از معلول برداشته شده نکته مهمی را که می خواهم رویش تکیه بکنم این است که اگر خداوند انسانی را از نعمت یک عضو سالم و مفید مثل

۱- . دانشنامه ناشنوایان، به مدیریت محمد نوری، مقاله یهود و تورات؛ سیکولوجیه ذوی الاحتیاجات الخاصه، السید فهمی علی، ص ۲۸۱-۲۸۵.

بینـایی، شـنوایی، دست یا پا محروم کرده و این بنـده خـدا در دوران زنـدگی از یکی از این نعمت ها محروم شـده قطعاً و یقیناً محرومیت این انسـان، از این عضو و از این سـلامت موجب ارج و مقـام والای این شـخص در پیشـگاه خـدا خواهـد شـد. حالا بعضـی هـا این سؤال را زیـاد مطرح می کننـد که خوب این چه گناهی داشـته که نابینا شـده، این چه تقصـیری داشـته که خـدا گوش یا چشم را از او گرفته است.

ارتباطات جهانی

مدیریت کشورها اگر ارتباطات سالم و سازنده با دیگر کشورها برقرار نکنند مثلاً کشورها را تهدید کنند، منازعات و درگیری ها علیه برخی از کشورها را گسترش دهنـد و خلاصه امنیت جهانی را مخـدوش نمایند، قطعاً دیگران هم موضع گیری خواهند کرد و این کشور را در فشار قرار می دهند. بر اثر این فشارها، انواع مشکلات برای معلولین به وجود می آید و اشتغال مدام رو به کاهش می رود. اما ارتباطات سالم و صـحیح با دیگر کشورها موجب فضای امن در کشور می شود و معلولین می تواننـد از تجارب جهان بهره مند گردند؛ از نهادها و سازمان های بین المللی و امکانات جهانی اسـتفاده کنند؛ از امکانات و فرصت های موجود در منطقه بهره ببرند. معلولان ایرانی می توانند از سازمان جهانی کار، برای بهبود وضـعیت زندگی حرفه ای خودشان و گسترش فرصت اشـتغال افراد بیکار اسـتفاده کنند. افرادی که به علت ناتوانی بیکار هستند نیز در حیطه فعالیت این سازمان قرار می گیرنـد. سازمـان جهـانی کـار به امور مربوط به کارگران و کارفرمایان و دولت های مربوطه رسـیدگی می کنـد. و از آغاز فعالیت خود در صدد برآورده نمودن حقوق افراد ناتوان بوده است. به خصوص که این حقوق به منظور تشریک مساعی کامل آنان در امور اجتماعی و اقتصادی جامعه ضـروری است. در سال های اخیر، تلاش های این سازمان مسـتقیماً برای فراهم کردن سرویس هـای توانبخشـی حرفه ای در کشورهـای در حال توسـعه بوده است. اکنون، مشاورین و متخصصـین بخش های محلی سازمان جهانی کار در زمینه ی توانبخشی حرفه ای در بیش از ۵۰ کشور جهان سوم مشغول فعالیت هستند.

ص: ۱۵۷

اما تا کنون شنیده نشده که معلولان یا تشکل های معلولیتی از امکانات این سازمان استفاده کرده باشند. اساساً در ایران یک جو بدبینی نسبت به سازمان های بین المللی هست. ایران سالانه به این سازمان ها حق عضویت می پردازد ولی از توانایی و امکانات آنها بهره نمی برد. حتی از سازمانی مثل ایسکو که همه کشورهای اسلامی مثل کویت بهره فراوان می برند ولی بر اساس تحقیق به عمل آمده معلوم شد تا کنون هیچ استفاده ای نشده است. به عنوان نمونه نابینایان مصر با امکانات ایسکو به کشورهای مختلف اسلامی می روند، جلسات قرائت و فقط قرآن برگزار می کنند. و حقوق خود را از ایسکو دریافت می نمایند.

معلولین ایران جهت استفاده از فرصت های جهانی، نخست باید به شناسایی این فرصت ها بپردازند. لذا نخست باید بانک اطلاعات اشتغال دایر گردد، نهادها و مراکز جهانی که در زمینه اشتغال معلولین فعالیت دارند شناسایی و وارد بانک گردند سپس از طریق دولت ارتباط با نهادها و سازمان های بین المللی کارشناسی گردد.

در طرح و برنامه اشتغال معلولین لازم است به سازمان های بین المللی، شیوه ارتباط با آنها و روش استفاده از امکاناتشان پرداخت و یک بخش از این برنامه به این مبحث اختصاص یابد.

مراکز اشتغال

مراکزی که برای اشتغال معلولان زحمت کشیده و تجربه های سودمندی اندوخته اند، لازم است شناسایی و به جامعه هدف و کارشناسان معرفی شوند. گفت و گو با مدیران این مراکز و ثبت تجارب آنها و آوردن این تجارب در برنامه اشتغال ضروری است.

شرکت تعاونی الکترونیک معلولین: این مرکز در سال ۱۳۵۵ تأسیس گردیده و هدف از تأسیس این واحد تولیدی، اشتغال و به کارگیری معلولینی می باشد که به علت شدت نوع معلولیت نتوانسته اند در بازار کار آزاد جذب شوند.

این شرکت تعاونی دارای اساسنامه و آیین نامه های لازم می باشد و کلیه کارگران

شاغل در این واحد تولیدی سهامدار و عضو تعاونی هستند.

این شرکت از ابتدا به کار مونتاژ و تعمیر قطعات و دستگاه های الکترونیکی اشتغال داشته و پس از انقلاب اسلامی توانسته است از وزارت صنایع در مورد مونتاژ رادیو، رادیوکاست و تلویزیون سیاه و سفید پروانه دریافت نماید.

اعضاء فعلی شرکت بالغ بر ۲۰۰ نفر هستند که ۵۹٪ معلولین جسمی حرکتی، ناشنوا، ذهنی و اجتماعی تشکیل می دهند.

در این شرکت در هر ۵/۶ دقیقه یک تلویزیون سیاه و سفید ۴۱ اینچ مونتاژ می گردد و روزانه حدود ۲۰۰ دستگاه تلویزیون سیاه و سفید خود را با نام ستاره طلایی (تحت لیسانس گلد استار) عرضه می نماید.

شرکت به منظور گسترش و توسعه فعالیت های صنعتی خود اقدام به دریافت موافقت اصولی تولید گیرنده تلویزیون رنگی با ظرفیت ۵۰۰۰۰ دستگاه در سال نموده است. محل اجرای این پروژه در شهر صنعتی کهریزک در زمینی به مساحت ۷۰۰۰ متر مربع قرار دارد که حدود ۳۰۰۰ متر مربع آن را سالن تولید شامل: کارگاه های

۱- مونتاژ شاسی با سیستم نقاله اتوماتیک و نیمه اتوماتیک تشکیل می دهد و در این سالن المان های الکترونیکی روی شاسی

(به تصویر مراجعه شود) نصف می شود. در انتها توسط ماشین لحیم کاری اتوماتیک، شاسی، لحیم کاری می گردد و آماده مونتاژ می شود.

۲- کارگاه های فلزکاری و تزریق پلاستیک: در این قسمت کارگاه، بعضی از قطعات فلزی و پلاستیکی مورد نیاز محصولات شرکت تولید می شود.

۳- در کارگاه دیگری شاسی و قطعات و لامپ تصویر و ... در داخل کابینت جمع می گردد.

لازم به یادآوری است که این شرکت فعلاً در محل اجاره ای واقع در خیابان پامنار، تلویزیون سیاه و سفید ۴۱ اینچ را تولید می کند و در محل جدید (شهر صنعتی کهریزک) که حدود ۹۰٪ کار ساختمانی و ۸۰٪ کار نصب تجهیزات و خط مونتاژ آن به اتمام رسیده و قرار است در آذرماه افتتاح گردیده و شروع به تولید تلویزیون رنگی ۱۲ اینچ پال سکام با کنترل از راه دور نماید.

ص: ۱۵۹

علاوه بر تست هایی که در مراحل مختلف در کارگاه های مونتاژ وجود دارد، تست و تنظیم AF صوت و تصویر و تست و تنظیم عمودی و افقی صوت و تصویر و تست و تنظیم RF و AGC نیز روی تلویزیون ها انجام می شود.

تلویزیون های تولیدی، یکبار در جریان هوای خشک و بار دیگر در جریان هوای مرطوب و در نهایت در گرمخانه، در درجه حرارت بالای ۴۰ به مدت ۴۲ ساعت کار می کند و بدین صورت تست کارآیی در اثر کارکرد مداوم از نظر داغ شدن دستگاه و رطوبت تست می گردد.

این شرکت موفق گردیده به میزان ۵۲٪ ساخت داخل تلویزیون های سیاه و سفید خود را بالا ببرد.(۱)

دفتر فرهنگ معلولین: این دفتر قبل از شروع به کار، حدود یک سال به مطالعه وضعیت موجود پرداخت و پس از آسیب شناسی به این نتیجه رسید، معلولان پیش از هر چیز نیاز به مطالعات دقیق علمی و کارشناسانه دارند. پس از این مطالعات ریشه مشکلات به ویژه مشکل اشتغال در فرهنگ سازی، الگوسازی و نهادسازی دانسته شد. به همین دلیل از ماه نخست شروع به کار اقدامات در این زمینه را آغاز کرد. اکنون گزارشی از اقدامات این دفتر تقدیم می گردد.

اشتغال به عنوان موضوع قابل مطالعه: چند رویه و دیدگاه در مورد اشتغال به عنوان یکی از معضلات اساسی جامعه هدف وجود دارد. بعضی مهارت افزایی به روش سنتی اقدام کرده اند، یعنی تعداد محدودی از معلولان را گرفته و آموزش خیاطی، معرق و غیره می دهند. محصولات تولیدی آنان هم به تدریج و فروخته خرج آنان می شود. رویه دوم معتقد است کلید حل مشکل دست دولت است و به اصطلاح دولت محور هستند، بالاخره برخی به روش مدرن اعتماد دارند. این روش ها و رویه ها در این فصل بررسی می گردد.

گاه شنیده می شود در شرایطی که معلولان محتاج نیازمندهای حداقل زندگی

ص: ۱۶۰

۱- . «آشنایی با شرکت تعاونی الکترونیک معلولین»، مهرناز شریعت، مجله تعاون، ش۲۶/ آبان ۱۳۷۲، ص ۲۰-۲۱.

هستند، حتی در تأمین غذا و داروی خود مشکل دارند، چرا دفتر فرهنگ معلولین به امور فرهنگی و تولید و چاپ مقالات صرفاً علمی می پردازد. این مباحث وقتی سودمند است که شکم افراد سیر و رفاه نسبی داشته باشند.

ما هم با این تفکر موافق هستیم و در آموزه های دینی ما آمده است که الفقر کاد اَن یکون کفراً یعنی فقر و نبود رفاه و معیشت زمینه های کافر شدن را پدید می آورد. امروزه در رشته های جامعه شناسی هم ثابت شده که فقر زمینه ساز انواع بزه کاری ها و خلاف های اجتماعی است. کسی که فقیر است فقط در تلاش است به روشی خود را سیر و از مرگ نجات پیدا کند و چشمانش به روی دیگر ارزش ها بسته است. اما با شما موافق نیستیم که کارهای فکری این دفتر موجب رفاه و آسایش و معیشت نمی شود بلکه بر عکس ما معتقد هستیم، راه درست برای رسیدن به رفاه پایدار همین شیوه است. این فصل به تبیین رابطه اقدامات دفتر با اشتغال و رفاه معلولین می پردازد و فعالیت های دفتر را در این حوزه توضیح می دهد.

نقد شیوه سنتی: اشتغال، امروزه در جهان یک مقوله چند بعدی و نیاز به کارشناسی و تحلیل علمی دارد. به سادگی نمی توان از کنار آن گذشت و برای آن نسخه های ساده پیچید.

شیوه سنتی برای اشتغال معلولین این گونه است: راه اندازی کارگاه خیاطی، نجاری و منبت کاری و آموزش مهارت های فنی و حرفه ای به آنان؛ پس از چند ماه آموزش، کارگاه تولیدی تأسیس می شود یا افراد آموزش دیده به مراکز تولیدی یا نهادهای کاریابی معرفی می شوند.

اکثر یا همه مراکز معلولیتی در ایران و در کشورهای در حال توسعه به این شیوه ها با مسأله اشتغال معلولین برخورد کرده اند. البته تا اندازه ای موفق بوده اند. اما جمعیت زیاد و رو به ازدیاد معلولین ما را به فکر واداشت تا به سراغ راه کار دیگری برویم.

شیوه سنتی در جهان مدرن که به سرعت آمار معلولین رو به ازدیاد است، نمی تواند کارآیی داشته باشد. حداقل در کنار این شیوه باید روش های دیگر راه اندازی شوند. برای اینکه کارآیی روش سنتی معلوم شود یک مثال می زنم:

شهر تهران با ۱۵ میلیون نفر جمعیت اگر فقط ۵۰۰۰۰ معلول خواهان کار داشته باشد. با اینکه در تهران بسیار بیشتر است ولی حداقل را فرض می کنیم. و هر مرکز در هر دوره شش ماهه یکصد نفر کارآموز جذب کند. پس در تهران باید پانصد مرکز دایر باشد ولی هم اکنون ده مرکز هم نیست. مشکل بعدی پس از آموزش، بازار کار ایران، آیا ظرفیت جذب این تعداد معلول کارآموخته را دارد؟ قطعاً پاسخ سؤال منفی است.

شیوه مدرن: کشورهایی هستند که به روش جدید نرخ معلولیت و آمار معلولین خود را کنترل کردند. توجه به این شیوه و بومی سازی آن و سپس اجرای آن می تواند در ایران هم موفق شود.

دفتر فرهنگ معلولین می خواهد نه تنها اشتغال بلکه بسیاری از مشکلات جامعه معلولین را سامان دهی کند، از این رو به شیوه ای فکر می کند که متکی به چهار مقوله زیر است:

۱. اطلاع رسانی ۲. فرهنگ سازی ۳. نهادسازی ۴. پیشگیری

اشتغال معلولین را با فعال شدن در این چهار حوزه می توان سامان دهی کرد.

تا این چهار پایه به طور اساسی اجرا نشود وضعیت اشتغال مطلوب نخواهیم داشت؛ همین طور در امور اقتصادی، مشکلات اجتماعی و فرهنگی معلولین هم به نظام پویا و پایدار نمی رسیم.

جهان مدرن به سراغ راه کارهای خود بازده می رود، از قدیم گفته اند چاه را اگر آب در آن بریزی فایده ندارد و باید خودش آب بدهد. یا ضرب المثل دیگر می گوید باید به افراد ماهیگیری یاد داد نه ماهی. ماهی را یک روز می خورند و دوباره نیاز دارند اما ماهیگیری موجب می شود یک عمر مستقل و خودکفا شوند. نظام معلولین را باید کاری کرد که خودش مشکلاتش حل شود.

اطلاع رسانی: اولین و مهم ترین زیربنای اشتغال اطلاع رسانی است. تعداد معلولین، پراکندگی اجتماعی آنان، اینکه چند درصد معلولین اشتغال دارند و چند درصد ندارند آنهایی که اشتغال دارند مقدار درآمدشان چقدر است؟ آنهایی که

اشـتغال ندارنـد از چه طریق زنـدگی می گذراننـد و بالاـخره ده هـا سؤال این چنینی هست که هرگونه تحلیل و برنامه ریزی و تصمیم درباره امور اقتصادی و اشتغال معلولین وابسته به پاسخ گویی به این سؤالات است.

اساساً اینکه نهاد های دولتی در ایران و دیگر کشورهای جهان اسلام در یکصد سال اخیر نتوانسته اند مشکلات معلولین را حل کنند یک دلیل مهم آن نداشتن اطلاعات از جنبه های مختلف زندگی و معیشت و نهادهای اجتماعی معلولین است. بعد از این هم تا وقتی اطلاعات واقعی در اختیار نداشته باشیم، نمی توانیم این مشکلات را حل کنیم. کشورهایی مثل کویت و قطر در دو دهه اخیر قدم های بلند و اساسی در زمینه اشتغال معلولین برداشته اند و از طریق وقف مشکلات معیشتی و اشتغال معلولین را تا حد زیادی حل کرده اند.

مـدیریت اوقـاف در ایـن کشورهـا نخست به گردآوری اطلاعـات پرداخت، پس از آن توانسـتند به سـرعت به رفـع مشـکلات معلولین اقدام کنند.

علاوه بر آن اطلاع رسانی موجب تقریب قشرها به یکـدیگر شـده و نوعی همکاری و همیاری خودگردان و پایـدار شـکل می گیرد. اما اقدامات دفتر در حوزه اطلاع رسانی عبارت است از:

۱. ایجاد بانک اطلاعات معلولین

روز نخست که دفتر تأسیس شـد از معـاونت هـای بهزیستی سؤال شـد اگر اطلاعـاتی بخواهیم شـما داریـد؟ یا بانک اطلاعات دارید؟ پاسخ آنها منفی بود.

اما بانکی که درصـدد راه اندازی بوده ایم، طرح بسـیار گسترده ای است و در دل خود حدود ۱۵ بانک فرعی دارد. مثل بانک نویسـندگان معلول، بانـک ناشـنوایان، بانک نابینایان، بانک پایان نامه های معلولین، بانک نشـریات معلولین در سراسـر جهان، بانک هنرمندان، بانک نقاشان، بانک آثار هنری معلولین و غیره.

عنـایت کنیـد اگر چنین اطلاعـاتی گردآوری شود و در سراسـر جهـان معلولین از طریق این بانـک هـا به یکـدیگر وصل شود، تحول و انقلاب بزرگی در فرهنگ و جامعه معلولین رخ خواهد داد.

ابتـدا روی وب سایت فرمی با عنوان بانک معلولین نخبه در اختیار عموم قرار داده ایم که مثلاً هنرمنـدان معلول با پر کردن آن عضو بانک هنرمندان می شوند. سه

سال بانک کوچکی را روی سایت اصلی داشتیم اما به تدریج به سراغ توسعه رفتیم و اکنون یک سال است بانک جامع اطلاعات معلولین با سایت مستقل راه اندازی شده است.

اساسی ترین و زیربنایی ترین کار برای اشتغال ایجاد بانک های اطلاعات معلولین است. اینکه فلان مؤسسه، بازارچه کالا راه اندازی کند و آش و لباس دست دوز معلولین را بفروشد اگر ذاتاً خوب هم باشد ولی تأثیر و دامنه بُرد آن محدود است. با اینکه همان مؤسسه امکانات مالی و امکانات برای برداشتن قدم های مهم تر دارد.

۲. اطلاع رسانی جاری

گاه یک اطلاع کوچک زندگی و سرنوشت آدمی را عوض می کند. فلان تیم ورزشی در فلان کشور اروپایی از معلولین عضو می پذیرد و فلان معلول کاشانی شرایط لازم را دارد و با عضویت در آن تیم، سرنوشت او عوض می شود. یا فلان معلول که دارد پایان نامه می نویسد اگر کتاب یا نشریه ای که در فلان کشور منتشر شده را در اختیار داشته باشد مسیر تحقیقات و پایان نامه اش عوض خواهد شد و راه زندگی او تغییر می کند؛ فلان شرکت صنعتی از معلولین کارگر و کارمند استخدام می کند ولی معلولین تهران یا قم اطلاعی ندارند و سال ها گاه تا پایان عمر بیکار می مانند. این مثال ها ذهنی نیست و واقعیت های جاری می باشد.

اما در عرصه ورزش، کتاب، نشریه، فرهنگ، صنعت، کشاورزی، تغذیه، پزشکی، دارو، وسایل کمک بینایی، وسایل کمک شنوایی و ده ها سرفصل دیگر اطلاع رسانی مناسب و به هنگام و جامع برای معلولین وجود ندارد.

برای نمونه فردی تعریف می کرد و می گفت در یک شهر کوچک اعلام کردیم هر بیمارستان و هر پزشک یک صدم از وقتش را رایگان در اختیار معلولین قرار دهد و مثلاً از یکصد بیمار معمولی یک معلول را ویزیت نمایند. می گفت مشکلات درمان معلولین در این شهر مرتفع و حل شد. یعنی اطلاع رسانی به نهادهای پزشکی و سپس با اطلاع رسانی به معلولین، راه برای رفع مشکلات پزشکی آنان به صورت رایگان هموار شده است.

خبرگزاری دانشجویی یا خبرگزاری قرآنی که دارند تلاش می کنند چه توجیهی

برای تأسیس آنها بوده یعنی چند درصد جامعه ی ما، دانشجو یا پژوهشگر قرآن بودند تا نیاز به خبرگزاری تخصصی باشد و اینگونه خبرگزاری ها تأسیس شود. قطعاً جمعیت معلولین بیشتر است اگر آمار معلولین ایران حداقل ۷ میلیون نفر باشد این جمعیت نسبت به همه اقشار بیشتر است، آیا اینان خبرگزاری نمی خواهند؟ حداقل اینان یک نشریه ماهانه اطلاع رسانی نمی خواهند؟ تا اطلاعات رخدادهای ورزشی، فرهنگی و غیره را از سراسر جهان در اختیار آنان قرار دهد؟ لازم است سطحی نگری را کنار گذاشته و به امور زیربنایی بپردازیم و اطلاع رسانی جاری و روزانه از رخدادهای مرتبط به معلولین را سامان دهی نماییم. اما دفتر معلولین چکار کرده است:

۱- تأسیس وب سایت مرجع و به روز، با حداقل هزینه.

۲. راه اندازی نشریه توان نامه که فقط گرایش اطلاع رسانی دارد و شماره یکم آن چاپ شده است.

اطلاع رسانی در دنیای مدرن کلید حلّ همه مشکلات است. هزینه های آن هم زیاد نیست. خود معلولین هم می توانند بخش های مختلف آن را مدیریت کنند. در سخت ترین شرایط و مشکل ترین مسائل اگر اطلاعات واقعی و صادقانه به مردم بدهیم، مردم به کمک خواهند آمد، خود معلولین گره های کور را باز می کنند. سال ۱۳۶۸ جلسه ای با برخی ناشنوایان داشتیم و قرار شد دایرهالمعارف ناشنوایان را تدوین کنیم و از این طریق اطلاع رسانی نماییم. این کتاب در سال ۱۳۷۵ منتشر شد. از آن تاریخ تا حالا بارها زنگ زده اند و گفته شده فلان مرکزی که در این کتاب معرفی کرده اید تماس گرفتیم و در آن مشغول شدیم و نمونه های فراوان دیگر که با اطلاعات مختصری که در این کتاب آمده گره گشایی شده است.

فرهنگ سازی: اولین زیربنای اشتغال، اطلاع رسانی بود و دومین زیربنا فرهنگ سازی است. تا ذهن، فکر و باور معلولین، عموم مردم و مدیران مراکز معلولیتی و نیز مدیران دولتی وضعیت مطلوب نداشته باشد، مثلاً اگر امید و باور به اصلاح و ساختن آینده نباشد و برعکس به پوچ گرایی و بی معنا بودن جهان باور داشته باشیم، نمی توان از اشتغال و سامان دهی به معیشت سخن گفت.

پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله وسلّم می فرماید انّی بعثت لا تمم مکارم الاخلاق. بنابراین نخستین و اساسی ترین گام اخلاق و تفکر است و فرهنگ سازی یعنی اصلاح اخلاق و باور.

فرهنگ سازی از یک جهت سه جنبه دارد معلولین، جامعه و مدیران. یعنی این سه قشر اگر اخلاق و باور و تفکر مطلوب پیدا کنند، فرهنگ سازی شکل مطلوب خواهد پذیرفت. در سخن مشهور امام حسین علیه السلام برای معلولین هم از سه دسته معلولین، مردم و خادمان معلولین نام برده شده است. حضرت می فرماید معلولین در این زمان که یزید و حکومت استبدادی حاکم است پشتیبان ندارند؛ مردم هر کدام به اندازه امکاناتشان باید احساس مسئولیت کرده و حداقل باید از خادمان معلولین تشکر شود.

متأسفانه جامعه معلولین از مشکلات و کمبودهای فرهنگی بسیار رنج می برد. آمار تألیف و چاپ کتاب های درباره مسائل معلولین بسیار اندک است. در ایران سالانه حدود ۴ عنوان کتاب جدید و مطلوب برای معلولین منتشر می شود؛ سالانه حدود ۵ پایان نامه خوب درباره ی موضوعات معلولیتی دفاع می گردد؛ و دیگر آمارها و شاخص های فرهنگی بسیار نازل و ناراحت کننده است. این آمار در آمریکا ۴۰ عنوان کتاب برای هر نفر در سال است. یعنی اگر ایران بر اساس آمار سازمان بهزیستی ۴ میلیون معلول داشته باشد ۱۶۰ میلیون عنوان کتاب در سال باید برای معلولان منتشر شود. البته حتی افراد عادی هم چنین آماری در ایران ندارند.

مردم اگر حداقل با سوره عبس آشنا باشند یا با داستان حضرت ایوب در قرآن آشنا باشند، ذهنیت و روحیه آنان نسبت به معلولین کاملاً دگرگون می شود.

اما کارنامه دفتر فرهنگ معلولین در این زمینه عبارت است از:

۱- نشر کتاب: به منظور توجیه معلولین، جامعه و مدیران تلاش کرده ایم، موضوعات مهم مثل مناسب سازی، ازدواج، اشتغال، حقوق معلولین را در یک کتاب به روش راهبردی و توجیهی و مؤثر توضیح دهیم و اطلاعات لازم را عرضه نماییم.

ظرف پنج سال اخیر حدود چهارصد عنوان کتاب تولید شده و حدود یکصد عنوان از آنها به چاپ رفته و نشر یافته یا آماده است. هم اکنون ماهانه سه عنوان کتاب در این دفتر آماده و عرضه می شود.

۲- الگوسازی: الگو و مقتدای معلولین کیست؟ چه شاخص هایی در الگوسازی باید مراعات گردد؟ آیا الگو، فرد بی خاصیت، بدون انگیزه، بی حوصله، گوشه گیر و منزوی است؟ یا الگو فلان دانشمند معلول است که به رغم نابینایی ده ها کتاب از او باقی مانده و تأثیر جدی مثلاً در علوم حدیث بر جای گذاشته است.

دفتر تلاش کرده هر شخصیت در یک کتاب، با ادبیات روان و جذاب به معلولین و جامعه بشناساند و از این طریق الگوسازی کند. محاسن اخلاقی و کارهای مثبت افراد شاخص در این آثار معرفی شده است. اساساً زندگی نامه شخصیت ها مؤثر است و در این زمینه تلاش بسیار شده است.

۳- انتقال تجارب و دستاوردها: دفتر با تلاش فراوان و به رغم مصائب زیاد تلاش کرده از طریق تألیف دائره المعارف ها و دیگر آثار مرجع تجارب جهانی را منتقل نماید تا فرهنگ سازی مبتنی بر عناصر تجربی و واقعی شکل بگیرد.

دایرهالمعارف و کتب مرجع برای معلولین ایران و جهان اسلام و همه کشورها یک نیاز اساسی و جدی است. همانطور که از اسمشان پیدا است، دانشنامه ها، دایرهالمعارف ها، کتابشناسی ها، مجموعه ها، اصطلاح نامه ها و راهنماها، مرجع و زیربنای فرهنگ می باشند. اما در عرصه معلولین دفتر اقدام به تألیف چند کتاب مرجع کرده است:

دفتر تلاش کرد با رهنمون گرفتن از توصیه های جناب حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی به جای مخارج زائد در برخی زمینه ها مثل ساخت بنای مجلل، و تبلیغات کم خاصیت و دکوراسیون زیبا، کتب مرجع تدوین شود. اتاق مدیر این دفتر ۸ مترمربع و همراه با معاونش در آنجا هستند. بدون هیچ دکوراسیون و فقط یک میز و صندلی ساده. اگر در مراکز معلولیتی، هزینه هایی که برای امور غیر ضروری است تجمیع و پروژه های فرهنگ سازی راه اندازی شود، بسیار مؤثر است.

دایرهالمعارف های پارالمپیک یا ورزش معلولین، دایرهالمعارف نابینایی و نابینایان، دایرهالمعارف معلولیت حرکتی، دایرهالمعارف کحاله و چندین کتابشناسی در دستور کار است که یا به اتمام رسیده و در نوبت چاپ است و یا در

حال نهایی شدن می باشد. ولی به دلیل محدودیت ها فقط توانسته ایم دائرهالمعارف نابینایی را تقریباً به مراحل آخر نزدیک کنیم. بقیه را هم از ۲۰ درصد تا ۷۰ درصد آماده کرده ایم.

۴- جشنواره ها: همایشی برای مربیان معلولین داشتیم و به ۵۰ برگزیده جایزه داده شد. اینان در فرهنگ سازی بسیار مؤثر بوده اند. نیز همایشی برای عکس داشتیم و تلاش کردیم مقوله عکس و فیلم را در جامعه در جهت فرهنگ سازی فعال نماییم.

۵- دیگر طرح ها: برای فرهنگ سازی غیر از مواردی که عرض شد، طرح های دیگر در دفتر کارشناسی شده یا به مرحله اجرا رسیده و یا هنوز شروع نشده است. برای نمونه سخنان معصومین علیهم السلام را همراه با طرح های جذاب به صورت تابلو در هزار عنوان منتشر کردیم. اگر مراکز برای فرهنگ سازی طرح نیاز دارند، اعلام نمایند و تماس بگیرند، طرح هایی مؤثر در اختیارشان می گذاریم. خلاصه بدون فرهنگ سازی نمی توان اشتغال مناسب داشت. ابتدا باید ذهنیت مردم، کارخانه دار، مدیران آماده گردد. پس از آماده سازی روحی و ذهنی آنان، خودشان با انگیزه به سراغ معلولین می آیند و برای اشتغال آنان تلاش می کنند.

نهادسازی: منظور از نهادسازی به عنوان سومین زیربنای اشتغال ایجاد سازمان هایی است که ایده ها و تصمیم ها را به عرصه عملی و اجرا نزدیک کند. در همه زمینه ها، بدون تشکیلات کارآمد و فعال و بدون مدیریت پویا، راه به جایی نخواهیم بُرد. اگر شما بهترین تفکر و بهترین ایده ها را داشته باشید ولی تشکلی برای اجرا نداشته باشید، آن تفکر و ایده مطلوب اجرایی نخواهد شد و به هدف نخواهید رسید.

پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله وسلّم در سال های نخست بعثت مکتب را تأسیس کرد و اخلاقیات و تفکر مردم را عوض نمود و در مدینه تشکیلات ایجاد کرد، دولت مدنی را تأسیس نمود. بنابراین یکی از امور زیربنایی نهادسازی است.

خوشبختانه در عرصه معلولیت بیست تا سی تشکیلات فعال و پویا هست ولی اینها با هم پیوند و ارتباط کامل ندارند یا کمتر دارند. تصور بفرمایید اگر معلولین

هنرمند یا خیاط درجه یک تربیت شوند و بهترین تولیدات را داشته باشند ولی تشکلی نباشد تا کارهای آنان را به دست متقاضی و خواهان برساند، مشتری و متقاضی پیدا کند، تبلیغ کند، برای فروش برنامه ریزی کند؛ با نهادهای مصرف کننده تماس بگیرد، طرح با شکست مواجه خواهد شد.

نیز اگر همه به کارهای موازی و تکراری بپردازند، قطعاً سرمایه ها هدر رفته و ثانیاً کارهای مهم تر زمین می ماند. بنابراین چند کار اورژانسی و عاجل نیاز است.

۱. ایجاد دبیرخانه منتخب

۲. تدوین آیین نامه و شرح وظایف

۳. ثبت اتحادیه مؤسسات معلولین

لازم است نهادی به صورت اتحادیه تأسیس و پس از ثبت عضوگیری کند.

۴. نشست های سه ماه بین اعضاء

در این نشست ها سه کار عاجل انجام شود یا یک هفته جلسات هر روزه داشته و سه رشته کار را تصویب کنند.

- نقشه راه پنج ساله (طرح جامع پنج ساله)

- مراحل اجرای طرح جامع و تقویم زمانی برای اجرای مراحل

- تقسیم کار و تعیین وظایف

مانند ناشران و دیگر اقشار که اتحادیه دارند، مؤسسات معلولین هم نیاز مبرم به اتحادیه دارند.

هم اکنون شرایطی است که باید به موضوعاتی مثل حقوق معلولین و بیمه معلولین رسیدگی شود و تا این موضوعات حل نشود دیگر مسائل حل نخواهد شد. از طرف دیگر هر مؤسسه به تنهایی نمی تواند به اینگونه مسائل برسد و باید همه جمع شوند و برای اجرا و دفاع کامل از حقوق معلولین متحد شوند.

خلاصه اینکه نهادسازی یا راه اندازی تشکل فراگیر و پویا با توجه به ظرفیت های همه مراکز معلولیتی سومین زیربنای اشتغال است.

دفتر فرهنگ معلولین در زمینه نهادسازی، چند کار مقدماتی انجام داده است. اولاً برای مؤسسه های پویا و خلاق کتاب هایی تدوین کرده است. از طریق این کتاب ها می توان تجارب و دستاوردها را منتقل کرد. دومین اقدام کار پژوهشی روی

اتحادیه معلولین در کشورهای مختلف بوده است. برای مثال بررسی اتحادیه تولیدکنندگان کتاب گویا در امریکا به اتمام رسیده و در نشریه توان نامه درج می شود. یک جلد کتاب با عنوان «مراکز و مؤسسات معلولیتی ایران» در حال تدوین است.

پیشگیری: اگر سه عنصر فوق حضور داشته باشند ولی در زمینه پیشگیری از معلولیت اقدامی نشود، بقیه زحمات چندان نتیجه نخواهد داد. زیرا اگر معلولیت در ایران مهار نشود و آمار معلولان مدام رو به افزایش باشد، هر مقدار نرخ رشد اشتغال را بالا ببریم، باز با نرخ رشد معلولین تناسب نخواهد داشت.

به این آمار و تناسب توجه کنید. اگر برای معلولین یک میلیون شغل نیاز داشته باشیم یا به عبارت دیگر یک میلیون معلول بیکار داشته باشیم و سالانه برای سه درصد آنها اشتغال ایجاد شود یعنی سالانه ۳۰ هزار نفر اشتغال پیدا می کنند و حدود سی سال طول می کشد که بیکاری در جامعه معلولین کاملاً از بین برود. اما اگر به موازات ایجاد اشتغال معلولیت هم رشد کند و مثلاً- سالانه ۵۰ هزار نفر به آمار افزوده شود، در این شرایط، اشتغال سه درصدی سودمند نیست و هیچگاه بیکاری مرتفع نخواهد شد بلکه بیکاری همواره رو به افزایش خواهد رفت.

از این رو حتماً لازم است در کنار همه اقدامات، پیشگیری یعنی مهار معلولیت و تثبیت آن اجرایی و فراگیر شود.

اشتغال در تاکسیدرمی: این گزارش به تاکسیدرمی به عنوان یک نمونه از روش مدرن در اشتغال معلولین می پردازد.

در روزهای اخیر مخالفت شورای نگهبان و برگشت قانون جامع معلولان، تأکید کرد که خوش بینی های بی جهت و خیالی درست نیست و معلولین باید به واقعیت ها بیشتر توجه داشته و روی پای خود بایستند و با تلاش و کوشش مسیر خود را در حوادث متلاطم پیدا کنند.

یکی از واقعیت های مهم معلولین اشتغال است، تشکل های مردمی می توانند با برنامه ریزی و بهره گیری از ظرفیت ها و فرصت ها، زمینه های فرصت های شغلی را

ص: ۱۷۰

مهیا کنند. یکی از شغل های مهم معلولین در بعضی کشورها تاکسیدرمی است. البته سال ها پیش یعنی در دهه چهل تا شصت در ایران هم رواج داشت ولی به تدریج موقعیت خود را به عنوان یک شغل از دست داد. اکنون توضیحی درباره تاکسیدرمی عرضه می شود.

تاکسیدرمی Taxidermy را جانور پیرایی ترجمه کرده اند و منظور صنعتی است که جانوران کوچک و بزرگ را پس از مردن، خون و مواد درون آنها را تخلیه کرده تا از گندیدگی و فساد جلوگیری شود، سپس درون شکم را با مواد پلاستیکی یا کاغذی پر کرده و پوست و ظاهر آنها را هم به روشی خشک می کنند. به طوری که پس از اتمام کار شکل و ظاهر حیوان تفاوتی با زنده آن ندارد. در عرف عامه مردم به آن خشک کردن حیوان می گویند.

این صنعت دو کاربرد و استفاده مهم دارد: یکی آموزشی به ویژه برای نابینایان و کودکان و دوم استفاده موزه ای (نمایشی).

پیش از انقلاب اسلامی در ایران، بسیاری از مراکز نابینایان بخش تاکسیدرمی داشتند و خودشان حیوانات را آماده می کردند تا مربی ها و معلمین سر کلاس نابیناها را با شکل و اندازه و اعضاء و جوارح حیوانات آشنا کنند. برای مثال مؤسسه آموزشی ابابصیر در اصفهان، مرکز آموزشی رضا پهلوی در تهران، بخشی به نام تاکسیدرمی داشتند. آموزشگاه های کودکان مثل پیش دبستانی ها و مهدکودک ها معمولاً بخش تاکسیدرمی نداشته اند ولی حیوانات تاکسیدرمی شده را خریده و در معرض دید و لمس کودکان قرار می دادند. اما این صنعت در بُعد آموزشی در مدارس نابینایی به روش سازمان یافته و گسترده استفاده نشد و مدارس نابینایی بخش تاکسیدرمی خود را تعطیل کردند. به استثنای بعضی مربی ها که گاهی از بعضی حیوانات خشک شده برای آموزش استفاده می کنند، اما استفاده عمومی از آن تعطیل شده است.

اما در بخش موزه ای، موزه های حیات طبیعی مثل موزه دارآباد در تهران از حیوانات تاکسیدرمی شده برای نمایش استفاده می کنند ولی ساخت حیوانات تاکسیدرمی در سطح گسترده و به صورت یک فناوری پیشرفته در موزه ها هم وجود ندارد. فعالیتی هم اگر در این زمینه داشته باشند گسترده و سازمان یافته نیست.

پیام های عدم توجه به تاکسیدرمی: نابینایان، کودکان و بعضی از دیگر اقشار مردم، بسیاری از اطلاعات و تصورات خود را از طریق حیوانات تاکسیدرمی به دست می آورند. معروف است به نابینایی گفته شد اردک چه شکلی دارد گفت مثل شیر است. گفته شد شکل شیر چگونه است، گفت عین موش کوچک است.

نابینایان بسیاری از تصورات خود را با لمس و شنیدن به دست می آورند. حتی شنیدن در مواردی نمی تواند شناخت واقعی و درست به آنان عرضه کند. بسیاری از کارشناسان تعلیم و تربیت معتقدند نظام تصورات و نظام ادراکی نابینایان در دهه های اخیر با مشکلات جدی مواجه شده است و در بسیاری از زمینه ها توانایی درک صحیح یا تجزیه و تحلیل واقعی را ندارند و مهم ترین عامل این آسیب ها این است که تصور و عکس برداری واقعی از اشیاء ندارند.

مربی ها و معلمین قبلاً تأکید داشتند، همه اشیاء از حبوبات مثل نخود، برنج و همه حیوانات و دیگر اشیاء جامد و مایع جاندار باید توسط نابینا لمس شود تا ادراک درست در ذهن او شکل گیرد و مفهوم سازی شود.

قشرهای دیگری از مردم مانند دانشجویان رشته های دامپزشکی، دانشجویان، هنر، معماران، مجسمه سازان، مدلینگ و شوهای لباس (خیاط ها، طراح ها، چاپ رنگ) نویسندگان و معلولین ذهنی هم می توانند از صنعت جانور پیرایی استفاده کنند.

بنابراین این صنعت در داخل کشور کاربرد فراوان دارد و می تواند در زمینه های مختلف از آن استفاده کرد. استفاده های موزه ای، تزیینی و استفاده از بسیاری از هنرها هم مهم و قابل توجه است.

ابعاد درآمدزایی و اشتغال زایی: در سال های دور در مؤسسه آموزشی ابابصیر ویژه نابینایان هر ماه حداقل ده نفر با کار در جانور پیرایی، درآمد و کار داشتند و خرج خود و خانواده خود را تأمین می کردند. بعضی کشورها که در سال های ۴۰ تا ۵۰ شمسی بسیار از ایران عقب بودند، هم اکنون در زمینه تاکسیدرمی تبدیل به قطب های مهم شده اند و هزاران نفر در این زمینه اشتغال دارند، درآمدهای سرشاری هم دارند. از این رو لازم است تشکل های معلولین و نابینایان، این حرفه و شغل را احیا کرده و زمینه اشتغال صدها توانخواه و معلول را فراهم آورد.

ص: ۱۷۲

اگر پیشنهاد دهیم سازمان بهزیستی یا سازمان آموزش و پرورش استثنایی یا وزارت کار و رفاه این کار را انجام دهند، قطعاً آنان، انجام نمی دهند. اما تشکل ها و خود معلولین اگر با تجمیع پول های اندک کار را شروع کنند می توانند به تدریج گسترش دهند.

ایران به دلیل وضع آب و هوایی و امکان دسترسی به دریا و اقیانوس و آب های گرم و جنگل ها و کویر بهترین امکانات بومی را در این زمینه دارد. اگر یک ته مانده تورهای صیادان در یک روز جمع آوری گردد، مواد اولیه برای صدها تاکسیدرمی به دست می آید.

متأسفانه تشکل ها و مراکز آموزشی معلولین فقط در چند رشته خاص مانند خیاطی، بافتنی لباس، قالی بافی و معرق کار می کنند. چون بازار اشباع شده و این صنایع تکراری و خسته کننده شده، اولاً استقبال از آنها نمی شود؛ ثانیاً درآمدزایی ندارد؛ ثالثاً بازارهای مهم جهان را نمی توان تسخیر کرد.

اما جانور پیرایی رشته ای پرجاذبه، پردرآمد و دارای کاربرد در زمینه های مختلف است و سرمایه گذاری و اهتمام به آن حتماً آینده خوبی خواهد داشت.

پروژه های بالقوه در زمینه جانور پیرایی: تشکل های معلولین چه چشم اندازهایی می توانند برای این حرفه ترسیم کنند؟ چگونه توجیه اقتصادی آن را تبیین کنند؟ برای پاسخگویی به این پرسش ها به موارد ذیل اشاره می شود:

۱- بازارهای منطقه و کشورهای مختلف را می توان به دست گرفت و انواع جانورهای پیرایش شده را صادر کرد. تا در مدارس و مراکز آموزشی یا موزه ها یا به صورت نمایشگاه های دوره ای و موقت به کار گرفته شود.

شنیدم یک شرکت چینی به دولت کویت پیشنهاد داده که در همه مراکز آموزشی از مهدکودک تا دانشگاه، ویترین هایی در مدخل های اصلی ورودی نصب و حیوانات پیرایش شده را به نمایش بگذارد. هر سه ماه هم محتوای ویترین را تعویض کند. سال ۲۰۰۴م به چند مدرسه نابینایی در امارات رفتم، تاکسیدرمی ندیدم. بهرحال کشورهای منطقه و جهان ظرفیت پذیرش این پروژه را دارند. البته شرایط باید فراهم باشد و روابط و مناسبات دولت ما با این کشورها دوستانه باشد تا بتوان

کار را پیش برد.

۲- در زمینه توریسم و جهانگردی، تاکسیدرمی جایگاه خوبی می تواند داشته باشد، استفاده از ماهی یا انواع حیوانات دریایی پیرایش شده یا دیگر حیوانات با جعبه های شکیل از هر نوع سوغات دیگر جذاب تر است. مخصوصاً با دفترچه توضیحی همراه باشد و بسته فرهنگی پیوست داشته باشد.

اغلب هتل ها از آکواریوم به عنوان تزیین استفاده می کنند، در کنار آکواریوم چند دکور از حیوان های پیرایش شده می توانند برای زیبایی استفاده کنند و به عنوان تزیین در همه مراکز توریستی کاربرد دارد.

۳- بسیاری از هنرها و هنرمندان از این صنعت می توانند بهره مند باشند، مثل تئاترهای عروسکی نمی توان عروسک گردانی از حیوانات واقعی داشت، در نقاشی، در مجسمه سازی و در ده ها رشته هنری دیگر هم می توان از این محصولات استفاده کرد.

۴- برگزاری نمایشگاه های سیار شهری و کشوری از تاکسیدرمی های جذاب در مدارس، در دانشگاه ها هم زمینه دیگر است.

۵- راه اندازی پژوهش و تألیف در این حوزه هم مهم و جذاب است مثلاً- درباره مراکز تاکسیدرمی در جهان یک کتاب مصور لازم است، درباره کبوترهای پیرایش شده در ایران یک کتاب تدوین و به چند زبان به جهان معرفی شود. و ده ها نوع پژوهش و تألیف دیگر می توان داشت.

۶- مبادله جانوران پیرایش شده بین کشورها هم یک رشته است.

گزارش موزه حیات وحش و طبیعی دارآباد: روز جمعه ۲۷ فروردین ۱۳۹۵ سه تن از دفتر فرهنگ معلولین به موزه دارآباد رفتند تا گزارشی تهیه کنند. این گزارش مختصر تهیه شد.

این موزه از نظر ساختمانی و فضاها پنج قسمت عمده دارد:

۱- قفس ها و فضاهای مربوط به حیوانات زنده در فضای باز و در سالن سرپوشیده

۲- سالن سرپوشیده شامل انواع تاکسیدرمی های بسیار زیبا

۳- بخش نمایش فیلم چند بعدی

۴- بخش نمایش و فروش سنگ های قیمتی و تزیینی

۵- بخش اداری و آموزشی

اما بخش مجسمه ها بسیار کم و ناقص است و نسبت به موزه های جهان اصلاً قابل مقایسه نیست. بخش حیوانات زنده در واقع عمومی نه تخصصی است یعنی از هر حیوان چندتایی برای رؤیت عموم مردم به نمایش گذاشته اند.

بخش جانور پیرایی ها به روز نیست و عمدتاً محصولات تلاش های دهه پنجاه و شصت است و لازم است در این زمینه گسترش یابد. مهم تر اینکه آموزشی و قابل استفاده برای نابینایان نیست مثلاً نمی توانند لمس کنند.

از مدیریت پرسیدم جزوه، کتاب یا CD توضیحی و آموزشی دارید، که فقط یک جزوه درباره سمندر ایرانی داشتند و متأسفانه اطلاعات جامع و گزارشی نداشتند.

مطالعه اشتغال معلولین

به دلیل اهمیت اشتغال، مطالعاتی از دهه پنجاه در این مورد سراغ داریم. و به برخی از این تحقیقات اشاره می کنیم.

صمد رفیعی، مقاله سودمند زیر را در سال ۱۳۵۰ منتشر کرد.

«اشتغال معلولین و نقش توانبخشی رشد اقتصادی»، مجله بورس دوره اول، شهریور ۱۳۵۰، شماره ۹۸، ص ۴۸-۴۹و ش۹۹، مهر ۱۳۵۰، ص ۵۱-۵۳.

تا کنون حدود ۱۵۰ عنوان مقاله درباره اشتغال معلولین منتشر شده است. اما هنوز جای کار در این زمینه خالی است.

اما حدود بیست عنوان پایان نامه درباره اشتغال معلولین بوده است مثل این موارد:

- بررسی میزان کیفیت زندگی معلولین جسمی - حرکتی استفاده کننده از آموزش های حرفه آموزی در مجتمع آموزشی رعد غرب در سال ۱۳۸۸، سیده زینب موسوی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸.

- بررسی مشکلات شغلی زنان معلول جسمی، فرانک زینعلی، دانشگاه علوم

بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۹.

این گونه مطالعات در تصمیم گیری و برنامه ریزی و طراحی نقش اساسی و تعیین کننده دارند و لازم است گسترش پیدا کنند.

اکنون فهرست فعالیت های علمی را تفکیک و طبقه بندی علمی تقدیم می گردد:

الف- کتاب ها

۱. اشتغال اشخاص ناتوان اصول راهنمای بکارگماری گزینشی. ترجمه رضا فرزام فر، تهران، دفتر مطالعات کار، وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۶۶، ۱۳۶ص.

۲. اشتغال معلولین: راهنمای انتخاب و به کارگماری معلولین به انضمام کلیه قوانین و مقررات مربوط به از کارافتادگی - معلولیت و اشتغال معلولین و ایثارگران. ترجمه و تالیف امین ا... علوی و مجید رشیدکابلی، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۱، ۱۶۰ص؛ چاپ قبلی: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۳. عنوان روی جلد: اشتغال معلولین و قوانین مربوط به اشتغال از کارافتادگان، معلولین و جانبازان.

۳. بررسی تطبیقی حقوق معلولین در حوزه اشتغال. محمدعلی فرجی، تهران،جنگل؛ جاودانه، ۱۳۸۹، ۱۳۹ص.

۴. بررسی مشاغل متناسب با قابلیت و توانائیهای جانبازان و معلولین.

وزارت کار و امور اجتماعی . وزارت کار و امور اجتماعی.

۵. توانبخشی شغلی و حرفه ای معلولین.عبدالله شفیع آبادی، اصفهان، جنگل، ۱۳۸۲، ۷۲ص.

۶. توانبخشی مبتنی بر جامعه: اشتغال معلولین به شیوه استاد شاگردی. محمدرضا اسدی، تهران، رشد فرهنگ، ۱۳۹۵، ۱۱۱ص.

۷. توانبخشی مسیر شغلی. زینب رستمی، یزد، گلبانگ تربیت، ۱۳۹۳، ۲۰۰ص.

۸. دانشکار (نظام جامع اشتغال و کارآفرینی). تدوین مهناز کاشی؛ مجری روابط عمومی و امور بین الملل، تهران، سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۹۳، ۷۹ص.

۹. کتابچه آموزشی برای خانواده ی فردی که فرد معلولی دارد: اشتغال به کار. تألیف سازمان بهداشت جهانی؛ ترجمه سازمان بهزیستی کشور، ستاد گسترش توانبخشی مبتنی بر جامعه، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۲، ۱۸ص.

۱. گام هایی لرزان برای معلولان: دستاوردهای دهه جهانی حمایت از معلولان.علی

اسلامبولچی مقدم، همشهری ، ۲۷ شهریور ۱۳۸۵، ص ۱۲.

۲. متناسب سازی مشاغل برای معلولین. استیفن گریو، ترجمه مجید رشید کابلی، دانشگاه اصفهان، اداره روابط عمومی، علمی و بین المللی، ۱۳۶۲، ۱۲۴ص.

۳. مجموعه سخنرانی های هم اندیشی (۱) : بررسی مسائل تعاونی های معلولین در ایران.... گردآوری و تنظیم انجمن علمی تعاون ایران؛ برای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معاونت امور تعاون، تهران، نقش بیان، ۱۳۹۴، ۱۱۲ص.

۴. مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین (تهران-۱۳۷۰).

به کوشش ژیلا سهرابی، تهران، سازمان بهزیستی کشور، روابط عمومی ، ۱۳۷۰، ۳۴۶ص، وزیری.

۵. مشاوره شغلی افراد ناتوان: راهنمای عملی برای یافتن شغل. کارن ولف، مترجمان نادره سعادتی و مهدی رستمی، تهران، جنگل؛ جاودانه، ۱۳۹۵، ۲۹۹ص.

۶. مشاوره و توانبخشی شغلی حرفه ای افراد معلولان. محمدرضا بردیده و مریم یقینی، گرگان، انتشارات نوروزی، ۱۳۹۴، ۲۱۸ص.

۷. معلولین و قوانین کار. سمانه نیل فروش زاده، اصفهان، اندیشه گویا، ۱۳۹۵، ۷۸ص.

۸. نگرشی بر حقوق کارگران معلول. سیدعلی اصغر میرشجاعی، طاهره دلک آبادی، تهران، نشر پارسینه، ۱۳۹۴، ۲۳۵ص.

۹. وضعیت اشتغال معلولین آموزش دیده در مجتمع آموزشی نیکوکاران رعد از اسفند ۷۳ لغایت اسفند ۷۵. ستاره قهاری، بولتن روزانه شماره ۲ پنجمین کنگره کار درمانی ایران . وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی . سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۶.

ب- پایان نامه ها

۱۰. برابری معلولان از حیث استخدام و اشتغال در نظام حقوقی ایران و اسناد بین المللی. پایان نامه کارشناسی ارشد، وجیهه زارع پورنقیبی، به راهنمایی بهرام مستقیمی و مشاوره بیژن عباسی، رشته حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

۱. بررسی اشتغال معلولین در حقوق ایران و امریکا با رویکرد به اسناد بین المللی.

پایان نامه کارشناسی ارشد، ناهید نصیران نجف، به راهنمایی محمدرضا مجتهدی و مشاوره کمال الدین هریسی نژاد، دانشکده حقوق، دانشگاه تبریز، ۱۳۹۱.

۲. بررسی اشتغال معلولین و زمینه های اجتماعی و روانی و اقتصادی آن.

پایان نامه کارشناسی ارشد، فروغ لاجوردی، رشته مدیریت توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، ۱۳۵۹.

۳. بررسی پیامدهای اشتغال معلولین به شیوه استاد شاگردی در مناطق تحت پوشش CBR استان هرمزگان در سال ۱۳۸۹. پایان نامه کارشناسی ارشد، محمدرضا اسدی، به راهنمایی مجید میرخانی و مشاوره سمانه حسین زاده، رشته مدیریت توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۹۰.

۴. بررسی تاثیر عوامل آموزش حرفه ای بر اشتغال ناشنوایان شهر مشهد طی سالهای ۱۳۷۴ – ۱۳۷۸. پایان نامه کارشناسی ارشد، محمدجواد ابراهیمی، به راهنمایی علی چابک و مشاوره یونس لطفی و انوشیروان کاظمی نژاد، رشته مدیریت توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۱.

۵. بررسی مشکلات اشتغال جانبازان بالای ۲۵ ٪ در استان کرمان. پایان نامه کارشناسی ارشد، یدالله قزوینی کر، به راهنمایی مهدی ابراهیمی نژاد و مشاوره محمد قزل ایاغ، رشته مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، ۱۳۷۷، ۱۸۸ص.

۶. بررسی مشکلات شغلی زنان معلول جسمی . پایان نامه کارشناسی ارشد، فرانک زینعلی، به راهنمایی مجید میرخانی و مشاوره مهیار صلواتی و مسعود کریملو، ۱۳۷۹.

۷. بررسی میزان انطباق عملکرد جانبازان معلول شاغل با شرح وظیفه آنها از دیدگاه سرپرستان. جواد عطائی، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی مهدی ابراهیم نژاد و مشاوره محمدقزل ایاغ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، ۱۳۷۸.

۸. بررسی میزان شغلی زنان معلول جسمی. پایان نامه کارشناسی ارشد، فرانک زینعلی، به راهنمایی مجید میرخانی، رشته توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۷۹.

ص: ۱۷۸

۱. بررسـی نگرش اولیـاء و مربیـان دانش آموزان عـادی و نابینـا نسـبت به آینـده شـغلی و حرفه ای جوانـان نابینـا. محمـد زارع نیسـتانک، پایـان نـامه کارشناسـی ارشـد، به راهنمـایی باقر غباری بناب و مشاوره غلامعلی افروز، دانشـگاه آزاد اسـلامی واحد تهران، ۱۳۷۷.

۲. بررسـی نگرش پسـران ناشـنوای مرکز توانبخشـی حرفه ای آیت در ارتبـاط بـا تاثیرآموزش بر اشـتغال. لیلا مجلل، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی حسین حاج بابائی ، رشته مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی وتوانبخشی، ۱۳۷۹.

۳. بررسـی نگرش کار فرمایان صـنایع مختلف نسـبت به استخدام و به کارگماری افراد عقب مانده ذهنی آموزش پذیر در شهر سبزوار. حمیـدرضا صـارمی منش، پایان نامه کارشناسـی ارشـد، به راهنمایی سـیامک نقشـبندی و مشاوره علی اکبر خسـروی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۰.

۴. بررسـی وضعیت اشتغال افراد دچار محدودیت جسمی – حرکتی (در سن اشتغال شهرستان بروجن). علی صمیمی شلمزاری ، پایان نامه کارشناسـی ارشـد، به راهنمایی حبیب آقابخشـی ، رشـته مددکاری اجتماعی، دانشـگاه علوم بهزیستی وتوانبخشـی، ۱۳۷۴.

۵. بررسـی وضـعیت توانخواهان اشـتغال یافته از طریق وام کارفرمایی در بهزیستی استان گیلان. قاسم حقگو، به راهنمایی مریم شریفیان ثانی و مشاوره اصغر دادخواه، رشته مدیریت توانبخشی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۲.

۶. سیسـتم پشتیبـانی تصـمیم گیری انتخـاب شـغل معلـولین و جانبـازان. پایـان نـامه کارشناسـی، بهرام حوالی شـهریاری، رشـته مهندسی صنایع، ۱۳۷۱.

۷. مقایسه سـلامت روان و سازگاری شغلی معلولین جسمی- حرکتی با توجه به همخوانی و ناهمخوانی رغبت هایشان با محیط کـار. اشـرف میرهاشـمی، به راهنمـایی ابوالفضل کرمی و مشاوره عبـدالله شـفیع آبادی، رشـته مشاوره، گرایش مشاوره شـغلی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۰۵ص.

۸. مطـالعه تطبیقی اصـل عـدم تبعیض بر مبنـای معلولیت در حوزه اشـتغال (ایران ، امریک و انگلسـتان). پایان نامه کارشناسـی ارشد، محمدعلی فرجی، به راهنمایی حسن مرادزاده رحمت آبادی و مشاوره حسین شزیفی طرازکوهی، رشته حقوق، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸.

۱. مطالعه تطبیقی شرایط اشتغال معلولین. پایان نامه کارشناسی ارشد، کتایون رهوردی، به راهنمایی عزت الله عراقی، رشته حقوق، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.

۲. مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی اشتغال معلولین در ایران، انگلستان و استرالیا.

پایان نامه کارشناسی ارشد، شبنم کاویانی انزجانی، به راهنمایی براقی نیا و مشاوره انصاری، رشته حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکزی، ۱۳۸۳، ۱۵۹ص.

ج- طرح های پژوهشی

۳. ارزیابی وضعیت اشتغال معلولین در سالهای ۷۹-۷۸ از محل تبصره ۱۱ در استانهای اصفهان و هرمزگان. طرح پژوهشی، مسئول: نازیلا دریایی، با همکاری ابراهیم نوریان، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۱.

۴. اشتغال به صنعت جانبازان (معلولان). طرح پژوهشی، نهدی تشکری، جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی شریف.

۵. اشتغال معلولان در اسلامشهر. سامان بنی هاشم.

۶. اشتغال معلولین با ایجاد باجه های چند منظوره در سطح شهر تهران. گزارش دولتی . شهرداری تهران.

۷. بررسی تاثیر توانبخشی مبتنی بر جامعه بر وضعیت اشتغال معلولین در استان مازندران. طرح پژوهشی، پژوهشگر: سعید مرادی، کارفرما: اداره کل بهزیستی استان مازندران سازمان مجری: واحد استان مازندران (گزارش طرح های مصوب داخلی)، تاریخ خاتمه طرح: آبان ۱۳۸۷.

۸. بررسی توان بخشی حرفه ای در ایران و تعیین شاخصهای موثر در اشتغال معلولین و جانبازان شاغل. سازمان مجری: واحد علوم پزشکی تهران، تاریخ خاتمه طرح: دی ۱۳۶۳، سازمان مجری: واحد علوم پزشکی تهران،.

۹. بررسی موانع موجود در کاریابی و اشتغال معلولین. طرح پژوهشی، مجری طرح: مریم شریفیان ثانی، با همکاری احمد مومنی ازندریانی و علی اصغر مرادی و منوچهر محسنی و محمود فیروزیان، دانشگاه علوم بهزیستس و توانبخشی، ۱۳۶۸.

بررسی

نقاط قوت وضعف بند الف ماده ۷ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (اختصاص حداقل سه درصد (۳٪) از مجوزهای استخدامی به افراد

۱. معلول واجد شرایط) در استان سمنان. طرح پژوهشی، مجری: آزیتا شریعت پناهی، ۱۳۹۲.

۲. تاثیر برنامه CBR در ایجاد اشتغال و کاریابی معلولین. طرح پژوهشی، احمد فتوحی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی،

۳. سه طرح پیشنهادی درباره آموزش و اشتغال معلولین. طرح پژوهشی، ابوالقاسم نوری و عبدالحسین ساسان و اصغر سلطانی، اصفهان، ۱۳۹۱.

۴. شناسایی و معرفی طرح های مشاغل خانگی برای معلولان و سالمندان. منابع نیامده است (منبع: ایرانداک)

۵. طراحی، مدلسازی، برنامه نویسی و اجرای سامانه مشاوره آموزشی و هدایت شغلی معلولان. طرح پژوهشی، مجری: رقیه رحمانی، سازمان بهزیستی استان گلستان ، ۱۳۹۲.

۶. طرح آموزش و اشتغال افراد معلول و آسیب دیده (توانبخشی ، آموزش و راهنمائی حرفه ای معلولین). طرح پژوهشی.

۷. طرح آموزش و اشتغال معلولین. طرح پژوهشی.

د- مقالات مجلات

۸. آشنایی با شرکت تعاونی الکترونیک معلولین. مهرناز شریعت، تعاون، دوره جدید، ش ۲۶، آبان ۱۳۷۲، صص ۲۰-۲۱.

۹. آموزش فنی و حرفه ای به معلولین. سیروس مخصوصی، هماهنگ، ش ۳۳.

۱۰. آموزش و توان بخشی حرفه ای دانش آموزان دارای نیازهای ویژه.

صمد ساعی‌منش، تعلیم و تربیت استثنایی، ش ۲۶-۲۷، بهمن و اسفند ۱۳۸۲، صص ۱- ۲.

۱۱. آموزش های کارآفرینی در تمام استان ها برگزار می شود. توان یاب، ش ۳۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص ۵-۹.

۱۲. آموزش های منجر به اشتغال. توان یاب، ش ۲۲، تابستان و پاییز ۱۳۸۵، صص ۳۸-۴۰.

اثربخشی

آموزش های ضمن خدمت دبیران و مربیان فنی - حرفه ای مدارس استثنائی شهر تهران بر خشنودی شغلی و توانمندی حرفه ای آنها. سیمین

ص: ۱۸۱

۱. حسینیان و شهناز طباطبایی، اندیشه های نوین تربیتی، ش ۱۸، بهار ۱۳۸۸، صص ۱۱۵-۱۴۶.

۲. ارگونومی. گیسو قائم، صفه، ش ۳۳، پاییز وزمستان ۱۳۸۰، صص ۵۸-۶۹.

۳. اشتغال افراد با ناتوانی‌ها در مراکز یکپارچه‌سازی شده. گیت استوری، ترجمه حمید علیزاده، تعلیم و تربیت استثنائی، ش ۳۴، مهر ۱۳۸۳، صص ۲-۸.

۴. اشتغال؛ چیزی بیش از قانون خواهی!. حسین شیرخانی، پیک توانا، ش ۵۳، خرداد و تیر ۱۳۹۳، ص ۱۴؛ ش ۵۴، مرداد و شهریور ۱۳۹۳، ص ۱۶.

۵. اشتغال، خدمات و مددکاری اجتماعی. محترم رمضانلو و نسرین صانعی، توان یاب، ش ۲۰، زمستان ۱۳۸۴ و بهار ۱۳۸۵، صص ۱۸-۱۹.

۶. اشتغال معلولان. پیک توانا، ش ۳۲، دی و بهمن ۱۳۸۲، صص ۲۰-۲۲.

۷. اشتغال معلولان، آری یا خیر؟. فرزانه حبوطی، توان‌یاب، ش ۵۴، زمستان ۱۳۹۳، صص ۳۱-۳۲.

۸. اشتغال معلولان؛ فرش قرمز استقلال، نرخ بیکاری معلولان ۵ برابر افراد عادی است.

میترا بهرامی، پیک توانا، ش ۶۵، دی و بهمن ۱۳۹۵، صص ۱۶-۷.

۹. اشتغال معلولین و مشکلات موانع موجود در این زمینه. کبری آهو خوش، توان یاب، ش ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، صص ۲۳-۲۵.

۱۰. اشتغال معلولین و نقش آن در رشد اقتصادی. صمد رفیعی، بورس، دوره اول، ش ۹۹، مهر ۱۳۵۰، صص ۵۱-۵۳.

۱۱. اشتغال معلولین و نقش توانبخشی در رشد اقتصادی . صمد رفیعی، بورس، دوره اول، ش ۹۸، شهریور ۱۳۵۰، صص ۴۸-۴۹.

۱۲. اشتغال؛ نقطه ی اصلی بازگشت معلولین به اجتماع. غلامرضا زرین کشفیان، پیک توانا، ش ۶۴، آذر ۱۳۹۵، ص ۴۸.

۱۳. اشتغال و کاریابی فارغ التحصیلان کم‌توان ذهنی. علیرضا احمدی، تعلیم و تربیت استثنائی، ش ۸۷، اسفند ۱۳۸۷، صص ۳۷-۴۶.

۱۴. اشتغال و مسکن؛ تسکین دردهای بی شمار؛ گزارش پیک توانا از دیدار یک دوست هم نشین با دو خانواده چندمعلولی. میترا بهرامی، پیک توانا، ش ۶۳، خرداد و تیر ۱۳۹۵، ص ۴۶.

۱۵. اقتصاد و معلولیت. مهرناز پورجعفر و سیما علیمردانی، پیک توانا، ش ۶۳، خرداد و تیر ۱۳۹۵، ص ۵۲.

۱. انتخاب های شغلی مناسب برای افراد دارای معلولیت. ترجمه افروز راشدی اشرفی، پیک توانا، ش ۶۱، دی ۱۳۹۴، ص ۲۲.

۲. ایجاد اشتغال و کارآفرینی برای افراد دارای معلولیت. توان یاب، ش ۴۴، تابستان ۱۳۹۱، صص ۲۱-۲۳.

۳. ایجاد فرصت های برابر برای افراد دارای معلولیت. توان یاب، ش ۳۹-۴۰، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۴۶-۴۸.

۴. این زخم درمان می شود. همشهری، ۱ مرداد ۱۳۷۵، ص ۵.

۵. با آموزش، فرد معلول امنیت شغلی احساس می کند.

خسرو منصوریان، زن روز، ش ۱۵۹۷، ۱۱ اسفند ۱۳۷۵، صص ۱۰-۱۳.

۶. با معلولان موفق: معلولان نباید خودشان را از جامعه عادی جدا کنند.

مصاحبه کننده: مریم افضلی، تعلیم و تربیت استثنائی، ش ۱۵، اسفند ۱۳۸۱، صص ۴۴-۴۶. گفتگو با فراز خنافری، یکی از معلولان موفق است. وی فرد بسیار موفقی است،علی رغم مشکل بینایی که دارد؛دانش آموز کوشایی است.در زمینه موسیقی فعالیت می کند و به زبان انگلیسی کاملا مسلط است.

۷. بازگشت به زندگی شغلی افراد دارای معلولیت. سید مجیدمیرخانی، توان یاب، ش ۴۶، زمستان ۱۳۹۱، صص ۲۱-۲۴.

۸. بررسی تاثیر آموزش کارآفرینی بر توانمندسازی توان یاب. غلامعلی سرمد و ساناز مظاهری، همیار، ش ۵۴، تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۳۲-۱۴۴.

۹. بررسی در زمینه معلولین و وضع اشتغال آنان. اکبر باقریان، کار و جامعه، ش ۲۷، آبان ۱۳۷۷، صص ۲۹-۳۳.

۱۰. بررسی زمینه اشتغال معلولین. عطاء الله مثنوی، کار و جامعه، ش ۳۷، بهمن و اسفند ۱۳۷۹، صص ۵-۱۲؛ ش ۳۸، خرداد ۱۳۸۰، صص ۱۲-۱۹.

۱۱. بررسی وضعیت اشتغال اعضای کانون ناشنوایان شهر تهران. گیتا موللی و سید مجید میرخانی و شهروز نعمتی، مریم مللی، شنوایی شناسی، ش ۳۶، سال ۱۳۹۰، صص ۳۸-۴۶.

۱۲. برنامه ریزی های شغلی برای افراد کم توان در ژاپن. توان یاب، ش ۷-۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، صص ۱۳-۱۵.

۱. به بهانه دوازدهم آذر، روز جهانی معلولین: کار و معلولیت. محمدرضا میرغلامی، بهداشت روان و جامعه ، ش ۲۳، آذر ۱۳۸۶، ص ۳. ***در این مقاله به بهانه روز جهانی معلولین مطالبی درباره لزوم اشتغال معلولین آمده است.

۲. تاثیر توانبخشی در اشتغال بکار نابینایان تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر اصفهان.

شایسته صالحی، مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی اصفهان، ش ۸، صص ۴۴-۴۸.

۳. تاثیر وضعیت اشتغال، وضعیت تاهل، سطح تحصیلات، شدت آسیب و جنسیت بر وضعیت روان شناختی آسیب دیدگان جسمی-حرکتی در شهر اصفهان سال ۱۳۸۸. اعظم مرادی و قربان همتی علمدارلو و امیر قمرانی، روان شناسی افراد استثنایی، ش ۱۱، پاییز ۱۳۹۲ ص ۱۰۷-۱۲۶.

۴. تأملی بر حقوق معلولان از منظر کنوانسیون حقوق معلولان و سایر اسناد بین المللی.

منوچهر توسلی نائینی و میرحسین کاویار، حقوق خصوصیریال ش ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، صص ۵۱-۸۲.

۵. تجربه های بوم ما: بستری ساخته ایم برای جست، برای خیز تگاپوی "خیریه یاوران معلولین ذهنی حضرت زینب (س)" در مسیر اشتغال و درمان نوجوانان و کودکان عقب مانده ذهنی. هدی صابر، تأمین اجتماعی، ش ۲۱، تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۷۹-۱۹۸.

۶. تعیین موانع اشتغال افراد دارای معلولیت جسمی حرکتی و کاربرد های آن برای مدیران توانبخشی. علی عبادی و سید اسماعیل هاشمی شیخ شبانی و رویا قاسم زاده و سیدمحمد علی جعفری و سید محمود لطیفی، مطالعات ناتوانی، سال سوم، ش۲، پاییز ۱۳۹۲، صص ۹-۲۲.

۷. توان بخشی سرآغاز توانمندسازی. توان یاب، ش ۴۱-۴۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۲-۳.

۸. توانبخشی شغلی معلولان. آرزو محمودیان دهکردی و ایارن باغبان، کار و جامعه، ش ۸۷-۸۸، شهریور و مهر ۱۳۸۶، صص ۳۵-۴۳.

۹. توانمندسازی اقتصادی افراد کم توان. پیک توانا. ش ۵۳، خرداد و تیر ۱۳۹۳، ص ۱۲.

۱۰. توانمندسازی معلولان در گرو مشارکت همه سازمان ها. توان یاب، ش ۴۳، بهار ۱۳۹۱، صص ۱۳-۱۴.

۱. جنبه های روان شناختی ناتوانی جسمی اشتغال به عنوان مهمترین عامل.

ابوالقاسم نوری، جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۷، زمستان ۱۳۷۴، صص ۸۵-۱۰۶.

۲. چرا استخدام افراد معلول باارزش است!: استخدام افراد معلول می تواند به شرکت ها سود برساند. افروز راشدی اشرفی، پیک توانا، ش ۶۳، خرداد و تیر ۱۳۹۵، صص ۳۴-۳۵.

۳. چه عواملی بر فرصت های شغلی معلولان تاثیرگذار است؟. پیک توانا، ش۴۳، مهر و آبان ۱۳۹۱، صص ۱۹-۲۰.

۴. حقوق بشر و حقوق کارگران معلول در مقررات داخلی و بین المللی. مصطفی السان، رفاه اجتماعی، ش ۱۳، تابستان ۱۳۸۳، صص ۵۷-۸۰.

۵. حقوق کار افراد دارای معلولیت در ایران: از نخستین تلاش‌های بین المللی تا کار شایسته. سعیدرضا ابدی و وحید آگاه، توانبخشی، ش ۵۱، بهار ۱۳۹۱، ص ۸۸-۱۰۱.

۶. خودباوری و اشتغال در فرهنگ اسلامی. محمد نوری، توان یاب، ش ۵۹، بهار ۱۳۹۵، صص ۶۴-۶۵.

۷. راهبرد هایی برای تضمین توانمند سازی اقتصادی افراد کم توان. محمدرضا اسدی، پیک توانا، ش ۵۴، مرداد و شهریور ۱۳۹۳، ص ۱۴.

۸. رشد ۲۵ درصدی فروش سالانه محصولات فیروز به همت معلولان. پیک توانا، ش ۶۵، دی وبهمن ۱۳۹۵، ص ۲۹.

۹. روش نوین در توانبخشی حرفه ای و اشتغال معلولین. ن کوپر، ترجمه فاطمه بزرگ‌نیا، نامه بهزیستی، ش ۱۶، صص ۲-۷.

۱۰. سازمان بهزیستی در رابطه با آموزش فنی و حرفه ای معلولین چه می کند؟. هماهنگ، ش ۲۶، بهار ۱۳۷۲، صص ۳-۱۲.

۱۱. سازمان‌های غیر دولتی (NGO"S) و تأثیر آنها بر اشتغال گروه های خاص. میرعلی سیدنقوی، کار و جامعه، ش ۶۹-۷۰، اسفند ۱۳۸۴ و فروردین ۱۳۸۵، صص ۲۵-۳۶.

۱۲. سازوکارهای حمایت از حق اشتغال اشخاص دارای معلولیت در حقوق ایران و اسناد بین المللی حقوق بشر. شهرام زرافشان، پژوهشهای حقوقی، ش ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۸۷، صص ۱۰-۱۱.

۱۳. سیر ایجاد انگیزه کار در توان یابان. توان یاب، ش ۱، پاییز ۱۳۷۹، صص ۱۵-۲۰.

۱. فراهم کردن فرصت شغلی. محمدرضا اسدی، پیک توانا، ش ۵۵، مهر و آبان ۱۳۹۳، ص ۱۷.

۲. فیروز، نامی آشنا برای جامعه؛ معلولان از سد نگر ش های نادرست عبور کردند.

رقیه بابایی، پیک توانا، ش ۶۴، آذر ۱۳۹۵، صص ۲۹-۳۱.

۳. کارآفرینی اجتماعی. توان یاب، ش ۳۵-۳۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۶-۱۰.

۴. کارآفرینی معلولان بایدها و نبایدها. توان یاب، ش ۳۵-۳۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۳-۶.

۵. کاردرمانی با افزایش استقلال فردی. توان یاب، ش ۳۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، صص ۲۲-۲۴.

۶. کارگاهی برای معلولان در لیندن برگ. پیام مهندس، ش ۳۴، آبان ۱۳۸۵، صص ۹۷-۱۰۰.

۷. گزارش سازمان بین المللی کار از اشتغال معلولان. توان یاب، ش ۳۱، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۲۱-۲۲.

۸. گزارش تکمیلی همایش کارآفرینی اجتماعی. توان یاب، ش ۵۵، بهار ۱۳۹۴، صص ۶۴-۶۵.

۹. گزارش سازمان بین المللی کار از اشتغال معلولان. توان یاب، ش۳۱، بهار و تابستان ۱۳۸۸ صص ۲۱-۲۳.

۱۰. مدیر مرکز توانبخشی حرفه ای میسا: علاقه، شرط اول در اشتغال پایدار است.

توان یاب، ش ۵۴، زنستان ۱۳۹۳، صص ۱۷-۲۰.

۱۱. مشارکت مردمی در آموزش حرفه ای و اشتغال معلولین. هماهنگ، ش ۲۶، بهار ۱۳۷۲، صص ۴۳-۴۶.

۱۲. مطالعه تطبیقی اصل عدم تبعیض بر مبنای معلولیت در حوزه اشتغال. محمدعلی فرجی، حقوق پزشکی، ش ۲۹، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۶۶-۱۹۵.

۱۳. معلولان هم می توانند فریلنسر یا آزاد کار باشند. مانی رضوی زاده، توان یاب، ش ۶۲، زمستان ۱۳۹۵، صص ۸-۹.

۱۴. مقایسه عدالت سازمانی، خشنودی شغلی و سلامت روانی کارکنان معلول و غیرمعلول سازمان های دولتی شهر اهواز. ناصر بهروزی و عبدالزهرا نعامی و حسین شکرکن و منوچهر تقی‌پور، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ش ۱۵، بهار ۱۳۸۷، صص ۱۳۷-۱۵۲.

۱. موانع اشتغال افراد با آسیب بینایی. ستاره شجاعی، تعلیم و تربیت استثنایی، ش ۱۰۶، اسفند ۱۳۸، صص ۳۴-۴۱.*

۲. موانع اشتغال افراد با آسیب بینایی و راهکارهای موجود. مریم اصغری، تعلیم و تربیت استثنایی ، ش ۹۸-۹۹، بهمن و اسفند ۱۳۸۸، صص ۴۵-۵۲. ***

۳. موسوی، امروز در حوزه ی مهم اشتغال معلولان فعالیت می کند. پیک توانا، ش ۵۰، آبان و آذر ۱۳۹۲، صص ۲۲-۲۳.

۴. ناتوانی و کار (حرفه آموزی برای افراد دارای اختلالات طیف اتیسم). سیدعلی صمدی، تعلیم و تربیت استثنائی، ش ۱۰۶، اسفند ۱۳۸۹، صص ۲۷-۳۳.

۵. نحوه بازنشستگی جانبازان، معلولان عادی و شاغل مشاغل سخت. برنامه، ش ۱۶۸، ۱۳ خرداد ۱۳۸۵، ص ۱۲. ***هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۵ بنا به پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی آیین نامه اجرایی قانون یاد شده تصویب کرد . در این نوشتار متن این قانون آمده است.

۶. نخستین کنفرانس ملی کارآفرینی اجتماعی در حوزه معلولیت؛ گزارش اجمالی از برنامه افتتاحیه. توان یاب، ش ۵۴، زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۲-۱۳.

۷. نقش تعاونیها در بهبود کیفیت زندگی معلولین. ریچارد آرکنو، ترجمه اصغر بیات، تعاون، ش ۲۴۱، اردیبهشت ۱۳۸۳، صص ۳۱- ۳۲.

۸. نقش کار و روشهای افرایش اشتغال معلولین. ابوالقاسم نوری، جامعه شناسی کاربردی ، ش ۱، بهار ۱۳۶۶، صص ۲۷-۳۸.

۹. وضعیت اشتغال و رضایت شغلی دانش آموختگان نابینای شاغل در شهر تهران.

فرح ترکمان و ستار افزا، مطالعات جامعه شناختی ایران، ش ۴، بهار ۱۳۸۱، صص ۲۳-۴۲.

۱۰. هدف ما ایجاد اشتغال پایدار در بچه هاست. توان یاب، ش ۵۴، زمستان ۱۳۹۳، صص ۷-۹.

۱۱. هدف ما این است که حتی الامکان هیچ توان یاب ماهری، بدون شغل نباشد. علیرضا آتشک، توان یاب، ش ۵۶، تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۰.

ه-- مقالات همایش ها

۱. اشتغال افراد معلول. باقر غباری، خلاصه مقالات حقوق کودکان و دانش آموزان استثنایی (با رویکرد برابرسازی فرصتها در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی،

۲. اشتغال جانبازان در صنایع. غلامعباس زارع میرک آبادی، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین . سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰ .

۳. اشتغال معلولین از دیدگاه اسلام. محمد گلپایگانی، ، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین . سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰.

۴. اشتغال زائی و ایجاد فرصتهای مناسب شغلی برای معلولین. مژگان رادفر، چکیده مقالات نخستین همایش توسعه و سازندگی استان آذربایجان غربی . سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور . استانداری . وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه ارومیه . سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۷۶.

۵. امکانات مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی در توسعه اشتغال معلولین.

فؤاد کریمی، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین . سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰.

۶. بررسی رابطه‌ی بین آموزشهای حرفه ای مدارس استثنایی با اشتغال فارغ التحصیلان آن در آینده. کاظم راد، مقالات دومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم رفتاری، ۱۳۹۳.

۷. بررسی نگرش پرستاران بیمارستان های شهرستان نجف آباد نسبت به موانع اشتغال معلولان در جامعه. کاظم تجاوند، برنامه و خلاصه مقالات دومین کنگره سراسری پرستاری توانبخشی، اسفند ۱۳۸۱.

۸. تاثیر توانبخشی در اشتغال بکار نابینایان تحت پوشش سازمان بهزیستی شهراصفهان.

منیژه شهنه و لیلی عالی پور، برنامه و خلاصه مقالات دومین کنگره سراسری پرستاری توانبخشی.

۹. جایگاه توانبخشی حرفه ای و اشتغال معلولین در نظام توانبخشی. مجید میرخانی، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین . سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰.

۱. حمایتهای قانونی از اشتغال معلولین. مریم شریفیان ثانی، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین . سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰.

۲. راهکارهای لازم برای گسترش فضای کسب وکار و ایجاد فرصت های شغلی برای معلولان.

زهرا آقایی، مقالات اولین کنفرانس دانشجویی کارآفرینی کشور، ۱۳۹۰.

۳. سیمای کلی جمعیت و اشتغال در کشور. محمد علیزاده، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین . سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰.

۴. طراحی توانبخشی مبتنی بر کار افرینی معلولان گامی موثر در توانمند سازی و توسعه پایدار شهری. رفیعه للحج و حسن ستاری ساربانقلی، اولین همایش ملی افقهای نوین در توانمند سازی و توسعه پایدار معماری، عمران، گردشگری، انرژی و محیط زیست شهری و روستایی . انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه، ۱۳۹۳.

۵. فراهم سازی شرایط اشتغال زایی و آماده سازی معلولان جهت اشتغال پس از سن رشد.

افسانه پت رامی و سیما صفوی‌پور و خاور ترابی بروجردی، خلاصه مقالات حقوق کودکان و دانش آموزان استثنایی (با رویکرد برابرسازی فرصتها در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی.

۶. فراهم سازی شرایط اشتغال زایی و آماده سازی معلولان جهت اشتغال پس از سن رشد.

سهیلا ملکیان، خلاصه مقالات حقوق کودکان و دانش آموزان استثنایی (با رویکرد برابرسازی فرصتها در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی،

۷. کارگاههای تولیدی حمایتی رهیافتی در جهت آموزش حرفه ای و اشتغال زائی معلولین.

سیروس مخصوص، بولتن خلاصه مقالات بصورت پوستر نخستین کنگره ضایعات نخاعی ایران.

۸. متناسب سازی مشاغل (ارگونومی). علی اصغر مرادی، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین . سازمان بهزیستی کشور .، ۱۳۷۰.

۹. مسائل مشکلات اشتغال معلولین. عبدالحسین عریان، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین ، سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰ .

۱۰. نقش صنایع دستی در توسعه اشتغال معلولین. مرتضی حسینی، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین . سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰.

۱۱. نقش مجتمع های روستائی در اشتغال روستائی. فریدون حریقی، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین . سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۷۰ .

ص: ۱۸۹

۱. نگرشی کمیسیون کار مجلس شورای اسلامی در اشتغال معلولین. فخرالدین هاشمی، مجموعه مقالات اولین سمینار سراسری توسعه اشتغال معلولین . سازمان بهزیستی کشور ،۱۳۷۰.

و- مقالات روزنامه ها

۲. آموزش فنی و حرفه ای، گستردن توانایی های معلولان.

اطلاعات، ۴ اردیبهشت ۱۳۷۴، ص ۵.

۳. آیین نامه اشتغال معلولین باید تجدید نظر شود. اطلاعات، دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۸۲، ص ۱۱.

۴. اجرای قانون، ضامن تحقق عدالت. شهره خالقی راد، اطلاعات، ۲ مرداد ۱۳۸۵، ص ۱۱. در این مقاله ضرورت اجرای قانون جامع حمایت از حقوق معلولین و توجه به اشتغال معلولان با توجه به این قانون بررسی شده است.

۵. استیفای حقوق کارگران معلول و وظایف تشکیلات کارگری. کار و کارگر، ۱۷ دی ۱۳۸۱، ص ۴. گزارشی از گردهمایی سه جانبه "اشتغال معلولین" (تایلند/)۲۰۰۳ است.

۶. اشتغال دانش آموزان استثنایی. علیرضا اوسطی آشتیانی، ایران، ۲۲ آذر ۱۳۸۴، ص ۹.

۷. اشتغال، سازگاری اجتماعی و عاطفی معلولان را بیشترمی کند. اطلاعات، دوشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۸۱، ص ۱۱.

۸. اشتغال معلولان، کلاف سردرگم. محمدحسن نوپرور، همشهری، ۶ آبان ۱۳۸۲، ص ۲۰.

۹. اشتغال معلولین از طریق شرکت های تعاونی. علی تهرانی معتمد، اطلاعات، ۱۴ آذر ۱۳۷۲، ص ۱۱-۱۴.

۱۰. اشتغال زایی برای نابینایان، در گرو تحول نظام توانبخشی است (به مناسبت ۲۳ مهر، روز جهانی عصای سفید). علی خواجه حسینی، اطلاعات، دوشنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۱، ص ۱۱.

۱۱. اعتبار اشتغال زایی معلولان ۵۰ درصد افزایش یافت. اطلاعات، دوشنبه ۸ دی ۱۳۸۲، ص ۱۱.

۱. اقتصاد معلولین. حسن مخملی، جهان اقتصاد، ۲۱ آذر ۱۳۸۰، ص ۴؛ ۷ بهمن ۱۳۸۰، ص ۴. این مقاله در چندین شماره روزنامه جهان اقتصاد در ماههای آذر و دی و بهمن ۱۳۸۰ آمده است.

۲. این زخم درمان می شود، همشهری، ۱ مرداد ۱۳۷۵، ص ۵.

۳. بازار پر دست انداز اشتغال در برابر معلولان بیکار. اعتماد، ۱۷ خرداد ۱۳۸۳، ص ۷.

۴. بد زیستی برای معلولان. سهیل معینی، اعتماد، ۲۸ مهر ۱۳۸۳، ص ۷.

۵. بررسی مشکلات اشتغال نابینایان به جای جشن های پرهزینه.

رسالت، ۲۲ مهر ۱۳۷۵، ص ۱۳.

۶. برنامه های کره جنوبی در دهه معلولین آسیا و اقیانوسیه.

اطلاعات ، ۲۷ مهر ۱۳۷۶، ص ۱۱.

۷. پانزده سال انتظار برای اجرای قانون (قانون الزام استخدام معلولین از سوی دولت) . کیوان حسینی، ایران ، ۲۴ مهر ۱۳۷۹، ص ۸. موضوع: قانون الزام استخدام معلولین از سوی دولت

۸. پیش نیاز اشتغال. مرتضی مقدمی پور، اطلاعات، ۲۸ تیر ۱۳۷۷، ص ۱۱؛ ۱۱ مرداد ۱۳۷۷، ص ۱۱.

۹. تأکید بر اختصاص ۳ درصد از استخدام های دولتی به معلولان. اطلاعات، چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۸۹، ص ۳ (ضمیمه).

۱۰. تداوم حضور معلولان در صحنه، کلید تحقق قانون. محمد کمالی، اطلاعات، ۳ بهمن ۱۳۸۴، ص ۱۱.

۱۱. تصورات ما از نابینایان غیر واقعی است. بیتا مهدوی، انتخاب، ۱۳ آذر ۱۳۸۲، ص ۵.

۱۲. تواناییهای حرفه یی نابینایان. علی خواجه حسینی، ایران ، ۲۴ مهر ۱۳۷۹، ص ۸.

۱۳. حق اشتغال افراد کم توان ذهنی. احمد آملی، همشهری، ۱۲ آذر ۱۳۷۹، ۲۸ص.

۱۴. حقوق لگدمال شده روشندلان. علی اکبر جمالی، صدای عدالت، ۳ آبان ۱۳۸۲، ص ۳.

۱۵. در انتظار اجرای قوانین : به مناسبت ۱۲ آذر، روز جهانی معلولان. نگین حسینی، اطلاعات ، ۱۲ آذر ۱۳۸۶، ص ۲.

۱۶. زنان معلول؛ بیکاری یا شرایط کاری طاقت فرسا. دوشنبه ۶ اسفند ۱۳۸۰، ص ۱۱.

۱. ستاد حل مشکل اشتغال معولان تشکیل می شود. مینا شهنی، همشهری، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۵، ص ۶.

۲. سهم معلولان از فرصت های شغلی. محمدعلی فرجی، اطلاعات، چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۸۸؛ چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۸؛ چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۸؛ چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۸؛ چهارشنبه ۳ تیر ۱۳۸۸، ص ۶ (ضمیمه).

۳. شعارامسال روز جهانی: کار مناسب برای معلولان. اسماعیل برقی، اطلاعات، دوشنبه ۱۲ آذر۱۳۸۶، ص ۱ (ضمیمه).

۴. طفره مسئولان از استخدام معلولان : بررسی یکی از بندهای شانزده گانه قانون جامع حمایت از حقوق معلولان. فرزانه حبوطی، همشهری ، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۷، ص ۱۵.

۵. فرصت سازی برای اشتغال نابینایان. الهام یوسفیان، کیهان، ۱ آبان ۱۳۸۴، ص ۱۱.

۶. فرصتهای شغلی برای نابینایان، انگشت شمار است. عطا صدری، قدس، ۱۴ اسفند ۱۳۷۶، ص ۷.

۷. فرهنگ سازی و اشتغال معلولین. محسن حسینی طه، اطلاعات، ۸ آبان ۱۳۸۵، ص ۱۱.

۸. کار مناسب برای افراد ناتوان : شعار امسال روز جهانی معلولان.

علی اسلامبولچی مقدم، همشهری ، ۱۲ آذر ۱۳۸۶، ص ۲۷.

۹. کار مناسب برای معلولان : شعار امسال روز جهانی!. اسماعیل برقی، ضمیمه اطلاعات، ۱۲ آذر ۱۳۸۶، ص ۲.

۱۰. کار درمانی، تلفیق شایسه علم و هنر، منصور یوسف زاده دوانی، اطلاعات، یکشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۷۵، ص ۱۱.

۱۱. کاردرمانی: تاریخچه و حیطه فعالیت. مریم میری، اطلاعات، دوشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۸۱، ص ۱۱.

۱۲. کاردرمانی؛ پاسخی کامل تر به معلولیت کودکان. واحد تحقیقات و اطلاع رسانی مرکز توانبخشی آنده، اطلاعات، یکشنبه ۸ تیر ۱۳۷۶، ص ۱۱.

۱۳. مدیرکل دفتر امور رفاهی سازمان بهزیستس: قانون استخدام معلولان ضمانت اجرایی ندارد. اطلاعات، دوشنبه ۲ تیر ۱۳۸۲، ص ۱۱.

۱۴. معاونت حمایت از معلولان را در ریاست جمهوری تشکیل دهید. کیهان، ۳ اسفند ۱۳۸۴، ص ۹.

۱. معلولان، رو در روی درهای بسته اشتغال. اعتماد، ۱۸ خرداد ۱۳۸۳، ص ۷.

۲. معلولان: مشتاق کار، تلاش و زندگی پرثمریم. همشهری، ۱۸ آذر ۱۳۷۶، ص ۵.

۳. معلولان و مشکل بیکاری. غلامرضا احمدی، صدای عدالت، ۲۹ تیر ۱۳۸۱، ص ۳.

۴. معلول ها توانا‌ترند. رضا خسروی، همشهری، ۱۲ آذر ۱۳۷۴، ص ۵.

۵. معلولی که شاغل باشد معلول نیست!. روزنامه کیهان، ۳ دی ۱۳۹۰، ص ۷.

۶. موانع موجود در اشتغال افراد دارای معلولیت. معصومه نوری، اطلاعات، چهارشنبه ۲۳ دی ۱۳۸۸، ص ۶ (ضمیمه).

۷. نامه یک نابینای بیکار: هیچ کس به من کمک نکرد. اطلاعات، دوشنبه ۷ مرداد ۱۳۸۱، ص ۹.

۸. وام اشتغال معلولان. محمدحسن نوپرور، همشهری، ۱۳ آبان ۱۳۸۲، ص ۲۰.

۹. وضعیت اشتغال معلولان. محمدعلی فرجی، اطلاعات، چهارشنبه ۴ دی ۱۳۸۷؛ چهارشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۸۷، ص ۶ (ضمیمه).؛

English

books

Adaptation of jobs and the employment of the disabled. International Labour Office, .International Labour Office, ۱۹۸۴, ۱۱۲p

Affirmative Action in the Employment of Ethnic Minorities and Persons with Disabilities. Jane Hodges-Aeberhard Carl Raskin International Labour Office International Labour Organisation, Geneva:International

.Labour Organization, ۱۹۹۷, ۱۱۵p

Disability and Employment in Asia. International Labour Office, International Labour .Office, ۱۹۹۴, ۱۶p

,Disability

discrimination, and equal opportunities: a comparative study of the employment .rights of disabled persons. Brian John Doyle, Mansell, ۱۹۹۵, ۳۸۰p

Disability

Employment Support: Fulfilling Potential, Government's Response to the Consultation on the Recommendations in Liz Sayce's Independent Review Getting In, Staying in and Getting On. Great Britain Department for Work and Pensions, The Stationery .Office, ۲۰۱۲, ۵۶p

ص: ۱۹۳

Disabled People and Employment: A Review of Research and Development Work. .Helen Barnes Patricia Thornton Sue Maynard Campbell, Policy Press, ١٩٩٨, ٥٩p

Disabled Veterans’ Employment: Additional Planning, Monitoring, and Data Collection ,Efforts Would Improve Assistance. DIANE Publishing

Employment of Disabled Men: Meeting of Experts for the Study of Methods of Finding Employment for Disabled Men (Geneva, ٣١ July, ١ and ٢ August ١٩٢٣) Report Submitted to the Experts, Minutes of Proceedings of the Meeting of Experts, Resolutions .Adopted B. International Labour Office, ١٩٢٣, ٢٨٢p

Employment of disabled veterans in federal agencies: hearing before the Subcommittee on Education, Training, and Employment of the Committee on Veterans' Affairs, House of Representatives, One Hundred First Congress, first session, November ٩, ١٩٨٩. United States. Congress. House. Committee on Veterans' .Affairs. Subcommittee on Education, Training, and Employment, U.S. G.P.O., ١٩٩٠, ٤٣p

Employment of the Disabled: A Study of the Employment Exchanges. D. Uma Devi P. .Adinarayana Reddy, Sarup Sons, ٢٠٠٦, ١٢١p

Employment

policies for disabled people in eighteen countries: a review. Patricia Thornton Neil Lunt International Labour Office University of York. Social Policy Research Unit, Commission of the European Communities, University of York, Social Policy Research ,Unit, ١٩٩٧

Employment

Strategies for People with Disabilities : the Role of Employers: Report Prepared by a Study Group ١٩٩٣-٩٤ Programme of Co-ordinated Research in the Social Field, Part ٦٣, Council of Europe. Steering Committee for Employment and Labour, Council of Europe .Press, ١٩٩٥, ٩٦p

,Employment

Disability, and the Americans with Disabilities Act: Issues in Law, Public Policy, and .Research. Peter David Blanck, Northwestern University Press, ۲۰۰۰, ۴۸۸p

International Seminar on Employment of the Disabled. World Veterans

ص: ۱۹۴

Federation, "Četvrti jul" Novinsko izdavačka ustanova Saveza udruženja boraca .narodnooslobodilačkog rata Jugoslavije, ١٩٦٢, ١١٥p

New technologies and the employment of disabled persons. edited by H. Allan Hunt, .Monroe Berkowitz, Geneva: International Labour Office, ١٩٩٢, ١٦٢p

Rehabilitation of Disabled Workers and Employment of the Handicapped: A Report to the Governor's Commission on Employment of Handicapped Persons. Chester Arthur Williams, Minnesota. Governor's Commission on Employment of Handicapped .Persons, ١٩٧٠, ١٦٢p

Specialist

Disability Employment Programmes: Government's Response to Liz Sayce's Independent Review of Specialist Disability Employment Programmes, Getting In, Staying in and Getting On. Liz Sayce Great Britain. Department for Work and Pensions, .The Stationery Office, ٢٠١١, ٢٤p

The Decline in Employment of People with Disabilities: A Policy Puzzle. David C. .Stapleton Richard V. Burkhauser, W.E. Upjohn Institute, ٢٠٠٣, ٤٢٩p

The employment of people with disabilities: research into the policies and practices of employers. Judy Morrell Great Britain Dept. of Employment, Employment Department .Group, ١٩٩٠, ٢٤p

The right to decent work of persons with disabilities. Arthur O'Reilly, .Geneva:International Labour Office, ٢٠٠٧, ١٤٩p

Vocational

Rehabilitation and Employment of Disabled Persons. International Labour .Organization, ١٩٩٨, ١١٥p

نتیجه گیری

موفقیت در بخش اشتغال معلولان بدون طرح و برنامه امکان پذیر نیست. طرح یعنی ترسیم جاده ای که ابتدا و انتها دارد، معلوم است از چه مراحل و مواضعی باید عبور کرد؛ چه امکانات و اهدافی در اختیار است.

نیروهای انسانی، مراکز حقوقی و نهادها اعم از دولتی و مردمی چه وظایفی دارند و تقسیم کار بین آنها چگونه است؟ مهم تر اینکه در طول ده سال به کجاها و چه اهدافی می رسند؟ نیز هر سال باید به چه هدف هایی برسند؟ در صورتی که نرسیدند، عوامل هشدار دهنده، شروع به بررسی علل و عوامل کرده و در صورت انحراف و کج روی، راه صحیح را نشان می دهند. برای این منظور اتاق فکر منظور می شود. هر عملیات و هر تصمیم و اقدامی در این خط مشی، اولاً ـ مطالعه شده و ثانیاً در اختیار عموم قرار می گیرد. در واقع این رویه که تصمیمی گرفته شود، چند سال هزینه شود و پس از مدتی متوجه شوند اشتباه بوده است، یعنی بعد از اینکه ده ها یا صدها میلیون تومان هزینه شده، وقت و نیروی کار بسیاری تلف شده است تازه متوجه ناکارآمدی طرح شان شوند.

مسئولین و مدیران هر جا اشتباه داشته باشند و تصمیم آنان با خط مشی اصلی تطابق نداشته باشد فوراً اتاق فکر، خطا بودن آن را اعلام می کند. هر سه ماه یکبار پیشرفت امور یا پیشرفت احتمالی امور اعلام می گردد.

این گونه سامانه های جامع در کشورهای پیشرفته اجرا شده و نتایج مثبت آن را به وضوح دیده اند.

شش فصل این کتاب چشم اندازی از این طرح و برنامه است. البته هنوز نیاز به مطالعه بیشتر دارد. و امید است بتوانیم نظرات و تجارب بیشتری را بگیریم و در این طرح نامه بیاوریم.

منابع

آشنایی با شرکت تعاونی الکترونیک معلولین، مهرناز شریعت، مجله تعاون، ش۲۶.

آن سوی تاریکی، پری زنگنه، تهران، کتاب سرا، ۱۳۸۷.

اسلام و تأمین اجتماعی، احمد قابل، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۳.

اسلام و تأمین اجتماعی، هادی قابل.

اشتغال معلولان از دیدگاه اسلام، محمد گلپایگانی، جزوه.

اصفهان شهر چهره های جهانی، هوشنگ مظاهری، اصفهان، انتشارات غزل، ۱۳۸۶.

امکانات مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی در توسعه اشتغال معلولین، فؤاد کریمی، جزوه.

«بررسی در زمینه معلولین و وضع اشتغال آنان»، اکبر باقریان، کار و جامعه، ش۲۷، آبان ۱۳۷۷.

بررسی پیامدهای اشتغال معلولین، محمدرضا اسدی، پایان نامه، دانشگاه بهزیستی، ۱۳۹۰.

بررسی وضعیت توانخواهان اشتغال یافته از طریق وام کارفرمایی در بهزیستی استان گیلان، قاسم حقگو، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۲.

تحف العقول عن اخبار آل الرسول صلی اللّه علیه و آله و سلم، ابن شعبه حرانی، ترجمه احمد جنتی، تهران.

«التجربه الألمانیه فی رعایه الایتام و القُصر»، الریکه صوان، القُصر رعایةً و تأهیلًا و استثماراً، دبی، مؤسسه الاوقاف و شؤون القصر، ۲۰۰۶م، ص ۲۴۱-۲۶۰.

ترجمه الحیاه، محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی، ترجمه احمد آرام.

ترجمه تفسیر المیزان، سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴.

تفسیر نوین، محمدتقی شریعتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.

«توانبخشی شغلی معلولان» آرزو محمودیان و ایران باغبان، مجله کار و جامعه، شهریور و مهر ۸۶، ش ۸۷ و ۸۸، ص ۳۵-۳۸.

توانبخشی شغلی و حرفه ای معلولین، عبدالله شفیع آبادی، اصفهان، جننگل، ۱۳۸۲.

حقوق معلولان ایران، علی نوری، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۵.

الحیاه، محمدرضا حکیمی، ترجمه احمد آرام، قم، دلیل ما، ۱۳۹۰.

ص: ۱۹۷

جایگاه توانبخشی حرفه ای و اشتغال معلولین در نظام توانبخشی، سخنرانی و جزوه، سید مجید میرخانی.

خبرگزاری مهر، ۱۵ مهرماه ۱۳۹۲.

دانشنامه دانش گستر، کامران فانی و دیگران، تهران، مؤسسه دانش گستر روز، ۱۳۸۹.

دانشنامه ناشنوایان، محمد نوری، تهران، مؤسسه فرجام جام جم، ۱۳۷۶.

ده هزار ضرب المثل فارسی، ابراهیم شکورزاده، مشهد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۲.

راهی به سوی اشتغال سریع، منصوره پناهی، مقدمه انوشیروان محسنی بندپی، تهران، انتشارات سازمان بهزیستی، ۱۳۹۶.

رایحه (مجله قرآنی ایکنا، ویژه مسابقات بین المللی قرآن)، سال دهم، ش۱۲۴، تیرماه ۱۳۹۵.

سالشمار زندگی، فعالیت ها، خدمات و درباره های جبار باغچه بان، محمد نوری، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۵.

سایت ایسنا، ۱۰ آبان ماه ۱۳۹۴.

سایت دولت، آبان ۱۳۹۳.

سیکولوجیه ذوی الاحتیاجات الخاصه، السید فهمی علی، مصر، دانشگاه منصوره، ۲۰۰۹م.

الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنه، محمد الصادقی، قم و بیروت، دارالشکرانه و الامیره، ۱۴۳۴ق/۲۰۱۳م.

فصلنامه توان نامه، وابسته به دفتر فرهنگ معلولین، شماره های مختلف.

کارنمای پنج ساله، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۵.

مجله توان گستر، بهمن ۱۳۹۵.

مجله توان یاب، ش۳۱، بهار و تابستان ۱۳۸۸.

مجله کار آفرین، ش۱۲۶، بهمن و اسفند ۱۳۹۵.

مجله کار و جامعه، ش۳۸ و ش ۸۷ و ۸۸.

نخستین برنامه توسعه اجتماعی – اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سازمان برنامه و بودجه.

«نشست علمی جایگاه معلولیت در برنامه ششم»، محمد کمالی، سایت دولت.

«نقش کـار و روش های افزایش اشـتغال معلولین»، ابوالقاسم نوری، مجله علوم اجتماعی (دانشـگاه اصـفهان) ش۱، بهار ۱۳۶۶، ص ۲۷-۳۸.

Encyclopedia American Disability History, Susan Burch, Newyork, ۲۰۰۹.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹